



ماهنامه اقتصادی، فرهنگی - شماره ۹۴  
فروردین ۱۴۰۳ - ۶۴ صفحه - قیمت ۲۰,۰۰۰ تومان

Magazine's top show

معرفی کتاب

نمایشگاه قرآن به تفرجگاه  
معنوی خانواده‌ها تبدیل شود

کتاب جنجالی شفیع  
کدکنی منتشر شد

هفت سین، هفت میم یا هفت سپند؟

سال نو چگونه «خوش قدم» می‌شد؟

بالآخره «طهماسب» در غیاب کلاه قرمزی و پسر خاله برگشت



## ماهنامه اقتصادی، فرهنگی



صاحب امتیاز: مؤسسه سپه‌ای سروش پارس‌پیان

مدیر مسئول: محمدرضا محمدیوسفی

مدیر اجرایی: مهندس رضا یوسفی

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر تحریریه: مژگان ترکمانی

همکاران این شماره:

شقایق میشری، فاطمه مرثضوی، پویش پور محمد، مهدی زارع،  
بنفشه نیکبخت، علی آموزگار، مسعود یوسف نژاد، حمید خادم زاده

مدیر هنری: سروش پارس‌پیان

لپتوگرافی، چاپ و صحافی:

گنجینه‌مینیاتور

تلفن: ۶۶۴۱۳۵۶۵

دفتر نشریه: تهران، خیابان جمهوری،

بین خیابان اسکندری و باستان، کوچه نفر، پلاک ۱۱

فاکس: ۶۶۴۱۹۲۷۶

Magazine's top show

نشانی پست الکترونیک: food.m.t@gmail.com



# ماه خوب خدا: چهار خصلت مهم در ماه رمضان



دو تای این خصلت‌ها برای کسب رضایت خدا و دو خصلت برای احتیاج خود شماس. شهادت به وحدانیت خدا و رسالت رسولش دو خصلتی است که رضایت خدا در آنهاست. شهادت به الوهیت و وحدانیت خدا از آن روست که چشم توحیدبین داشته باشیم؛ یعنی از یک سو هیچ چیز را بیرون از دایره مدیریت خدا و ربوبیت او نبینیم، او را مؤثر در تمام امور و صاحب و مالک تمام امور عالم بدانیم، خود را همواره محتاج الطاف او ببینیم و در امور بر او توکل کنیم. شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ایمان داشته باشیم که آن وجود مقدس تمام وجودش وابسته به خداست، مجرای خدایی خداوند در عالم است و تمامی مرسولات او از جمله قرآن و نعمت ولایت عترت موهبتی از جانب خداست که از مجرای آن رسول بزرگوار بر بشریت جریان یافت. بنابراین این نگاه توحیدی در جهت گیری فکری و عقیدتی مؤمنان حائز اهمیت است و بلکه در اوج رفتارها قرار دارد.

دو خصلت دیگری که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را مایه خشنودی مؤمنان در ماه رمضان معرفی می‌کنند: ۱. درخواست حوائج و بهشت ۲. درخواست عافیت و استعاده از آتش است. پیامبر اسلام در این بخش چشم آخرت بین به ما می‌دهند؛ یعنی وقتی از خداوند حاجتی می‌خواهی، در اوج آنها درخواست بهشت برین باشد تا در آنجا همنشین ائمه و خوبان باشیم و وقتی از خداوند عافیت می‌خواهی، در اوج آنها پناه از آتش برزخ و قیامت باشد. بنابراین حاجتی که برای انسان خاصیت اخروی و بهشتی نداشته باشد، حاجتی ناقص است و عافیتی که در آن عافیت از آتش جهنم نباشد، خواسته کاملی نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید در ماه رمضان چهار خصلت داشته باشید؛ دو تای این خصلت‌ها برای کسب رضایت خدا و دو خصلت برای احتیاج خود شماس. به گزارش خبرگزاری تسنیم، ماه رمضان ماه قرب به خدا و اجابت دعاست. در این ماه، درهای آسمان بیشتر از هر زمان دیگری به روی مؤمنان و پاک‌طینتان باز است و فضای بهشتی آن، بر روان افراد و روحیات و نیز امیال‌شان تأثیر مثبت می‌گذارد و آنها را به سمت ارزش‌های مثبت و رفتارهای آسمانی سوق می‌دهد. توصیه‌هایی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام درباره مراقبات ماه رمضان به ما می‌رسد، هر کدام به مثابه یک قلق مناسب محسوب می‌شوند، طوری که انسان را با مهم‌ترین شاخصه‌های رفتاری در این ماه آشنا می‌کند؛ به عنوان نمونه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ضمن توصیه‌هایی درباره لزوم مراقبت از ماه مهمانی خدا فرمود:

«... لَا عَنِّي بِكُمْ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ خَصَلْتَيْنِ تَرْضَوْنَ اللَّهَ بِهِمَا وَ خَصَلْتَيْنِ لَا عَنِّي بِكُمْ عَنْهُمَا فَأَمَّا اللَّتَانِ تَرْضَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِمَا فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمَّا اللَّتَانِ لَا عَنِّي بِكُمْ عَنْهُمَا فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ فِيهِ حَوَائِجَكُمْ وَ الْجَنَّةَ وَ تَسْأَلُونَ الْعَافِيَةَ وَ تَعُوذُونَ بِه مِنْ النَّارِ.» یعنی «شما (در این ماه) از چهار خصلت بی‌نیاز نیستید. با دو خصلت خدا را خوشنود می‌کنید و به دو خصلت دیگر محتاجید. آن دو که برای رضای خداست: گواهی اینکه معبود حقی نیست جز خدا و من رسول خدایم، اما آن دو که شما را خوشنود می‌کند و از آنها بی‌نیاز نیستید اینک: از خدا در این ماه حوائج و بهشت و عافیت را بخواهید و از آتش به او پناه برید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این روایت می‌فرماید چهار خصلت داشته باشید؛



# ۱۴۰۳؛ سال نهنگ است یا اژدها؟



هجری شمسی به نام حیوانات را تا به امروز، به طور غیررسمی ادامه دادند.

او می‌گوید: اسامی ۱۲ حیوان تقویم ترکی مغولی شامل: مار، اسب، گوسفند، میمون، مرغ، سگ، خوک، موش، گاو، پلنگ، خرگوش و نهنگ است. لازم به یادآوری است که اسامی دوازده‌گانه ذکر شده همواره، در ایران استفاده شده است ولی، در برخی از کشورها برای برخی سال‌ها از اسامی دیگر استفاده می‌شود.

این استاد نجوم بیان می‌کند: در برخی کشورها از بز به جای گوسفند، خروس یا جوجه به جای مرغ، ببر به جای پلنگ، گربه به جای خرگوش و اژدها به جای نهنگ برای نام‌گذاری سال‌ها استفاده می‌شود.

در نگاه کلی هرچند نامگذاری حیوانی بر سال‌ها در تقویم ایرانیان وجود نداشته، اما با توجه به پذیرش تقویم حیوانی مغولی از دوره صفویه و ادامه این نام‌گذاری غیررسمی تا روزگار فعلی، اگر قرار باشد امسال را نام‌گذاری کنیم باید بدانیم ۱۴۰۳ سال نهنگ است و نه اژدها!

پی‌نوشت: گفت‌وگوی دکتر ملک‌پور که در این گزارش از بخش‌هایی از آن استفاده شده است، مربوط به ویژه‌نامه نوروزی روزنامه اطلاعات - سال ۱۳۹۷ است.

ژاپن، کره جنوبی و... رواج دارد. در واقع همین تفاوت‌ها سبب شده است که به برخی سال‌ها نام دو حیوان اطلاق شود.

اما در این رابطه ایرج ملک‌پور - منجم و استاد مؤسسه ژئوفیزیک نجوم و فیزیک فضا در یک گفت‌وگوی قدیمی اینگونه توضیح می‌دهد: تقویم با سال نام حیوانی، مربوط به تقویم ترکی مغولی است. این تقویم، پس از استیلای مغول‌ها بر ایران، از قرن هفتم هجری به تقویم ایرانیان راه یافت.

او با اشاره به اینکه این تقویم یک تقویم شمسی - قمری است، می‌گوید: بدین ترتیب که سال آن شمسی و ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ شبان‌روزی است. مبداء تاریخگذاری آن نیز سال ۶۸۰ هجری شمسی است.

او در این رابطه توضیح می‌دهد: تقویم ترکی مغولی دارای دوره ۱۲ ساله حیوانی است یعنی به هر سال، با ترتیب خاصی، نام یک حیوان داده می‌شود. این تقویم از دوره صفویه به طور رسمی در ایران پذیرفته شده و در سال ۱۲۵۹ هجری شمسی جایگزین تقویم جلالی شد.

ملک‌پور با بیا اینکه این تقویم ۳۰ سال بعد یعنی در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی منسوخ می‌شود، ادامه می‌دهد: ولی مستخرجین تقویم ایرانی، نامگذاری سال

گذاشتن نام حیوانات بر هر سال هرچند که ارتباطی به تقویم ایرانیان ندارد و از قرن هفتم هجری به تقویم اضافه شده است، اما چند سالی است که به‌ویژه در بازه نوروز جدی‌تر گرفته می‌شود چرا که برخی افراد حتی هفت‌سین خود را هم بر اساس حیوانی که به آن سال نسبت داده می‌شود، می‌چینند!

به گزارش ایسنا، برخی سال‌ها مانند سال ۱۴۰۳ بحث بر سر نام‌گذاری حیوانی بالا می‌گیرد، چنانچه عده‌ای امسال را سال اژدها می‌دانند، اما عده دیگری در توجیه این مطلب می‌گویند: «به تقویم ایرانی، سال نهنگ است». اما موضوع زمانی جالب می‌شود که بدانیم از اساس، نام‌گذاری سال‌ها به این شکل در باور ایرانیان و سپس در تقویم آنها وجود نداشته است. گذاشتن نام حیوانات بر هر سال، روندی است که سر منشاء آن کشورهای آسیای شرقی بوده است. بعد از حمله قوم مغول به ایران و با توجه به مدت زمان طولانی حکومت آنها بر مردم، برخی باورها، سنت‌ها و رسوم این قوم در ایران هم رواج یافت. موضوعی که یکی از نمودهای آن، راه یافتن گاه‌شمار حیوانی به تقویم ایرانی و باور ایرانیان است.

با این وجود بازهم گاه‌شمار جانوری که این قوم در ایران باب کردند دقیقاً همان چیزی نیست که در چین،



در گفت و گو با ایسنا؛

## سیروس میمنیت: امسال از همه سال بهتریم

عین حال از غیبت علی صادقی گفت و توضیح داد: بازیگران بر اساس قصه در کار حضور پیدا می‌کنند. به عنوان مثال آقای آذرنگ هم در یک فصل حضور نداشتند. در مورد آقای صادقی هم همینطور. اما اگر بودند صدرصد کار بهتر می‌شد چرا که ایشان ثابت شده‌اند. او شیرین‌ترین بازیگری است که دیده‌ام البته این را من نباید جواب دهم. خیلی دوست داشتیم که باشند اما اینکه چرا نبودند را نمی‌دانم و نمی‌توانم پاسخ دهم. او درباره‌ی حضورش در فصل جدید این سریال بیان کرد: شخصیت کیوان در سریال «نون‌خ» از ابتدا یکی از شخصیت‌های پررنگ کار بود و هست و هر چه جلوتر رفتیم بر اساس انتخاب نویسنده و کارگردان و سلیقه آنها جلو رفتیم و همانطور که می‌بینید هر سری که ساخته شده نسبت به قبل پررنگ‌تر شده.

این بازیگر با شاره به نقشش در سریال «نون‌خ» که تا چه میزان بداهه بوده با توجه به اینکه اصالتاً هم اهل کردستان است، اظهار کرد: نه این کار بلکه در هر کار دیگری اگر بداهه‌ای هم به وجود باید بر اساس متنی است که نویسنده نوشته. یعنی هیچ کاری بدون هماهنگی نویسنده و کارگردان صورت نمی‌گیرد اگر بازیگری توانایی بداهه هم داشته باشد با تایید کارگردان است و بعد همان بداهه‌ها ادامه آن چیزی است که نویسنده نوشته است، چون بازیگر کارش بازی است و این نیست که در کار نویسنده دخالت کند. نویسنده زحمت و مرارت زیادی می‌کشد تا یک شخصیتی را خلق کند اگر بداهه‌ای هم باشد ممکن است خلاقیت بازیگر باشد اما آن هم چیزی که نویسنده در دیالوگ‌های بازیگر گذاشته و نوشته است.

سیروس میمنیت درباره‌ی فصل جدید «نون‌خ» تاکید کرد که فصل پنجم نسبت به فصل‌های قبل م به لحاظ فیلمنامه و هم بخش‌های دیگر بهتر شده است. او در عین حال از غیبت علی صادقی در این فصل هم گفت.

سیروس میمنیت- بازیگر سریال «نون‌خ» در گفت‌وگویی با ایسنا، در پاسخ به این پرسش که لازمه نگه داشتن یک برند خلق کردن ایده‌های نو است، «نون‌خ» در فصل جدید مخاطب را پای تلویزیون نگه می‌دارد؟ اظهار کرد: خوشبختانه سعید آقای خانی از آن دسته کارگردانانی است که خیلی سخت می‌گیرد و حاضر نیست به هر قیمتی کار را جلوی دوربین برد و از تکرار خیلی بدش می‌آید. اگر یک بازیگر سر صحنه دیالوگ تکراری بگوید که در سریال دیگری به گوش خورده باشد، به شدت کات می‌دهد و بعد متن را تا آن طوری که نظرش را جلب نکند جلوی دوربین نمی‌برد کما اینکه ما یک سال کار نکردیم، فقط به این دلیل که با ایده‌های بهتری برگردیم. از طرفی خود نویسنده آقای وفایی سخت‌گیر است و اینطور نیست که صرفاً کاری بنویسد. تا خودش به رضایت نرسد و در ادامه کارگردان و تهیه‌کننده، کار جلوی دوربین نمی‌رود. خوشبختانه طبق چیزی که همه می‌گفتند امسال از همه سال بهتریم هم به لحاظ متن و هم موارد دیگر.

**علی صادقی بود صدرصد کار بهتر می‌شد**

او درباره شخصیت‌های فصل جدید «نون‌خ» با بیان اینکه همه حضور دارند، در



## عضوانجمن هنرمندان نقاش ایران:

# هر شعر ناب می تواند منبع الهام نقاشان باشد دریافت هوشمندی ذهنی با اقتباس هنر نقاشی از ادبیات

جلسه هیأت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور سه‌شنبه ۲۲ اسفند با حضور محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، یاسر احمدوند معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مهدی رمضانی دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار شد. اسماعیلی در این جلسه گفت: در حال رایزنی با آقای مخبر معاون اول رئیس‌جمهور هستیم تا در همه سفرهای استانی بیس‌جمهور، بخش تجهیز منابع کتابخانه‌ها در نظر گرفته شود. تجهیز کتابخانه را در دستور کار قرار داده‌ایم و دنبال تقویت سبب فرهنگی خانواده‌ها هستیم. چون در بعضی از شاخه‌های فرهنگی هنری، مردم به دلیل مشکلات مالی در مضیقه هستند. به‌عنوان مثال در جشنواره موسیقی امسال قیمت بلیت‌ها را کاهش دادیم و آثار در جنوب شهر به نمایش درآمد که مورد استقبال زیادی قرار گرفت.

وی با بیان این مطلب، افزود: تقریباً برای هر استان می‌خواهیم به‌صورت جداگانه متمم سفر استانی در نظر بگیریم. منابع کتاب به روز حائز اهمیت است، اغلب کتب ما قدیمی و میزان خریدها پایین آمده است.

### ثبت نام ۲۴۸۰ ناشر در سی و پنجمین نمایشگاه کتاب تهران

محمد الهیاری مدیر کمیته ناشران داخلی سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با اعلام این خبر که تاکنون ۲۴۸۰ ناشر در بخش حضوری و مجازی این نمایشگاه ثبت نام کرده‌اند، گفت: ناشران متقاضی حضور در این نمایشگاه تا ۲۷ اسفند ماه ۱۴۰۲ فرصت دارند تا با مراجعه به سامانه ketabir ضوابط و شرایط حضور در نمایشگاه را مشاهده و نسبت به ثبت نام اقدام کنند.

### اعلام ساعت فعالیت کتابخانه ملی در ایام نوروز

بر اساس اعلام اداره کل اطلاع رسانی معاونت کتابخانه ملی ایران ساعت فعالیت و خدمات رسانی تالارهای کتابخانه ملی ایران در ایام نوروز ۱۴۰۳ اعلام شد. تالارهای تخصصی، عمومی، نشریات و رقومی روز اول فروردین ماه تعطیل خواهند بود و فعالیت‌ها از روز پنجشنبه ۲ فروردین از سر گرفته می‌شود.

محمد شالویی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور در آئین بزرگداشت حکیم نظامی که شامگاه یکشنبه ۲۰ اسفند با حضور محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و نظام‌الدین زاهدی سفیر تاجیکستان در تالار وحدت برگزار شد، گفت: مجسمه حکیم نظامی به زودی رسماً در یکی از میدانی تهران رونمایی می‌شود که اقدام بسیار مهم و قابل توجهی در راستای پاسداشت مفاخر ایران زمین و معرفی مشاهیر تاریخی و ادبی به عموم شهروندان است.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: برای مفاخر امروز و معاصر و گذشته برنامه‌های ویژه‌ای خواهیم داشت، گرامیداشت سندی شیرازی در سال آینده به طور جهانی برگزار می‌شود و ارکستر سمفونیک نظامی هم ساخته شد و امشب در شیراز از ارکستر سمفونیک نظامی رونمایی می‌شود.

### برگزاری جلسه شورای برنامه‌ریزی نمایشگاه کتاب سال جوانان

جلسه شورای برنامه‌ریزی سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران دوشنبه ۲۱ اسفند با حضور یاسر احمدوند رئیس این نمایشگاه برگزار شد. نشست یادشده با حضور علی رضائی قائم مقام و سخنگوی نمایشگاه، حسین دیوسالار مشاور رئیس و مدیر کمیته امور بین الملل نمایشگاه، محمد الهیاری مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه، محمد علی مرادیان مشاور رئیس و رئیس شورای نظارت و ارزیابی نمایشگاه، اسماعیل جانعلی پور مدیر کمیته ناشران خارجی نمایشگاه، علی شجاعی صابین رئیس هیأت رسیدگی به تخلفات ناشران، سعید مجیدی مدیر کمیته فعالیت‌های فرهنگی، حسین تیموری مدیر کمیته اجرایی و پشتیبانی، محمد خلیج مدیر کمیته اداری و مالی، مجید صحاف مشاور رئیس نمایشگاه، آزاده نظربلند مدیر کمیته اطلاع رسانی و پاسخگویی نمایشگاه، مهدی خسروی مدیر کمیته حراست نمایشگاه، محمدحسین آزادبخت مدیر کمیته مراسم و میهمانان ویژه، فرشید فرح‌خواه مدیر کمیته سایت‌ها و سامانه‌ها و مرتضی بربری مدیر کمیته روابط عمومی نمایشگاه همراه بود.

### رایزنی برای تجهیز منابع کتابخانه‌ها در سفرهای رئیس‌جمهور

جلسه شورای برنامه‌ریزی سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران دوشنبه ۲۱ اسفند با حضور یاسر احمدوند رئیس این نمایشگاه برگزار شد. نشست یادشده با حضور علی رضائی قائم مقام و سخنگوی نمایشگاه، حسین دیوسالار مشاور رئیس و مدیر کمیته امور بین الملل نمایشگاه، محمد الهیاری مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه، محمد علی مرادیان مشاور رئیس و رئیس شورای نظارت و ارزیابی نمایشگاه، اسماعیل جانعلی پور مدیر کمیته ناشران خارجی نمایشگاه، علی شجاعی صابین رئیس هیأت رسیدگی به تخلفات ناشران، سعید مجیدی مدیر کمیته فعالیت‌های فرهنگی، حسین تیموری مدیر کمیته اجرایی و پشتیبانی، محمد خلیج مدیر کمیته اداری و مالی، مجید صحاف مشاور رئیس نمایشگاه، آزاده نظربلند مدیر کمیته اطلاع رسانی و پاسخگویی نمایشگاه، مهدی خسروی مدیر کمیته حراست نمایشگاه، محمدحسین آزادبخت مدیر کمیته مراسم و میهمانان ویژه، فرشید فرح‌خواه مدیر کمیته سایت‌ها و سامانه‌ها و مرتضی بربری مدیر کمیته روابط عمومی نمایشگاه همراه بود.

### اعلام برگزاری بزرگداشت جهانی سعدی در سال ۱۴۰۳

فراخوان پنجمین جایزه پس از ماه مبارک رمضان در آستانه برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۴۰۳، انتشار خواهد یافت.



لاک‌پشت پرندۀ توسط دبیرخانه این رویداد معرفی شدند. در یازدهمین و دوازدهمین دوره آئین اهدای نشان‌های لاک‌پشت پرندۀ، ۱۶ عنوان کتاب کودک و نوجوان شامل رمان، کتاب تصویری، نادرستان و کتاب‌های علمی به‌عنوان نامزد معرفی شده‌اند.

### معرفی برگزیدگان جایزه ملی کتاب سال جوانان

آئین پایانی و جشن نکوداشت برگزیدگان چهارمین جایزه ملی کتاب سال جوانان یکشنبه ۲۰ اسفند با میزبانی باغ کتاب تهران برگزار شد. در این دوره از جایزه ملی کتاب سال جوانان، ۹ اثر برگزیده، ۱۱ اثر شایسته تقدیر و ۷ پدیدآورنده و ناشر به جایزه دست یافتند. برترین‌های جایزه چهارم پس از دو مرحله داوری و با گزینش از میان ۸۷۳ اثر رسیده به دبیرخانه (ویژه آثار چاپی سال ۱۴۰۱) شناخته شدند.

مهمترین رویداد فرهنگی جوانان کشور امسال بهره‌مندی از پشتیبانی معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، خانه کتاب و ادبیات ایران، شهرداری تهران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، اداره کل ورزش و جوانان استان تهران و باغ کتاب تهران بود که همچون سه دوره گذشته با راهبری کانون فرهنگ و اندیشه ایرانیان در بهار فراخوان داد.

فراخوان پنجمین جایزه پس از ماه مبارک رمضان در آستانه برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۴۰۳، انتشار خواهد یافت.

### افتتاح کتابخانه عمومی الکترونیک «آینده»

کتابخانه عمومی الکترونیک «آینده» شهید فخری زاده جمعه ۱۸ اسفند با حضور محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افتتاح شد. این کتابخانه واقع در پارک دانشجو خانه خدمات الکترونیک و خلاقیت کتابخانه‌های عمومی است. این مراسم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهدی رمضانی دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و جمعی دیگر از مسؤولان در حوزه پارک دانشجو همراه بود.

ثبت نام ۲۴۸۰ ناشر برای حضور در سی و پنجمین نمایشگاه کتاب تهران و افتتاح کتابخانه عمومی الکترونیک از جمله اخبار آخرین هفته اسفند بودند.

ثبت نام ۲۴۸۰ ناشر برای حضور در سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و افتتاح کتابخانه عمومی الکترونیک از جمله مهمترین اخبار آخرین هفته اسفند امسال بودند. معرفی نامزدهای لاک‌پشت پرندۀ، معرفی برگزیدگان چهارمین جایزه ملی کتاب سال جوانان، برگزاری بزرگداشت جهانی سعدی در سال ۱۴۰۳، برگزاری جلسه شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب، رایزنی برای تجهیز منابع کتابخانه‌ها در سفرهای رئیس‌جمهور و اعلام ساعت فعالیت کتابخانه ملی در ایام نوروز از دیگر اخبار مهمی هستند در این گزارش به آنها پرداخته‌ایم. مشروح این گزارش را در ادامه می‌خوانید:

### معرفی نامزدهای لاک‌پشت پرندۀ

نامزدهای یازدهمین و دوازدهمین دوره آئین اهدای نشان‌های طلائی و نقره‌ای

## بازتاب یک ذهن روشن بر بوم تیره



و باغ‌های پارسی است. فرهنگ بنزیت (از منابع نقد و بررسی کار نقاشان، مجسمه سازان و طراحان و قلمزنان جهان) درباره او نوشته است: «نقاش و کالژیست ایرانی که سازنده کارهای تجریدی غنایی و از نمایندگان هنر غیر صوری است که ترکیب بندی های غنایی و خوشنویسانه را در ابعاد بزرگ مطرح میکنند؛ تضاد و جهش رنگ در کار او دیده میشود.»

در مقالات آورده شده است که امیلیو ویلا - شاعر، هنرمند تجسمی، مترجم و منتقد هنری - در متنی با عنوان تصویرگر بهشت خود، در مورد بهجت صدر چنین نوشته است: «این موردی شگفت انگیز است که هنرمندی ایرانی که بی شک زیر تاثیر بیان اروپایی نقاشی جدید است در چمبره‌ی تناقضی درمان ناپذیر بین معرفت و اسطوره، توانسته این تناقض را در خدمت کمپوزیسیونی درخشان و سرشار از کیفیت های ابتدایی قرار دهد چنانکه بی خیانت به نوآوری های غربی بتواند ریشه های عمیق آن را حفظ کرده و شدت بخشد بدین سان بهجت صدر به ترسیم بهشت خود می پردازد و قدرت قلم او نه چندان برانگیخته از ذوق های مینیاتوری و میناکاری ایرانی، که ملهم از پیگیری های مرموز در راه های نهان است. نقاشی های صدر در جهان مدرن و پر اضطراب، ایده الهای قدیمی روشنائی و نور اصیل مفقود را به ما باز می گرداند.»

این هنرمند هشتاد و نه ساله در اراک متولد شد و در ۱۹ مرداد ماه ۱۳۰۳ در اراک متولد شد و در ۱۳۸۸ دچار سکته قلبی شد و درگذشت؛ با وجود اینکه این هنرمند در سال های پایانی دهه شصت متوجه بیماری سرطان شد بود اما خلق اثر را ادامه داد.

کردند تا از کلیشه های جنسیتی بگریزند و به جهان خود فارغ از مسائل جنسیتی نگاه کنند

گفتنی است که ریشه های ایجاد نگاه هنر مردانه و زنانه را می توان در اندیشه قرن هفدهم جست؛ از آن زمان که هنر از مفهوم «مهارت» به مفهوم «زیبا» تغییر یافت؛ ارتباط الزامی خود را با پیشه‌وری، سودمندی و نیاز از دست داد و به این ترتیب بافتنی ها، وسایل تزئینی که اغلب هنر دست زنان بود از تاریخ هنر خارج شد.

طبیعتی که صدر به تصویر کشیده، خشن، زمخت و تاریک وصف شده است؛ آثاری با رنگ های اغلب تیره که بر پس زمینه چیره شده است. پژوهشگران درباره آثار این هنرمند نقاش گفتند که او ورای جنسیت به آثار خود معنا بخشیده است. صدر نیز در این باره گفته بود: «آثارم جسورانه و خشن و مردانه بود. به رنگ های تیره و زاویه های تند بیشتر مایل بودم. مثلاً پادم می آیند در کلاس کمپوزیسیون یک بار بچه های فقیر را کنار آتش سرخ کشیدم؛ بچه هایی همه سیاه.»

بهجت صدر سال ۱۳۳۳ پایان نامه هنری خود در رشته نقاشی را از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران دریافت کرده بود. او پس از اینکه دو کمک هزینه تحصیلی برای ایتالیا و فرانسه را دریافت کرد، به ایتالیا مهاجرت کرد و وارد دانشکده هنرهای زیبا ناپل شد. اثر این هنرمند در بیست و هشتمین بی نیال ونیز، ایتالیا شرکت داده شد. او نخستین جایزه بین المللی اش را از دوسالانه ونیز دریافت کرد. بعضی پژوهشگران معتقدند که برخی آثار آستره از این هنرمند یادآور پردیس

صورت می گرفت تا پیش از خشک شدن رنگ، اشکال و بافت هایی به صورت نگاتیو، در تعبیر هنرمند، بر سطح اثر نمایان شود. او به این شیوه خطوطی پهن و سطوحی موج را شکل می داد تا اثری آستره و مدرن خلق کند و به همین اسباب، آثارش از بومی سازی به دور می ماند.

### کلاژ روی آلومینیوم

صدر در مورد تکنیک کارهایش گفته بود: «کنتراست ها را دوست داشتم، خیلی زود قلممو را کنار گذاشتم و کاردک را به دست گرفتم. دوست داشتم به جای رنگ گذاشتن، با کاردک رنگ را از روی بوم بردارم. قلممو اصلاً راضی ام نمی کرد...» سعی او در ادامه بر این بود که ما به ازای طبیعت بیرونی را با الفبای نقاشی انتزاعی در هم بیامیزد و به تصویر بکشد و در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی نمایشگاه های قابل توجهی را در نقاط مختلفی از دنیا برگزار کرد.

### رنگ روغن روی مقوا

گرچه رنگ های تیره، سرد و سیاه غالب آثار او را شکل داده است اما روند دگرگونی رنگ و ترکیب بندی آثار این نقاش زن، اغلب با منطق مدرنیستی و نظم پایداری شناخته شده است. صدر نخستین زن نقاش ایرانی بود که به هنر نوگرا و مدرن روی آورد و در کارهایش از آستره و اصول نوآوری بهره گرفت.

بهجت صدر از جمله نقاشان مطرح مدرنیست شناخته می شود که با درک انتزاع نقاشانه، در آثار خود به جنسیت گریزی اشاره کرده است. نقاشان جنسیت زدا تلاش

بهجت صدر از جمله هنرمندان پیشرو در هنر نوگراست. او از جمله نقاشان مطرح مدرنیست شناخته می شود که با درک انتزاع نقاشانه، در آثار خود به جنسیت گریزی اشاره کرده است. آثارش جسورانه و خشن بود و برخی پژوهشگران هنر معتقدند او ورای جنسیت به آثار خود معنا بخشیده است.

به گزارش ایسنا تاریخ زنان نقاش ایرانی ناگفته های بسیار دارد. این هنرمندان با نگرش منحصر به خود که بازتاب ذهن روشنشان را بر بوم نقش زدند و با این حال گاه این بازتاب نورانی به رنگ های تیره نیز درآمد.

بهجت صدر از جمله هنرمندان پیشرو در هنر نوگرا به شمار می رود. او از اولین زنان هنرمند ایرانی محسوب می شود که در عرصه بین الملل نیز حاضر شد.

خلق اثر با رنگ روغن های سرد و مات بر سطوح مختلفی مانند آلومینیوم و خلق کلاژهای ترکیبی عکس و نقاشی از آثار پنج دهه این هنرمند است. او همگام با شیوه خلق اثر بدون فرم، به نوعی کنش گرایی به شیوه «اکشن پینتینگ» روی آورد. طی این دوره بود که با تکنیک رنگ گذاری یا برداشتن رنگ با کاردک، ترکیب بندی هایی موزون همراه با خطوطی پُرانعطاف را خلق می کرد. برداشتن رنگ تکنیکی بود که بهجت صدر در دوره های طولانی انتخاب کرده بود. آثار او اغلب با پاشیدن و سپس ریختن رنگ شکل می گرفت. او در ابتدا رنگ غلیظ را روی سطحی ریخته و بر سطح تابلو پخش می کرد. این چنین بود که او شکل انتزاعی مورد نظر خود را پدیدار می ساخت. حرکت دست در این روند سریع و ماهرانه

## قصه آن چه خواستیم فراموش کنیم



داده است و داستان‌هایش با وجود داشتن مضمونی مشترک، هر کدام از دنیایی متفاوتند

فایده دیگر روایت زوایای پنهان جنگ این است که ارزش فداکاری کسانی که به جنگ رفته‌اند، زمانی مشخص می‌شود که معلوم شود چه رنج‌هایی در پی فداکاری‌هایشان کشیده‌اند و چه تبعاتی باقی مانده از جنگ. در فرهنگ شیعی هم ما روضه‌های سوزناکی داریم که رنج اهل بیت (ع) را به تصویر می‌کشند.

در نهایت باید بگویم کتاب چاپ ۱۴۰۲ است و گرچه تا تاریخ روزهای جنگ و موشک‌باران عقب می‌رود، اما همین امروز آدم‌ها را روایت می‌کند؛ از تیغ گذاشتن پای درخت‌های حصارک کرج می‌گوید، از نظر گذاشتن مادری پای پست اینستاگرام دخترش، از گران شدن یکباره‌ی اجاره خانه‌ها و... به همین دلیل فضای داستان‌ها برای خواننده به خوبی قابل درک است و او با شخصیت‌هایی که در زمان او زیست می‌کنند، هم‌حسی می‌کند نه با اسطوره‌های دور در زمان و لامکان.

عناوین داستان‌های کتاب به ترتیب پرنده‌باز تهران، مثل مرد برنزی، ناسور، حریم، جنگ مهر، نور، قربانی و مثل آونگ هستند. ترجیح می‌دهم در مورد تک‌تک آن‌ها چیزی ننویسم تا مخاطب بتواند حس ورود تدریجی به دنیای متفاوت هر یک از آن‌ها را تجربه کند.

لهجه‌ها در گفت‌وگوها بی‌نظیرند. جالب است که در یک کتاب صد و بیست صفحه‌ای بتوانی لهجه افغانستانی، مشهدی، جنوبی، و چند کلمه‌های هم کامنت انگلیسی بخوانی! اکثر داستان‌ها هم فضای زنانه دارند. در مجموع، نویسنده تا توانسته از کلی‌گویی دور شده‌است و به ظرایف و نادیده‌ها پرداخته‌است.

به تبع موضوع، داستان‌ها تلخند. نمی‌توان گفت سیاه‌اند ولی سفیدی‌ها در آن‌ها کم‌رنگ است. کل مجموعه‌ی هشت داستان را نباید یک جرعه سر کشید. (کاری که من کردم) پس از خواندن کتاب ذهنم درگیر این است که چطور می‌شد کمی بیشتر به داستان‌ها نور پاشید و آیا چنین کاری اصلاً لازم بوده یا نه؟

متأسفانه تقابل دو اندیشه مقاومت و دادگری در کشور ما فضا را به قدری سیاه و سفید کرده‌است، که فراموش کرده‌ایم به زوایای تلخ و تاریک جنگ بپردازیم. البته شاید یک علت به حاشیه رفتن این‌گونه مسائل هم این باشد که در دفاع مقدس و همچنین در روحیه ملت ما حماسه آن‌قدر پررنگ است که خواه ناخواه مرثیه را به حاشیه می‌رانند. این لزوماً بد نیست و چه بسا تقلیدی از حماسه‌ی «ما رأیت الا جمیلاً» باشد. اما در جهانی که دنیای روایت‌هاست، انتظار می‌رود که داستان‌نویس هم قدم از قالب‌های تکراری بیرون بگذارد و ندیده‌ها را روایت کند. خانم ندا رسولی این کار را به خوبی انجام

که تا مرز همدردی با موقعیت‌های خاصشان پیش می‌رویم.

«پرنده‌باز تهران» مجموعه‌ای است از هشت داستان کوتاه که شخصیت‌های آن‌ها به نوعی قربانیان شرایط جنگ و پساجنگند. قربانیان بی‌صدایی که اثر جنگ بر آن‌ها (یا همه آثار جنگ بر آن‌ها) به آسانی به چشم کسی نمی‌آید. در صفحه‌ی پیش از فهرست کتاب، این نقل از هاینریش بل به چشم می‌خورد: «تا زمانی که هنوز در جایی از زخمی خون می‌چکد، جنگ ادامه دارد.» جالب اینجاست که همه هر هشت داستان به نوعی با مفهوم دوری از وطن یا آوارگی هم مرتبط هستند و از این جهت می‌توان گفت که داستان‌ها، در عین تنوع، اشتراک مضمونی قوی و اثرگذاری دارند.

نویسنده داستان‌ش را تعریف می‌کند و شعار نمی‌دهد. آن‌قدر حرفش را ظریف می‌زند که باید فسفر بسوزانی تا ببینی دقیقاً چه می‌خواهد بگوید. نثر داستان‌ها روان است. فلش‌بک نقش حیاتی در روایت آن‌ها ایفا می‌کند. وقتی در جریان داستان‌ها می‌فتی، تو را با خود در زمان این سو و آن سو می‌برند. (یک جور تشویش و آوارگی در فرم که با محتوا هماهنگ است) داستان‌های کتاب آدم را می‌برند لایه‌لای خرد فرهنگ‌ها، لایه‌لای جزئیات کوچک از سبک زندگی‌های متفاوت؛ از کفتربازی تا سیسمونی خریدن؛ از دل‌مه تا دال عدس.

فایده دیگر روایت زوایای پنهان جنگ این است که ارزش فداکاری کسانی که به جنگ رفته‌اند، معلوم شود که چه رنج‌هایی در پی فداکاری‌هایشان کشیده‌اند.

مجموعه داستان «پرنده‌باز تهران» نوشته ندا رسولی آذرماه ۱۴۰۲ توسط انتشارات هیلا منتشر و راهی بازار نشر شد. ندا رسولی نویسنده این کتاب، متولد ۱۳۶۱ است و پیش‌تر رمان تاریخی «هیچکس این زن را نمی‌شناسد» را در کارنامه خود ثبت کرده که توسط انتشارات کتاب نیستان چاپ شده است. پیش از شروع متن کتاب هم این جمله از هاینریش بل درج شده است: «تا زمانی که هنوز در جایی از زخمی خون می‌چکد، جنگ ادامه دارد.»

هدی وثوق کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی یادداشتی که برای بررسی این کتاب نوشته شده که با عنوان «قصه آن چه که خواستیم فراموش کنیم» در اختیار مهر قرار گرفته است.

مشروح این یادداشت را در ادامه می‌خوانیم؛

درست است که هیچ آدمی نمی‌تواند شرایط و موقعیت دیگری را به طور کامل درک کند، ولی بعضی موقعیت‌ها هستند که خیلی خاصند و به سادگی به ذهن کسی خطور هم نمی‌کنند، چه برسد به اینکه آدم بخواهد آن‌ها را درک کند. در کتاب «پرنده‌باز تهران» آن‌قدر با شخصیت‌های داستان‌ها همراه می‌شویم



## نگاهی به فیلم «پروین»

## اختر چرخ ادب، کم فروغ یا رخشنده؟

بودند) خللی در عزم و توان او ایجاد نمی‌کرد. بخشی از این سختی مربوط به ازدواج اوست که در فیلم بزرگنمایی شده و به درستی و مطابقت واقعیت نشان داده نشده است. به هر صورت پروین دختری از خانواده‌ای بزرگ و سرشناس بوده که علیرغم حفظ سنت‌ها در زمانه خود بسیار پیشرو و نواندیش بوده اند و به صورتی سنتی با پسرعموی پدرش به نام فضل‌الله همایون فال که مردی ارتشی و البته اهل ادب بوده ازدواج می‌کند و به کرمانشاه - محل خدمت همسر - می‌رود ولی بعد از مدتی بسیار کوتاه (نزدیک یک ماه بعد) به خواست خود و به دلیل استفاده همسرش از تریاک و مشروبات از او جدا می‌شود. این جدایی سریع و خود خواسته با حمایت کامل خانواده پروین و توافق همسرش که مردی لطیف الطبع بوده است، بوده و تأثیر منفی ای بر وجهه و روح پروین نداشته است. این عمل، یعنی درخواست جدایی نوعروس به دلیل استفاده شوهر از تریاک در آن دوران چندان پذیرفتنی نبوده و پرداختن فیلم به شخصیت پروین در بافت دوره تاریخی خاص خود می‌توانست این واقعیت را به خوبی نشان بدهد، چنان که در شرایطی نسبتاً مشابه عالیه خانم جهانگیر با وجود داشتن تحصیلات و استقلال مالی و خانواده‌ای اهل ادب و نواندیش نمی‌تواند از نیما یوشیج (که بر خلاف همایون فال دارای شغل هم نبوده) جدا بشود.

نکته‌ای دیگر که در فیلم از فضای زمانه پروین مغفول مانده و باعث ضعف شخصیت پروین و عدم تطابق آن با واقعیت است، حذف یا نادیده گرفتن زنان معاصر او و دستاوردهای آنان است. می‌دانیم که دوره مشروطه بزنگاهی تاریخی است که شخصیت‌های درخشانی از زنان مانند فرخ‌عظمی ارغون، بی‌بی خانم استرآبادی و ... در آن بروز یافته اند و حضور این زنان بر شخصیت پروین تأثیرگذار بوده است. متأسفانه در فیلم به جز مادر پروین (با بازی آریتا حاجیان) و مهکامه محمصی (مادر اردشیر محمصی) که دوست پروین بوده و خواهر همکار پروین در کتابخانه، زن واقعی دیگری نمی‌بینیم. گویی پروین - با وجود اشتغال به کار در کتابخانه دانشگاه و فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی دیگرش - در آکواریومی تحت حمایت و حفاظت پدر و دوستان پدر و برادرش نگهداری می‌شود و پرواضح است این رشد آکواریومی نمی‌توانسته چنین رشد چند وجهی‌ای را برای پروین به دنبال داشته باشد.

فیلم‌هایی مانند «پروین» می‌توانند به نشان دادن درست تاریخ و نور تاباندن بر زوایای تاریک و مجهول آن برای آگاهی بخشی به نسل معاصر بسیار موثر باشند. در مجموع هرچند ساخت فیلم از زندگی شخصیت‌های ادبی و فرهنگی به‌خصوص زنان، کاری ارزشمند است اما گزیده گویی زیاد و برخورد انتخابی با وقایع تاریخی دوره زندگی پروین و آمیختگی آن با خیال باعث شده که علیرغم تلاش بازیگر نقش پروین (مارال بنی‌آدم) برای نزدیکی به این شخصیت، پروین این فیلم شخصیتی کم‌مایه و ضعیف نشان داده شود.

عربی) در مصر سال‌ها به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شد، اما کتابی که در مورد ظهور شخصیت پروین می‌توان به آن اشاره کرد کتاب «تربیت نسوان» است. این کتاب که نخستین رساله مدرن در دفاع از حقوق زنان به زبان فارسی است، ترجمه‌ای مختصر از کتاب «تحریر المرأة» به قلم قاسم امین مصری است که در باب حقوق زنان نوشته شده بود و در قاهره منتشر شده و هرچند بر پایه آیات و احادیث بود موجبات واکنش علمای سنت گرای مصر را فراهم آورد. پروین کوچک تحت تعلیم پدرش در خانه فرانسه و عربی و ترکی را به خوبی آموخته بود، و سپس به

فیلم‌هایی مانند «پروین» می‌توانند به نشان دادن درست تاریخ و نور تاباندن بر زوایای تاریک و مجهول آن برای آگاهی بخشی به نسل معاصر بسیار موثر باشند. فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی که در جشنواره فیلم فجر امسال به نمایش درآمد، به زندگی پروین اعتصامی به روایت برادرش می‌پردازد. تنها دختر یوسف اعتصام الملک که کوچک‌ترین فرزند او بود را رخشنده نامیدند، شاعره معاصر ما که بعدها به نام پروین شناخته شد متولد بیست و پنج اسفند ۱۲۸۵ شمسی در تبریز پس از پنج برادر و درگذشته ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در تهران است.



مدرسه آمریکاییان رفت و به عنوان دانش آموز ممتاز از آن مدرسه فارغ التحصیل شد و مدتی نیز همان جا تدریس کرد. تأثیر دیگری که پدر و شخصیت او روی دختر کوچک داشته حضور و وزن او در جمع ادیبان و فرزاتگان دوران خود مانند ملک الشعرای بهار، میرزا کاظم آشتیانی، علی اکبر دهخدا، عباس خلیلی (پدر سیمین بهبهانی) و ... بود که باعث برکشیده شدن و تراشیده شدن شخصیت پروین در مواجهه با این فضای فرهنگی شد. در فیلم بخشی از این معاشرت‌ها را - به‌خصوص در مورد حضور پروین و شعر خوانی در انجمن ادبی - می‌بینیم، هرچند نوع پرداخت شخصیت ظریف و شکننده پروین طوری است که گویی ملک الشعرای بهار و دهخدا آنگونه در دست دارند و نگران شکستن آن به کوچک‌ترین تلنگری هستند! در حالی که سخنرانی او در هنگام فارغ التحصیلی با عنوان «زن و تاریخ» در عین حال که نشان‌دهنده پختگی زبان و اندیشه اوست، بیان کننده شخصیت محکم و متکی به نفس او در بیان اندیشه‌ها و دفاع از آنهاست. به واقع سختی‌های زندگی زنی مانند پروین او را سخت قدرتمند و آرام و محکم ساخته بود که مخالفت‌های بی‌پایه و اساس شاعرانی نظیر گرگانی (که شائبه شعر دزدی پروین را مطرح کرده

عمر کوتاه او هم‌زمان با دوره تغییر جامعه و تلاطم‌های مشروطه بود و وجودش به واقع درخششی - هرچند کوتاه - در تاریخ ادبیات و حضور اجتماعی زنان و گذار از پرده نشینی و تاریکی نادانی به عرصه علم و ادب و دانش و اجتماع بود. بهانه این یادداشت اما، فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی است که در جشنواره فیلم فجر امسال به نمایش درآمد و به زندگی او به روایت برادرش ابوالفتح اعتصامی (با بازیگری امیرحسین صدیق) می‌پردازد.

آنچه در فیلم در مورد شخصیت پروین بیان می‌شود، تصویر زنی حساس و ضعیف و بی‌رمق است که در مواردی با واقعیت‌های زندگی او نیز چندان مطابق نیست. می‌دانیم که بیشترین تأثیر در هویت پروین را خانواده او به‌خصوص پدر (یوسف اعتصامی) و مادر (اختر فتوحی دختر میرزا عبدالحسین مقدم‌العداله) داشته اند. یوسف اعتصام - که در فیلم محمدرضا شریفی نیا نقش او را بازی می‌کند - مردی است نواندیش و آزاده، مسلط به زبان‌های عربی و فرانسه و ترکی که اهل قلم و نگارش است و ترجمه می‌کند (به جز ترجمه کتاب‌های ویکتور هوگو و ژول ورن او اولین کسی که نمایشنامه‌ای از شیلر را از آلمانی به فارسی برگرداند) و یکی از کتاب‌هایش (به

خورشاهیان مطرح کرد:

## عناصر داستانی قرون ۱۹ و ۲۰ در آثار نظامی وجود داشته‌اند



مدیرانتشارات روزگار در پایان به اهمیت توجه به آثار شاعران و ادیبان کلاسیک در مدارس اشاره کرد و گفت: ما باید برای مدارس آثاری آماده کنیم که مخاطبان عاشق ادبیات شوند؛ لقمه‌هایی لذیذ که از دوره دبستان در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرد. همینطور در دبیرستان و دانشگاه نیز باید متفاوت با قضیه برخورد کنیم. امیدوارم آموزش و پرورش به این موضوع توجه داشته باشد.

### پلی برای رسیدن به اصل آثار

خورشاهیان در بخش دیگری از سخنان خود علت عدم بازنویسی متون در ایران را گفت: یکی از دلایلی که به سمت بازنویسی آثار کلاسیک نمی‌رویم، سختی‌های آن و دشوار بودن مطالعه آثار کلاسیک است. بازنویسی، پلی به سمت اصل اثر است و آثار نظامی نیز این ظرفیت را دارند. همه عناصر داستانی‌ای که در قرن ۱۹ و ۲۰ مطرح می‌شوند بسیار پیش‌تر، در آثار نظامی به بهترین شکل وجود داشته‌اند.

وی ادامه داد: ما زمانی که کل کتاب را خوانده باشیم حتی نام کتاب را نیز نمی‌توانیم ترجمه کنیم. ما باید روح اثر را بشناسیم؛ یک بار برای اصل داستان و یک بار برای فهمیدن لحن. اگر حکمت اثر را متوجه نشویم مثل این است که تنها حالت ظاهر را دیده باشیم. حامد صلاحی نیز در این نشست سخنان خود را با بیان نظر بهروز افخمی درباره «هفت پیکر» نظامی آغاز کرد و گفت: افخمی فارغ از نگاه‌های اجتماعی و سیاسی برای باور است که همه آثار نظامی داستان گو هستند و «هفت پیکر» نیز دکوپاژ شده و آماده برای تبدیل شدن به فیلم است.

صلاحی همچنین به کتاب «چرا باید کلاسیک‌ها را خواند؟» اثر ایتالو کالوینو اشاره کرد و گفت: این نویسنده و روزنامه‌نگار ایتالیایی در کتابش در میان آثار ایرانی به «هفت پیکر» نظامی نیز اشاره کرده است.

و این موضوع را می‌توان در نحوه توصیفی که در بسیاری از صحنه‌ها دارد مشاهده کرد؛ در هفت پیکر نیز مخاطب به شدت درگیر داستان شاه جوانی از قرن پنجم می‌شود که در رؤیای خودش تصویری از معشوق را می‌بیند و شیفته می‌شود و به قصد رسیدن به او حرکتش را آغاز می‌کند و در نهایت این پیکر به هفت پیکر تبدیل می‌شود.

عزیزی درباره ساختار آثار نظامی گفت: داستان‌پردازی و ظرافت داستان‌گویی نظامی در میان قله‌ها، یگانه است و متفاوت با نوع داستان‌پردازی‌ای است که فردوسی دارد. به نوعی می‌توان گفت نظامی در هفت پیکر، رنگارنگ که پر از هیجان است. ما به نظامی و فردوسی حکیم می‌گوئیم چون از همان ابتدای آثارشان غرق در حکمت هستند؛ «به نام خداوند جان و خرد» هیچ کس اینچنین نام خدا را معرفی نکرده است. روح و خرد پیچیده‌ترین نوع خلقت در آدمیزاد است و با هیچ صفتی زیباتر از این صفت نمی‌توان اعجاز الهی را معرفی کرد؛ و بهتر از این اندیشه نیز برای توصیف خلقت انسان در ذهن آدمی نمی‌آید. او با اشاره به این موضوع که ابزار بازنویسی نزد نویسندگان مختلف متفاوت است افزود: هر نویسنده‌ای تحت تأثیر آنچه با آن مواجه می‌شود و بر اساس توانایی‌هایی و شناختی که از مخاطب دارد بازنویسی‌اش متفاوت می‌شود. برخی بازنویسی‌ها خرابکاری کردن است. کسی که می‌خواهد اثری را بازنویسی کند باید به موضوع مسلط باشد. وقتی می‌خواهیم بازنویسی کنیم باید درست آن اثر را خوانده باشیم. اول کل اثر را باید مرور کرد و بعد کامل آن را خواند تا مقصود متن را دریابیم چون ممکن است یک برداشت ابتدایی، بعدتر تغییر کند. به این موضوع نیز باید توجه داشت که بازنویس با بازآفرینی متفاوت است و بازنویسی مقدماتی‌تر از بازآفرینی است.

مسئولیتی که در مجله رودکی و نشر روزگار داشته‌ام آثار خلاقانه زیادی از جوانان به دستم رسیده است. غزل‌هایی از جوانان دیده‌ام که مرا به حیرت واداشته‌اند؛ آثاری که در همه سطوح چه در ساختار و استعاره‌ها و چه در صنایع معنوی و لفظی خلاقیت بسیاری دارند. بنابراین جای نگرانی نیست که زبان و اهل زبان به خطر بیفتند و زبان کارکرد خود را از دست بدهد.

وی افزود: حساسیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان‌ها و استادان مختلف روی زبان فارسی قابل ستایش است. این نشست‌ها نیز تلنگری برای بیدار شدن از خواب است. با وجود تغییرات مختلف، زبان کار خودش را انجام می‌دهد؛ این خصوصیت زبان است و استادان و زبان‌شناسان طراز اول نیز به آن اشاره دارند. با توجه به این تغییرات و دگرگونی‌هایی که در زبان به وجود می‌آید بهتر است برخی ترجمه‌ها بعد از چند سال، تکرار شوند.

### لزوم توجه به ادبیات کلاسیک در

### آموزش و پرورش ایران

عزیزی در بخش دیگری از سخنان خود به ضرورت توجه به ادبیات کلاسیک در برنامه‌های آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: بدون تردید توجه به ادبیات کلاسیک باید یکی از برنامه‌ها در آموزش و پرورش ایران و دانشگاه‌ها باشد و راهش نیز همان راه قدیم است. شخصیت‌هایی چون مرحوم مهدی آذرپزئی با آثاری چون «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» به نوعی به ضرورت زمانه پاسخ مناسب داده‌اند؛ این همان پاسداشت گسترش ادبیات است. با تمام این ضرورت‌ها، بایدها و نبایدهایی نیز وجود دارد و در بازنویسی آثار باید به گونه‌ای عمل کرد که هم نوجوانان با آثار کلاسیک آشنا بشوند و هم صدمه‌ای به آثار وارد نیاید؛ همچنین به این موضوع نیز باید توجه داشت که حاشیه‌ها نباید آنقدر پرتنگ شوند که اصل، فراموش شود.

وی افزود: نظامی در بین پنج شاعر درجه یک ایران یعنی فردوسی، نظامی، سعدی، حافظ و مولوی قرار دارد. عطار با آن همه عظمت نفر ششم است. این نشان می‌دهد نظامی جزو قله‌هاست. ما پنج قله جهانی داریم که آثارشان هم به لحاظ نازک‌آرایی‌های اندیشه و هم نازک‌خیالی‌ها انسان را متحیر می‌کند. همچنین نظامی یک شاعر بسیار مقید به مسائل دینی است

هادی خورشاهیان گفت: همه عناصر داستانی که در قرن ۱۹ و ۲۰ مطرح می‌شوند بسیار پیش‌تر، در آثار نظامی به بهترین شکل وجود داشته‌اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست نقد و بررسی «باز آفرینی متون کهن برای نوجوانان» با تکیه بر آثار نظامی «از سلسله نشست‌های شورای پاسداشت زبان فارسی، با حضور محمد عزیزی، هادی خورشاهیان و حامد صلاحی دوشنبه ۲۱ اسفند در سرای کتاب برگزار شد.

خورشاهیان در ابتدای نشست به رسالت شورای پاسداشت زبان فارسی در گسترش این زبان اشاره کرد و گفت: تلقی ما در شورا این است که نسبت به زبان فارسی شناخت پیدا کنیم تا بتوانیم علاوه بر حفظ زبان به گسترش آن بپردازیم. یکی از راه‌های جدی گسترش زبان فارسی که از حد کلمه و عبارت فراتر می‌رود و به اندیشه می‌پردازد، ادبیات است. ادبیات کلاسیک یکی از مهم‌ترین بخش‌هاست و درباره نظامی برنامه‌های مختلفی در جهان برگزار شده و اساتید متبحری صحبت کرده‌اند.

وی افزود: من نظامی‌شناس نیستم لکن نظامی برای من یک قله جداگانه است. ما در ادبیات روایی، شاهنامه و مثنوی را داریم اما نظامی پنج اثر دارد که پنج گنج به شمار می‌روند و نمی‌شود هیچ‌کدام را کمتر از آثار دیگر دانست و باید به این آثار به عنوان پنج قله رفیع در حفظ و گسترش زبان فارسی نگاه کرد.

خورشاهیان با اشاره به اینکه یکی از بهترین راه‌های حفظ و گسترش زبان فارسی مطالعه آثار است، گفت: در دانشگاه‌های مطالعه کل کتاب‌ها مرسوم نیست و معمولاً خلاصه‌ها خوانده می‌شود. در حوزه کودک و نوجوان نیز بازنویسی زیاد صورت گرفته اما مخاطب، خیلی جذب نشده است. کرشمه‌هایی که نظامی در زبان خود دارد در زبان هیچ شاعری نیست و این پتانسیل را در آثار او می‌توان مشاهده کرد. لذا می‌شود این اطمینان را درباره نظامی داشت که اگر نویسنده قدرتمندی روی آثار او کار کند شاید بشود متونی همچون کلیل و دمنه را خلق کرد.

محمد عزیزی، مدیر نشر روزگار در بخش دیگری از این نشست گفت: زبان فارسی امروز غنا دارد و به‌رغم کج‌اندیشی‌ها در برخی آثار، هر نسلی که می‌آید به غنای زبان فارسی افزوده می‌کند. من با توجه به



## مسعود کیمیایی: همیشه باید از زمستان بیم داشت



هم زمستانی بود. در بهار و تابستان، کاموا می‌بافت. یک بار در بهاری من را صدا زد، به داخل گیشه رفتم. نیمی از تن ژاکتی را بافته بود. آن را به تن من اندازه کرد. من در بهار همیشه به فکر زمستان بودم. در گیشه یک تنگ ماهی بود. چندین تبلیغ (پوستر)، همه هفت تیر به دست. کاموا را وجب کرد. از یقه تا کمربند مرا هم وجب کرد. خندید. یک دندان طلا داشت، پسرش اندازه من بود؛ فردا سرد می‌شود. ما همیشه فکر می‌کردیم فردا سرد می‌شود. خون پرند در زمستان سرخ تر است. سینما محرم راز شد. از دوستی و شر و عشق می‌گفت اما همیشه خودش مرتفع تر بود. همیشه گفته و اندیشیده‌ام که سینما هنر فقیران و روزهای جمعه است. هنرمند آن است که از فقر ضیافت بسازد. من در بهار همیشه به فکر زمستان بوده‌ام. هم اکنون بر بهار می‌دوم. روزنه‌ها بر برگ‌های جوان، فصل‌های دیگر را تدارک می‌بیند. باید پایدار باشد و طاقت را بداند. فصل طاقت، بعد از زمستان است که بهار نیست. درختان تناور در بهار برای ساقه و تنه و شاخه‌های خود، طاقت را سفارش می‌دهند. طاقت سفری است کهنه و جانسوز. طاقت جامی نیست در دست هر نابسامان دیده که به سلامتی بخشش و روا...! بنوشد. طاقت بهاری دیگر است. نسیمی که بر طاقت می‌وزد، گلی که از طاقت می‌روید، چشمه‌های جوشانی که در سایه سارهای گیاهان، وجدان را بارور می‌کنند و مزارع را جان می‌دهند، دغدغه زمستان را ندارند. فصل طاقت رشد بهاری خود را می‌کند و ما در نسیم آن، گیاهان مقاوم خود را به بار می‌نشانیم.

بهاری، در زخم زمستانیش، در آرزوی پرواز است. من از کودکی شادمانی‌های بهاری را تماشا کرده‌ام، اما خود نداشتم.

بهار آمده. من از هیچ فصلی شکایت ندارم. در زمستان است که همه چیز روشن می‌شود. در این روشنی بی‌گرما در پی بهار نمی‌مانم مگر در میان کودکان پر شغف به کوچه آمده؛ پرنده‌هایی با آوازهای کودکی.

لباس بهاری من در عید همیشه پشمی بوده و بزرگ، تا که در زمستان به کار آید.

من کفش بهاری نداشتم؛ کفش بهاری تا زمستان پای مرا نمی‌برد.

من همیشه به فکر زمستان بوده‌ام، اما می‌دانم بهار خوشتر است.

هر جامی در بهار لبریز است. کنار هر عشقی، «شاخه گلی» است، با هر سلامی لبخندی و بر سر هر مادری چادری گلدار. بر هر سفره‌ای نانی و در هر تنگی آبی و در هر باغچه‌ای بنفشه‌ای.

در بهار سال‌های کودکی ما، یک جایی بود که همیشه بهار بود. تا زمستان، فقط در آنجا بود که یک فصل ادامه داشت تا فصل اکنون، همه بچه‌ها به آن «سینما» می‌گفتند.

از آن سال‌ها تا امروز خیلی از نام‌ها تغییر کرده، فقط ستاره و خورشید و سینما به همین نام مانده.

عیدی خوب بود، عیدی در دست‌های کوچک کارکرده‌ی من می‌ماند، عرق می‌کرد تا دست زنی که از هلال بریده شده‌ی شیشه‌ای آن را می‌گرفت و بلیت می‌داد و من می‌دویدم تا سالنی تاریک و پرده‌ای روشن. در نگاه به پرده بود که فکر زمستان را نمی‌کردم.

من هیچ‌گاه چهره زن بلیت فروش را ندیدم، تا که بزرگتر شدم. قدم به هلال بریده شیشه رسید؛ چهره زن

«در بهار سال‌های کودکی ما، یک جایی بود که همیشه بهار بود. تا زمستان، فقط در آنجا بود که یک فصل ادامه داشت تا فصل اکنون، همه بچه‌ها به آن «سینما» می‌گفتند.»

به گزارش ایسنا، جملات بالا بخشی از بهاری‌ای است که مسعود کیمیایی - کارگردان پرآوازه سینمای ایران - نوشته و سال ۱۳۷۵ در ویژه‌نامه نوروزی مجله فیلم منتشر شده بود.

کیمیایی که بجز فیلمسازی دستی هم بر آتش نوشتن دارد، تاکنون رمان‌هایی همچون «حسد بر زندگی عین‌القضاة»، «سرودهای مخالف، ارکسترهای بزرگ ندارند» و «جسدهای شیشه‌ای» را چاپ کرده است.

همزمان با فرارسیدن سال جدید نوشته‌هایی قدیمی از برخی هنرمندان در ایسنا بازنشر می‌شود و در بهاری‌ای که با عنوان «عیدی» از مسعود کیمیایی می‌خوانیم، «سینما» همچنان عنصری جدانشدنی از این هنرمند است.

«بهار آمده، زمین نفس می‌کشد، گل و ساقه را در گرمای تنش می‌رساند، پرندگان در زایش از تخم به صدا می‌آیند، همه زندگی آذین می‌شود و موسیقی طبیعت به آرام‌ترین قسمت خود رسیده و این ارکستر بزرگ در آرامش بهاری، خود بهار می‌شود. من از بهار همین‌ها را می‌دانم؛ فصل رویش گیاه، شادمانی و لبخندهای باستانی. من از بهار همین‌ها را می‌دانم؛ آنچه بیشتر می‌دانم و با آن زندگی کرده‌ام «زمستان» است.

جای پنجه بزرگ پروازگر شکارگیر، در تن پرند بهاری، در زمستان مانده، در چه فصلی در تن او فرو شده و پرند کوچک در زمستان، زخمش او را از پا نینداخته و خود را می‌کشد و می‌پروازد تا پشت شاخه‌ای که کسی نبیند و دشمن شاد نشود. همت هر دل کوچک پرند

# «دولتمند خالف» که بود و برای شعر فارسی چه کرد؟

نشست ادبی «فلک خوان» به یاد خواننده فقید تاجیکستان مرحوم دولتمند خالف با حضور جمعی از شعرای فارسی زبان جهان برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، شامگاه جمعه ۱۸ اسفند ماه نشست ادبی «فلک خوان» به یاد خواننده فقید تاجیکستان مرحوم دولتمند خالف با حضور جمعی از اهالی ادب و هنر کشورهای حوزه ایران فرهنگی با اجرای سیدمسعود علوی تبار در گروه بین المللی هنر ایران به صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای این نشست علیرضا قزوه؛ شاعر و رئیس مرکز شعر و موسیقی سازمان صدا و سیما در سخنانی گفت: بنده با مرحوم دولتمند خالف بیش از ۱۵ سال است که از نزدیک آشنایی دارم و در این مدت به طور تقریبی در حدود سی تا چهل قطعه و ترک موسیقی با هم کار کردیم. بعضی از این ترک‌ها درباره محرم است و بعضی دیگر هم مثل قطعه «قیامت» در زمین کربلا شد» در رابطه با محرم در بین مردم عوام تاجیکستان است، بعضی از این آثار از شعرهای آقای محمدعلی عجمی بوده، و بعضی دیگر مثل قصیده «های» از اشعار خود بنده بوده و این قطعات موسیقی هم اکنون به عنوان گنجینه‌ای در آرشیو صدا و سیما موجود است.

علیرضا قزوه ادامه داد: دولتمند خالف به حق یکی از بزرگان موسیقی تاجیکستان است؛ جایگاهی که استاد شجریان در موسیقی ایران دارد، چنین جایگاهی را هم دولتمند خالف در موسیقی تاجیکستان دارد، به خصوص در موسیقی فلک خوانی که یک نوع موسیقی پهلوانی است. فلک خوانی گاهی فلک کوهی است که از یک کوه به کوه دیگر باید صدا برسه و با نوازی «هی» شروع می‌شود، که باز هم در ترجیحات این نوع موسیقی کلمه «هی» تکرار می‌شود. قزوه افزود: بنده حدود یک سال و نیم است که از بیماری سرطان کبد مرحوم خالف خبر داشتم. در سفرهایی که به ایران می‌آمد، یکی دوبار وی را برای درمان به بیمارستان بردیم که تشخیص پزشکان بر بیماری سرطان کبد بود، ولی خودش نمی‌دانست و ما هم به دولتمند نگفتیم، اما به فرزندانش گفتیم و آنها خبر داشتند. آخرین بار حدود یک ماه پیش بود، زنگ زد و گفت که من برای ادامه درمان ناچارم به ایران یا روسیه سفر داشته باشم. من البته می‌دانستم که سرطان دولتمند خیلی پیشرفت کرده و تقریباً راه‌های علاجی ندارد، ولی وی به روسیه رفت و چند روز بعد به تاجیکستان آمد و در خانه خود به رحمت خدا رفت.

وی افزود: در یکی از سفرهایش به ایران، سرطانش اوج گرفته بود، سفارش دکتر این بود که باید استراحت کند، ولی دولتمند به خاطر تعهدی که داشت با وجود وخامت حال در استدیو حاضر شد و به اجرای برنامه پرداخت. در برنامه خندوانه و در برنامه‌های نوروزی تلویزیون هم شرکت کرد و همان آواز شش دانگ خودش را خواند و ما واقعا مانده بودیم که با این بیماری و با این احساس درد چگونه به اجرای برنامه می‌پردازد. دولتمند زمان اجرای موسیقی فقط در فضای موسیقی غرق بود و انگار اصلاً متوجه امور دیگر نبود.

رئیس مرکز شعر و موسیقی و سرود با تأکید بر اینکه مرحوم دولتمند با سفر به کشورهای مختلف جهان موسیقی فلک را به مردم دنیا معرفی کرد گفت: خدمات این چهره برجسته موسیقی که از مردم شورآباد کولاب بود به شعر، موسیقی و حفظ زبان فارسی در تاجیکستان، افغانستان،

ازبکستان، ایران و حتی شبه قاره بسیار زیاد است. دولتمند خالف مردی بسیار مهربان و بی‌ادعا بود که بخشی از درآمدهای خودش را همواره به مردم نیازمند اختصاص می‌داد. از استاد خالف فرزندی به یادگار مانده است به نام «لایق شاه خالف» که زیبایی و شکوه و جلال صدای دولتمند را با خودش همراه دارد و لایق لیاقت این را دارد که یادگار بزرگ استاد دولتمند خالف و ادامه‌دهنده راه او باشد.

سید سلمان صفوی؛ پژوهشگر عرفان و فلسفه اسلامی و رئیس آکادمی مطالعات ایرانی لندن نیز در این نشست دولتمند خالف را ستاره تاناک موسیقی تاجیکستان دانست و اظهار داشت: دولتمند خالف نقش بی‌ظیری در تداوم پیوند موسیقی و ادبیات عرفانی فارسی داشت. او موسیقی سنتی تاجیکی (فلک) را در دوره تجدد احیا کرد و آن را به شهرت جهانی رساند. تصنیف‌های مرحوم استاد دولتمند خالف حالت صوفیانه دارند و برخی از آنها بر اساس اشعار حضرت مولانا جلال‌الدین بلخی خراسانی تنظیم شده‌اند.

این فیلسوف نوصرداری با بیان اینکه تجربه استاد خالف اثبات کرد موسیقی سنتی ایران بزرگ فرهنگ نقش مهمی در تثبیت هویت فرهنگی ما و مبارزه با تهاجم فرهنگ غربی دارد، عنوان کرد: استاد فقید دولتمند علاوه بر خواندن اشعار عرفانی از خوانندگان اشعار آیینی معاصر فارسی بود. دو اثر موسیقایی او در سنت تلفیق شعر آیینی فارسی و موسیقی سنتی، تصنیف «پناه» در مدح امام رضاع) و شعر زیبای علیرضا قزوه «هنگام محرم شد» (گزیده قصیده «نگشتری سؤم خاتم») در رثای حضرت سیدالشهدا(ع) است، این دو اثر در ایران مورد استقبال بسیار قرار گرفت. شخصاً بارها تصنیف «هنگام محرم شد» مشهور به «خون خدا» استاد خالف و قزوه را در لندن شنیده‌ام و با آن در عزای سالار شهیدان گریستم. رضا اسماعیلی شاعر و پژوهشگر ادبی نیز در این مراسم در سخنانی گفت: دولتمند خالف، «فلک خوان» بزرگ تاجیکستان و از مفاخر موسیقی شرق و شعر پارسی، رای خاکی را وانهاد و به دیار باقی شتافت. هنرمندی اصیل و مردمی با حنجره‌ای معنوی و لحن و لهجه‌ای آسمانی. چنان که خود در مصاحبه‌ای گفته بود: «بله من فلک سراییده‌ام، همان دوبیتی‌های همراه با ایمان و معرفت که به زبان عشق دل بیندند و در موی انسانیت خاری نخلد.» وی ادامه داد: مردم هنر دوست ایران دولتمند خالف را با آثار ماندگاری چون: «بهار آمد»، «شاه پناه هم بده»، «دور مشو» و «حیلت‌رها کن عاشقا» می‌شناسند. آثار موسیقایی فاخری که با صدای استاد دولتمند رنگ جاودانگی گرفته است.

اسماعیلی در انتها تصریح کرد: سخن گفتن از ظرایف و دقایق هنری و سبک موسیقایی استاد دولتمند را باید به بزرگان موسیقی واگذار کرد. این کمترین نیز صرفاً به رسم ادب، و به منظور پاسداشت یاد و خاطره آن عزیز سفر کرده این چند سطر را قلمی کردم. در ستایش نام بلندی که به شعر و ادب پارسی عشق می‌ورزید و از حنجره اش، نسیم گلیوی «بوی جوی مولیان» می‌وزید.

عمر تیمور خواننده تاجیکستان دیگر سخنران این مراسم یادبود گفت: استاد دولتمند خالف با صدایی گیرا و داپازونی وسیع در موسیقی تاجیکستان جایگاه رفیعی دارد و خدمات و تلاش‌های ارزنده و بسیاری برای موسیقی سنتی تاجیک و معرفی موسیقی محلی فلک در سطح جهانی انجام داد. جایگاه

مرحوم دولتمند خالف در سطح بین‌الملل به گونه‌ای بود که همیشه در فستیوال‌های بین‌المللی دعوت بودند و مشارکت جدی و غالبی داشتند. تیمور تصریح کرد: مرحوم استاد دولتمند جوایز خیلی زیادی را هم در این سطح کسب کردند، و خصوصاً با کشور همزبان و دوست ما ایران همواره همکاری‌های فراوان و متعددی در مقوله موسیقی داشتند و سفرهای بسیاری به ایران داشتند.

سیدمسعود علوی تبار؛ شاعر و تهیه‌کننده موسیقی اظهار نمود: دولتمند خالف به حق از ستارگان درخشان موسیقی مشرق زمین است که با بهره‌گیری از اشعار عرفانی و ممتاز شاعران کلاسیک و متأخر پارسی زبان در تاجیکستان و ایران همانند مولانا، سعدی، لایق شیرعلی، علیرضا قزوه، گل‌خسار، به خوبی توانسته است در گسترش و معرفی موسیقی اصیل تاجیکستان و شعر و ادب پارسی گام‌های بزرگی را در سطح بین‌الملل بردارد.

علوی تبار تصریح کرد: به گفته خود مرحوم دولتمند خالف تصنیف «دور مشو، دور مشو» با شعری از مولانا، سمبل و شناسنامه سبک موسیقی او که معروف به سبک فلک خوانی است، محسوب می‌شود. آخرین آلبومی را که روانشاد استاد دولتمند خالف در ایران ارائه کرد، آلبوم «جان شیدا» با اشعاری از لایق شیرعلی، گل‌خسار و صفر محمد ایوبی بود که در تیر ماه ۱۴۰۱ در سالن کوثر صدا و سیما با حضور جمعی از اهالی شعر و موسیقی از آن رونمایی شد. این فلک خوان نامی و برجسته تاجیکستان سرانجام در شامگاه ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ به رحمت خدا رفت و پیکر او در ظهر ۳۰ بهمن ماه در قبرستان لوچاب شهر دوشنبه و در یک روز برفی به خاک سپرده شد.

شاه منصور شاه میرزا شاعر تاجیکستانی نیز دیگر سخنران این نشست بود که در سخنانی بیان کرد: دولتمند خالف از چهره‌های سرشناس موسیقی در تاجیکستان بود. نقش او در رشد و معرفی فلک، موسیقی سنتی تاجیکی برجسته است و با تلاش‌های او این موسیقی در فهرست میراث ناملموس یونسکو به ثبت رسید. دولتمند فلک موسیقی تاجیکستان را در خارج از تاجیکستان نیز به نحو احسن معرفی و جوایز ارزنده‌ای را کسب کرد. او شاگردان زیادی را تربیت و به کمال رساند که اکثر آنها امروز به مرتبه استادی رسیده‌اند. او برنده جایزه دولتی رودکی در رشته هنر در تاجیکستان بود.

وی ادامه داد: دولتمند در انتخاب شعر و ترانه نهایت ذوق و سلیقه را به خرج می‌داد و بیشتر اشعارش از آثار بزرگان ادب فارسی تاجیکی، از جمله مولانا، حافظ، صائب، لایق شیرعلی، گل‌خسار، علیرضا قزوه... برگرفته شده‌اند. خود او این موضوع را بارها تأکید کرده بود و می‌گفت باید این درانه‌ها وارد موسیقی شوند و به بطن جامعه راه پیدا کنند. او در این عرصه موفق بود و توانست غزل‌های زیاد این بزرگان را در قلب‌های خاص و عام جای دهد.

حسین کشتکار خواننده بوشهری نیز در این مراسم در سخنانی گفت: زنده‌نام استاد خالف، صدایی منحصر بفرد و بسیار محزون با تحریرهایی بسیار زیبا و مختص صدای مخملی خودش داشت که بدلیل لهجه زیبا و سبک کاری که در تاجیکستان متداول است، در هنگام اجرا و خواندن خیلی مناسب و بجا استفاده می‌کرد و رنگ و طنینی زیبا به کارش می‌داد.



## ترجمه «رختکن بزرگ» رومن گاری منتشر شد



دروغ می جوشید و بر شقیقه ام می کوبید، وادارم می کرد تا در زندگی پر فراز و نشیبم دنبال معنایی بگردم و هیچکس نبود که به من بگوید نمی توان از زندگی معنا طلب کرد، بلکه تنها می توان به زندگی معنا بخشید. هیچکس نبود که به من بگوید خلأ اطراف ما چیزی نیست مگر امتناع از پر شدن و آنچه به هستی ما عظمت می دهد همین زندگی است که با دست خالی به سراغ ما می آید اما می تواند ما را غنی و دگرگون سازد.

در طول کتاب قهرمان نوجوان سه نوع واکنش دارد؛ نخست انفعال، سپس پرسش و در انتها عمل. نخست شاهد انفعال نوجوان هستیم. انفعال در برابر آنچه می بیند، از او خواسته می شود و انجام می دهد. مرحله بی حسی زیاد طول نمی کشد و او به سوال کلیدی می رسد؛ سوالی که به قول سارتر انسان را از مرحله وجود (اگزیستانس) به ماهیت (اسانس) می رساند؛ همه این کارها برای چه؟ این سوال لوک را به تفکر وامی دارد، مرزهای انسانیت را به او می نمایاند و او را در انتخاب روش راهنمایی می کند.

کتاب با یک اتفاق آغاز می شود و با همان اتفاق پایان می یابد. گاری مرگ را به عنوان اتفاق آغازین و نهایی برگزیده است. دو مرگ که زندگی پسر بچه را به شدت تحت تأثیر قرار می دهند. وقایعی که کتاب را به بیگانه کامو نزدیک می کند. لوک در لحظه هایی بسیار شبیه مورسو (قهرمان کامو در کتاب بیگانه) است؛ همان قدر ساده، همان قدر ساکت، همان قدر معصوم و همان قدر بی دفاع در برابر جهان بیرحم بیرونی. قهرمانی است که یک تنه با جهان بیرون مواجه می شود و از این نبرد پیروز بیرون می آید. قهرمانی که اگرچه نوجوان و کم سن و سال است، اما مثل شازده کوچولوی آگروپری، می تواند برای بزرگسالان هم الگو باشد.

که تنها یادگارش از زندگی قبلی است، همراه واندربوت و لئونس از مرکز می گریزد و به آپارتمان پیرمرد می رود.

واندربوت در کار قاچاق داروست. بعدها مشخص می شود در کارهای خلاف دیگری هم دست دارد؛ همچون همدستی با پلیس و مال خری. در طول مدتی که لوک در آپارتمان واندربوت همراه لئونس و ژوزت زندگی می کند، با افراد دیگری هم آشنا می شود که مسیر زندگی اش را تغییر می دهند؛ ولی سوال او در نیمه کتاب پاسخ داده می شود؛ لوک از خودش می پرسد این انسان هایی که پدرش بخاطر آنها کشته شده کجا هستند؟ این دقیقاً مهمترین سوال خواننده نیز هست؛ عنوان رختکن بزرگ از کجا آمده است؟

گاری از زبان لوک می گوید: آنها در پیاده روها راه می رفتند، روزنامه می خریدند، سوار اتوبوس می شدند، همچون تنهایی های حقیر و متحرکی که به هم سلام می کردند و از هم دور می شدند، همچون جزایر متروکه کوچکی که قاره ها را باور نداشتند. پدرم به من دروغ گفته بود، انسان ها وجود نداشتند و آنچه من در خیابان می دیدم چیزی نبود مگر رختکن آنها. تنها پوستشان بود، تنها لباس هایشان بود با آستین هایی خالی، تنها کت های غول پیکری که هیچ دست برادرانه ای از آن به سوی من دراز نمی شد. خیابان پر بود از کت و شلوار، کلاه و کفش، رختکن بزرگ متروکه ای که سعی می کرد جهان را فریب بدهد و خود را به نامی، نشانی یا ایده ای بیاراید. هر چه تقلا می کردم و پیشانی تب دارم را به شیشه تکیه می دادم و به دنبال کسانی می گشتم که پدرم به خاطرشان جان داده بود فایده ای نداشت، چیزی نمی دیدم مگر رختکنی ناچیز و حقیر با هزاران صورتکی که چهره انسانی را تقلید می کردند و انسانیت را بدنام می کردند. خون پدرم در

کتاب «رختکن بزرگ» نوشته رومن گاری با ترجمه میترا مرادی توسط نشر آده منتشر و راهی بازار نشر شد. به گزارش مهر، کتاب «رختکن بزرگ» نوشته رومن گاری به تازگی با ترجمه میترا مرادی توسط نشر آده منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب با ۲۸۵ صفحه از نخستین رمان های رومن گاری است که در سال ۱۹۴۸ نوشته شده و به تازگی توسط این ناشر عرضه شده است.

رومن گاری (۱۹۸۰-۱۹۱۴) تحصیل کرده حقوق و ساکن فرانسه، اصالتاً اهل لیتوانی است. وی مدتی به عنوان خلبان در ارتش خدمت کرده و سپس به عنوان دیپلمات مشغول به کار بوده است. گاری تنها کسی است که دو بار برنده جایزه گنگور شده است. او که با نام مستعار امیل آژار می نوشت، جایزه گنگور دوم را با این نام و برای زندگی در پیش رو در سال ۱۹۷۵ دریافت کرد. وی بیشتر و در سال ۱۹۵۶ برای کتاب ریشه های آسمان برنده جایزه گنگور شده بود. شهرت رومن گاری در ایران برای کتاب «زندگی پیش رو» است. میترا مرادی دانش آموخته ادبیات فرانسه از دانشگاه شهید بهشتی است. زمینه تحقیقاتی وی نشانه شناسی است و مقالاتش بیشتر در این زمینه منتشر شده اند.

«رختکن بزرگ» داستان زندگی لوک مارتن نوجوانی چهارده ساله است که پدرش را در جنگ جهانی دوم از دست داده است و تنها دارایی او در این دنیا سگش رگسان است. در صف مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست، پیرمردی به نام واندربوت (که سرپرستی دو نوجوان دیگر به نام های ژوزت و لئونس را نیز به عهده دارد) به او می گوید چنانچه بخواهد تحت سرپرستی دولت قرار بگیرد، سگش را از او می گیرند. لوک برای نگهداشتن سگ،

## «مگره» وارد کتابفروشی‌ها شد

# وقتی سربازرس بازنشسته می‌شود



مگره سابق پناه آورده است. به این ترتیب پای ژول مگره دوباره به مرکز پلیس پاریس باز می‌شود.

رمان «مگره» در ۱۰ فصل نوشته شده است. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: کامیون‌ها از پشت شیشه می‌گذشتند. ردیف ترامواها با سروصدای زیاد آنها را دنبال می‌کردند.

«حالا قصد دارین چکار کنین؟»

مگره شانه‌ها را بالا انداخت. او هیچ‌چیزی نمی‌دانست. نگاهش در فراسوی جنب‌وجوش کوچه، در فراسوی رودخانه سن، به کاخ دادگستری دوخته شده بود. فیلیپ با مدادش بازی می‌کرد.

گروهیان لوکا نفس بلندی کشید و گفت: «دیگه باید برم! قراره دوباره پسری لهستانی که دست به چند فقره خلاف توی کوچه سن\_آنتوان زده تحقیق کنیم. شما بعدازظهر اینجا هستین؟»

«احتمالا.»

مگره هم از جا برخاست. فیلیپ پرسید:

«من هم با شما بیام؟»

«ترجیح می‌دم که نیای. برگرد به اداره. برای خوردن ناهار، همین‌جا همدیگه رو می‌بینیم.»

او سوار اتوبوس شد و نیم‌ساعت بعد از پله‌های خانه فرناند بالا رفت. زن چون هنوز خواب بود چند دقیقه‌ای طول داد تا در را به رویش باز کند. آفتاب اتاق را فرا گرفته بود. ملحفه‌های تختخواب برق می‌زدند.

این کتاب با ۱۳۴ صفحه، شمارگان ۳۰۰ نسخه و قیمت ۱۲۰ هزار تومان منتشر شده است.

رمان «مگره» نوشته ژرژ سیمنون با ترجمه عباس آگاهی توسط انتشارات جهان کتاب منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، رمان «مگره» نوشته ژرژ سیمنون به‌تازگی با ترجمه عباس آگاهی توسط انتشارات جهان کتاب منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب صدوپانزدهمین‌عنوان مجموعه پلیسی نقاب است که این‌ناشر منتشر می‌کند.

پیش از این کتاب، «رمان‌های دلواپسی‌های مگره»، «مگره از خود دفاع می‌کند»، «تردید مگره»، «شکیبایی مگره»، «مگره و سایه پشت پنجره»، «سفر مگره»، «دوست مادام مگره»، «مگره در کافه لیبرتی»، «ناکامی مگره»، «مگره دام می‌گسترد»، «مگره و جسد بی‌سر»، «مگره و زن بلندبالا»، «مگره و آقای شارل»، «بندرگاه مه‌آلود»، «پی‌یر لتونی»، «مگره در اتاق اجاره‌ای»، «مگره و مرد روی نیمکت»، «مگره و شیخ»، «مگره نزد فلاماندها»، «مگره سرگرم می‌شود»، «تعطیلات مگره»، «دوست کودکی مگره»، «مگره و مرد مرده»، «مگره و خبرچین»، «مگره و بانوی سالخورده»، «مگره و جنایتکار»، «مگره و جان یک مرد»، «لونین و گانگسترها»، «سربازرس مگره و دیوانه برژراک»، «سربازرس مگره در شب چهارراه»، «مگره و مرد بی‌خانمان» و «سربازرس مگره در کافه دوپولی» از آثار ژرژ سیمنون، در قالب مجموعه‌نقاب با محوریت شخصیت سربازرس مگره چاپ شده‌اند.

در داستان «مگره» سربازرس بازنشسته شده و روزهای یکنواخت و آرام بازنشستگی را در حومه پاریس سر می‌کند. اما شبی خواهرزاده همسرش که مردی جوان است، آرامش دوران بازنشستگی سربازرس را به هم می‌زند. خواهرزاده همسر سربازرس، فیلیپ لوئر نام‌دارد که بازرس تازه‌کار پلیس است و به‌طور ناخواسته درگیر جنایتی شده که نقشی در آن نداشته است. حالا برای فرار از اتهام قتل به سربازرس



توسط انتشارات روزنه؛

## «ریشه یابی ۱۵۰۰ جانام کهن» به چاپ رسید



کتاب «ریشه یابی ۱۵۰۰ جانام کهن» نوشته مرتضی مومن زاده توسط انتشارات روزنه منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش مهر، کتاب «ریشه یابی ۱۵۰۰ جانام کهن» نوشته مرتضی مومن زاده با موضوع ریشه و معنا یابی نام جایه های کهن ایران و سرزمین های اطراف، به تازگی توسط انتشارات روزنه منتشر و راهی بازار نشر شده است. تألیف این کتاب حاصل ۴۰ سال فعالیت تخصصی نگارنده است. مرتضی مومن زاده، عمرش را برای شناختن آنچه در عمق زمین است، سپری کرده. متولد ۱۳۲۰ در ساوه است و در دارالفنون تهران درس خوانده، در سال ۱۳۴۶ در سازمان زمین شناسی مشغول کار شده و در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶ میلادی) از دانشگاه هایدلبرگ آلمان دکتری معدن شناسی خود را با درجه ممتاز گرفته است. زمین و معدن برای او، راهی به شناختن است و بیش از چهل سال بسیاری از گوشه های ایران را که حتی قابل سکونت نیست، با پای پیاده طی کرده؛ و نتیجه آن کتاب حاضر است که در بیش از ششصد صفحه به فارسی زبانان، فارسی دوستان و فارسی شناسان تقدیم شده است.

### قصه ای برای شناختن

نام و نام گذاری پدیده جالبی است، تولیدی از آدمی زاد که همه چیزهای ناشناخته را شناخته شده، نکره را معرفی و غریبه را به آشنا تبدیل می کند. چیزهای تکراری وقتی به نامی نامیده می شوند، شخصیت و هویت پیدا می کنند و به چیزی دوست داشتنی و خاص و مهم تبدیل می شوند. هر قدر زندگی و رابطه اش با آدمی زاد طولانی تر باشد، نامها در آن معنای عمیق تری پیدا می کنند، و البته قصه هایی درباره آنها گفته می شود. نام هر چیز یک رشته روایت

به دنبال خود می آورد که دهان به دهان نقل می شود و تداعی مختلف پیدا می کند، و به همین دلیل باقی می ماند. یک درخت چنار مثل هزاران درخت چنار کهن سال دیگر، می شود درخت چنار مقابل امامزاده صالح؛ و با اینکه سالهاست جایش خالی است و چنارهای کهن دیگری در شمیران هستند، هنوز زنان و مردانی روایت آن درخت قدیمی از میان رفته را زنده می کنند.

یک کوه، رود، دریا، جزیره و راه می شود البرز، زاینده رود، خلیج فارس، کیش، راه ایریشم... جز آخری، همه عارضه های طبیعی و جغرافیایی اند که انسان با آنها روبه رو شده و کم کم آنها را شناخته و با آنها انس گرفته و کنارشان بساط حیات خود را گسترده؛ اما آخری راهی است که آدمی زاد ساخته و از آنجا که موجودی اجتماعی است، راه ارتباطی هم رفته رفته به اندازه عارضه های طبیعی کوه و رود برایش حیاتی و مهم شده؛ و البته که این نام را به فرزندانش و آنها به فرزندانشان یاد داده اند و قصه ها را روایت کرده اند تا آنها هم با آن انس بگیرند و لاجرم زندگی در آن را بشناسند و دوستش داشته باشند. حتی می شود گفت مفهوم وطن این طور شکل می گیرد و عمیق می شود.

### جست و جوی برای آب و نام و زندگی

نامها و نام گذاریها با شکل های مختلف حیات مرتبط اند، در سرزمین خشکی مثل فلات ایران نامها بیشتر از همه با آبها و چشمه ها و کوهها ارتباط دارند، و بعد با کاریز و قنات هایی که آدمی زاد آنها را مثل راه در سراسر اقلیم خشک کشید و گوهر آب را پنهان از چشم خورشید سوزان در دل زمین تا دوردستها برد و زمین های کویری را آباد کرد و امکان حیات خود و گیاه و

حیوان را در آن فراهم کرد.

این بازی حیاتی آب، انسان را با معنای جست و جوی در درون آشنا کرد، و البته که در جست و جوی درون سنگها و کوهها و دریاها به طلا و نقره و سنگ و فلز قیمتی و مروارید و مرجان دست پیدا کرد؛ اما از آن مهم تر به شناختی عمیق تر از خود و جهان دست یافت.

در فصل اول نگارنده به بیان کلیات پرداخته و توضیح زبان شناسانه ای درباره ریشه ها و معنی جانامها، حرف های منسوخ شده و حرف هایی که ممکن است جای هم بنشینند، گویش ها و املا ی جانامها، پیدایش انسان و تاریخ خطها و زبانها در سرزمین های فارسی زبان و اطراف آنها - مثل سومری و اکدی و آشوری و بابلی و آرامی و ایلامی و مصری قدیم و سانسکریت و فینیقی و اوستایی و پارتی و... - را آورده است. در فصل دوم به موضوع اصلی پرداخته و پس از دستبندی جانامها به ۴۴ گروه به تفکیک به شرح نام و ریشه یابی آنها پرداخته است. چیزی که استفاده از این کتاب را برای علاقه مندان و اهل فن شیرین تر و آسان تر می کند، جدول دقیق و توضیح تکمیلی مفصل او برای هر یک از جانامهاست. هشتاد و شش درصد (یعنی حدود ۱۳۰۰ جانام از کل ۱۵۰۰ جانام ذکر شده) در سرزمین فعلی ایران امروز و چهارده درصد (حدود ۲۰۰ جانام دیگر) در ۴۴ کشور و سرزمین دیگرند. این کتاب پژوهشی است که با روش جغرافیایی در ریشه شناسی جانامها صورت گرفته و نتیجه چند بعدی دارد که می تواند در باستان شناسی معدن و ذوب فلز، ریشه یابی نام مکانها، زبان شناسی و کیش شناسی و تاریخ دین های مختلف کاربرد داشته باشد.

این کتاب با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۹۵۰ هزار تومان منتشر شده است.

# آشنایی با سبک‌های فرزندپروری؛ شما چگونه والدی هستید؟



مسئولیت‌پذیری و تلاش برای موفقیت در آنان کمتر است.

## فرزندپروری مقتدرانه

والدینی که سبک مقتدرانه را برای فرزندپروری انتخاب می‌کنند تلاش زیادی برای یک رابطه مثبت، سالم و صمیمی با فرزندان خود دارند. آنان کنار اهمیت دادن به عواطف و احساسات کودک، قوانین مشخص وضع می‌کنند و پیامدهای رعایت نکردن قوانین را اجرا می‌کنند. والدین با این شیوه می‌توانند عزت نفس و اعتماد به نفس کافی در کودک‌شان پایه‌ریزی کنند. این روش ترکیبی از گرمی و حضور والدین در زندگی کودک، توجه به احساسات و عواطف آنان همراه با سطح پایینی از سختگیری در فرزندپروری است. فرزندپروری مقتدرانه به آن معنا است که والدین در حالی که قواعد و مقررات مشخصی برای زندگی کودک دارند، برای اجرایی کردن آن دلایل را برای کودک توضیح می‌دهند و پیامدهای اجرایی آن قوانین را به‌زبانی ساده برای کودک خود بیان می‌کنند، با کودک خود روابط گرم و صمیمی دارند، از سختگیری‌های زیاد، روابط پر خاشاکانه و از هرگونه تنبیه و محروم‌سازی نسبت به کودک خودداری می‌کنند. در این شیوه تربیتی، اعتماد و همدلی میان کودک و والدین زیاد و قابل توجه است. پدر و مادرهای مقتدر با هم متحد هستند و هر دو در برابر کودک حرف یکدیگر را تأیید می‌کنند.

هنگام ضرورت مشکلات خانواده را برای کودک بیان می‌کنند و از نظرات و ایده‌های کودک جویا می‌شوند. یافته‌های پژوهشی نویسنده نشان می‌دهد که والدین مقتدر شاهد بهترین نتایج در وضعیت اجتماعی و روانی کودکان و نوجوانان خود بوده‌اند.

باید توجه داشت کلید فرزندپروری سالم گرمی و صمیمیت والدین با یکدیگر، حاکمیت عشق و احترام بر فضای خانوادگی و نقش مثبت والدین در لحظه لحظه‌ی زندگی کودک است.

شده است، از آن زمان اهمیت عاطفی و روانی کودک تحت تأثیر روان‌کاوی قرار گرفت و تربیت و سلامت روان والدین بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت زیرا ویژگی‌های شخصیتی و نقش والدین در پرورش و تربیت کودک به‌طور مستقیم تأثیر دارد.

مهارت فرزندپروری را باید پیش از فرزندآوری بیاموزیم. اگر تربیت و پرورش فرزند در سال‌های شکل‌گیری شخصیت به‌درستی اتفاق نیفتد، در بزرگسالی افراد با مشکلات حاد رفتاری، ارتباطی و عاطفی و... مواجه می‌شوند. به‌طور کلی منابع (افق سلامت و بهداشت روان کودک و...) سه سبک فرزندپروری ارائه می‌کنند.

## سبک مستبدانه

والدینی که این شیوه تربیتی را برای فرزندان خود به‌کار می‌گیرند، اهمیت خاصی برای نظم و ترتیب قائل هستند. این سبک بر کنترل زیاد کودک و اجرای قوانین و مقررات و دستورات بی‌چون‌وچرای والدین تأکید دارد و عواطف، احساسات و هیجانات کمتر مورد توجه است. کودکان در این سبک مطیع و اغلب پر خاشاک و عصبی هستند و بعضاً ممکن است به‌دلیل ترس از تنبیه و سرزنش به دروغ‌گویی و پنهان‌کاری روی آورند.

## سبک تسهیلگرانه

والدین سهل و آسان‌گیر اغلب قوانین و مقرراتی محدود و اندک دارند و به کودک خود آزادی می‌دهند و در برخورد با او بسیار بخشنده‌اند و به‌سادگی اشتباه آنان را نادیده می‌گیرند و در برابر کمترین اصرار و خواهش فرزندان، امتیازهای سلب‌شده از آنان را به‌سرعت بازمی‌گردانند.

والدین روابط گرمی با فرزندان خود دارند ولی یکی از ویژگی‌های این فرزندان عزت نفس پایین است و

دکتر شکوه نوایی‌نژاد: فرزندپروری الزامی و یک ضرورت اجتماعی است، مهارتی است که باید پیش از فرزندآوری بیاموزیم تا رابطه والد و کودک به‌درستی شکل بگیرد. به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم - طیبه مجردیان: اهمیت و ضرورت آگاهی به اصول فرزندپروری بر هیچ کس پوشیده نیست، اما به‌نظر می‌رسد اکثر پدرها و مادرها در سطح جهان، والدگری را به‌صورت شهودی یاد می‌گیرند و آموزش خاصی در جایی نمی‌بینند. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم فرزندپروری یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست و تئوری‌های بسیاری در ارتباط با فرزندپروری وجود دارد تا این کار سخت را ساده‌تر کند، بنابراین داشتن فرزندانی سالم لازم است والدین مجهز به آگاهی‌های لازم در این زمینه شوند. دکتر شکوه نوایی‌نژاد، استاد تمام مشاوره و روان‌شناسی است که از وی با عنوان «مادر مشاوره ایران» یاد می‌شود. متن زیر با عنوان «فرزندپروری و ضرورت یادگیری آن» یادداشتی از دکتر نوایی‌نژاد در شماره بیست‌ودوم فصلنامه فرهنگی پیام مادر است که از نظر می‌گذرانید.

## فرزندپروری و ضرورت یادگیری آن

فرزندپروری الزامی و یک ضرورت اجتماعی است، مهارتی است که باید پیش از فرزندآوری بیاموزیم تا رابطه والد و کودک به‌درستی شکل بگیرد. فرزندپروری مجموعه روش‌هایی است که والدین برای رشد و پرورش کودک خود به‌کار می‌برند؛ روش‌هایی که در ارضای نیازها، یادگیری، رفتار و عملکرد، طرز تفکر، ارتباطات و به‌طور کلی تربیت فرزندشان نقش دارد، بنابراین می‌توان گفت که آموختن مهارت‌های رشد در پرورش کودک از مهارت‌های پایه‌ای در زیربنای مهم فرزندآوری است.

## تاریخچه فرزندپروری

شیوه‌های فرزندپروری از دهه ۱۹۴۰ دچار تغییر و تحول



## بالآخره «طهماسب» در غیاب کلاه قرمزی و پسر خاله برگشت

با این اوصاف، ایرج طهماسب شب گذشته با عروسک‌های «مهمونی» نمایش خانگی به تلویزیون آمد. پشه و بچه که هم برای کودکان جذاب‌اند و هم بزرگسالان؛ البته باید دید که چقدر دست طهماسب را برای شوخی کردن و ایجاد موقعیت‌های طنز و شاد باز گذاشته‌اند. در قسمت اول هم پشه که کاظم سیاحی صدپیشه اوست و هم بچه که هوتن شکیبا به جای آن صحبت می‌کند با تکیه کلام‌ها و ویژگی‌های اصلی شخصیتی‌شان روی آنتن هنرنمایی کردند و خبری از «سانسور» نبود.

همان نکته‌ای که باز در آستانه حضور برنامه ایرج طهماسب در تلویزیون به این نکته هم پرداخته بودند که «مهمونی» یا «مهمانی» این روزهای تلویزیون با سانسورهای متعددی مواجه خواهد شد. در قسمت اول که چنین ندیدیم. طهماسب مثل همیشه سعی کرد در قسمت ابتدایی برنامه‌اش به نوعی با نمایش کاراکترهای عروسکی‌اش معرفی از همه آنها داشته باشد.

البته از عروسک‌های قدیمی «فامیل دور» به برنامه آمد اما هنوز دل‌تنگی نسبت به جای خالی کلاه قرمزی و پسر خاله وجود دارد. این برنامه تلویزیونی ۳۰ قسمتی هر شب ساعت ۲۱ از شبکه نسیم پخش خواهد شد.

ایرج طهماسب پس از گمانه‌زنی‌های فراوان و مشخص نشدن تاریخ قطعی پخش، خیلی ناگهانی شب گذشته به شبکه نسیم آمد.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، ایرج طهماسب شب گذشته با «بچه» و «پشه» به تلویزیون آمد که در چند سال اخیر جزو عروسک‌های خاطرانگیز در رسانه شده‌اند. اما وقتی به آقای مجری (طهماسب) نگاه می‌کنیم حتماً دل‌مان برای کلاه قرمزی و پسر خاله تنگ می‌شود! اما چرا نیستند؟

حمید جبلی هنرمند خاطرانگیز سینما و تلویزیون مدتی است که با ایرج طهماسب فعالیت نداشته؛ اگر چه گفته می‌شد این دو با هم در قهر و درگیری‌های این چینی به سر می‌برند اما حضور چندی پیش ایرج طهماسب در سالن تئاتر و تماشای اثر جدید «جبلی» گویای این بود که تمام این حرف و حدیث‌ها شایعه است.

به هر حال او مدت زیادی است از فضای بازیگری، صداپیشگی عروسک و بخش‌های این چینی دور مانده و مشخص نیست حمید جبلی که نوستالژی بسیاری از مخاطبان است با چه اثری به تلویزیون، سینما و یا نمایش خانگی برمی‌گردد؟ یا کماکان ترجیح می‌دهد بگاهی برای تئاتر بنویسد و به شاخه‌های هنری دیگر خود بپردازد.



## نمایشگاه قرآن به تفرجگاه معنوی خانواده‌ها تبدیل شود



اسماعیلی ادامه داد: برنامه عملی ما ترویج قرآن، روخوانی صحیح، حفظ و توسعه مفاهیم قرآنی در زندگی مردم است. او از آغاز به کار سامانه «حافظ شو» در قالب یک پویش خبر داد که میلیون‌ها کودک و نوجوان می‌توانند حفظ قرآن را آغاز کنند و ادامه داد: بیش از ۶ ماه است که مردم غزه ۳۰ هزار شهید تقدیم کرده‌اند و با تمسک به قرآن مقابل تجاوز رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند و کودکان فلسطینی با تلاوت آیات قرآن از زیر آوارها بیرون کشیده می‌شوند. وزیر فرهنگ با اشاره به اینکه با تمسک به قرآن به همه آمال کشورمان خواهیم رسید، اظهار داشت: به قرآن به عنوان چراغ هدایت نگاه می‌کنیم و ما باید این آیات نورانی را به سمت و نظر همه جهانیان برسانیم تا با قرآن آشنا شوند. او تصریح کرد: وقتی پیامبر (ص) در آغاز بعثت قرآن تلاوت می‌کردند، مخالفان و مشرکین به گرد خانه پیامبر جمع می‌شدند تا کلام خدا را بشنوند. در ادامه مراسم افتتاحیه سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در بخش بین‌الملل نمایشگاه از نزدیک با فعالیت‌های قرآنی کشورهای اسلامی آشنا و از آثار قرآنی آنها بازدید کرد. همچنین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از بخش بین‌الملل، وارد بخش نهادهای دولتی شد و از غرفه‌های عقیدتی سیاسی ارتش، عقیدتی سیاسی فرماندهی انتظامی و نیروهای مسلح بازدید و در جریان فعالیت‌های قرآنی آنان قرار گرفت.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: دولت مردمی خود را موظف به ترویج آموزه‌های قرآنی می‌داند و نمایشگاه امسال علاوه بر ارائه هنرمندی‌های قرآنی، باید به تفرجگاه معنوی تبدیل شود و مردم با خانواده‌های خود به نمایشگاه بیایند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شامگاه اول فروردین در مراسم افتتاحیه سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم طی سخنانی بر لزوم تبدیل نمایشگاه قرآن به تفرجگاه معنوی برای حضور خانواده‌ها تأکید کرد. اسماعیلی با بیان اینکه سنت برگزاری نمایشگاه قرآن وارد دهه چهارم می‌شود، اظهار داشت: فعالان قرآنی ۲۶ کشور در این دوره از نمایشگاه قرآن در این نمایشگاه حضور دارند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: شاید برگزاری نمایشگاه در آغازین روزهای فروردین این نگرانی را به همراه داشت که شاید استقبالی که انتظار می‌رود اتفاق نیفتد، ولی نمایشگاه امسال علاوه بر ارائه هنرمندی‌های قرآنی، باید به تفرجگاه معنوی تبدیل شود و مردم با خانواده‌های خود به نمایشگاه بیایند. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه دولت مردمی خود را موظف به ترویج آموزه‌های قرآنی می‌داند، خاطر نشان کرد: از نمایشگاه سال گذشته تاکنون روزهای تلخی بر اصحاب قرآن گذشت. یکی اهانت کشورهای غربی به ساحت قرآن کریم بود که رییس جمهور در سازمان ملل قرآن را بر دست گرفتند و با جهانیان درباره قرآن صحبت کردند.



## یک کتاب و توجه به تربیت دینی کودکان در جشن نیمه شعبان

و مشارکتی در جشن نیمه شعبان هم باشد. آن‌ها ساعت‌ها فکر و برنامه‌ریزی می‌کنند و با کمک خانواده‌شان دست به کار می‌شوند تا به سبک خودشان، برای تولد آقا جشن بگیرند. در نتیجه با پس‌انداز بچه‌ها و کمک مالی و معنوی بزرگ‌ترها چند کیف و نوشت‌افزار مدرسه و مقداری غذای گرم و تازه برای بچه‌های کار سر چهارراه تهیه می‌کنند؛ اما این همه ماجرا نیست. در چند صفحه آخر این کتاب ۲۸ صفحه‌ای، اتفاق مهم‌تری هم می‌افتد، توکل و توسل در به‌موقع‌ترین لحظه زندگی!

کتاب «سبزترین نذر» مانند عنوانش لطیف است و سبز و توجه‌برانگیز و تفکر‌ساز. این کتاب به موارد تربیت دینی مهمی توجه کرده که باید در کنار داستان‌گویی‌اش، به آن‌ها هم بپردازیم. یکی از آن‌ها حضور کودکان در امور جشن‌ها و مراسم‌های بزرگ دینی است. نیمه‌شعبان یکی از بزرگ‌ترین و عزیزترین لحظه‌های زندگی هر مسلمانی است و کودکان ما هم باید با این عظمت و زیبایی به‌خوبی آشنا شوند. شناخت آن‌ها از امام زمان، حضرت مهدی (عج) باید در فضای همین مناسبت‌ها و جشن‌ها آغاز شود؛ چون مسایلی که با شادی و امیدواری و زیبایی همراه شده باشد، بیشتر در ذهن کودکان ماندگار می‌شود. نویسنده کتاب به‌درستی و زیرکانه، شخصیت امیرمهدی را وارد ماجرای جشن نیمه‌شعبان کرد و به خانواده‌ها یاد می‌دهد که اهمیت و ظرفیت تربیت دینی کودکان در فضای جشن نیمه‌شعبان را جدی بگیرند. مورد بعدی انجام کاری کوچک در حد توان کودکان در بستر پازل بزرگ جشن نیمه شعبان است. این حضور و مشارکت حتی اگر کوچک باشد، روح آن‌ها را بزرگ می‌کند و فکرشان را گسترش می‌دهد تا به کارها و مشارکت‌های بزرگ‌تری فکر کنند و همچنان خود را وصل به جهان زیبایی ببینند که حضرت مهدی (عج) در آن حضور دارد. نویسنده در این بخش هم نامحسوس، خانواده امیرمهدی و محمد را وارد ماجرا کرد و به ما نشان داد که پدرها و مادرها بعد شنیدن خواسته بچه‌ها، آن‌ها را جدی گرفتند و کمک‌شان کردند. مساله بعدی که در ادامه تکمیل امور تربیتی‌ای است که به آن اشاره کرده‌ام، پخش نذری بچه‌ها بین بچه‌های کار سر چهارراه توسط خود امیرمهدی و محمد است. بزرگ‌ترها پس از تهیه وسایل و غذا، خود را کنار کشیدند و وظیفه پخش نذری را به عهده بچه‌ها گذاشتند تا آن‌ها بتوانند کارشان را تکمیل و احساس شادی و لذت مشارکت در جشن نیمه شعبان را به‌طور کامل دریافت کنند.

«سبزترین نذر» در بخش پایانی کتاب به سبزترین لحظه خود می‌رسد؛ همان جایی که محمد خود را گرفتار و ناتوان می‌بیند و پی می‌برد هرچقدر هم ناتوان باشد تنها نیست و باید به آغوش سبز امام و آقای مهربان‌مان پناه ببرد؛ آغوشی که همیشه کارساز است. کلیدواژه «به‌موقع بودن» در این کتاب اهمیت دارد. این روزها و شب‌ها که حل‌وهوای جهان و به‌خصوص قلب ما مهدوی‌تر از هر زمان دیگری است، باید اهمیت به‌موقع بودن کارها را بهتر و بیشتر درک و تمرین کنیم تا مثل امیرمهدی و محمد، سبزترین نذرها و لحظه‌ها را در کنار امام زمان (عج) تجربه کنیم.

کارهایشان می‌دهم؛ چراکه هم داستان را دوست دارم و هم تصویرگری‌اش را.

به صفحه چهارم می‌رسیم و امیرمهدی را می‌بینیم که هم سنی کوچک است و هم جسمی. او با اجازه مادرش به سمت مسجد محله می‌رود که نزدیک خانه‌شان است و می‌خواهد اسمش را به‌عنوان یکی از کمک‌کنندگان در امور جشن نیمه‌شعبان بنویسد. همه در تکاپو هستند و این‌ور و آن‌ور می‌روند. یکی میوه و شیرینی می‌برد و یکی ریسه چراغ‌های رنگی را می‌بندد. در مسجد هم نوجوانان مشغول کارهای دیگری هستند؛ از آماده‌شدن گروه سرود و تواشیح مسجد گرفته تا کسی که مکتب است و دارد کاری می‌کند که آرزوی امیرمهدی است. او دوست دارد اذان بگوید و قرآن بخواند؛ اما همه می‌گویند او تازه دارد خواندن و نوشتن یاد می‌گیرد و باید به کلاس سوم دبستان برسد تا بتواند اذان بگوید یا قرآن بخواند و در کلاس قرآن مسجد شرکت کند. امیرمهدی با همین فکروخیال‌ها به پسر مؤذن نگاه می‌کند و به دنبال مسیول ثبت‌نام جشن نیمه‌شعبان هم می‌گردد. آقای مشتاقی را پیدا می‌کند؛ اما جوابی می‌شود که باب میلش نیست. او می‌گوید امیرمهدی کوچک است و برای انجام کارهای مسجد باید قدری بزرگ‌تر شود. اصرار امیرمهدی فایده‌ای ندارد و دل‌شکسته از مسجد راهی خانه می‌شود. نزدیک خانه‌شان که می‌رسد، می‌بیند که پسرکی روی پل جلوی خانه‌ای ایستاده است. جلوتر که می‌رود، متوجه می‌شود پسرک روی صندلی چرخدار نشسته و چرخ صندلی‌اش، لای میله‌های پل گیر کرده است. خودش را به پسرک می‌رساند و به او سلام می‌کند. دوستی امیرمهدی و محمد با همین سلام و کمکی به‌موقع آغاز می‌شود. به‌موقع بودن کارها بسیار مهم است. همه بزرگان دین توصیه کرده‌اند که کارهای درست را به‌موقع انجام دهیم تا همان‌طور که گفتیم اثر شیرینی تازه و داروی سرفه را داشته باشند. امیرمهدی هم به‌موقع تصمیم درست می‌گیرد و به کمک محمد می‌رود. آشنایی‌شان، آن‌ها را به سمت کارهای بزرگ‌تر می‌برد، مثل انجام کاری که حضرت مهدی (عج) را خوش حال کند

کتاب «سبزترین نذر» به خانواده‌ها یاد می‌دهد اهمیت و ظرفیت تربیت دینی کودکان در فضای جشن نیمه‌شعبان را جدی بگیرند.

کتاب «سبزترین نذر» نوشته ظریف کریمی به تازگی با تصویرگری نیره سادات مهری توسط انتشارات کتاب جمران منتشر و روانه بازار نشر شده است. فاطمه نعمتی نویسنده و پژوهشگر یادداشتی درباره این کتاب نوشته که با عنوان «دست کوچک را بگیر» برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفته است. مشروح متن این یادداشت را می‌خوانیم:

در عصر پنجمین روز اسفند که صدای چیک‌چیک افتادن قطره‌های باران بر برگ درختان حیاط و آواز گنجشک‌ها گوشم را پُر کرده است، کتاب «سبزترین نذر» را به دست می‌گیرم. امشب شب ولادت حضرت مهدی (عج) است؛ امامی که احساس می‌کنم نزدیک‌ترین شخص به من است و در عین حال، خودم را از او دور می‌بینم، مردی که او را داناترین شخص به حال و احوال خودم می‌دانم و در عین حال، خودم را نسبت به احوالاتش بی‌خبر می‌بینم. من ایشان را خیلی دوست دارم. می‌خواهم همین‌طور ساده و کوتاه و بی‌شیله‌پيله بگویم: «مثل احساس امیرمهدی و محمد در داستان «سبزترین نذر»»

تفاوت زیادی دارد که این کتاب را در همین ساعات و لحظه‌ها بخوانی یا بگذاری برای چند ماه بعد. مثل این می‌ماند که شیرینی تروتازه و خوشمزه‌ای را همین الان از شیرینی‌فروشی بخری و نخوری یا مثل دارویی که دکتر برای روزهای بیماری تجویز کرده است و اگر به‌موقع مصرف نکنی فایده‌اش را از دست می‌دهد. البته کتاب‌خواندن همیشه فایده دارد؛ اما اثر شیرینی تازه و داروی به‌موقع کجا و اثر خوردن آن‌ها در وقتی دیگر کجا! در همین ساعات مهدوی‌تر از هر لحظه‌ای از سال، کتاب «سبزترین نذر» را وا کردم و به صفحه رنگی عنوان کتاب و نام نویسنده و تصویرگر رسیدم. نوید ظریف کریمی این داستان را نوشته و نیره سادات مهری تصویرگری‌اش کرده است که من به آن‌ها نمره خوبی هم برای انجام



عابدی مطرح کرد:

## پاتوق نشینی شعرا و نویسندگان پس از مشروطه گسترش پیدا کرد



برخی شاعران به علت عدم حمایت دربار به هند مهاجرت می‌کنند. برخی دیگر نیز به قهوه‌خانه‌ها روی می‌آورند. این موجب می‌شود تغییراتی در شعر فارسی ایجاد شود و به لحاظ محتوا به جنبه عاشقانه و حکمت آموز نزدیکتر شود. در دوره قاجار به علت پاره‌ای حمایت‌ها، برگشت دوباره‌ای به دربار از سوی شاعران صورت گرفت.

عابدی در پایان گفت: پس از مشروطه است که پاتوق نشینی شعرا و نویسندگان به تدریج گسترش یافت و در قالب کافه‌ها و انجمن‌های ادبی، دفتر روزنامه‌ها، احزاب و گروه‌ها و... خود را نشان داد.

اسماعیل جنتی هم با بیان خاطرات خود در انتشارات زمان و نیل و نیز پاره‌ای کافه‌ها از جمله: نادری و فیروز گفت: انتشارات نیل ساعت هفت و نیم به بعد پاتوقی بود برای نویسندگان و شاعران. در آنجا جملگی می‌نشستند و درباره کتاب و شعر گفتگو می‌کردند. بعد از آن وارد انتشارات زمان هم که شدم وضعیت بر همین منوال بود. از جمله کسانی که در این پاتوق‌ها و سایر پاتوق‌ها جمع می‌آمدند عبارت بودند از: شاملو، قاضی، آل احمد، ساعدی، سپانلو، آیتی، گلشیری، رحیمی، برهانی، مهین دانشور، سیدحسینی، باطنی، نجفی، میرعلایی، و... اما دوشنبه‌های کافه فیروز جلوه دیگری داشت. همه می‌آمدند؛ از آل احمد گرفته تا دیگران. من هم ناگزیر بودم به آنجا مراجعه کنم. چون کتاب‌های شان را چاپ می‌کردیم. آن زمان حروفچینی به صورت دستی انجام می‌گرفت. شانزده صفحه شانزده صفحه غلط‌گیری می‌شد. بعد شاعر یا نویسنده می‌دید، اصلاح می‌کرد و مجوز چاپ می‌داد. این کاری بود که پیوسته انجام می‌گرفت.

پاتوق‌هایی نیندوخته بودم روز خاطره انگیزی بود. همین خاطره در ذهنم بود تا اینکه در سال ۱۳۹۲ اثر بسیار خواندنی مهدی اخوان لنگرودی با عنوان «از کافه نادری تا کافه فیروز» منتشر شد. با خواندن این کتاب ضمن به یاد آوردن آن خاطره دوران کودکی، افقی به رویم گشوده شد و در جریان هرچه بیشتر کافه‌های روشنفکری در دهه‌های سی و چهل و پنجاه قرار گرفتم. پس از آن بود که تصمیم گرفتم این موضوع را در برنامه نوشتاری خود قرار دهم. کامیار عابدی پژوهشگر و منتقد ادبی هم از جمله سخنرانان این نشست بود که ضمن مهم خواندن کتاب «کافه‌های روشنفکری» آن را تحقیقی مبتنی بر شواهد و مستندات ارزیابی کرد و گفت: این کتاب یک متن معیار و قابل قبولی از کافه نشینی روشنفکران ایران در پیش از انقلاب محسوب می‌شود.

وی محور سخنان خود را مروری بر سیر تاریخی شعر و ادبیات در ایران از دوره اسلام تا عصر کنونی قرار داد و افزود: سرایش شعر به زبان فارسی معیار، ابتدا در دربارها رشد کرد. چراکه شاعران ناگزیر بودند برای استمرار معاش مضامین شعری خود را متوجه دربار کنند. البته نفعی هم عاید دربارها می‌شد. زیرا تنها رسانه دربارها همین شعرا بودند. اما بعد از قرن پنجم و ششم شاعران رفته رفته از دربارها فاصله گرفته و به طرف خانقاه‌ها کشیده شدند. بدین سان تفکر عرفانی جایگزین ستایش پادشاهی شد. این منتقد ادبی در ادامه گفت: از قرن هشتم به بعد چرخش دیگری در شعر فارسی ایجاد شد. شعرا به جای خانقاه، محفل‌های کوچک‌تری را اختیار و در آنجا گرد می‌آمدند. این سیر ادامه می‌یابد تا دوره صفوی. در این دوره

کامیار عابدی گفت: پس از مشروطه است که پاتوق نشینی شعرا و نویسندگان به تدریج گسترش یافت و در قالب کافه‌ها و انجمن‌های ادبی، دفتر روزنامه‌ها، احزاب و گروه‌ها خود را نشان داد.

به گزارش خیرگزاری مهر، نشست معرفی و بررسی کتاب «کافه‌های روشنفکری» نوشته احمد راسخی لنگرودی در مؤسسه فرهنگی «خانه دوست» برگزار شد. کتاب «کافه‌های روشنفکری» اثر راسخی لنگرودی به تازگی توسط انتشارات مروارید منتشر شده و مشتمل بر سه فصل است. فصل نخست به تاریخچه پاتوق و پاتوق نشینی در ایران اختصاص دارد که با عنوان «گمشده‌های عصر ما» آمده است. فصل دوم با عنوان «آرمانشهر روشنفکران» شرحی است از کافه‌های روشنفکری در چند دهه پیش از انقلاب و بخش سوم و پایانی کتاب با عنوان «عطر کاغذ و قهوه» مروری است کوتاه بر پدیده نوظهوری چون کافه کتاب که به ظاهر بناست پاتوقی برای روشنفکران باشد.

راسخی لنگرودی در نشست نقد و بررسی این کتاب گفت: آنچه که اینجانب را به نوشتن این کتاب برانگیخت خاطرهای بود که در دوران کودکی رقم خورد. آخرهای دهه چهل بود که از قضا برای نخستین بار پایم به کافه نادری افتاد. آن‌هم به اتفاق یکی از آشنایان که شش هفت سالی از نگارنده بزرگ‌تر بود. می‌گفت اینجا پاتوق روشنفکران است. افراد جمع می‌شوند برای بحث‌های روشنفکری. آن زمان کوچک‌تر از آن بودم که بدانم روشنفکری چیست و روشنفکر کیست و بحث‌های روشنفکری از چه جنس و سرشتی است. برای من که تا آن زمان تجربه‌ای از چنین



دعای روز نهم ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ

خدایا فرزنده برکت در این بهره ای از رحمت

الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ لِبرَاهِينِكَ

گرازیت و راهنمایی کن در این به برهان

السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ

و راهم ای درخشان و بگیر عاتق به سوی رضایت

الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ

همه جانبه ای بادوستی خود ای آرزوی مشتاقان



## خدا صد برابر محبت پدر و مادر به فرزند، ما را دوست دارد

می گوید خدایا من را هدایت کن به ادله روشن خودت. خدا دلیل های روشنی دارد که ما را به آن ادله روشن، هدایت می کند. هر ظالمی که به جزای اعمالش می رسد، عبرتی برای ما است، آدم با دیدن این عبرت ها می تواند خداشناس شود. آیت الله مجتهدی تهرانی در ادامه در شرح «وَأَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ» می گوید من را به سمت موجبات خوشنودی و رضایت خودت ببر. از من راضی باش، هر چند که بد کردم و عمرم را به بطالت مصرف کردم. حالا آمده ام و من را به سمت رضایت خودت ببر. از من خشنود شو و رضایت جامع داشته باش. وی تاکید می کند باید تمام عیبها را از خود دور کنم، و با غیبت نکردن، حلال کردن مال و... این دعا درباره مستجاب شود. تا مردم از ما راضی نشوند، خدا از ما راضی نمی شود.

آیت الله مجتهدی تهرانی باره «بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ» در دعای روز نهم ماه مبارک رمضان می گوید این دعاها را درباره من مستجاب کن، به حق دوستی خودت ای آرزوی مشتاقان. این طور می گویم چون خدا نسبت به ما دوستی دارد و خدا صد برابر محبت والدین به اولاد، ما را دوست دارد. روایت است که دوستی صد درجه دارد که ۹۹ بخش آن مخصوص خدا است و یک درجه آن بین مخلوقات تقسیم شده و خدا در همان یک بخش نیز، سهم دارد. خدایا این دعاها را به محبت خودت درباره ما مستجاب کن.

در دعای روز نهم ماه مبارک رمضان آمده است: «خدایا، من را از رحمت واسعه خودت نصیب گردان، من را به سمت موجبات خوشنودی و رضایت خودت ببر. از من راضی باش، هر چند که بد کردم و عمرم را به بطالت مصرف کردم. باید تمام عیبها را از خود دور کنم، و با غیبت نکردن، حلال کردن مال و... این دعا درباره مستجاب شود. تا مردم از ما راضی نشوند، خدا از ما راضی نمی شود».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ لِبرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ»  
«خدایا قرار ده بر این دعا در این روز بهره ای از رحمت وسیع و راهنمایی ام کن در این ماه به سوی دلیل های درخشان و مرا به سوی موجبات خوشنودی همه جانبه ات سوق ده به حق محبت ای آرزوی مشتاقان.»

آیت الله مجتهدی تهرانی در شرح فراز «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ» می گوید خدایا، من را از رحمت واسعه خودت نصیب گردان. برای استجاب این دعا باید چه کنیم؟ باید به زیردستان کمک کنیم. اگر وضع مالی کسی خوب است، برای دختران دم بخت مستمند جهاز تهیه کند. در این صورت دعا درباره او مستجاب می شود و اگر زلزله شود، زیر آوار نمی ماند؛ چون رحمت خدا شامل حال او شده است. این استاد برجسته اخلاق در ادامه در شرح «وَاهْدِنِي فِيهِ لِبرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ»

حداد عادل مطرح کرد؛

## نظامی یکی از پنج قله رفیع زبان و ادب فارسی است



در ادامه این رویداد، غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: حکیم نظامی یکی از پنج قله رفیع زبان و ادب فارسی است. حافظ، مولانا، فردوسی، سعدی و نظامی پنج شاعر بزرگی اند که در میان انبوهی از شاعران ایرانی بیشتر درخشیده اند.

وی افزود: در میان شاعران بزرگ ایرانی تنها چند تن هستند که عنوان «حکیم» نیز دارند، که از جمله آنان، حکیم نظامی و حکیم فردوسی است. بیشتر اشعار فردوسی جنبه حماسی دارد و اکثر سروده‌های نظامی نیز عاشقانه است. با این وصف هر دو نفر با لقب «حکیم» نامیده می‌شوند. یقیناً این اطلاق، نشان از جامعیت اندیشه و دانش این دو شخصیت برجسته ایرانی دارد.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: از جمله خصوصیات نظامی، جامعیت زبانی اوست. نظامی در زبان اسلوب خاصی دارد. زبان او نرم و روان و حاوی موسیقی ای دلپذیر است تا جایی که شاعران دیگر در این امر به پای او نمی‌رسند. حکیم نظامی دارای اندیشه‌ای لطیف، زبانی نرم و روان و به عبارتی سهل و ممتنع است. او از آثار شاعران پیش از خود خاصه شاهنامه فردوسی، حدیقه سنایی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و... تأثیر پذیرفته و از هنرهای او ترکیب سازی و توانمند سازی زبان فارسی است.

حداد عادل گفت: حکیم نظامی، واژگان نوبی وضع کرده است که نظامی پژوهان این واژه‌ها را استخراج کرده و در اختیار واژه‌گزینان قرار داده‌اند. کسانی که واژگان حکیم نظامی را مورد مذاقه قرار دهند، قطعاً به قدرت زبان فارسی در تولید واژه‌های نو و جدید پی خواهند برد.

در بخش‌های دیگر این آئین، برنامه‌های متنوع موسیقایی با اجرای فاضل جمشیدی و نظامی خوانی با خوانش محمد رضا طاهری برای حاضران اجرا شد.

گرامیداشت مفاخر و مشاهیر ایران از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، در ساخت و مرمت مقابر و آرامگاه‌های مفاخر نیز نقش مؤثری داشته است. امروز پس از گذشت چنددهه از پیروزی انقلاب اسلامی، این مهم با تأکید رئیس محترم جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بار دیگر برعهده این نهاد باسابقه فرهنگی کشور قرار گرفته و از ابتدای امسال، ساخت، مرمت یا بازسازی آرامگاه چندین چهره برجسته فرهنگی، هنری، حکمی و عرفانی ایران و جهان پارسی زبان در دستور کار انجمن قرار گرفته است.

رئیس ستاد ملی بزرگداشت حکیم نظامی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: در باب گرامیداشت و پاسداشت حکیم نظامی، از ۱۴ تا ۲۰ اسفندماه رویدادهای مختلف فرهنگی و هنری در تهران، استان‌ها و در نمایندگی‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور برگزار خواهد شد. اقدامات هنری، خاصه در بخش هنرهای تجسمی، نمایشی و موسیقایی از سال‌های گذشته پررنگ‌تر و گسترده‌تر خواهد بود.

شالویی در پایان گفت: امسال معاونت‌ها و سازمان‌های مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، فرهنگستان هنر، اصحاب رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی، شهرداری تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران، شرکت متروی تهران، سازمان اتوبوسرانی تهران، مدیریت فرودگاه‌های مهرآباد و امام خمینی (ره) و بسیاری از نهادها و مؤسسات فرهنگی و هنری کشور همکاری ویژه‌ای با ستاد بزرگداشت حکیم نظامی مبذول داشته‌اند.

**حکیم نظامی یکی از پنج قله رفیع زبان و ادب فارسی است**

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: نظامی یکی از پنج قله رفیع زبان و ادب فارسی است. حافظ، مولانا، فردوسی، سعدی و نظامی پنج شاعر بزرگی اند که بین انبوهی از شاعران ایرانی بیشتر درخشیده‌اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آئین گشایش هفته گرامیداشت حکیم نظامی گنجوی در سومین دوره از فعالیت ستاد ملی بزرگداشت حکیم نظامی شاعر بزرگ پارسی گوی قرن ششم هجری، توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، روز دوشنبه ۱۴ اسفند با حضور جمع از استادان، پژوهشگران و فعالان عرصه فرهنگ و هنر در تالار اجتماعات شهید مطهری (ره) انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

محمود شالویی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ابتدای این مراسم گفت: حکیم نظامی و اندیشه‌های رفیع او بسیار مهم و قابل توجه است. با اینکه «پنج گنج» او و داستان‌ها و روایت‌های جذاب و خواندنی اش میان ایرانیان شناخته شده است، با این‌وصف، شخصیت و سلوک وی چندان شناخته شده نیست. از اینرو از دوسال پیش با تأسیس ستاد ملی بزرگداشت حکیم نظامی بر آن شدیم تا با ساماندهی رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری، میراث عظیم این حکیم گرانقدر را به ایرانیان و جهانیان، بیشتر و بهتر معرفی نماییم.

مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: در کنار پاسداشت حکیم نظامی، بزرگان بسیار دیگری چون حافظ، سپهرودی، مولانا و ابن سینا نیز به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مورد تجلیل و پاسداشت قرار گرفته‌اند با این توضیح که بزرگداشت این چهره‌ها از یک روز به یک هفته تسری پیدا کرده است.

شالویی در ادامه سخنان خود گفت: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با قدمتی بالغ بر ۱۰۲ سال، ضمن



## هفت سین، هفت میم یا هفت سپند؟

اما با این حال برخی دانه‌های اسپند، چند دانه برنج، سنبله گندم، ماهی قرمز، تخم‌مرغ رنگی، نان سنگک، ساعت و گل سنبلی را هم در سفره می‌گذارند. هرچند برخی اضافه شدن اقلامی به جز هفت رکن اصلی سفره هفت‌سین را نوعی از تهاجم فرهنگی می‌دانند و معتقدند آیین‌های نوروزی را دستخوش تغییرات کرده است؛ چنانچه هوشنگ جاوید - پژوهشگر تاکید می‌کند: «ورود ماهی قرمز به سفره نوروزی از دوره قاجار است، وجود ماهی قرمز روی سفره نوروز سندیت کهن ندارد. اگر از هموطنان زرتشتی هم بپرسید، هیچ کدام سر سفره هفت سین ماهی قرمز نمی‌گذارند. در این بین، برخی در کنار سفره هفت‌سین ایرانی از هفت‌سین قرآنی هم استفاده می‌کنند؛ به این صورت که ۷ آیه قرآن کریم که شروع آنها با «سین» است را با زعفران بر روی یک کاسه می‌نویسند و پس از تحویل سال کمی آب یا آب باران به آن اضافه می‌کنند و به نیت سلامتی می‌نوشند.

با این حال و با وجود تغییراتی که از ایران باستان تاکنون در چینی سفره هفت‌سین اتفاق افتاده است، اما اصل وجودی این سفره زیر سوال نرفته و هنوز هم در هیاهوی روزهای پایانی سال افرادی زیادی به جا آوردن این رسم را واجب دانسته و با وجود تمام مشغله‌ها به دنبال سبز کردن یا خریدن سبزه، تهیه سمنو و... هستند. پی‌نوشت: در بخشی از این گزارش از اطلاعات «نشریه کلک» و کتاب «نوروز و فلسفه هفت سین نوشته محمدعلی دادخواه» استفاده شده است.

شمع، نماد شهرپور سکه و فلز، نماد اسفند خاک پکر و تمیز، نماد خرداد آب و نماد مرداد هر نوع گل و گیاه است. بر این اساس آنچه که امروز به عنوان سفره هفت‌سین می‌شناسیم با آنچه که در ابتدا وجود داشته متفاوت است؛ اما علت این تغییرات چیست؟

با توجه به اینکه در طول زمان، ایران از گزند حمله اقوام مختلف به دور نبوده است، بروز برخی تغییرات در هفت‌سین وابسته به همین امر است. درعین حال به نظر می‌رسد مردم برای حفظ این آیین باستانی تصمیم گرفتند به جای واژه‌های این «هفت سپند» به اختصار از «هفت‌سین» استفاده کنند. این تصمیم نشان دهنده آن است که پس از اتفاقات مختلف، مردم بنابر شرایط فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و... اقلامی را یا به سفره هفت‌سین اضافه یا از آن کم کرده‌اند. همچنین در نقاطی از کشور حتی چیدن سفره‌هایی بر اساس «هفت‌شین» یا «هفت میم» نیز وجود دارد.

سفره هفت‌سین این روزها محتویات متفاوتی دارد که گاهی بحث بر سر بودن یا نبودن آنها شکل می‌گیرد. سیر، سیب، سکه، سماق، سنج، سمنو، و سبزه؛ ارکان جدایی ناپذیر سفره هفت‌سین در کنار قرآن، آینه و شمعدان است. سنج به نشانه ورود به سرزمین خرد و دعوت به عقل، سیب نماد صحت و سلامت، سبزه نشانه از خودگذشتگی و سرزندگی، سمنو نشانه قوت و مبارزه با ضعف، سیر نماد مناعت‌طبع و قناعت، سرکه نماد پذیرش ناملایمات و سماق نشانه درباری است.

انداختن سفره هفت‌سین رسم جدایی ناپذیر از نوروز است؛ رسمی که هر چند در سالیان گذشته از تغییرات به دور نبوده، اما ماهیت خود را حفظ کرده است و هنوز هم اکثر خانواده‌ها خود را مقید به اجرای این رسم می‌دانند.

به گزارش ایسنا، درباره شکل‌گیری این رسم صحبت‌های متفاوتی مطرح می‌شود، اما همه بر این موضوع اتفاق نظر دارند که سرآغاز چنین رسمی، ایران باستان است. در توضیح این موضوع، منیژه مشیری در مقاله «نوروز و نگاهی کهن به سفره هفت‌سین» آورده است: «زردشت برای گسترش یکتاپرستی مردم را به پرستش اهورامزدا فرامی‌خواند و از میان ایزدان بسیاری که مردم به آنها اعتقاد داشتند ۶ فرشته را انتخاب و آنها را به عنوان دستیار اهورامزدا در امور دنیایی معرفی می‌کند که در مجموع «هفت جاوید مقدس» را تشکیل می‌دهند.»

بر این اساس مشخص می‌شود شکل‌گیری سنتی، به نام سفره هفت‌سین صرفاً برای زیبایی نبوده و فلسفه‌ای مقدس در آن وجود داشته است. مردم ایران باستان با چیدن سفره هفت‌سین نوعی مراسم آیینی را برای هفت جاوید مقدس یا «هفت امشاسپندان» اجرا می‌کردند و آنچه بر روی سفره قرار می‌دادند نمادی از این امشاسپندان بوده است.

بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفند، خرداد و مرداد، ۶ امشاسپندی هستند که در کنار اهورامزدا فعالیت دارند؛ نماد بهمن جانوران سوخته مانند آبیان، پرندگان و چهارپایان است. نماد اردیبهشت آتش چراغ یا شعله





## چاپ کتابی درباره شیوه‌های شکل دهی به حقیقت در جهان معاصر

این برنامه‌ها و ابزارها کاملاً آشکار و کاربردشان هم در پژوهش‌های اجتماعی نیازی در حال رشد در علوم اجتماعی است. او در نوشتن کتاب «عواطف در دنیای دیجیتال» ساختار پرسش و پاسخ را در پیش گرفته و مطالب را با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌های اصلی شبکه‌های اجتماعی، دنیای دیجیتال و تلفن همراه نوشته و می‌گوید اشاره به آن‌ها، درک ساختار بندی فعلی دنیای اجتماعی را میسر می‌کند.

کتاب «عواطف در دنیای دیجیتال» ۷ فصل اصلی دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: «بدن/عواطف و زیست‌جهان مجازی/موبایلی/دیجیتال»، «اینستاگرام، دیدن برای باور کردن: نوانخانه‌های امریکای لاتین»، «واتساپ، برقراری ارتباط، ثبت، دانستن: تعارض اجتماعی آرژانتینی‌ها و راهپیمایی هندوراسی‌ها به امریکا»، «سیاست و عشق: دو نوع قوم‌نگاری دیجیتال»، «پهپادها: شیوه‌های جدید برای مشاهده حساسیت‌های تعاملات اجتماعی؟»، «آزمایش خلاقه بیانگرانه: ابزار ثبت حساسیت» و «درآمدی بر معرفت‌شناسی پژوهش دیجیتال درباره عواطف».

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

قوم‌نگاری دیجیتال آزمایشی پژوهشی و شبیه فرایند آشنایی با محله‌ای است که قبلاً هرگز ندیده‌ایم؛ باید مراقب و هشیار وارد شوید، باید با افرادی که حس می‌کنید «نماینده» هستند، صحبت کنید، باید در یابید از کجا غذا تهیه می‌کنند، باید با موسسات محلی آشنا شوید، بدانید در موقعیت‌های بحرانی چه کاری انجام دهید و غیره. وقتی به شخصیتی اینستاگرامی «می‌رسیم» و می‌خواهیم او را دنبال کنیم، این کار را (تقریباً بدون فکر کردن) انجام می‌دهیم، چشم‌انداز، افراد و تفاسیر را تشخیص می‌دهیم. به این ترتیب باید تصمیم بگیریم آیا یادداشت برداریم، صدا ضبط کنیم، «بعدا» برای نوشتن آماده شویم، از ابزاری دیگر برای «بشکستنی» از مشاهدات (روزنامه، کتابچه، آلبوم) استفاده کنیم، یا روایت نظرانی که شاهدش هستیم، «بازیابی» کنیم تا در یابیم چه طور در آن دنیای خاص، مجازی/موبایلی/دیجیتال انجام می‌شود.

این کتاب با ۲۸۴ صفحه و قیمت ۲۳۰ هزار تومان منتشر شده است.

کتاب «عواطف در دنیای دیجیتال؛ شیوه‌های نوین شکل دهی به حقیقت در جهان معاصر» نوشته آدریان اسکریبانو با ترجمه میثاق شایق توسط موسسه فرهنگی دکسا منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش مهر، کتاب «عواطف در دنیای دیجیتال؛ شیوه‌های نوین شکل دهی به حقیقت در جهان معاصر» نوشته آدریان اسکریبانو به تازگی با ترجمه میثاق شایق توسط موسسه فرهنگی دکسا منتشر و راهی بازار نشر شده است.

ترجمه این کتاب یکی از عناوین مجموعه «شکوفایی» است که این ناشر منتشر می‌کند. از جمله سوالات پیش‌روی انسان مدرن این است که چگونه زندگی‌ای ارزش زیستن دارد؟ کتاب‌های مجموعه مورد اشاره برای پاسخ به این سوال منتشر می‌شوند.

آدریان اسکریبانو نویسنده «عواطف در دنیای دیجیتال» متولد ۱۹۶۰ در آرژانتین، سرپرست مرکز پژوهش و مطالعات جامعه‌شناختی و پژوهشگر شورای ملی پژوهش‌های علمی و فناوری این کشور است. او همچنین مدیر مجله لاتین امریکن ژورنال آو ستادیز آن بادیز و گروه جامعه‌شناسی عواطف و بدن در مؤسسه پژوهشی جینو ژرمانی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بوینس آیرس است. اسکریبانو هماهنگ‌کنندگی ۲۶ کارگروه با موضوع بدن و عواطف در انجمن جامعه‌شناسی امریکای لاتین (ALAS) و مدیریت ارشد ۸۰ کارگروه با موضوع اجتماع و عواطف در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی (ISA) را نیز در کارنامه دارد.

این مولف در کتاب پیش‌رو به این مساله اشاره کرده که در دنیای امروز، فرایندهای دستیابی به حقیقت، از رویه‌های سنتی و علمی رایج فاصله می‌گیرند. این فرایندها به سمت منطق ناشی از احساس و عواطف میل می‌کنند و شکل‌های مختلف درک احساس، از طریق سازماندهی هوشمند تنظیم عاطفه و معنویت، به‌عنوان شیوه‌های رسیدن به حقیقت تفسیر می‌شوند.

اسکریبانو می‌گوید ما در جهانی به هم پیوسته از طریق دنیای مجازی دیجیتال زندگی می‌کنیم که تحولات فناورانه ۲۰ سال اخیر آن را سروشکل داده‌اند. قدرت



سردار صفوی مطرح کرد:

## اهمیت ثبت تاریخ شفاهی فرماندهان برای ساخت نسل جوان



می‌خواهد، ترسوها بارها و بارها می‌میرند، شجاعان یکبار می‌میرند آن هم با شهادت. آقای کریم نصر اندیشه قرآنی دارند و یک محب چهارده معصوم، همراه با نبوغ و با استعداد فراوانی هستند.

سردار صفوی به کتاب خاطرات سردار نصر اصفهانی اشاره کرد و گفت: کتاب «به ارون رسیدیم» بسیار کتاب ارزشمندی است. به حافظه سردار نصر تبریک می‌گویم، ایشان در این کتاب به جزئیات، به خوبی پرداخته و حتی اسامی را هم به دقت مطرح کرده است. تاریخ شفاهی فرماندهان برای ساختن نسل جوان بسیار پر اهمیت است، فداکاری‌ها، شهادت‌ها، فکر و تجربه و شجاعت‌ها را باید گفت و به گوش جوان‌ها رساند. کتاب «به ارون رسیدیم» تاکتیکی نوشته شده است، ما جنگ‌ها را در سه سطح می‌بینیم؛ سطح راهبردی، سطح عملیاتی و سطح تاکتیکی. سطح راهبردی مثلاً راهبرد عراق در جنگ چه بود؟ راهبرد ایران چه بود؟ در سطح بالا، بیشتر سیاست‌های کشور، اقتصاد کشور و اهداف کشور مورد نظر است.

رییس پژوهشگاه شهید سلیمانی گفت: سطح عملیاتی سطح نیروها است؛ نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی، عملیات‌های مشترک زمینی، هوایی و دریایی. به تاکتیک که می‌رسیم به سطح لشکرها، تیپ‌ها و گردان‌ها پرداخته می‌شود. با توجه به این که کتاب «به ارون رسیدیم» به جزئیات اشاره دارد، بنابراین تاکتیکی است. و انصافاً خوب هم نوشته است و قلم نویسنده بی‌تأثیر نبوده است؛ مثلاً ایشان عملیات بیت‌المقدس و یا عملیات محرم را بسیار زیبا تشریح کرده است.

وی در پایان گفت: تاریخ حلقه اتصال گذشته به آینده است، ما باید تاریخ کشورمان را بشناسیم و تاریخ را به نسل آینده‌مان منتقل کنیم. جنگ‌ها بزرگ‌ترین حوادث ملت‌ها هستند، پیروزی و شکست ملت‌ها هویت ملت‌ها را نشان می‌دهد، ملت‌هایی که از یک رهبری خردمند برخوردارند، ملت‌هایی که روح حماسی دارند، ملت‌های شجاع، ملت‌هایی که جوان‌هایشان از جنگ نمی‌هراسند و پیرانشان صبورانه فرزندان‌شان را به جبهه‌ها می‌فرستند، ملت‌هایی که سلطه‌ناپذیرند و زیر بار زور نمی‌روند. من از آقای کریم نصر و از همه عزیزانی که در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشتند، خواهشمندم آنچه را که در سینه‌هایمان داریم به زبان بیابوریم و برای نسل آینده ثبت نماییم.

دستیار و مشاور فرماندهی معظم کل قوا گفت: تاریخ شفاهی فرماندهان برای ساختن نسل جوان بسیار پر اهمیت است، فداکاری‌ها، شهادت‌ها، فکر و تجربه و شجاعت‌ها را باید گفت و به گوش جوان‌ها رساند.

به گزارش مهر، مراسم آیین رونمایی از کتاب دوجلدی «به ارون رسیدیم» خاطرات جانباز کریم نصر اصفهانی فرمانده تیپ قمر بنی‌هاشم (ع) در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس رونمایی شد.

در این مراسم سرلشکر پاسدار دکتر یحیی (رحیم) صفوی دستیار و مشاور فرماندهی معظم کل قوا و رئیس پژوهشگاه شهید سلیمانی، سردار احمد غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا در دوران دفاع مقدس، سردار اسماعیل کوثری، سردار زهدی فرمانده توپخانه سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس، سردار کریم نصر اصفهانی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم (ع) در دوران دفاع مقدس، سردار اشتری فرمانده سابق نیروی انتظامی، سردار شمشری از فرماندهان قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) در دوران دفاع مقدس، سردار جواد استیکی معاون عملیات قرارگاه سیدالشهدا (ع) در دوران دفاع مقدس، سردار رستگار پناه از فرماندهان کردستان در دوران دفاع مقدس و سردار علی محمد نائینی مشاور فرماندهی کل سپاه و رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و فرماندهان یگان‌های ۱۴ امام حسین (ع)، ۸ نجف اشرف و ۴۴ قمر بنی‌هاشم از استان‌های اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد حضور داشتند.

سرلشکر پاسدار صفوی در این مراسم گفت: آن روزها، چند جوان آمدند و گفتند ما می‌خواهیم پاسدار شویم، آن جوان‌ها آقایان علیرضا تمیزی، مسیح توانگردی، سید علی بنی لوحی بودند. همان روزها آقای کریم نصر هم آمد و به ما ملحق شد.

وی افزود: با شروع غائله در کردستان ما به آنجا عازم شدیم. آقای کریم نصر قبل از اینکه برود در کردستان بجنگد چند ماهی در سیستان و بلوچستان جنگید، جنگ چه در کردستان و چه در سیستان و بلوچستان خیلی سخت بود. بعد از جنگ کردستان هم هشت سال دفاع مقدس شروع شد.

دستیار و مشاور فرماندهی معظم کل قوا در ادامه سخنان خود گفت: سردار کریم نصر یک فرمانده شجاع بود و بارها زخمی شد. خیبر این‌گونه جانباز شد. جنگ شجاعت

توسط انتشارات خط مقدم؛

## سفارش حاج قاسم به چاپ چهارم رسید

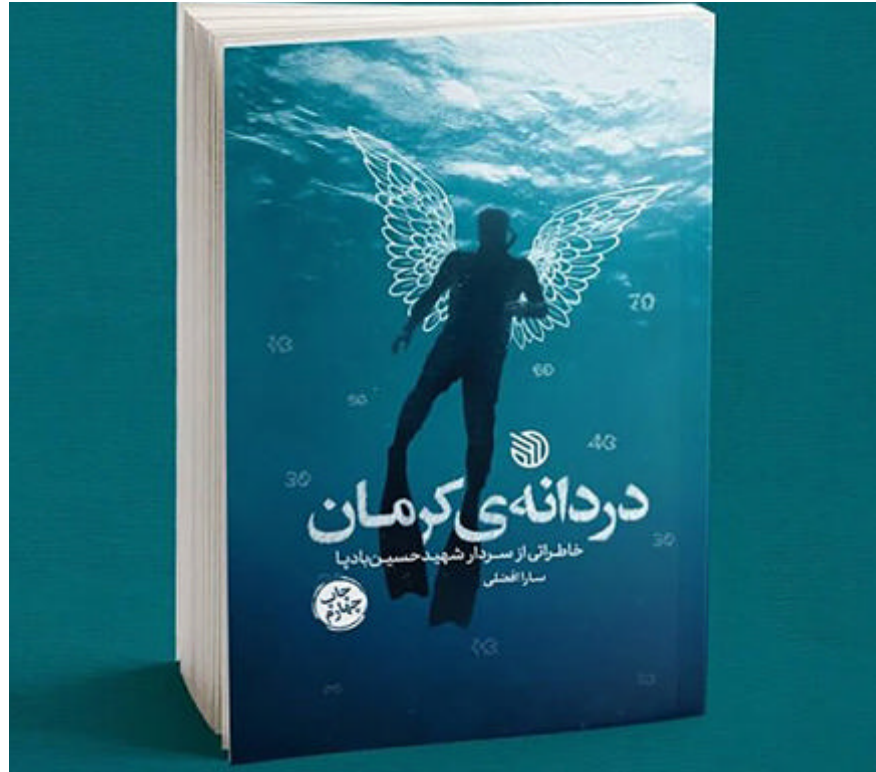
شب، زمانی که در حال حرکت بودیم مدام تذکر می داد که وقتی به منطقه رسیدیم مراقب باشید مالی از مردم ضایع نشود، خانه ای خراب نشود، عشایری در مسیر هستند، نکند گاو و گوسفندی از آنها تلف شوند، بچه ای نترسد، گفتم چشم حاجی

وارد منطقه شدیم، جایی که می خواستیم پس بگیریم را با شهامت و سیاست حاجی گرفتیم. قرار بود نیروهایی برای کمک به ما برسند اما نرسیدند و به اجبار در منطقه ماندیم. پشت یکی از خانه ها فضایی بود که پناه گرفتیم، نیروهای کمکی زمانی آمدند که هواروشن شده و دشمن بر ما مسلط شده بود. تعداد زیادی از ماشین هایی که برای کمک آمده بودند مورد هدف قرار گرفتند و تعداد زیادی از نیروها به شهادت رسیدند. تعداد کمی خودشان را به پشت دیواری رساندند. شهید بادپا اشاره کرد که خیلی از بچه ها زخمی شده اند اینها را به عقب ببر، گفتم خطرناک است، دشمن می زند، گفت هیچ طوری نمی شود افوض امری الی الله، به خدا بسپار طوری نمی شود.

چند تاز بچه ها کمک کردند مجروح ها را سوار کردیم و با یک ماشین از مجروح ها به سمت عقب رفتیم، برای برگشت به خط به یکی از نیروها گفتم پشت فرمان بنشینند تا سمت حاجی برویم، در مسیر مدام دشمن می زد، طوری که نمی توانستیم حرکت کنیم، از پشت بی سیم هر چه حاجی اصرار می کرد، بیا، می گفتم حاجی می زنند، دوباره گفت چیزی نمی شود، بیا افوض امری الی الله بگو، رسیدم پیش حاجی، گفت این گردان از بچه های من نیستند حرفم را گوش نمی دهند، جواب دادم از گردان من هم نیستند حرفم را گوش نمی دهند. گفت بگو بروند اگر روند کشته می شوند. همین کار را کردم، تعدادی گوش کردند و تعدادی پشت دیوار خانه ای ماندند، حاجی هم رو به روی من ایستاده بود. همینطور داشتیم برای نیروها استدلال می آوردم که این خانه را دشمن به راحتی می گیرد، باید برگردید گلوله ای به پهلویم خورد و افتادم. حاجی بی سیم زد و گفت اگر سید ابراهیم را دوست دارید نفربر بفرستید یک نفربر آمد اما نتوانست کاری کند، نفربر دیگری آمد. دشمن هم همینطور جلو می آمد. حاجی کمکم کرد که توی نفربر قرار بگیرم، گفتم حاجی انگشت هایم کار می کند بگذار بمانم، گفت اتفاقاً خوشحالم اینطور شدی، می روی پیش خانواده و فرزندان که دارد به دنیا می آید.

خود حاجی کمک کرد سوار نفربر شوم، سوار که شدم دیدم همه افتادند. حاج حسین و دوستانی که گفتم سنگر بگیرید روی زمین افتادند، هر چه گفتم حاجی دستت را توی دستم بگذار و بلند شو کاری نکرد. وقتی هم که تیر خورد و روی زمین افتاد هیچ حرفی نزد و از کسی کمک نخواست. هر چه گفتم یک «یا علی» بگو فقط نتوانست بنشیند. من یک تیر دیگر خوردم و داخل نفربر افتادم وقتی دستم از دستش جدا می شد حس کردم خودش با انگشت شصت دستش را جدا کرد. نفربر حرکت کرد و حاجی ماند.

چاپ چهارم این کتاب با ۵۸۸ صفحه با قیمت ۹۵ هزار تومان عرضه شده است.



به شهادت رسید. کتاب «دردانه کرمان» از کودکی شهید شروع می شود، به روایات همسر و فرزندان، روایات دفاع مقدس و روایات سوریه می رسد.

در بخشی از این کتاب می خوانیم:

دیشب، نیمه های شب، گلزار شهدا بودم. سر قبر یوسف الهی (که گفته بود تو شهید نمی شوم) نشسته بودم. تو حال و هوای خودم بودم. زیارت عاشورا میخوندم، دیدم صدای پا میاد توجه نکردم، صدای پا نزدیک شد. آرام دست گذاشت روی شانه ام. سر بلند کردم. سردار سلیمانی بود. گفت «حسین، چطوری؟! آماده ای بری سوریه؟» گفتم «من خیلی وقته آماده ام» گفت پس کارها رو بکن، به روز گذشت که بهم خبر دادند برای رفتن آماده باشم.

شهید مصطفی صدرزاده درباره نحوه شهادت حسین بادپا گفته است: «شب اول ماه رجب بود که وارد منطقه شدیم، به حاج حسین گفتم منطقه سخت است، می خواهیم از کوه بالا برویم، شما با گردان های دیگر برو، گفت می خواهیم با شما باشم. این از نشانه های مومن است که خودش را در زحمت می اندازد تا دیگران راحت باشند، گفت تا آنجایی می آیم که زحمت و خطرش بیشتر است، اواسط شب از من خواست گردان را نگه دارم و شروع به خواندن نماز شب کرد، در مسیر سنگلاخی کوهستانی به زیبایی نماز شبش را خواند.

در بهترین لحظات اول ماه رجب بعد از خواندن نماز

کتاب «دردانه کرمان» نوشته سارا افضلی توسط انتشارات خط مقدم به چاپ چهارم رسید. این کتاب زندگینامه سردار شهید حسین بادپاست که به سفارش شهید حاج قاسم سلیمانی نوشته شد.

به گزارش مهر، کتاب «دردانه کرمان» نوشته سارا افضلی به تازگی توسط انتشارات خط مقدم به چاپ چهارم رسیده است. این کتاب زندگینامه سردار شهید حسین بادپاست که به سفارش شهید حاج قاسم سلیمانی نوشته شده است.

حسین بادپا در رفسنجان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را سپری کرد. با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ فعالیت خود را در پایگاه بسیج شروع کرد. در ۱۵ سالگی عازم جبهه های نبرد شد. در آنجا مسوول محور شناسایی، فرماندهی گروهان یا معاون گردان بود. او یکی از نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله بود و بارها مجروح شد و حتی یکی از چشمانش را هم از دست داد. پس از پایان جنگ ایران و عراق، در مأموریت های جنوب شرق لشکر ۴۱ ثارالله، در مبارزه با عناصر ضد انقلاب و اشرار در سال ۱۳۷۰ پیشتاز نبرد بود، با آغاز درگیری های بین نیروهای مقاومت و تکفیری ها در سوریه، به عنوان نیروی مستشاری و داوطلبانه عازم سوریه شد و بارها با مجروحیت به ایران بازگشت، اما هر بار بدون اینکه منتظر بهبود کامل بماند، به سوریه برگشت تا کار ناتمامش را تمام کند. سرانجام در ۳۱ فروردین ۱۳۹۴، طی عملیاتی در منطقه بصری الحریر در استان در عادر سوریه



## سردار نایینی مطرح کرد؛

# امام خمینی بین عاشورا، انقلاب و دفاع مقدس پیوستگی به وجود آورد

رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس گفت: نقش اول و تعیین کننده در جنگ را امام راحل داشت که بین عاشورا، انقلاب و دفاع مقدس پیوستگی به وجود آورد. به گزارش مهر، آئین رونمایی از کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در قرارگاه قدس در دوران دفاع مقدس امروز سه‌شنبه ۸ اسفند با حضور سردار علی محمد نایینی رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و مشاور فرمانده سپاه پاسداران، حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، پژوهشگران و راویان دفاع مقدس در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس رونمایی شد. سردار نایینی در ابتدای این مراسم گفت: اسفند، ماه شهدا و سرداران شهید است. اول اسفند سالروز شهادت شهید محلاتی نماینده حضرت امام خمینی رضوان الله علیه در سپاه و روز روحانیت و دفاع مقدس است. فرماندهان و سرداران شهید صاحب نامی چون محمدابراهیم همت، مهدی و حمید باکری، عباس کریمی، اسماعیل دقایقی، کاظم رستگار، یدالله کلهر و عبدالحسین برونسی از جمله سرداران شهید اسفندنامه هستند. وی افزود: هشتم اسفند سالروز شهادت شهید حاج حسین خرازی است. رحمت و رضوان الهی بر همه این شهیدان به ویژه شهیدان محلاتی نماینده حضرت امام راحل در سپاه در دوران دفاع مقدس و حجت الاسلام عبدالله میثمی مسؤول نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) که این شهیدان حاضر و ناظر بر این جلسه هستند. یاد و خاطره عالم مجاهد تازه رجعت کرده عزیزمان حضرت آیت الله عبدالنبی نمازی (رحمت الله علیه) گرامی باد.

رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در ادامه سخنان خود گفت: تاریخ نگاری گذشته نگری نیست، ماندن در زمان نیست، محدود به تکمیل گنجینه و اسناد جنگ نیست. فلسفه اصلی تاریخ شفاهی در مرکز پاسداشت هویت پاسداری است. بخشی از این پاسداشت مرزبانی تاریخی، تبیین و جلوگیری از تحریف و فراموشی است. یک بخش تولید دانش و انتقال تجربه از دفاع مقدس است. بخش دیگر تولید روایت معتبر و مستند است. بخش اصلی ماجرا حفظ، تکمیل و انتقال هویت پاسداری و جلوگیری از فاصله نسلی است. اینکار ادامه پاسداری از انقلاب اسلامی است. دفاع مقدس یک هویت داشت که آن را از همه جنگ‌ها متمایز ساخت. دلایل ایستادگی و مقاومت در دفاع مقدس مربوط به عناصر هویتی آن است. سردار نایینی گفت: روش طرح ریزی، هدایت، سازماندهی و فرماندهی در دفاع مقدس درس آموز و بسیار اهمیت دارد ولی مهم شکل گیری یک فرهنگ در دفاع مقدس است. باید دید این فرهنگ دفاع مقدس چگونه شکل گرفت که در پرتو آن انسان‌ها برانگیخته شدند و به میدان آمدند و حماسه‌ها آفریدند. خداوند یک انرژی در افراد قرار داد که تحولات جنگ با اسلام و انقلاب پیوند خورد و سرعت گرفت. هیچکس خودش را نمی‌دید. هم اخلاص بود و هم کارها خوب پیش می‌رفت. برای افراد شب و روز مطرح نبود. باید دید، با چه ساز و کاری استعداد انسان‌ها در دوران دفاع مقدس شکوفا می‌شد. نقش و جایگاه عوامل فرهنگی

معنوی چقدر بود.

وی ادامه داد: در دوران دفاع مقدس، رهبری امام (ره) در همه جا امتداد داشت. به همه جمعیت سرازیر می‌شد، یک رزمنده در خط مقدم و یک پیرزن روستایی پشتیبانی کننده از آن رزمنده یک حس داشتند. همه انرژی‌ها در خدمت امام و انقلاب بود کسی خودش را نمی‌دید. در دوران دفاع مقدس با گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی یک هویت شکل گرفت و این هویت به هویت ملی تبدیل شد. در شرایط فقدان بازدارندگی دفاعی و ثبات سیاسی، دشمن را با همه حمایت‌های جهانی و منطقه‌ای در اهداف و محاسباتش شکست دادند. اندیشه دفاعی حضرت امام راحل ارزش‌ها و باورهای دینی، فرهنگ عاشورا، خودباوری، رهبری و ولایت الهی، ولایت مداری، معنویت، روحیه ملی، اخلاص، توکل و نصرت الهی، بسیج مردمی، تسلیم ناپذیری در برابر خواسته‌های دشمن، عناصر تشکیل دهنده این هویت در دفاع مقدس بودند.

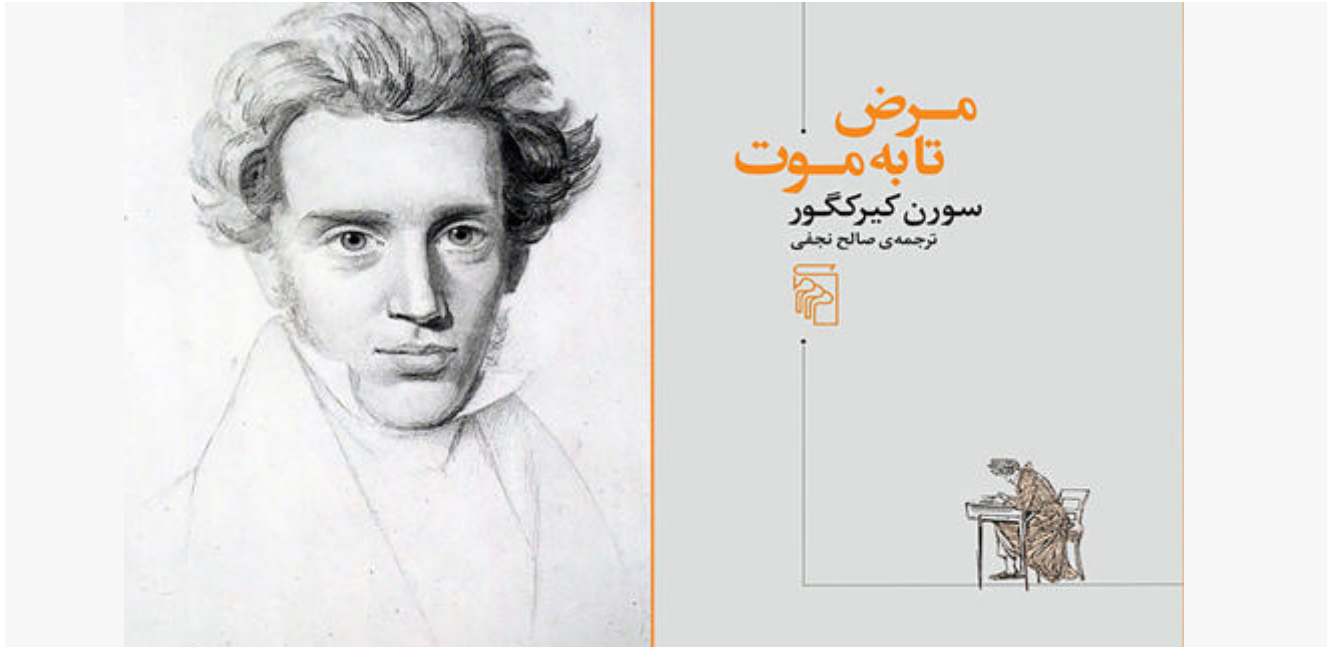
مشاور فرمانده سپاه پاسداران گفت: مقام معظم رهبری بیش از هر چیز بر حفظ هویت پاسداری تاکید دارند. معظم له فرموده است: «هویت سپاه، هویت پاسداری است، پاسداری نگه داشتن و حفظ کردن این هویت است. این حفظ کردن را می‌توان با یک تفسیر محافظه کارانه معنا کرد. یعنی بگوییم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم، می‌فرمایند؛ من این را نمی‌گویم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست، انقلاب پیشرونده و پیش برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیشروندگی و پیش برندگی. پاسداری از انقلاب، به این معناست. اگر ما اینجور نگاه کردیم و مفهوم پاسداری را اینجور فهمیدیم، آن وقت آن طراوت و شور و هیجانی که در حرکت پاسداری هست، مضعف خواهد شد.» رهبر معظم انقلاب در جای دیگر فرموده است: «آن هویت پاسداری، سپاه را پس از جنگ حفظ کرد، اگر دفاع مقدس نبود، سپاه هم مانند کمیته‌ها ادغام می‌شد. بنابراین کار مهم در تاریخ شفاهی فرماندهان و مدیران شاخص دفاع مقدس، چه فرماندهان عزیز در لباس نظامی و چه در لباس روحانی ادامه پاسداری از انقلاب اسلامی است.»

سردار نایینی گفت: شهید سلیمانی نگاه ویژه‌ای به دفاع مقدس داشت. از نگاه سردار دفاع مقدس قله بود؛ قله‌ای مانند دماوند، قله‌ای از نور که تماماً نور بود و نور علی نور بود. آنچه از سپاه نباید جدا شود، گذشته سپاه است که آن را به عزت، قله رفیع و خورشید عالم تاب رساند. یک نگرانی وجود دارد که در این دوره تغییر نسل‌ها، سپاه نسبت به هویت و ماهیت حقیقی خودش بیگانه شود. از آن اصول بسیار با عظمت اخلاقی که منشأ همه پیروزی‌های سپاه بود، فاصله گیرد. سپاهی که ما در آن روز دیده‌ایم و همه ما دیده‌ایم یا بخشی از ما دیده‌ایم، فرماندهان آن نوجوانان و جوانانی بوده‌اند که پشت دیوار را می‌دیدند. آنچه که ما در آینه نمی‌بینیم، آنها در خشت خام می‌دیدند. آن سپاه، میمنه و میسره و قلب آن، همت بود؛ زین‌الدین بود؛ باکری بود؛ کاظمی بود؛ علی هاشمی بود؛ حسن باقری و مجید بقایی بود؛ معلم اخلاق او شهید محلاتی و شهید میثمی بود. شهید میثمی که عباي خود را مچاله می‌کرد و در دست خود می‌گذاشت، ماشین عبوری سوار می‌شد و در اوج پانک‌ها با همان حال در خطوط درگیری

جبهه حضور پیدا می‌کرد و فرماندهان و رزمندگان را تفقد می‌کرد. سپاهی که خیلی شباهت به امام حسین (ع) داشت. وی افزود: در تاریخ شفاهی ما باید مختصات و عناصر اصلی هویت سپاه را با روایت‌های جذاب، مستند و محققانه به نسل جدید انتقال دهیم. این هویت پاسداری را اسلام و انقلاب تولید کرد. نقش اول و تعیین کننده را امام راحل داشت. ایشان به جنگ ماهیت اعتقادی داد، صدام را به عنوان کافر، آلت دست آمریکا و جنگ را به عنوان جنگ کفر و اسلام معرفی کرد. بین عاشورا، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پیوستگی به وجود آورد. امام روحیه ملی را مدیریت کرد، شوک اولیه ناشی از تهاجم سراسری را مهار کرد و در همان روزهای اول جنگ، تکلیف پیروز جنگ را مشخص کرد و فرمود: «اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد، ما پیروز هستیم. فرهنگی را شکل دادند که چه بکشید و چه کشته شوید، پیروزید.» با همین نگرش امام مقاومت فراگیر مردمی در برابر دشمن شکل گرفت و محاسبات دشمن در هم ریخت. رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس گفت:

روحانیت در نقش‌های مختلف در دفاع مقدس، در نقش فرماندهی قرارگاه تا گردان و دسته، در نقش نمایندگان ولی فقیه و یا در نقش‌های تبلیغی عقیدتی در سپاه در حقیقت در امتداد امام (ره) بودند. در تبیین اندیشه دفاعی امام و حفظ و ارتقا روحیه ملی و رزمی و مقابله با عملیات روانی دشمن نقش جدی داشتند. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به واسطه رسالت تحقیقاتی خود به خصوص در دوره تحول و توسعه در سال‌های اخیر نسبت به نقش برجسته روحانیت در دفاع مقدس و مجاهدت‌های آنان در پاسداری از انقلاب اسلامی اهتمام داشته است. کتاب چهار شهید محراب: آیت‌الله اشرفی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی را در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسانده است. با بهره گیری از گنجینه اسنادی مرکز سه اثر جدید در مورد شهیدان محلاتی، میثمی و رسانی پور در حال نگارش است. سردار نایینی گفت: این نهاد یک مجموعه هفت جلدی تحت عنوان امام خمینی و دفاع مقدس در دست اقدام دارد. طرح پژوهش جامع و جدیدی با نگاه به نقش رهبری و فرماندهی امام خمینی (ره) با توجه به تاکید نماینده محترم ولی فقیه در سپاه در دست اقدام است. در گروه پژوهشی تاریخ شفاهی، کتاب تاریخ شفاهی حجت الاسلام غلامحسین بشردوست فرمانده قرارگاه کربلا در دوران دفاع مقدس، حجت الاسلام محمد نیازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح در مرکز چاپ شده است. امروز هم کتاب تاریخ شفاهی حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی مسؤول نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه قدس در دوران دفاع مقدس رونمایی می‌شود. وی افزود: کتاب تاریخ شفاهی حجت الاسلام داوود محقق مسؤول نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه کربلا، عبدالهادی برهان مسؤول نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه نجف، احمد سالک فرمانده بسیج مستضعفین در مقطع اولیه بسیج و مرتضی وارثی معاون فرهنگی قرارگاه کربلا، علی شیرازی معاون تبلیغات لشکر ۴۱ ثارالله در دوران دفاع مقدس و حجت الاسلام زین العابدین احمدی یکی از فرماندهان توپخانه سپاه در حال تدوین و ویراستاری می‌باشد.

## کتاب «مرض تا به موت» راهی بازار نشر شد



و به پرنده‌هایی چون مرغ عشق می‌مانند که اگر دمی تنها شوند و مدتی تنها مانند درجا جان به جان آفرین تسلیم می‌کنند. همانطور که برای خواباندن بچه‌های خردسال باید لالایی خواند، اینان به نغمه‌های آرام‌بخش و تخدیرکننده زندگی جمعی نیاز دارند تا بتوانند بخورند و بیاشامند، نماز بخوانند و عاشق بشوند و هر کار دیگری. فقط در قرون وسطی نبود که آدمیان از این نیاز به خلوت‌داشتن آگاهی داشتند. در عصر باستان هم مردمان برای معنای خلوت‌داشتن حرمت قایل بودند. در فضای جامعه‌گرایی بی‌منتهای روزگار ما آدم‌ها چنان از خلوت و تنهایی گریزانند که کاربردی برای آن به جز تنبیه و مجازات قانون‌شکنان نمی‌شناسند (آخ! چه لطیفه نغزی): خلوت سلول‌های انفرادی، اما راست همین است؛ در روزگار ما روح‌داشتن به‌راستی جرم است و در نتیجه کاملاً منطقی است که در این زمانه انسان‌هایی که دل‌باخته خلوت و تنهایی‌اند در زمره مجرمان و جانپان جای گیرند. شخص مایوس تودار، امیدباخته‌ای که راز دل با کسی در میان نمی‌گذارد، ساعت به ساعت می‌زید، در ساعت‌هایی که هرچند ممکن است زندگی او در هوای ابدیت نگذرد به هر روی با وجه ابدی وجود او رابطه دارند چراکه او دلمشغول رابطه خود خویش با خودش است. اما راستش او از این حد بر نمی‌گذرد. به اینجا که می‌رسد، ذوق خلوت و اشتیاق تنهایی‌اش که فرو می‌نشیند، آنگاه گویی از خویش برون می‌آید - حتی هنگامی که به درون خانه می‌رود و پیش همسر و خانواده می‌نشیند یا هنگامی که سرش را با کاروبار ایشان گرم می‌کند. گذشته از نیک‌سیرتی و وظیفه‌شناسی، آنچه او را شوهری چنین نرم‌خوی و پدری چنان دلسوز می‌گرداند اعترافی است که درباره ضعف خویش نزد خویش کرده است. در کنج خلوت باطن خویش، در نهانخانه توداری خویش.

این‌مهم هم از مسیر پاسخگویی مستقیم به خداوند حاصل می‌شود. اگر انسان بتواند خود حقیقی‌اش را کشف کند، به کمال مطلوب و آن‌هدف حیات ابدی رسیده است. کیرکگور با این‌اسم مستعار و کتاب مورد اشاره، در پی پاسخ به این‌سوال بوده که چرا انسان‌ها در رسیدن به این‌هدف ناتوان‌اند. فردیت و خودآگاهی دوکلیدواژه مهمی هستند که فیلسوف دانمارکی در این‌رساله به آن‌ها پرداخته است.

بدنه اصلی رساله کیرکگور ۲ بخش دارد که عبارت‌اند از «مرض تا به موت یاس است» و «یاس گناه است». بخش اول، دربرگیرنده ۳ فصل است که به‌ترتیب عبارت‌اند از: (A) اینکه یاس مرض تا به موت است، (B) همگانی بودن این مرض (یاس)، (C) صورت‌های این مرض (یاس).

دومین بخش کتاب هم خود شامل دو فصل «A» یاس گناه است» و «B» استمرار گناه» است. اما نسخه پیش رو از این کتاب ۷۷ صفحه پیش‌پرده دارد که شامل «یادداشت مترجم»، «مقدمه والتر لوری بر ترجمه مرض تا به موت»، «مقدمه تاریخی هاوارد وی‌هانگ و ادنا اچ‌هانگ» و «مقدمه الستر هنی بر مرض تا به موت» می‌شود و تازه پس از این مطالب است که «دیباجه» و «مقدمه» خود کیرکگور قرار دارد. او، این‌رساله خود را با این‌کتبیه به‌زبان آلمانی آغاز کرده است:

«خداوندا، دیدگانی کم‌سومان بخش

از برای چیزهای بی‌قدر

و دیدگانی پرنور

در فراخنای حقیقت خویش.»

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

هیچ کارهای روددراز و مجلس گرم‌کن‌های پرچانه هیچ‌گاه احساس نیاز به خلوت‌داشتن نمی‌کنند

کتاب «مرض تا به موت» نوشته سورن کیرکگور با ترجمه صالح نجفی توسط نشر مرکز منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش مهر، کتاب «مرض تا به موت؛ شرحی روان‌شناختی از منظر مسیحی به قصد علوبخشیدن و بیدار کردن» نوشته سورن کیرکگور به‌تازگی با ترجمه صالح نجفی توسط نشر مرکز منتشر و راهی بازار نشر شده است.

کیرکگور فیلسوف موحد دانمارکی است که دغدغه و چالش اصلی‌اش مساله ایمان بوده و در پی این‌درگیری درونی کتاب «ترس و لرز» را درباره حضرت ابراهیم (ع) و مساله قربانی کردن اسماعیل (به بیان کیرکگور اسحاق) نوشت. نشر مرکز تاکنون کتاب‌های «با این یا آن» (دوجلدی)، «مفهوم آبرونی؛ با ارجاع مدام به سقراط»، «مفهوم اضطراب» و «تکرار؛ جستاری در روان‌شناسی تجربی» را با ترجمه صالح نجفی از این فیلسوف چاپ کرده است.

فیلسوف مضطرب دانمارکی رساله «مرض تا به موت» را برای تعالی دادن به روح مخاطبش و بیدار کردن او نوشته است. او این کتاب را با نام مستعار «آنتی کلیماکوس» نوشت و در آن گفت بزرگ‌ترین خطری که انسان را تهدید می‌کند، خود اوست چون چنان در دنیا گم می‌شود که گویی اتفاقی نیفتاده و همه چیز عادی است. کیرکگور می‌گوید چیزهای دیگر وقتی از بین بروند، رد و نشانی از خود به جا می‌گذارند اما آدمی وقتی در این دنیا گم می‌شود، طوری گم می‌شود که ردی از خود به جا نمی‌گذارد.

«آنتی کلیماکوس» در مقام نویسنده کتاب «مرض تا به موت»، یک‌مسیحی معتقد و موحد است و باور دارد غایت انسان در جهان، رسیدن به حیات ابدی است.



## کتاب‌هایی که امسال مورد توجه رهبر انقلاب قرار گرفتند

ترسیم اندیشه و سلوک یک جوان مؤمن انقلابی می‌پردازد. سرلوحه این دفتر، حکمت‌های جاودانه قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) است که دو امانت پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در میان امت اسلامی است و آغاز هر دفتر، سرمشق‌های حکیمانه بنیانگذار انقلاب اسلامی است که بی‌نام او این انقلاب در هیچ جای دنیا شناخته شده نیست و بدون نقشه راه او استمرار و تکامل انقلاب تحقق نخواهد یافت.

رهنامه عرصه گسترده‌ای از موضوعات گوناگون را در بر می‌گیرد که در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی جوانان مورد نیاز است و می‌تواند شاکله فکری و رفتاری آنان را ترسیم کند. این موضوعات از درنگ در موقعیت و ظرفیت‌های یک جوان مومن و اندیشه‌ورز آغاز می‌شود و در سیری منطقی به ساحت‌های اعتقادی، اجتماعی، سبک‌زندگی، مباحث تربیتی و اخلاقی، سیاسی و انقلابی در لایه‌ها و سطوح مورد نیاز می‌پردازد و در نهایت به نقطه اوج و آرمان همه مجاهدت‌ها می‌رسد و بر آن است که در ترسیم طرح‌های کلی از اندیشه نظری و علمی انقلاب، فرایند تعالی و صیوریت علمی و عینی مخاطب خود را تسهیل و تسریع سازد.

### «خاتون و قوماندان»

کتاب حاضر که به قلم مریم قربان‌زاده نوشته شده، داستان زندگی شهید علیرضا توسلی معروف به (ابوحامد) فرمانده لشکر فاطمیون را از زبان همسر وی، ام‌البین حسینی، روایت می‌کند.

شهید علیرضا توسلی معروف به ابوحامد اول مهر ماه سال ۱۳۴۱ در افغانستان به دنیا آمد و ۹ اسفند ۱۳۹۳ در سوریه، در شهر درعا شهید شد. او از فرماندهان و بنیانگذاران لشکر فاطمیون بود و تمام زندگی‌اش را رزمند بود و در جبهه‌ها جنگید. با شروع جنگ ایران و عراق به کردستان رفته و بیش از یک سال در آن منطقه حضور داشت. وقتی جنگ ایران و عراق به پایان رسید، برای جنگ با ارتش شوروی به افغانستان رفت و دوباره در سال ۷۴، زمانی که نیروهای طالبان در افغانستان روی کار آمده بودند، دوباره به افغانستان رفت. در این میان با ام‌البین ازدواج کرد. این ازدواج یک پسر به نام حامد و دو دختر برای آن‌ها به امغان آورد.

وقتی بحران سوریه، آغاز شد، او در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ راهی سوریه شد و یک سال بعد در نبرد با جبهه النصره شهید شد. آرامگاه او در مشهد است.

قربان‌زاده، نویسنده این اثر، کوشیده با نثری ساده و شیرین، داستان زندگی فرمانده لشکر فاطمیون را از افغانستان تا ایران، از ایران تا سوریه روایت کند. او در یادداشتی گفته بود: مسرت و شادمانی‌ام را نمی‌توانم با دوستانم شریک نشوم. از دفتر حضرت آقا تماس گرفتند و پیام انگیزه‌بخش و شادی آفرین‌شان را به حقیر رساندند: حضرت آقا فرمودند سلام ایشان را به شما برسانیم و پیامشان را بگوییم: «از خواندن کتاب خاتون و قوماندان لذت بردم. چه کار خوبی کردید که این حوادث را ثبت کردید».

کتاب «خاتون و قوماندان» از سوی نشر ستاره‌ها در مشهد منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

شهید عزیز در این کتاب بیشتر بیان شده است. این چهره‌ی برجسته بیشک یک الگوست برای جوانان امروز و فردا. اراده‌ی قوی، فهم درست، روحیه‌ی ایثار، شجاعت، خستگی‌ناپذیری، ادب، دل‌انباشته از محبت و صفا، و بسی دیگر از خصوصیات برجسته، بخش‌هایی از شخصیت این جوان فداکار و انقلابی نسل‌های دوم و سوم انقلاب است. خواندن این کتاب برای من غبطه‌انگیز است. این گل‌های سرسبد به چه مقاماتی رسیدند، و من و امثال من چگونه در این مسیر، پای در گل ماندیم. سلام و صلوات خدا بر شهید مصطفی صدرزاده و همسر صبور و پدر و مادر ایثارگر او».

### «اسم تو مصطفاست»

«اسم تو مصطفاست» زندگینامه داستانی این شهید مدافع حرم به روایت همسر شهید است که به قلم راضیه تجار نوشته و توسط انتشارات روایت فتح منتشر شده است. کتاب و ادبیات، کتاب، رهبر انقلاب، راضیه تجار با قلم شیوا و زیبای خود داستان زندگی این شهید بزرگوار را از زبان همسرش نوشته است. از زمانی که مصطفی و سمیه که یکی زاده شمال و دیگری زاده جنوب بود باهم در تهران آشنا شدند و بپیمان عشق بستند تا زمانی که روح یکی آنقدر بزرگ شد تا دیگر در پوست خودش نگنجید و به معراج رفت.

متن تقریظ رهبر انقلاب بر این کتاب به شرح ذیل است: «صفا، اخلاص، صدق، ایثار، ترجیح رضای حضرت حق بر همه چیز، بر همه‌ی عشق‌ها و همه‌ی محبوبها. اراده و عزم راسخ در راه خدا و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام، نمایشگر بخشی از شخصیت ممتاز شهید عزیز مصطفی صدرزاده است. سلام خدا بر او، و بر همسر صبور و دیگر وابستگانش، نوشته خانم تجار، شیرین و پخته و مبتکرانه است.»

### «زن و خانواده» دفتر سی و چهارم مجموعه

#### رهنامه

کتاب «زن و خانواده» دفتر سی و چهارم از مجموعه ۴۰ جلدی رهنامه است که رهبر انقلاب در دیدار با بانوان به آن اشاره کردند.

این کتاب مشتمل بر ۱۰ فصل بوده که شامل بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در موضوع زن و خانواده است و دیباچه کتاب در دو بخش، حاوی آیات و روایات و بیانات حضرت امام خمینی (ره) در همان موضوع است. معظم‌له در بخشی از این دیدار که دی ماه سال ۱۴۰۲ برگزار شد، فرمودند: «دیروز یک کتابی برای من آوردند که صحبت‌هایی بود که خود بنده کرده بودم، چاپ شده بود، ندیده بودم؛ نگاه کردم دیدم خیلی از حرف‌هایی که آماده کرده بودم و می‌خواستم امروز اینجا بگویم، در آن کتاب هست و قبلاً بارها گفته شده؛ در این زمینه‌ها یاد صحبت کرده‌ام.» «رهنامه» مجموعه‌ای است شامل چهل دفتر است، که مبانی، ارزش‌ها و اصول اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را با توجه به نیازها، پرسش‌ها و چالش‌های دوران معاصر تبیین می‌کند و از خلال دیدگاه‌های اندیشمندانه و ژرف‌نگر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به

انتشار تقریظ مقام معظم رهبری بر تعدادی از کتاب‌ها سبب شد مخاطبان اقبال بیشتری به این آثار در بازار نشر نشان دهند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، فاصله گرفتن مردم از کتاب هر چند میان ایرانیان امر جدیدی نیست، اما در چند سال گذشته با وجود افزایش قیمت کتاب و پررنگ شدن مشکلات اقتصادی، بیشتر شده است. میان بسیاری از خانواده‌ها، کتاب تقریباً جایی ندارد و کودکان و نوجوانان به همراه والدین بیشترین وقت خود را صرف فضای مجازی و گشت‌وگذار در کانال‌ها و سایت‌های مختلف می‌کنند. برای برخی دیگر از مردم نیز کتاب خواندن مساوی است با وقت اضافه داشتن، باور غلط بر این است که کتاب خواندن، فراغتی می‌خواهد و گوشه‌دنجی. با این حال تعطیلات عید نوروز فرصتی بی‌نظیر برای علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی است تا با تکاندن قفسه‌های کتابخانه فرصتی برای مطالعه فراهم کنند. این گزارش پیشنهاد مطالعه کتاب‌هایی است که در سال ۱۴۰۲ مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته و توانسته‌اند در بازار کتاب، نظر مخاطبان را به خود جلب کنند.

### «سرباز روز نهم»

کتاب «سرباز روز نهم» روایتی از زندگی و زمانه شهید مصطفی صدرزاده که توسط انتشارات راه‌یار منتشر شده است.

«سرباز روز نهم» نهم حاصل زندگی مجاهدانه و خستگی‌ناپذیر شخصی است که می‌تواند در دوره حاضر، بی‌شک الگویی دست‌یافتنی باشد. او که از سال ۱۳۹۲ با ده‌ها ترندن پایش را به سوریه باز می‌کند، طرف دو سال از چهره‌های محبوب و مؤثر مدافعان حرم می‌شود تا جایی که سردار شهید سلیمانی را به تمجید وامی‌دارد. کتاب «سرباز روز نهم» روایتی از زندگی و زمانه شهید مدافع حرم مصطفی صدرزاده که پژوهش و مصاحبه آن برعهده محمدمهدی رحیمی، پریسا وزیرلو، فرزانه مردی و تدوین آن برعهده نوید نوروزی و پریسا وزیرلو بوده و بازنویسی کتاب توسط نعیمه منتظری انجام شده است. استفاده از صوت‌های متعدد شهید که در موقعیت‌های مختلف ثبت شده نیز از ویژگی‌های این کتاب به‌شمار می‌رود؛ از سخنرانی شهید قبل از عملیات‌ها گرفته تا زمانی که برای دوستانش خاطره می‌گفته است.

همچنین مصاحبه با برخی فرماندهان ایرانی جبهه مقاومت که شاید برای اولین و آخرین بار فرصت گفت‌وگو با ایشان فراهم شد نیز از جمله مطالب خاص کتاب حاضر باشد. در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: کتاب پیش‌رو حاصل زندگی مجاهدانه و خستگی‌ناپذیر شخصی است که می‌تواند در دوره حاضر، بی‌شک الگویی دست‌یافتنی باشد. او که از سال ۱۳۹۲ با ده‌ها ترندن پایش را به سوریه باز می‌کند، طرف دو سال از چهره‌های محبوب و مؤثر مدافعان حرم می‌شود تا جایی که سردار شهید سلیمانی را به تمجید وامی‌دارد.

متن تقریظ رهبر انقلاب اسلامی بر کتاب «سرباز روز نهم» به شرح زیر است: «بسم‌تعالی

پیش از این کتاب دیگری در شرح حال شهید صدرزاده خوانده‌ام، ولی ابعاد شخصیت محبوب و چندجانبه‌ی این

# ایران؛ قبرستان ماشین آلات دست دوم چاپ

رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ با انتقاد از ناوگان فرسوده چاپ گفت: ایران به قبرستان ماشین آلات دست دوم تبدیل شده است و هر چه ما فعالان صنف همدار می‌دهیم در حکم فریاد زیر آب است و به گوش مسئولان نمی‌رسد. بابک عابدین، رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ، در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم با اشاره به وضعیت صنعت چاپ در سالی که گذشت، گفت: صنعت چاپ همچنان وضعیت بغرنجی را هم در داخل و هم در بخش صادرات سپری می‌کند.

وی با در خطر خواندن حیات صادرات صنعت چاپ گفت: صادرات صنعت چاپ بر اساس آمارها در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است، برای نمونه تنها یک واحد چاپی که اقدام به صادرات بالای ۲۰ میلیون دلار در سال ۱۴۰۱ کرده بود، در سال ۱۴۰۲ اصلاً به سمت صادرات نرفته است.

عابدین تصریح کرد: با چاپخانه‌های دیگر که ۲۰ میلیون دلار صادرات داشته در سال ۱۴۰۲ صادرات خود را به ۶ میلیون دلار کاهش داده که این دو مورد گواه روند کاهشی و حضور نزولی مادر بازارهای صادراتی کالای مستقیم بسته‌بندی است. رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ با اشاره به دلایل این کاهش در بازار صادرات صنعت چاپ گفت: یکی از مهمترین دلایل این کاهش، دور شدن تعرفه‌های گمرکی ارز حاصل از صادرات از استانداردهایی است که باید داشته باشد. برای نمونه ما در بازگشت ارز حاصل از صادرات با برخی پیچیدگی‌های فنی و تکنیکی مواجه هستیم، نرخ‌های صادراتی که در سیستم‌ها اعمال می‌شود، با نرخ قراردادهای فروش متفاوت است.

وی تاکید کرد در اتحادیه به تلاش کردیم، در این زمینه چند مساله را برطرف کنیم، اما همچنان برخی مشکلات پابرجاست، به عنوان مثال برای فروش فیلم بسته‌بندی پلیمری ۲۰ میکرون در سیستم اقتصاد دارایی، نرخ کیلویی ۳ یورو محاسبه شده است، اما صادر کننده ما با توجه به نرخ تمام شده ۲ یورو و ۵۰ سنت، صادرات را انجام داده است، در بازگشت ارز باید از جیب خود ۵۰ سنت برای هر کیلو بگذارد، به این شیوه با توجه به خوداظهاری واردکننده، معافیت صادراتی‌اش نیز از بین می‌رود، جریمه می‌شود و در برگشت ارز حاصل از صادرات برایش مشکلاتی پیش می‌آید. عابدین با بیان این مطلب که نرخ‌های تعیین شده در ارز حاصل از صادرات با نرخ استاندارد که وجود دارد، مطابقت نمی‌کند، گفت: در بازار آزاد عرضه و تقاضا نرخ را تعیین می‌کند؛ نه نرخ که امسال در سامانه برای کل سال تعیین کردند، کالاهای مصرفی در صنعت چاپ مثل کاغذ، مقوا، فیلم‌های بسته‌بندی، کاغذهای کرافت و... نرخ شناور دارند، چون کالای بورسی هستند و نرخ در طول سال بالا و پایین می‌شود.

## تحلیل هزینه به دلیل تخلیه و بارگیری مجدد

این مقام صنفی با اشاره به راهکار این مساله گفت: براساس نظرات کارشناسی برای رفع مشکل یاد شده یا باید برای این نرخ بازه در نظر بگیرند و یا با واردکننده‌ای که سال‌هاست فعالیت می‌کند، در یک راستی آزمایی حداقل را در نظر بگیرند، واردکننده ممکن است با توجه به بازار رقابت بخواهد با سود ۵ درصد وارد بازار شود به همین دلیل نباید راه رقابت را برای این

صادرکننده با قوانین دست و پاگیر ببندیم.

به گفته عابدین براساس قوانین تجاری نرخ تعیینی را عرضه و تقاضا مشخص می‌کند نه نرخ تحمیلی مصوب که در کمیسیون برای کالایی در نظر گرفته شده است. اگر ما بخواهیم همه با یک نرخ فعالیت کنند، کل بازار صادراتی را از دست خواهیم داد. وی با اشاره به دیگر کشورها در بازار صادراتی صنعت چاپ گفت: اکنون ترکیه با ۱۰ سنت پایین‌تر، پاکستان و هند با ۲۰ سنت پایین‌تر بازارها را از دست ما در آورده‌اند، ما حتی بازارهای عراق و افغانستان را نیز ممکن است به همین دلایل از دست بدهیم. این یکی از چالش‌هاست و چالش‌های دیگری هم داریم، چالش‌هایی در بحث لجستیک کار. برای نمونه طبق قانون همه کالاهای صادراتی باید قبل از خروج از مرز تخلیه و بازرسی دوباره شود، این در حالی است که طبق قانون کانتینرها پس از بارگیری داخل کارخانه‌ها توسط نهادهای ذیربط پلمب می‌شود.

عابدین درباره مشکل ایجاد شده افزود: این تخلیه و بارگیری مجدد هم به لحاظ زمان تحویل بار ما را با مشکل مواجه می‌کند و نزد طرف خارجی بی‌اعتبار می‌شویم هم احتمال مخدوش شدن و از بین رفتن کالاها بالاست و البته هزینه‌های هم به قیمت تمام شده کالاهای تحمیلی می‌کند. متأسفانه ما داخل کشور و در مرز اسکن‌رهای (ایکس‌ری) که می‌توانند داخل کانتینرها را ارزیابی کنند، نداریم و به همین دلیل در اغلب موارد ما در تعهداتمان طبق قرارداد به مشکل برمی‌خوریم.

## آلاینده‌هایی که بالای جان صادرکننده شده‌اند

وی تصریح کرد: مسائل دیگری هم وجود دارد که به بحث خودتحریمی مرتبط است، بازارهای صادراتی استانداردها و معیارهای خود را برای خرید یک کالای خارجی دارند، مثلاً در استاندارد یورو سبز کالا می‌خرند که بر طبق آن در مقوای بسته‌بندی کالا، آلاینده میکروبی زیر ۲ در میلیون باید باشد. این در حالی است که در کالای تولید شده بسته‌بندی ما در ایران برای نمونه ۵ در میلیون یا ۱۰ در میلیون آلاینده وجود دارد؛ این موجب می‌شود نه تنها بسته‌بندی ما رد شود، بلکه کالایی که در این بسته‌بندی عرضه شده نیز بازگشت داده شود.

عابدین در بخش دیگری از سخنان خود به فرسودگی ناوگان صنعت چاپ در ایران اشاره کرد و گفت: ایران به قبرستان ماشین‌آلات دست دوم چاپ تبدیل شده است، بخش خصوصی مادر صنعت چاپ افراد زحمت‌کشی هستند که شرایط را به جان می‌خرند، در دو سال اخیر تعدادی از فعالان صنعت چاپ هر چه داشتند را سرمایه‌گذاری کرده‌ام و گرفتند و با دلار نرخ ۶۰ هزار تومان اقدام به واردات ماشین‌آلات جدید خطوط تولید کردند، اما مگر چند واحد می‌توانند بدون تسهیلات کم بهره خطوط خود را نوسازی کنند و تجهیزات جدیدی بیاورند، کسب و کار خود را توسعه دهند و با رقابتی خارجی رقابت کنند؟

وی در پاسخ به وعده دولت مبنی بر تسهیلات کم‌بهره برای واردات ماشین‌آلات گفت: متأسفانه هنوز در این زمینه که اتفاقاً یکی از نیازهای مبرم در صنعت است به جایی نرسیده‌ایم، وزارت ارشاد تلاش زیادی می‌کند، تسهیلاتی را برای صنعت چاپ به عنوان متولی این حوزه فراهم کند، اما جواب دادن

این تلاش‌ها وابسته به همکاری بانک مرکزی و وزارت اقتصاد است.

به گفته عابدین این احساس نیاز در نقاط بالادستی تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر باید مشخص شود، ما فعالان این صنف هر چه گفتیم، فریاد زیر آب بود و به گوش کسی نرسید، تنها وزارت ارشاد حرف ما را شنید و انعکاس داد، مسئولان بانک مرکزی، ابعاد صنعتی چاپ را در نظر نمی‌گیرند، تنها نفت و پتروشیمی و صنایع غذایی را نگاه می‌کنند، در صورتی که تمام این صنایع برای عرضه خود وابسته به صنعت چاپ و بسته‌بندی هستند و بد نیست مسئولان توجه داشته باشند صنعت چاپ بالای هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار برای کشورها درآمدزایی دارد.

## ممنوعیت واردات غیرکارشناسی

وی با اشاره به برخی تصمیم‌های مدیران دولتی که بدون نظر کارشناسان انجام می‌شود و صدمات جبران‌ناپذیری به همراه دارد نیز گفت: اخیراً یک شرکتی در استان البرز خط تولید فویل آلومینیومی راه انداخته و ادعا کرده که می‌تواند فویل زیر ۷ میکرون و تا ۲۰۰ میکرون تولید کند و از آنجا که این فویل‌ها در بسته‌بندی مواد غذایی، هم‌چون لبنیات، شیر، قرص‌ها و اقلام دارویی کاربرد دارد و موجب می‌شود تا مواد غذایی داخل بسته‌بندی‌ها باقی‌مانده و هیچ نوع میکروبی وارد آن نشود، تاریخ نگهداری مواد غذایی نیز محفوظ باقی‌ماند. اگر استاندارد تولید فویل آلومینیومی در این مواد بسته‌بندی تغییر کند، سلامت ماده غذایی یا دارویی موجود در آن تهدید می‌شود. عابدین افزود: این شرکت تولید کننده به دنبال این است که به بهانه تولید، واردات فویل آلومینیومی مورد استفاده در بسته‌بندی را محدود کند، این در حالی است که تولید این کارخانه از نظر استاندارد بررسی نشده و امکان تولید آن نیز به این آسانی‌ها محقق نشده است، ما در داخل کشور نمی‌توانیم ادعا کنیم که این محصول استاندارد است یا نه باید برود خارج از کشور و در استانداردهای موجود ارزیابی شود، حال تصور کنید بدون در نظر گرفتن این استانداردها بیاییم واردات فویل آلومینیومی مورد نظر را ممنوع کنیم چه بلای بر سر صنعت مواد غذایی، اقلام دارویی و سلامت مردم می‌آید؟

## زنجیره تامین پایدار واقعی غیر قابل انکار

رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ در ادامه سخنان خود ضمن اشاره به چالش‌های پیش رو به فرصت‌ها و چشم‌اندازهای روشن نیز اشاره کرد و گفت: هم‌زمان که ما این چالش‌ها را داریم، نباید فراموش کنیم که فرصت‌های بسیاری هم برای توسعه فروش و درآمدزایی در صنعت چاپ داریم. انگیزه برای رشد و توسعه بالاست، واحدهای تولیدی ما به نقطه بلوغی رسیدند که اهمیت حضور در بازارهای صادراتی را درک کرده‌اند، این می‌تواند به توسعه فعالیت داخلی کمک کند. توانمندی مدیریتی بالاست، توانمندی خلاقیات و توانمندی دانش فنی را هم داریم که بتوانیم صنعت چاپ ایران را در کنار کشوری مثل ترکیه پیش ببریم، ترکیه‌ای که ۸۰ درصد صادراتش به اروپا است و کشورهای اروپایی ۵۰ درصد نیازشان را از صنعت بسته‌بندی ترکیه تامین می‌کنند. پس به فرصت‌های داخل نگاه می‌کنیم.



## قرآن قدرت نرم مقاومت اسلامی است

تمام مسائل کوچک و بزرگ جهان معاصر است. ایمانی‌پور با اشاره به مسئله خانواده و جمعیت در جهان اظهار داشت: این موضوع، مسئله‌ای جدی است که قرآن برای آن آموزه دارد. اما ما آموزه‌های قرآن را رها می‌کنیم و به سراغ دستاوردهای بشر و قرائت‌های ساخته دست بشر از خانواده می‌رویم و به همین دلیل است که معنویت در جامعه از بین می‌رود و امروز شاهد بحران معنویت شده‌ایم.

### ماه مبارک رمضان فرصت مناسبی برای رجوع به قرآن است

او بررسی و تفحص در قرآن را لازمه زندگی افراد دانست و یادآوری کرد: بزرگانی مانند ملاصدرا در برخی روایت‌ها اعلام کرده‌اند که عمری کتاب‌های مختلف را مطالعه کردند و دیر هنگام به بررسی و تفحص قرآن کریم پرداختند.

او تصریح کرد: ماه مبارک رمضان فرصت مناسبی برای رجوع به قرآن است تا از آموزه‌های آن که در تمام ابعاد زندگی بشر وجود دارد، استفاده کنیم.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از قرآن کریم به عنوان عامل وحدت جهان اسلام یاد کرد و اظهار داشت: اگر به قرآن تمسک نداشته باشیم، امت اسلامی شکل نمی‌گیرد. این در حالی است که امت اسلامی پایه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و اگر می‌خواهیم به تمدن اسلامی دستیابی پیدا کنیم، باید به قرآن مجید متمسک شویم. در ادامه این مراسم حجت‌الاسلام سید محمدعلی موسوی جزایری، عضو خبرگان رهبری؛ محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ شبیر فیروزیان، سرپرست معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ، مهدی مصطفوی، قائم مقام معاونت ارتباطات بین‌الملل دفتر رهبری؛ رونی الفه، مشاور وزیر فرهنگ لبنان؛ سلیمان برک، استاد دانشکده الهیات استانبول و تعداد دیگری از میهمانان بین‌المللی حضور داشتند.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از قرآن مجید به عنوان قدرت نرم مردم غزه و مقاومت و همچنین قدرت نرم مقاومت اسلامی یاد کرد و گفت: به همین دلیل است که به قرآن هجمه می‌شود و اگر قرآن این آموزه‌ها را نداشت، اینگونه به آن هجمه نمی‌شد. به گزارش خبرگزاری تسنیم حجت‌الاسلام محمدمهدی ایمانی‌پور، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، عصر امروز پنجشنبه دوم فروردین در نشست قرآنی تهران با عنوان "نقش قرآن کریم و مقاومت در تثبیت هویت اسلامی" طی سخنانی از قرآن مجید به عنوان قدرت نرم مردم غزه و مقاومت و همچنین قدرت نرم مقاومت اسلامی یاد کرد و گفت: به همین دلیل است که به قرآن هجمه می‌شود و اگر قرآن این آموزه‌ها را نداشت، اینگونه به آن هجمه نمی‌شد.

ایمانی‌پور به نقش قرآن کریم در هدایت انسان‌ها اشاره کرد و اظهار داشت: نباید تنها به قرآن به عنوان آموزه و درس مسلمین نگریست، بلکه قرآن برای همه عرصه‌های زندگی بشر است. قرآن کریم درباره نظام اجتماعی و عدالت نیز مفاهیمی دارد و با قصه‌هایی که دارد جزئیاتی از زندگی بشر را روایت می‌کند که باید مورد توجه قرار بگیرد.

### گلایه پیامبر (ص) از مهجور بودن قرآن را جدی بگیریم

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بر لزوم توجه به قرآن تأکید کرد و گفت: در سوره مبارکه فرقان به این موضوع اشاره شده که پیامبر اکرم (ص) به محضر خدای تعالی گله می‌کند که قوم من این کتاب را مهجور کرده است.

او تصریح کرد: مهجور نگه داشتن قرآن به این نیست که به آن مراجعه نشود، بلکه به این معنی است که در زمان مشکلات به قرآن مراجعه نشود. در حالی که قرآن پاسخگوی



## کتاب جنجالی شفیعی کدکنی منتشر شد

«نامه‌ای به آسمان»، کتاب جدید محمدرضا شفیعی کدکنی با مقدمه‌ای خواندنی درباره شعر و رسالت اجتماعی آن، از سوی نشر سخن منتشر شد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، تازه‌ترین کتاب محمدرضا شفیعی کدکنی با عنوان «نامه‌ای به آسمان» از سوی نشر سخن در روزهای پایانی سال منتشر شد و در دسترس علاقه‌مندان به حوزه شعر قرار گرفت. این اثر از شفیعی کدکنی دربردارنده پنج دفتر از سروده‌های او در موضوعات مختلف از جمله اجتماعی است. انتشار خبر به توفیق افتادن چاپ این اثر از استاد نام‌آشنای ادبیات فارسی، چندی پیش با حواشی همراه شد. مدیرکل توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آن هنگام، دلیل تأخیر در صدور مجوز نشر این کتاب را بررسی اشعار شفیعی کدکنی توسط کارشناسان ارشاد عنوان کرده بود که با انتقاداتی همراه شد.

شفیعی کدکنی «نامه‌ای به آسمان» را به همراه مقدمه‌ای درباره کارکرد شعر و رسالت او در قبال جامعه منتشر کرده است. به گفته او؛ با اینکه شعر مثل دیگر هنرها، و شاید هم بیشتر از دیگر هنرها، در مرحله آفرینش از هرگونه قید و مسئولیتی می‌گریزد، اما در عمل، وظیفه شعر همیشه این بوده است که آنچه را سیاست از انسان ربوده است، به او بازگرداند. او ادامه می‌دهد: این وظیفه شعر در این بخش از

جهان که حوزه فرهنگ ایران زمین خوانده می‌شود، از غرب تا شرق، از کردستان تا کاشغر چین، از دیگر اقطار جهان محسوس تر است. حافظ بهترین نمونه است و نیازی به آوردن مثالی دیگر نیست. اگر کسی خلاف این را مدعی شود، باید مثالی بیابد که نخواهد یافت. شعرهای عاشقانه و عرفانی، بهترین مصادیق ادای این وظیفه‌اند و کمترین تجلی این وظیفه در آنها، اینکه مرزهای مجعول سیاسی را نادیده می‌انگارند. آنچه به نام شعر اجتماعی و سیاسی گاه خوانده شده است، اگر چنین شعری به‌طور خاص وجود داشته باشد، در صورتی می‌تواند مصداق شعر قرار گیرد که از عهده ادای این وظیفه برآید. کمترین نشانه این توفیق آنجاست که بیرون از فضای تقویمی و تاریخی خود هنوز کاربرد عاطفی و احساسی داشته باشد. یعنی واحد آن چیزی باشد که عین القضاات همدانی آن را «آیینگی» می‌خواند. پس بدین گونه می‌بینید که به قول بیدل: آیینگی کار کمی نیست در اینجا!

شاعر شدن یا ادعای شاعری در حقیقت باز کردن دکانی است در راسته بازار «آیینسازان روح». در این بازار که دکان‌های بزرگ دو نبش و سه نبش و چهار نبش امثال فردوسی و نظامی و مولوی و حافظ و سعدی و خیام و ده‌ها نابغه دیگر در آن وجود دارد، با انواع آینه‌ها، آینه‌هایی که گاه ازل و ابد را در خویش منعکس می‌کنند، دعوی دکان‌داری کردن و آینه‌سازی و آینه‌فروشی کردن، کار بی‌شرمانه‌ای اگر نباشد، بسیار ساده‌لوحانه است.

مودبانه باید گفت: «چندان هم خردمندانه نیست». شفیعی معتقد است: با این همه تمام استعدادهاى برجسته تاریخ، از پادشاهان تا فلاسفه و دانشمندان ریاضی و پزشکی، سعی‌شان برین بوده است که در این بازار، دکانی اگرچه کوچک باز کنند و اگر دکانی نتوانند گشودن، دست‌کم محصولات خود را در کنار یکی از این دکان‌های کوچک و بزرگ، مانند دستفروشان بازار، پهن کنند. عجبا که در این بازار اگر کسی واقعاً آینه‌ای، هرچند بسیار ساده و کوچک، ساخته باشد، هرگز بی‌مشتري نمی‌ماند...

نشر سخن کتاب تازه شفیعی کدکنی را در ۴۷۹ صفحه به قیمت ۵۹۰ هزار تومان منتشر کرده است.

سخن همچنین در کنار این اثر، کتاب دیگری از شفیعی کدکنی را نیز روانه بازار نشر کرده است. «رباعیاتی از نیشابور» دربردارنده دو دفتر شامل رباعیات و دوبیتی‌های شاعر است که با مقدمه‌ای از او منتشر شده است.

شفیعی کدکنی سروده‌های این مجموعه را بخشی از میراث یک عمر شاعری خود توصیف کرده که برای سلیقه‌های غیر مدرن منتشر کرده است. در یکی از رباعیات این مجموعه می‌خوانیم:

آن روز که دل به شاعری خوش کردم  
بادشمن خلق بس کشاکش کردم  
زین گونه تمام هستی خویش به شعر  
در واژه نهاد کار آرش کردم





## توسط انتشارات ققنوس؛

# «تایتانیک» به بازار نشر آمد؛ وقتی نماد برتری انسان غرق شد!

کسب سود اطلاعاتی را پنهان کردند»، «دیدگاه هشتم: اولویت بندی تخلیه مسافران از تایتانیک نشان دهنده اختلاف طبقاتی شدید در آن زمان بود»، «دیدگاه نهم: بازیگری که از فاجعه جان سالم به در برد آغازگر افسانه‌ای بود که تایتانیک نام گرفت» و «دیدگاه دهم: داستان‌هایی که بازماندگان نقل می‌کنند تعیین کننده میراث تایتانیک است».

اما نکته کشنده و مرگبار، دمای بسیار پایین آب اقیانوس اطلس بود که باعث مرگ بسیاری از مسافران شد. نکته مهم دیگر این است که بسیاری از قایق‌های نجات کشتی، خالی ماندند و برای نجات مسافران به آب‌افتاده اقدامی نکردند. چون این بیم بین نجات‌یافتگان بود که هجوم به دریافت‌ها باعث واژگونی قایق‌ها شود.

کتاب «تایتانیک» با ویرایش دانیل گیتون بلترون و ترجمه یاسمین مشرف توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش مهر، کتاب «تایتانیک» ویراسته دانیل گیتون بلترون به تازگی با ترجمه یاسمین مشرف توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب یازدهمین عنوان از مجموعه «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» است که این ناشر ترجمه آن را منتشر می‌کند و نسخه اصلی‌اش سال ۲۰۱۵ توسط انتشارات بهشت سبز (Greenhaven press) منتشر شده است.

مجموعه کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» رویدادهای تاریخی دنیا را از قرن بیستم به بعد با ارائه تحلیل و از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کنند. کتاب‌های این مجموعه به گفته دست‌اندرکاران تولیدشان، به دانش‌آموزان، دانشجویان و علاقه‌مندان، گزیده‌ای از رویدادهای مهم تاریخ را ارائه می‌کنند که پیش‌تر منتشر شده‌اند اما این بار پوششی بین‌المللی از آن به دست می‌دهند. این کتاب برای طیف وسیعی از مخاطبان طراحی شده‌اند؛ کسانی که می‌خواهند نه تنها درباره تاریخ بلکه درباره رویدادهای جاری، سیاست، حکومت، روابط بین‌المللی و جامعه‌شناسی بیشتر بدانند.

«چرنوبیل»، «انقلاب بلشویکی»، «تصفیه‌های گسترده استالینی»، «مباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی»، «جنش دانشجویی دهه ۱۹۶۰»، «جنگ خلیج فارس»، «فوکوشیما»، «انقلاب کوبا»، «واترگیت»، «فروپاشی اتحاد شوروی» و «دوره مک‌کارتی» ۱۱ کتابی هستند که پیش‌تر در قالب این مجموعه ترجمه و منتشر شده‌اند.

آرام‌اس تایتانیک بزرگ‌ترین کشتی مسافری ساخته شده در قرن بیستم و تا آن دوره بود که ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ پس از حرکت سفر از بندر ساوت‌همپتون انگلستان، نرسیده به مقصد که بندر نیویورک آمریکا بود، به علت برخورد با کوه یخی دچار آسیب شد و در آب‌های اقیانوس اطلس غرق شد. نام این کشتی از اساطیر و افسانه‌های یونان و یکی از الهه‌های آن دوران گرفته شد. غرور، توانگری و فنا از جمله معنای این‌واژه یونانی هستند و تایتانیک که با غرور سازندگان قرار بود هیچ‌وقت غرق نشود، در نهایت به اعماق آب‌های اطلس فرورفت. کشتی شگفت‌انگیز، کشتی رویاهای، کشتی میلیونرها، قصر شناور و کشتی غرق‌نشده‌ی کلیدواژه‌هایی بودند که برای اشاره به این سازه دست بشر استفاده می‌شدند که در نهایت تبدیل به نماد ناکامی و شکست علم انسان در مواجهه با طبیعت شد.

به نظر می‌رسد تایتانیک مترادف تحقق‌نهایی رویاهای بشر برای ساختن چیزی باشد که در مواجهه با طبیعت، پیروز بیرون می‌آید. وقتی تایتانیک لقب «غرق‌نشده» را گرفت، عده‌ای آن را نشان برتری انسان و برابری‌اش با خداوند دانستند. اما غرق شدن این کشتی غول‌پیکر بسیاری از این باورها را به باد داد.

نکته مهم درباره قربانیان تایتانیک این است که هیچ‌کدام از مسافران بر اثر غرق‌شدگی جان خود را از دست ندادند. چون به‌تعداد همه آن‌ها جلیقه نجات وجود داشت



۵ دیدگاه از دیدگاه‌های مندرج در کتاب «تایتانیک» هم در بخش سوم «روایت‌های شخصی» درج شده‌اند که به این ترتیب‌اند: «دیدگاه اول: روایت مسافر نوجوان قسمت درجه یک از شبی که تایتانیک غرق شد»، «دیدگاه دوم: روایت یکی از مهمانداران تایتانیک از تخلیه مسافران»، «دیدگاه سوم: بازماندگان داستان‌های فرارشان از تایتانیک را به اشتراک می‌گذارند»، «دیدگاه چهارم: پدر بزرگ من، ویولونیست تایتانیک» و «دیدگاه پنجم: در سال ۲۰۰۱ هنرمندی با گروه فیلمبرداری از تایتانیک بازدید می‌کند».

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

کافی نبودن قایق‌های نجات

تایتانیک مجهز به شانزده دستگاه بالا بر دو کاره از نوع مدرن بود که هر بالا بر هر بار می‌توانست دو یا سه قایق را جابه‌جا کند. بنابراین بالا برها قادر به جابه‌جایی ۴۸ قایق بودند، در حالی که کشتی فقط شانزده قایق نجات و چهار قایق تاشو حمل می‌کرد که تمام الزامات هیئت تجاری بریتانیا را تأمین می‌کردند. چهارده قایق نجات تایتانیک هر کدام ظرفیت حمل ۶۵ نفر یا در مجموع ۹۱۰ نفر را داشتند؛ تایتانیک همچنین دو قایق اضطراری داشت که ظرفیت هر کدام ۳۵ نفر یا در مجموع ۷۰ نفر بود، چهار قایق تاشو هر کدام با ظرفیت ۴۹ نفر یا مجموعاً ۱۹۶ نفر. ظرفیت کل قایق‌های نجات ۱۱۷۶ نفر بود و تجهیزات حلقه نجات آن قدر بود که به همه برسد...

این کتاب با ۱۶۸ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۲۰ هزار تومان منتشر شده است.

کتاب «تایتانیک» هم مانند دیگر عناوین مجموعه «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» دارای ۳ بخش اصلی «زمینه تاریخی»، «مباحث پیرامون» و «روایت‌های شخصی» است. به این ترتیب در بخش اول «زمینه‌های تاریخی فاجعه تایتانیک»، مخاطب با ۶ دیدگاه مواجه است که به ترتیب عبارت‌اند از:

«دیدگاه اول: انعکاس فرهنگی دیرپای فاجعه تایتانیک»، «دیدگاه دوم: بزرگ‌ترین کشتی بخار جهان چگونه غرق شد»، «دیدگاه سوم: تایتانیک آخرین پیام‌های بی‌سیم خود را ارسال می‌کند»، «دیدگاه چهارم: با رسیدن اخبار فاجعه تایتانیک به نیویورک، سردار گمی حاکم می‌شود»، «دیدگاه پنجم: بقایای تایتانیک سرانجام پس از هفتاد و سه سال پیدا می‌شود» و «دیدگاه ششم: شرکتی نمایشگاهی مالکیت قانونی لاشه تایتانیک را به دست می‌آورد».

دومین بخش کتاب پیش‌رو هم «بحث‌هایی درباره فاجعه تایتانیک» است که دربرگیرنده ۱۰ دیدگاه با این‌عنوان است: «دیدگاه اول: سهل‌انگاری عامل فاجعه تایتانیک بود»، «دیدگاه دوم: تحقیقات در مورد تایتانیک مسائلی را در زمینه اختیارات قضایی و حقوق بین‌الملل مطرح کرد»، «دیدگاه سوم: کشف تایتانیک به پیچیدگی پرونده‌های دادخواهی منجر شد»، «دیدگاه چهارم: تایتانیک باید دست‌نخورده باقی بماند»، «دیدگاه پنجم: طراحان کشتی از فاجعه تایتانیک درس عبرت نگرفتند»، «دیدگاه ششم: تایتانیک به دلیل پرچ‌های خراب و بی‌کیفیت غرق شد»، «دیدگاه هفتم: اپراتورهای بی‌سیم تایتانیک برای

# «گلشن» قدیمی‌ترین سرای درون شهری همدان

گوشه‌های تخت است و حجره‌هایی در دو طبقه در اطراف آن قرار گرفته و هر حجره دارای یک فضای اصلی و یک پستو در پشت آن است همچنین سراهای درون شهری به دو دسته با کاربری صرفا تجاری یا با کاربری کاروانی و تجاری تقسیم می‌شوند و سرای گلشن از دسته کاروانی و تجاری است و طبقه همکف برای عرضه کالاهای تولیدی و طبقه اول برای استراحت کاروانیان بوده است.

حاجیلویی اعلام کرد: در ضلع شرقی سرای گلشن یک هشتی دیده می‌شود و بیشتر تمرکز بنا از لحاظ وسعت بر ضلع شرقی بوده چراکه این ضلع تابستان‌نشین است و به این بخش از خانه‌ها و سراها در معماری‌های آن زمان بیشتر تمرکز شده و در ضلع غربی فقط حجره‌ها قرار گرفته و برای ورود به این سرا یک هشتی دیگر در ضلع شمالی یا شمال شرقی این بنا قرار دارد و آن را به بخش‌های مختلف بازار همدان متصل می‌کند.

این پژوهشگر باستان‌شناسی بیان کرد: اهمیت سراها علاوه بر جنبه استراحت کاروانیان و تجارت، تعاملی بوده که در حیاط این بناها به صورت اشتراک‌گذاری اخبار، فرهنگ‌ها و سنن و آداب و رسوم شکل گرفته و سراهای همدان در سفرنامه‌های افراد مختلفی مانند هوگو گروتیه و کرزن به این موارد اشاره شده و به طور کلی ۲۰ سرا در دل بازار سنتی همدان وجود دارد که سرای گلشن یکی از آنها است و در نمای خود یک سری عناصر تزئینی از آجر دارد که در معماری ایرانی و اسلامی آجرکاری حصیری گفته می‌شود و با توجه به مرمتی که در سالیان اخیر در سرای گلشن انجام شده، قدیمی‌ترین سرای درون شهری همدان فضای مطلوبی برای بازدید گردشگران در ایام نوروز فراهم کرده است.

و برون شهری تقسیم شده و به آن دسته از کاروانسراهای در داخل شهر سرا گفته می‌شود و این بناها، واژه‌ها و مفهوم‌های مختلفی با توجه به ابعاد و نوع معماری آنها دارند.

وی اضافه کرد: یکی از سراهای درون شهری که در زمان صفوی در همدان ساخته شده، سرای گلشن است اما در اوایل دوره قاجار تعمیرات و تغییرات عظیمی در این بنا ایجاد شده و امروزه بخش‌های کمی از دوره صفوی باقی مانده و بیشتر بخش‌های معماری مربوط به اوایل دوره قاجار است.

نقشه سراهای موجود در بافت سنتی بازار همدان (پیری و افشاری‌آزاد، ۱۳۹۵: ۲۱۰)

حاجیلویی تصریح کرد: معماری بناها مطابق با شرایط اقلیمی آن منطقه بوده و یکی از دلایل شکل‌گیری کاروانسرا در ایران اقلیم گرم و خشک کشور است و ضرورت آن زمان به این صورت بوده تا بناهایی در مسیرها برای استراحت و تجارت کالاها و تولیدات ساخته شود و شهر همدان طبق پهنه‌بندی‌هایی که امروزه نیز تجربیات گذشته را تأیید می‌کند، در اقلیم سرد و خشک کشور قرار گرفته و معماری که در تمامی بناهای این شهر از دوره باستان و بقایای معماری محوطه هگمتانه مربوط به دوره اشکانی و سرای گلشن همگی متناسب با شرایط اقلیمی همدان بوده و با تمایل به راستای شمال شرق و جنوب غرب ساخته شده است.

وی با بیان اینکه سرای گلشن به شیوه سنت کاروانسرا یا سراسازی در اقلیم سرد و خشک کشور ساخته شده و حجره‌هایی در اطراف حیاط مرکزی قرار گرفته است، اضافه کرد: حیاط مرکزی هشت ضلعی یا مربع با

یک پژوهشگر باستان‌شناسی گفت: ۲۰ سرا در دل بازار سنتی همدان وجود دارد که سرای گلشن قدیمی‌ترین آنها بوده و پیشینه ساخت آن به دوران صفویه برمی‌گردد.

حامد حاجیلویی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: پیشینه کاروانسرا در ایران به دوره هخامنشی برمی‌گردد و در آن زمان افراد با توجه به قلمرو وسیع حکومت هخامنشی نیاز دیدند که بناهایی تحت عنوان کاروانسرا احداث کنند و هیچ نشانی از کاروانسرا و بقایای معماری آن در دسترس نیست اما در مدارک مکتوب تاریخی مانند الواح کشف شده در پرسپولیس تخت جمشید در سال ۱۹۳۷ میلادی نشان داده شد که متصدیانی در آن کاروانسراها بودند و جیره‌ای که به مسافران اختصاص می‌دادند، به اندازه یک شبانه‌روز بوده است.

وی افزود: سنت ساخت کاروانسرا در دوره پارسی، ساسانی و اسلامی ادامه پیدا کرده و بعد از ورود به دوران صفوی و فرمانروایی شاه عباس اول از سال ۹۹۶ تا ۱۰۳۸ هجری قمری بوده که اوج شکوفایی معماری است و سیاحانی مانند شاردن که از مغرب زمین در دوره صفوی از اصفهان که در آن زمان پایتخت بوده، بازدید کردند، به اهمیت دولت وقت به ساخت این بناها اشاره می‌کنند و مطالبی را در سفرنامه‌ها نوشتند.

این پژوهشگر باستان‌شناسی اضافه کرد: در دوره صفوی نقاط شهری ایران گسترش پیدا کرده و بازارهای سنتی شکل گرفته بنابراین نیاز می‌شود که بناهایی با کاربری مشابه نیز در دل شهرها به ویژه در نزدیکی بازارها شکل گیرد که یکی از جنبه‌های مهم آن بحث تجاری است و کاروانسراها در آن دوره به دو دسته درون شهری





## گردشگری ارزان را تجربه کنید

## «بابانظر» در قرن ۵ هجری معاصر با باباطاهر تأسیس شد

بارندگی شده و بر آبهای قنات روستا تأثیر مثبتی دارد ضمن اینکه این سد منظرهای زیبا را به ویژه در فصل بهار برای گردشگران ایجاد کرده است.

## وجود دستکندز آغه ۶۰۰ ساله

صادقی در ادامه یادآور شد: مابین روستای بابانظر و منطقه گردشگری بقراتی بابانظر در پایین دامنه کوه بقراتی یک دستکند ز آغه نیز مربوط به ۵۰۰ یا ۶۰۰ سال پیش وجود دارد که مردمان آن دوران برای نگهداری احشام و دام خود استفاده داشته‌اند و هم‌اکنون این دستکند یکی از جاذبه‌های مناسب تاریخی برای بازدید گردشگران به شمار می‌رود و به نوبه خود دیدنی است. وی بیان کرد: در حال حاضر روستای بابانظر آماده میزبانی از میهمانان و گردشگران نوروزی بوده و لایروبی جدول، تنظیف و شستشوی معابر روستایی و پاکسازی محیط روستا و نصب بنر خوشامدگویی از جمله اقداماتی است که توسط دهیاری روستا در استقبال از سال نو انجام شده است.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان رزن هم با اشاره به مسجد روستای بابانظر اظهار کرد: مسجد تاریخی امام رضاع (روستای بابانظر از توابع شهرستان رزن یکی از مساجد بسیار قدیمی و ساخته شده با معماری دوره قاجار است و یکی از جاذبه‌های گردشگری شهرستان رزن محسوب می‌شود و در ۲۶ آذرماه ۱۳۹۷ با شماره ثبت ۳۲۱۵۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

شهرز کهبیایی با بیان اینکه این مسجد تاریخی دارای ۱۲ ستون اصلی از جنس چوب بوده و پوشش بام هم از تیر چوبی است، گفت: سر ستون‌های این مسجد گچ‌بری و نمای بیرونی کاه‌گل الک شده بوده و مصالح به‌کار رفته در این بنا خشت و گل است.

وی افزود: این مجموعه در کل دارای ۳۰۰ مترمربع مساحت و دو درب چوبی برای ورود آقایان در قسمت جلو و یک ورودی در قسمت پشت مسجد برای خانم‌ها تعبیه شده است، در قسمت داخل مسجد دور تا دور دیوارها فضایی به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر و عرض دو متر از کف مسجد برای نشستن بزرگان بوده است.

روستای بابانظر و منطقه نمونه گردشگری بقراتی این روستا در فصل بهار محیطی راحت، فرخ‌بخش و جذاب برای گردشگران بوده و به طور قطع تجربه خوبی را برای گردشگران و میهمانان نوروزی رقم خواهد زد.

وی همچنین با اشاره به وجود یک باب خانه اربابی ۲۰۰ ساله در روستای بابانظر به عنوان یکی دیگر از جاذبه‌های تاریخی این روستا برای بازدید گردشگران و میهمانان نوروزی، اضافه کرد: اداره میراث فرهنگی حدود چهار یا پنج سال پیش به صاحبان این خانه اربابی پیشنهاد داد که به منظور بازسازی و مرمت آن با استفاده از تسهیلات بانکی همکاری لازم را خواهد داشت اما متأسفانه روند پر پیچ و خم دریافت تسهیلات بانکی موجب شد که صاحبان این خانه اربابی از پیگیری این امر منصرف شوند.

وی در ادامه با اشاره به جاذبه‌های طبیعی این روستا نیز گفت: منطقه نمونه گردشگری محوطه و کوه بقراتی در فاصله چهار کیلومتری روستای بابانظر یکی از جاذبه‌های طبیعی بی‌نظیر در سطح استان همدان به شمار می‌رود.

## رویش ۱۲۰ گیاه دارویی و خوراکی

صادقی با اشاره به وجود گیاهان مختلف دارویی و خوراکی در جاذبه طبیعی و زیبا و سرسبز کوه بقراتی خاطر نشان کرد: در این منطقه رویش حدود ۱۲۰ گیاه مختلف ثبت شده که شامل انواع گیاهان دارویی و خوراکی همچون ربواس، تره، گل‌گاوزبان، گل‌ختمی، خاکنیر، آرنه، چای کوهی، آویشن، موسیر کوهی و ... است. وی یادآور شد: علاوه بر این، محوطه بقراتی محل زندگی انواع جانداران است که از میان آنها می‌توان به کبک، تیهو و باقر قره و گونه‌هایی نظیر قوچ، میش وحشی و پستاندارانی چون گرگ، کفتار، رودک، شغال و خرگوش اشاره کرد.

صادقی افزود: این ناحیه مورد توجه بسیاری از گردشگران بوده و تنوع زیستی و مناظر فوق‌العاده زیبای گردشگری آن هر ساله در فصل بهار و به‌ویژه در اردیبهشت خیل عظیمی از کوهنوردان، گردشگران، خانواده‌ها و جویندگان داروهای گیاهی را به این منطقه می‌کشند.

## بازدید ۳۰۰۰ گردشگر در فصل بهار

وی با اشاره به بازدید بیش از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر گردشگر در فصل بهار از منطقه نمونه گردشگری بقراتی خاطر نشان کرد: قله اصلی رشته کوه بقراتی ۲۴۶۳ متر ارتفاع دارد. صادقی بیان کرد: در دامنه کوه بقراتی یک سد خاکی از چندین سال قبل توسط جهادکشورزی رزن احداث شده که در فصول بارندگی باعث جمع‌شدن آب‌های حاصل از

وی ادامه داد: روستای بابانظر در شهرستان رزن دارای جاذبه‌های تاریخی و طبیعی بسیار زیبا بوده که این امر موجب شده تا سالانه گردشگران بسیاری از این روستا و جاذبه‌های آن بازدید داشته باشند.

## مسجد امام رضاع (ع) یکی از جاذبه‌های



## تاریخی روستا

دهیار روستای بابانظر با اشاره به جاذبه‌های تاریخی این روستا تصریح کرد: مسجد امام رضاع (روستای بابانظر مربوط به دوران قاجاریه با قدمتی افزون بر ۲۰۰ سال یکی از جاذبه‌های تاریخی این روستا بوده که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و بنا به گفته کارشناس اداره کل میراث فرهنگی استان همدان از این نمونه بی‌نظیر تنها یک مورد در شهرستان اسدآباد وجود دارد.

## خزینه، حمامی تاریخی

وی با بیان اینکه هنوز نیز تمامی مراسم‌ها و برنامه‌های مختلف این روستا در این مسجد تاریخی برگزار می‌شود و در تمام این سال‌ها به همت اهالی روستا و هیأت امنای مسجد سرپا ننگه داشته شده است، خاطر نشان کرد: علاوه بر مسجد تاریخی امام رضاع (معروف به مسجد خانلار، یک حمام تاریخی در کنار مسجد معروف به خزینه نیز مربوط به دوران قاجاریه در این روستا وجود دارد که البته این حمام قدیمی تا حدودی تخریب شده و نیاز به مرمت و بازسازی دارد اما هنوز هم قابل بازدید گردشگران است.

صادقی بیان کرد: در سال جدید مرمت و بازسازی این حمام قدیمی جزو برنامه دهیاری خواهد بود که البته همکاری اداره میراث فرهنگی شهرستان رانیز می‌طلبند.

## وجود یک خانه اربابی ۲۰۰ ساله

روستای بابانظر به‌عنوان بزرگترین و پرجمعیت‌ترین روستای شهرستان رزن با جمعیتی حدود ۴۰۰۰ نفر بوده که گفته می‌شود این روستا در قرن ۵ هجری معاصر با باباطاهر عریان توسط فردی به نام نظر تأسیس شده است و از آنجایی که نظر به بابانظر شهرت داشت، این روستا نیز همین نام را گرفت.



جاذبه‌های طبیعی و تاریخی روستای بابانظر شامل منطقه گردشگری بقراتی و نیز مجموعه تاریخی حمام، مسجد و عمارت اربابی متعلق به دوران قاجاریه فضایی فرخ‌بخش را برای حضور گردشگران در طول سال در این روستا فراهم کرده است.

منطقه نمونه گردشگری بقراتی از جمله مناطق دلنشین شهرستان رزن و روستای بابانظر بوده که چشم‌اندازی شگرف از زیبایی‌های طبیعت را به نمایش می‌گذارد. مزارع کشاورزی این روستا وسعتی افزون بر ۱۰ هزار هکتار را دارد که وجود باغات میوه مانند سیب، گردو، هلو و انگور زیبایی دوچندانی به روستا می‌بخشد.

روستای بابانظر از لحاظ موقعیت فیزیکی و جغرافیایی جزء روستاهایی با بافت متمرکز بوده که به علت جمعیت بالا به سرعت در حال گسترش بوده و مهاجرپذیر است.

دهیار روستای بابانظر در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: روستای بابانظر از توابع دهستان بقراتی بخش سردرود شهرستان رزن با ۴۰۰۰ نفر جمعیت در فاصله ۴۳ کیلومتری مرکز شهرستان رزن قرار دارد.

جلیل صادقی با بیان اینکه مردم این روستا اکثراً کشاورز و دامدار هستند و تعدادی نیز در کارگاه‌های موزائیک‌سازی کار می‌کنند، افزود: اهالی این روستا به زبان ترکی همراه با لهجه‌های خاص و شیرین که از نزدیکی به استان زنجان و شهرستان کبودرآهنگ اقتباس شده است، تکلم می‌کنند.

## نوروزگاه اصفهان در ماه ضیافت میر نوروزی، کلاه‌بوقی، گل‌های سرخ

«می‌گفت: «میر نوروزی فقط پنج روز سلطنت می‌کرد.» می‌گفت: «همین کافی است.» و حالا ملک میر مخلوع ما همه همین یک قطعه بود: نه پرچی داشت، نه درختی، نه گلی، فقط دو نفر، در انتهای قلمرو او، نشسته بودند بر دو سوی پشت‌های از خاک و سراسر ملک روبرو همه‌اش پرچم و گل بود و آدم‌هاش توی هم می‌لولیدند.»

«آنجا بود، هست: ویرانه تختگاهش فقط چند وجب خاک ناصاف بود و حفره‌ای کوچک در وسط سه ترک شوره بسته و یک سنگ شکسته و مایل، نشانده بر لبه گودال؛ انگار که از عمق خاک مجسمه‌ای، صندوقچه‌ای را بیرون آورده بودند و چون خاک را سر جایش ریخته بودند زمین گود مانده بود.»

آنچه گذشت، قطعه‌ای از داستان کوتاه «میر نوروزی ما» است؛ داستانی به قلم مرد درخشانده ادیبان ایران زمین، هوشنگ گلشیری، نویسنده‌ای که نامش نه فقط برای ما نصف جهانی‌ها که برای تمام مردم ایران خاطرات و تاریخ جنگ یا حلقه اصفهان را فرا یاد می‌آورد. خواندن این داستان مختصر کمی حواس جمعی می‌خواهد! هر چند گلشیری، خواننده را منتظر نمی‌گذارد و به سرعت سر اصل مطلب می‌رود تا بر ایمان بگوید که داستان از چه قرار است. «میر نوروزی ما» ماجرای مادر و پسری است که برای تفریحی بهاری به بیرون از شهر رفته‌اند. آن‌ها این چند روز را در کلبه‌ای با صفا در وسط جنگلی وقت می‌گذرانند که پیش‌تر هم با یکدیگر به آن آمده‌اند، اما ۲ نفر نبودند، بلکه با پدر خانواده آمده بودند که حالا مرده است. در خلال همین گشت و گذار بهاری و زیبا، اما کم‌وبیش محزون است که مادر و پسر خاطره‌های پدر از دست رفته و برادر او یا عموی مهاجر که گویی او نیز با مهاجرت از سرزمین مادری به‌طریقی دیگر از دست رفته است، به یاد می‌آورند و با هم مرور می‌کنند.

گویا هدف ایرانیان از تکرار هر ساله آئین میر نوروزی، اسطوره معروف بهاری، به یاد آوردن گزاره‌ای از هوشنگ گلشیری بوده

است؛ گزاره‌ای که بازتاب‌دهنده عمر کوتاه آدمی و دنیای گذراست.

... حاجی فیروز بشوم

میر نوروزی که عنوان داستان برگرفته از اوست و در میانه اثر نیز حرفش می‌شود و گلشیری به‌طور هدفمند از «۵روزه» آن در روایتش بهره می‌گیرد، جزئی جدانشدنی از باورهای نوروزی ما ایرانیان است. چه‌بسا فراتر از قلمرو ایران کنونی در بین دیگر کشورهای حوزه تمدنی و فرهنگ نوروز نیز روایتی پُراهمیت است. در کتاب «نوروز» که اثری پُر بار و پُر برگ از علی دهباشی نامدار است، با میر نوروزی به نقل از محمود روح‌الامینی، مردم‌شناس برجسته ایرانیان، با این شخصیت اسطوره‌ای و قصه‌های پیرامونی آن آشنا می‌شویم. یکی از سرگرمی‌های نوروزی ایرانیان این بود که در آستانه سال نو از بین مردم کوی و برزن کسی را عنوان شاهی و تخت حکومت می‌دانند تا که ۵ روز پادشاهی کند! این آیین سرشته با بازی و خنده و شوخی، رنگ‌ورو و حال‌وهوایی جدی به خود می‌گرفت. تا جایی که برای شاه زیردستان یا همان تشکیلات درباری هم تعیین می‌کردند.

در این ۵ روز، شاه هر فرمانی دلش می‌خواست صادر می‌کرد و جالب است که همه به حرفش گوش می‌دادند. همه جدی جدی به این بذله و مزاح تن می‌دادند و هیچ‌کس قواعد بازی را زیر پا نمی‌گذاشت. اما منتظر می‌ماند تا ۵ روز تمام شود و اگر شاه سقوط کرده برخلاف میلشان دستوری داده بود، تلافی می‌کردند. بی‌دلیل نیست که در پایان این ۵ روز، پادشاه خیالی به جایی پناه می‌برد، جایی که دست بعضی‌ها به او نرسد! به باور شماری از ایران‌شناسان، حاجی فیروز که با جامه و رخساری به رنگ سرخ و سیاه و در موسم بهار سرکولاش پیدا می‌شود، یادگاری از همین میر نوروزی یا حاکم ۵روزه است. حاجی فیروز که سرخوشانه و رها و بدون ترس در خیابان‌ها به راه افتد، آن هم طوری که انگار تمام دنیا را زیر پا دارد،

گذرایی سلطنتش را در گفتارش بازتاب می‌دهد، در همان ترانه‌ای که دایره‌زنان و پایکوبان ورد زبانش است: «حاجی فیروزه، عید نوروزه، سالی چند روزه.» گلشیری نیز در همین داستان «میر نوروزی ما» پای حاجی فیروز را وسط می‌کشد؛ آنجا که پدر مهربان و بانمک خانواده، پدری که نیست، زیر خاک است، اما یادش از خاطر مادر و پسر فراموش نمی‌شود، خود را مثلاً به شکل حاجی فیروز در آورده است: «صبح پنجشنبه از بوی یاس بیدار شدم. صدایی می‌گفت: «بلند شوید تنبل‌ها» یک کلاه‌بوقی از کاغذ پاکت سرش بود و یک بقچه به دوشش. صورتش را سیاه نکرده بود. بقچه را روی ما (مادر و پسر) خالی کرد: یاس سفید بود.» بعد پسر هم دلش می‌خواهد ادای بابا را در آورد و به او می‌گوید: «من هم حاجی فیروز بشوم.»

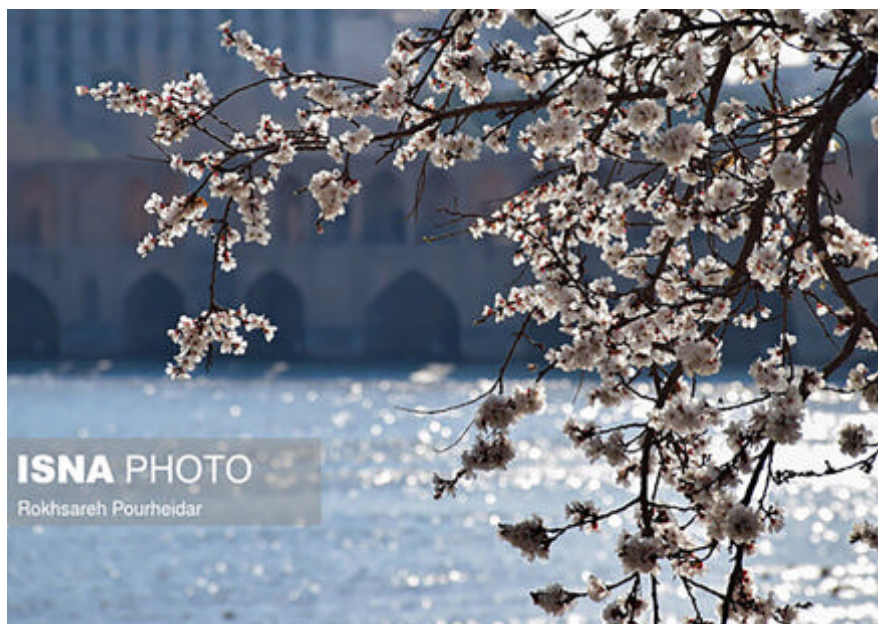
شاخه‌ها را نگاه کن

در داستان «میر نوروزی ما» نوشته گلشیری، باز هم نشانه‌های بهار سر در می‌آورند؛ آنجا که زنده‌شدن طبیعت در بهار و پس از آن همه سرمای زمستان باورش سخت است. پس مرد، مردی که حالا جایش خالی است، به زن می‌گوید: «شاخه‌ها را نگاه کن، انگار نه انگار زمستانی هم بوده. ببین چطور با باد خم و راست می‌شوند، و برگ‌های سبز روشنشان در این نور نارنجی غروب تکان تکان می‌خورد.»

و بعد زن، همان زنی که حال در «این بهار» دلنگت «آن بهاری» است که مردش کنارش بود، شروع به حرف زدن می‌کند: «درخت‌ها و گل‌ها حافظه ندارند، برای همین آزادند، آزاد و رها» و بعد نوبت می‌رسد به شقایق‌ها و گل‌های سرخ پشت کلبه، لذت ماهیگیری از رودخانه پُر آب، روشن کردن آتش و خیره‌شدن به نور ماه، شامی کباب و تریچه‌های نقلی، شادی پسرک خانه از اینکه پدر او را قلمدوش کرده و تصمیم‌های نو در فصلی نو، مثل ترک سیگار.

هوشنگ گلشیری بنام که به زیربوم‌های داستان کوتاه بهتر از هر کسی آشناست، در «میر نوروزی ما» لحظات رنگ‌به‌رنگ و سرشته با تلخ و شیرین زندگی بسیار می‌آفریند، اما آنچه از ابتدا تا انتها با خواننده است و او را به همان ماجرای حکومت چندروزه میر نوروزی می‌رساند، تکرار ۵ یا مدت حکومت آن شاه خیالی و بهاری است: «همه جاده از اینجا که ما بودیم فقط پنج دقیقه راه بود»، «کلبه برای پنج شب اجاره کردیم»، «از شنبه تا پنجشنبه شش روز می‌شود، اما پنج شب ماندیم» و در نهایت پنجمی دیگر، پنجمی که از خواننده می‌خواهد دم راغنیمت شمرد، مثل پادشاه نوروزی که تمام حواسش جمع حکومت چندروزه‌اش است. و به این فکر نمی‌کند که دیروز یک عامی بوده و فردا از تاج و تخت خبری نیست:

«فقط پنج روز، نه کتاب، نه بحث. گذشته را همین جا می‌گذاریم، توی همین خانه، لای این کتاب‌ها. با آینده هم وقتی آمد یک‌طوری سر می‌کنیم.» انگار هدف ایرانیان از تکرار هر ساله آئین میر نوروزی، اسطوره معروف بهاری، به یاد آوردن همین گزاره گلشیری بوده؛ گزاره‌ای که بازتاب‌دهنده عمر کوتاه آدمی و دنیای گذراست. شاید زندگی چند روزی بیشتر نباشد، اصلاً همین ۵ روز باشد؛ نمی‌شود مدام در گذشته ماند و غصه آن را خورد و نمی‌شود فقط به فکر آینده بود و دلپره آمدنش را داشت. زندگی کوتاه است، شاید باید به همین حالا جنگ زد، باید تاجی بر سر گذاشت و فرمانروای اکنون بود.





## نوروز گاه اصفهان در ماه ضیافت

## عضوهیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان: آب در فرهنگ ایرانی تقدس دارد

رامش می‌بخشد.

وی افزود: یک ایزد دیگر وابسته با آب، «تیشتر» یا «تیر» است که در اندیشه ایرانی، ستاره مرتبط با باران است و به یاری باران، جهان را بارور کرده و زنده نگه می‌دارد. برای او نیز یشتی به نام «تیشتر یشت» وجود دارد که در آن با «پوش» یا دیو خشک‌سالی می‌جنگد و آبها را آزاد می‌کند. این نبرد توصیف شاعرانه‌ای از باران است. پوش آب را در ابرهای سیاه و مترکم به بند می‌کشد و ایرانیان آذر خشی که ابرها را ولار به باریدن می‌کند نشان تیر انداختن تیشتر به‌سوی پوش می‌دانسته‌اند.

عضو هیئت علمی گروه آموزشی پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان خاطر نشان کرد: ۳ ماه سال در تقویم کنونی ما یعنی خرداد، تیر و آبان به ایزدان آب وابسته است. از جمله جشن‌های بزرگداشت آب نیز جشن تیرگان یا تیشترگان است. در این جشن پیش از آغاز فصل گرم، آئینی با نام «آب‌پاشان» در کنار رودخانه، دریا یا دریاچه‌ها انجام می‌شده که طی آن مردم به یکدیگر آب می‌پاشیده‌اند. در کنار این شادمانی جمعی، ایرانیان نیایش می‌کرده‌اند که تابستان گرم و سال خشکی در پیش نباشد و منابع آب حفظ شود. این آئین تا دوره صفوی نیز در اصفهان در کنار زاینده‌رود به شکلی شاهانه برگزار می‌شد، و هنوز هم به اسم تیرگان، و نیز تیرما سیزه شو (در گیلان و مازندران)، و واردوار (نزد ارامنه) زنده مانده است.

طاهری افزود: جشن مهم دیگر در ارتباط با آب، «بانگان» بوده که در این روز مردم به کنار آب‌های روان، دریاها، رودها و چشمه‌ساران رفته و آب را ستایش می‌کرده‌اند. همچنین یکی از سنت‌های نوروز نیز آب‌پاشان یا آبریزگان بوده که بیرونی این آیین را بازمانده از دوران جمشید پیشدادی می‌داند که به مردمان ایران زمین دستور داده برای پاک شدن از گناهان، تن خود را با آب پاک بشویند. سنت شستن آلودگی روحی و جسمی به کمک آب، از ادیان ایرانی به دیگر ادیان جهان نیز راه پیدا کرده و برای مهرپرستان و مندایی‌ها مهم بوده و به شکل غسل تعمید وارد مسیحیت نیز شده است. این شست‌وشو و آب‌پاشان در جشن‌های نوروزی در روز ششم فروردین که خردادروز از فروردین است، انجام می‌شد. در این روز مردم در سپیده‌دم برخاسته و شست‌وشو می‌کردند و به‌این ترتیب غبار سال کهن را از تن خود پاک کرده و پاک وارد سال تازه می‌شدند.



مهرستان شد و او به اتهام آلوده کردن آب، از پادشاهی برکنار شد.

طاهری گفت: در ارداویرافنامه که شرح بازدید موبدان موبد ایران از جهان بازپسین است، از افرادی در دوزخ یاد می‌شود که آب را آلوده کرده‌اند، همچنین انسان‌هایی وصف می‌شوند که به دلیل مراقبت از آب و جلوگیری از آلوده شدن یا به هدر رفتن آن، بر تخت‌های زرین بهشت نشسته‌اند.

وی تصریح کرد: «پام نپات» یا «برز ایزد»، ایزد مهم ایرانی است که نگهبان آب‌ها بوده و یکی از وظایف او پر کردن آب و بخشیدن بهره‌ای از آب به هر جایی از جهان است. او با صفاتی مانند تندرو، درخشان و فرهمند توصیف می‌شود و یاری‌کننده مردمانی است که به کار آبادانی می‌پردازند. دیگر نیروی همبسته با آب، ایزدبانو آناهیتا بوده که نام کاملش آردوی سورا آناهیتا به معنی آب‌های نیرومند پاک است. او را نیاکان ما سرچشمه همه آب‌های روی زمین دانسته و به‌سان بانویی زیبا یا رودی بسیار بزرگ توصیف کرده‌اند، که فزاینده ثروت و نگاهبان سرزمین‌های ایرانی است. او از تابناک‌ترین چهره‌ها در بین ایزدان پیشازدشتی بوده و معمولاً در کنار رودها، چشمه‌ها، قنات‌ها و دریاچه‌ها او را ستایش می‌کرده‌اند.

طاهری ادامه داد: در اندیشه زرتشتی که فقط یک خدا (اهورامزدا) وجود دارد، این شیوه نگهبانی از آب، در شکل امشاسپندی به نام «خرداد» که یکی از ۷ نام خداوند یکتا است، بازتاب پیدا کرده و «خرداد» نگهبان آب‌ها است که او را نماد پاک، فروتنی و مهرورزی می‌دانند؛ ضمن اینکه در اوستا یک بخش به نام «خرداد یشت» برای ستایش او وجود دارد. او آلودگی‌ها و دیوان را از انسان دور کرده و به مردمان پاک‌دین، رستگاری و

مردم در جغرافیای فلات ایران کمک کرده است. ما ایزدانی را مرتبط با آب می‌دانسته و به‌این ترتیب حفظ آب و مراقبت از منابع آب را به یک مسئله آئینی و اخلاقی تبدیل کرده‌ایم که نسل به نسل دوام پیدا کرده است.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه در منابع تاریخی نیز به این رفتار ایرانی‌ها به‌دفعات اشاره شده است، افزود: طبق گفته هردوت، «ایرانی‌ها هرگز رود را آلوده نمی‌کنند و بر نمی‌تابند که دیگران آب‌های روان را آلوده کنند». همچنین استرابون یونانی می‌گوید که «ایرانیان هیچ‌گاه خود را در آب روان نمی‌شویند و هیچ لاشه، مردار و زباله‌ای را در آب نمی‌افکنند و به آب‌های پاکیزه‌ای که از سنگ بیرون می‌آید، احترام می‌گذارند». در متون مذهبی نیز احترام به آب و بزرگداشت آن بسیار به چشم می‌خورد. برای مثال در مینوی خرد، جریان آب بر زمین مانند جریان خون در تن مردمان توصیف شده که به همان میزان در زنده نگاه داشتن یک اجتماع اهمیت دارد. در یشت‌ها آب جوشنده از چشمه، آب گردآمده در دریا و دریاچه و آب‌های روان، مورد ستایش قرار می‌گیرند و به آن‌ها آب اهورایی، خرمی‌بخش و خوشی‌دهنده گفته شده است.

عضو هیئت علمی دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی دانشگاه هنر اصفهان اضافه کرد: نوشتارهای تاریخی نیز بارها به بزرگداشت آب در تاریخ ایران اشاره کرده‌اند. یک نمونه آن اتفاق‌هایی است که برای قباد پادشاه اشکانی می‌افتد؛ او پس از پیروزی بر رمی‌ها تلاش کرد گرمابه‌های خزینه‌ای آن‌ها را در ایران بسازد. از آنجایی که این گرمابه‌ها با ناپاکی و آلودگی آب، سبب گسترش بیماری در بین مردم می‌شدند، این اقدام او سبب برانگیخته شدن خشم بزرگان در مجلس

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان گفت: از جمله آئین‌هایی که برای ستایش «خرداد» وجود دارد؛ نهادن یک کاسه آب در سفره هفت‌سین است که به ما یادآوری می‌کند منابع آب را پاک نگاه داشته و از آن‌ها مراقبت کنیم.

«نیاکان ما همواره در اقلیم خشک زندگی کرده‌اند و این مسئله سبب شده که بسیاری از فعالیت‌های عمرانی ما در زمینه شهرسازی و روستاسازی، از جمله سنت کهن ساخت قنات، از نظر تکنیکی، آئینی و مذهبی، حول محور مراقبت از منابع آب شکل گیرد که به غلبه بر خشکسالی‌های دوره‌ای و دوام مردم در جغرافیای فلات ایران کمک کرده است.»

این را عضو هیئت علمی دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی دانشگاه هنر اصفهان بیان کرده است. او اعتقاد دارد که «نیاکان ما ایزدانی را مرتبط با آب می‌دانسته و به‌این ترتیب حفظ آب و مراقبت از منابع آب را به یک مسئله آئینی و اخلاقی تبدیل کرده که نسل به نسل دوام پیدا کرده است.»

۲۲ مارس برابر با سوم فروردین ماه، از سوی سازمان ملل به «روز جهانی آب» نام‌گذاری شده است. این روز برای اولین بار و به‌طور رسمی در سال ۱۹۹۲ میلادی و در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در شهر ریودوژانیرو کشور برزیل، مطرح و از همه کشورهای خواسته شد تا این روز را به‌عنوان روز ترویج و آگاه‌سازی مردم در مورد آب اختصاص دهند. از این رو ایستادن اهمیت آب در فرهنگ ایرانی را از دیدگاه صدرالدین طاهری، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان بررسی کرده است.

وی در گفت‌وگو با ایستنا ضمن اشاره به اینکه نیایش آب و گیاه از دیرباز در ایران رایج بوده است، گفت: آثار آئین‌های مقدسی که ما در ارتباط با آب داشته‌ایم هنوز در بسیاری از نقاط به چشم می‌خورد. تأمین نیازهای مردم به‌ویژه در اقلیم خشک همچون ایران به‌طور کامل به حفظ منابع آب و سرسبزی زمین بستگی داشته و انسان برای پاکیزگی و تأمین امنیت غذایی خود نیز نیاز به وجود آب داشته است.

طاهری ادامه داد: نیاکان ما همواره در اقلیم خشک زندگی کرده‌اند و این مسئله سبب شده که بسیاری از فعالیت‌های عمرانی ما در زمینه شهرسازی و روستاسازی، از جمله سنت کهن ساخت قنات، از نظر تکنیکی، آئینی و مذهبی، حول محور مراقبت از منابع آب شکل گیرد که به غلبه بر خشکسالی‌های دوره‌ای و دوام

اسماعیلی مطرح کرد؛

## نظامی در مرزهای سیاسی نمی‌گنجد و متعلق به ایران فرهنگی است



بخارا به دنیا آمده و یا در ایران از دنیا رفته است در مورد وی سخن گفتیم. فارغ از اینکه این سینا در کجا به دنیا آمده و یا از دنیا رفته است باید گفت متعلق به این سرزمین کهن فرهنگی است که بزرگانی مثل او را در خود پرورش داده و با افتخار و سربلندی آنها را به دنیا معرفی کنیم.

اسماعیلی گفت: در وزارت فرهنگ پایه‌های ایجاد اقلیم‌های جدید فرهنگی را بر مبنای مشاهیر پیش بینی کردیم انشالله در خوی منطقه جدید فرهنگی خواهیم داشت و در خراسان بزرگ که مملو از مفاخر بزرگ شعر، ادب، فلسفه و فقه است، باغ مفاخر طوس را افتتاح خواهیم کرد. بین سهرورد و همدان مولد شیخ اشراق و مدفن بوعلی سینا بزرگراه حکمت افتتاح خواهد شد. این بزرگراه به عنوان اقلیمی فرهنگی است و برخلاف مواردی که طرح‌های اقتصادی با پیوست‌های فرهنگی است اینبار طرح فرهنگی با پیوست‌های اقتصادی ایجاد شده است. ان شاءالله این فضا را گسترش خواهیم داد.

وی در پایان گفت: خوشحال هستیم که امروز نصب مجسمه نظامی در میدان ونک صورت گرفت. برای مولوی مشغول ساخت تندیس جدید هستیم که در تهران نصب خواهد شد؛ این اتفاق برای سایر بزرگان در شهرستان‌ها نیز رخ خواهد داد و انشالله بنایی برای تجلیل و تعظیم از آنها ایجاد خواهد شد. اینها جز وظایف ذاتی فرهنگ و تمدن دولت مردمی است و همه این اقدامات را با افتخار تقدیم شما دوستداران فرهنگ، حکمت و ادب ایران زمین می‌کنیم.

در این مراسم از محمدباقر آقامیری، سعید حمیدیان و یوگنی ادواریچ از روسیه به‌عنوان استادان هنر و نظامی پژوه قدرانی شد. همچنین جایزه‌ای به مجید شاه حسینی رئیس فرهنگستان هنر برای کتاب «خمسسه شاه طهماسبی» تعلق گرفت.

همچنین هیوا حسن پور به‌عنوان برگزیده و سید وفاعلی میرعمادی به‌عنوان شایسته تقدیر آثار برتر بخش رساله و پایان نامه درباره حکیم نظامی معرفی شدند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: نظامی در مرزهای سیاسی امروز چه در آذربایجان چه در ایران نمی‌گنجد و متعلق به منطقه فرهنگی ایران بزرگ است. به گزارش خبرگزاری مهر، مراسم اختتامیه هفته گرامیداشت حکیم نظامی شامگاه یکشنبه ۲۰ اسفند با حضور محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از اصحاب فرهنگ برگزار شد.

وزیر فرهنگ در این مراسم پس از قرائت پیام ریاست جمهوری آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، گفت: این سومین سالی است که مراسم بزرگداشت حکیم نظامی برگزار می‌شود. این رویداد از سال ۱۴۰۰ که سال اول فعالیت ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود شروع شد. جریان تکریم و تجلیل بزرگان ایران زمین به فرهنگی در حوزه رفتاری دولت و کنش‌گران فرهنگی تبدیل شده است. در سال جاری مجموعه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همایش‌ها، نشست‌ها و جشنواره‌های بسیاری را برای معرفی اندیشمندان ایران زمین برگزار کرده است. این برنامه‌ها در مورد اندیشمندانی که هنوز در قید حیات هستند و بزرگانی که در سده‌های دور و نزدیک در این مرز و بوم مایه افتخار آفرینی شدند و ما به نام آنها افتخار می‌کنیم برگزار شده است.

وی با بیان اینکه در وزارت فرهنگ بدون نگاه به مرزهای سیاسی به اندیشمندان مان توجه می‌کنیم، گفت: مولوی را بزرگ می‌شماریم بدون توجه به اینکه در بلخ به دنیا آمده و در قونیه از دنیا رفته است؛ اشعار مولوی حکمت‌های اصیل به زبان پارسی است و مولوی را افتخار ایران فرهنگی می‌دانیم. نظامی را افتخار حوزه فرهنگی اصیل می‌دانیم. نظامی در مرزهای سیاسی امروز چه در آذربایجان چه در ایران نمی‌گنجد و متعلق به منطقه فرهنگی ایران بزرگ است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه گفت: سایر مفاخر ایران زمین هم به همین نحو است. در سفر به ازبکستان وقتی به بخارا رفته بودیم فارغ از اینکه این سینا در



## شعر ایران در سالی که گذشت

بسیار فعال بود.

عابدی در ادامه یادکرد از شاعران در گذشته گفت: علیرضا شجاع‌پور (متولد ۱۳۲۱) شاعر شعر سنتی با گرایش ملی که فقط یک بار ایشان را به طور اتفاقی همراه با همایون خرم، موسیقی‌دان دیده بودم و میهن‌دوستان شعرهایش را بسیار دوست داشتند. کاوه گوهرین (متولد ۱۳۳۴) که علاوه بر شعر گویبی، به ویژه در حوزه شعر کوتاه، در گردآوری شعر و نثرهای خسرو گلرخی در سه جلد کوشایی زیادی نشان داد. او ادامه داد: واصف باختری (متولد ۱۳۲۱) شاعر توانا و نوآوری از افغانستان که در دوره‌ای تیراظم زیست و غزل‌هایش همواره مرا به یاد توأمندی حسین منزوی در غزل‌سرایی می‌انداخت. ابراهیم گلستان (متولد ۱۳۰۱) که شاعر نبود اما در شماری از داستان‌هایش نثر و ایقاع شاعرانه دلپذیری دیده می‌شود و از بابت دوستی با فروغ فرخزاد هم برای دوستداران شعر اهمیت دارد. دکتر محمد غلامرضایی (متولد ۱۳۳۱) استاد ادبیات فارسی در دانشگاه‌های یزد و شهید بهشتی که کتاب‌هایی خواندنی در حوزه شعر غنایی و سبک‌شناسی از او منتشر شده بود.

این پژوهشگر سپس گفت: دکتر بهرام مقدادی (متولد ۱۳۱۹) استاد بسیار فرهیخته ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران که مقاله‌ها و کتاب‌های بسیار خوبی در حوزه ادبیات معاصر ایران و جهان تالیف کرد. دکتر امیربانو کریمی (متولد ۱۳۱۰) استاد ادبیات فارسی در دانشگاه تهران و فرزند امیری فیروزکوهی که شاید از نخستین استادانی بود که از سبک‌های هندی و صائب تبریزی در دانشگاه سخن گفت و در این زمینه تدریس کرد. کاظم شیعنی (متولد ۱۳۲۹) که غزل‌سرای خوبی از شیراز بود و ظاهراً فقط یک دفتر از او به نام «شیراز خمار» منتشر شده است. علی نظمی تبریزی (متولد ۱۳۰۶) از شاعران و ادیبان توانایی که بر ادبیات کهن مسلط بود و در سرودن ماده تاریخ تبحر خاصی داشت. عبدالله صمدیان (متولد ۱۳۲۵) شاعر و عکاس که فضاهای مختلفی را در شعر تجربه کرده بود و در این اواخر به نوعی شعر-اندیشه با گزین‌گویی تمایل یافته بود. تا جایی که یاد می‌آید، شاعران دیگر مانند عدنان غریفی (مترجم و نویسنده)، علی عبدلی (محقق)، حسین دیلم کوتلی، علیرضا فراهانی، محمدرضا همت‌یار، تیمور گورگین (روزنامه‌نگار)، و شاعران افغانستانی و تاجیکستانی مانند عبدالکریم تمنا هروی، محمد صادق عصیان، اسدگلزاده بخارایی و چند تن دیگر هم امسال درگذشتند. او یادآور شد: محمدعلی اسلامی ندوشن (متولد ۱۳۰۴) که سال ۱۴۰۱ در کانادا درگذشت بنا بر وصیتش در نیشابور و در جوار خیام به خاک سپرده شد؛ این نکته احتمالاً برای بسیاری از اهل ادب درس آموز است که ادیبی مانند اسلامی ندوشن که تجربه شاعری هم داشت ترجیح داد نه در شهری که در آن زندگی کرد (تهران) یا زادگاهش (ندوشن یزد)، بلکه در شهری که فشرده‌ای از تاریخ ایران می‌دانست و در جوار شاعری که عمیقاً دوستش داشت بیارآمد. عابدی همچنین در ادامه سخنانش به بزرگان‌هایی برای شمس لنگرودی، سیدعلی صالحی و محمود معتمدی اشاره کرد و یادآور شد: همچنین سالگرد درگذشت امیر هوشنگ ابتهاج در خانه فرهنگ گیلان (رشت) گرمی داشته شد که من نیز در این مراسم چند کلمه‌ای درباره موقعیت شعری ما، سابه سخن گفتم. در این نشست پس از حدود سه دهه دیداری با شاعر نوگرا و سرشناس رشت، علیرضا پنجه‌ای دست داد. نشست می‌هم

کامیار عابدی می‌گوید: در دهه‌های اخیر شعر در مجموعه‌های شخصی‌تر تعریف شده و توانایی تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی‌اش ضعیف یا محدود شده است.

این منتقد و پژوهشگر ادبی در گفت‌وگویی با ایستنا که در آستانه روز جهانی شعر (۲۱ مارس) منتشر می‌شود، درباره وضعیت شعر در سال ۱۴۰۲ اظهار کرد: متأسفانه به سبب وضعیت نامناسب نشر کتاب و ریزش تدریجی مخاطبان که تا حدودی به وضعیت نامناسب اقتصادی برمی‌گردد، از شعر شاعران جوان یا کمتر شناخته‌شده استقبال چندانی نمی‌شود و انتشار دفتر شعر این گروه از شاعران فقط با حمایت خانواده یا دوستان ادبی این شاعران امکان‌پذیر است. البته شاید شمار بسیار زیاد شاعران هم به این موضوع دامن زده باشد. او در ادامه گفت: در دهه‌های اخیر هرچه جلوتر آمده‌ایم شعر در مجموعه‌های شخصی‌تر تعریف شده و توانایی تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی‌اش ضعیف یا بسیار محدود شده که با توجه به پیشینه شعر به‌عنوان هنر ملی ایرانیان موقعیت قابل‌توجهی نیست. عابدی در ادامه با اشاره به جایزه‌های ادبی، گفت: البته برخی جشنواره‌ها و بنیادهای جایزه ادبی در حوزه شعر نیز فعالند اما به نظر می‌رسد اغلب این جایزه‌ها از تأثیرگذاری لازم و کافی در حوزه شعر بی‌بهره یا لاقابل‌بهره‌اند و صرف نظر از موارد استثنا، بیش‌تر دفترها و مجموعه‌هایی که جایزه دریافت کرده‌اند به سرعت فراموش شده‌اند. به نظر باید این موضوع تبیین و آسیب‌شناسی شود که از نظر زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی و روانشناسی چرا چنین است. این پژوهشگر با بیان اینکه روزنامه‌ها و مجله‌های فرهنگی رغبت چندانی برای انتشار شعر ندارند، اظهار کرد: تنها رسانه چاپی و جدی شعر در حال حاضر مجله «وزن دنیا» است که از سال ۱۳۹۸ کار خودش را شروع کرده و امکانی است برای دیدار و عرضه آثار و آشنایی با شاعرانی از سراسر کشور. این مجله در اقدامی که به نظر بسیار متهورانه بود، یک شماره را به شعر اختصاص داد که بسیار جالب توجه بود. متهورانه از این بابت که در دو دهه اخیر به تدریج جود ضعیف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای در ایران شکل گرفته و دامنه‌اش تا ادبیات هم کشیده شده است اما دست کم از نظر ادبی می‌دانیم که با نادیده گرفتن شعر و ادبیات چاپی از فرهنگ معاصر ایران چیز چندانی از شعر معاصر باقی نمی‌ماند. عابدی در ادامه درباره خبرهای خوب و بد حوزه ادبیات در سال ۱۴۰۲ به درگذشت شاعران و ادیبانی که در این سال از دنیا رفتند، اشاره کرد و گفت: محمدرضا احمدی (متولد ۱۳۱۹) شاعر سرشناس شعر سپید است که شعرش موافقان و مخالفانی داشت و با وجود این به سبب ورود به قلمرو رومانتی‌سیسم در دهه‌های اخیر بر مخاطبان او بسیار افزوده شده بود. درباره او در مقاله‌ای نسبتاً مفصل که در شماره ۱۴۲ مجله «نگاه نو» نوشتیم، کوشیدم تا حدی از موقعیت شعری و ادبی او در ادبیات معاصر فارغ از ستایش‌ها و نکوهش‌ها یاد کنم. او افزود: شاپور جورکش (متولد ۱۳۲۹) شاعر دیگری است که در سال ۱۴۰۲ از دنیا رفت؛ او شاعری نواندیش و منظومه‌سرا بود و علاوه بر آن در حوزه نقد ادبی با تالیف کتاب‌هایی درباره نیما و هدایت به دستاوردهای خاصی رسیده بود. جورکش در دوره متأخرتر از نقد ادبی به سمت نقد اجتماعی-تاریخی گرایش یافته بود. شمس آقاجانی (متولد ۱۳۴۷) که از شاعران نسله زبانی دهه ۷۰ بود اما در دوره اخیرتر از آن نوع شعر تا حدی فاصله گرفته و در حوزه تحلیل شعر هم

یاد نیما در کتابفروشی راوی تجریش برگزار شد که علاوه بر تجدید دیدار با حافظ موسوی، شاعر شناخته‌شده هم‌روزگارمان در دوره پساکرون، دیداری با شاعر و نویسنده فروتن حسن عالیزاده هم برای اولین بار رخ داد. همچنین نشست نقد و بررسی حدود چهار دهه شاعری پوران کاوه نیز برگزار شد که در این نشست هرمز علیپور و ناهید کبیری و احمد بیرانوند و من از چند زانویه به شناخت سروده‌های خانم کاوه پرداختیم. او سپس گفت: انجمن‌های شعری در سال اخیر همچنان فعال بودند به‌ویژه نشست‌های ماهانه گروه شعر معاصر از سوی شاعران و نویسندگان معاصر به ویژه فرهاد عابدینی و اسدالله امرایی برقرار بود اما از چند دوست شاعر شنیدم که انجمن غزل خانم تاجبخش با وجود چهار دهه فعالیت به سبب کسالت خانم تاجبخش نتوانسته است در دوره پساکرون فعالیت کند، با وجود این، نشست‌های مجازی شعر هنوز گسترده‌تر از نشست‌های حضوری است. او که کتاب «بروا نیلی: شاعر و سینماگر» را سال ۱۴۰۲ منتشر کرده و گفت‌وگویی درباره این شاعر با ایستنا داشت، درباره کتاب‌هایی که در حوزه نقد ادبی و شعری منتشر شده، گفت: «درباره تجدد ادبی» تالیف و گردآوری دکتر عیسی آمن‌خانی، استاد دانشگاه گلستان، شامل متن‌هایی درباره جدال‌ها و بحث‌های بسیار متنوع و خواندنی در زمینه سنت و تجدد همراه با شناختی از این موضوع در تاریخ ادبی معاصر، «شکفتن در مه» تالیف و گردآوری مهدی ختیبی درباره آثار شعری محمد کاظمی هومن غزلسرا و ترانه‌سرای بسیار خوب که به سبب مهاجرت به ایالات متحده آمریکا در دهه ۶۰ان برای نسل جدید ادبی به حد لازم و کافی آثارش شناخته‌شده نیست، «فرزندان آفتاب و باد» تالیف محمدرضا رهبریان، ویراست جدید و بسیار کامل‌تر کتابی درباره شعرهای تقدیمی احمد شاملو و نیز نام‌های اشخاص در سروده‌هایش، «کافه‌های روشنفکری» تالیف احمد راسخی لنگرودی، درباره پاتوق‌های فرهنگی و نقش آن‌ها در ادبیات معاصر، «در طریق ادب» منتخبی از آرا و مقاله‌های دکتر سعید حمیدیان، استاد دانشگاه علامه طباطبایی که از معدود ادیبان دانشگاهی است که آثارش هم در حافظ‌شناسی و هم در نیماپژوهی بسیار برجسته است.

عابدی ادامه داد: «کتاب منصور ملکی» گردآوری توکا ملکی، مجموعه‌ای از نوشته‌های خواندنی روزنامه‌نگار ادبی فقید و شریف و عاشق، «شاعران در جستجوی جایگاه» تالیف دکتر مسعود جعفری جزی، استاد دانشگاه خوارزمی و عضو پیوسته فرهنگستان، کتابی بسیار نکته‌سنجانه درباره شاعران کهن و معاصر، «ادبیات معاصر ایتالیا» تالیف جولینو فرونی در دو جلد، ترجمه منوچهر سادات افسری که کتابی جامع و بسیار پراطلاع است، مجموعه آثار منظوم شکسپیر در سه جلد ترجمه دکتر امید طبیب‌زاده استاد زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و عضو پیوسته فرهنگستان، شامل «غزلواره‌ها»، «ققنوس و قمری و شکایت عاشق» و «نونوس و آدونیس و تجاوز به لوکرس» که مجلد اخیر شامل تحقیق بسیار خوبی درباره ارتباط «نونوس و آدونیس» شکسپیر و «هره و منوچهر» ایرج میرزا نیز هست. باید یادآور شوم در اواخر زمستان هشت دفتر جدید از اشعار سنتی و نواز دکتر شفیعی کدکنی در قالب دو مجلد با نام‌های «نامه‌ای به آسمان» و «رباعیاتی از نیشابور» منتشر شد که مطمئناً برای دوستداران این استاد برجسته بسیار مغتنم خواهد بود.

# واقعا با یادداشتهای شهدا چگونه برخورد می‌کنیم؟

باید منتظر باشیم که مثلاً ۲۰ سال دیگر برای سومین بار، کتاب یادداشتهای شهید صالحی با حذفیات کمتر چاپ شود. این نمونه به خوبی نشان می‌دهد که با آثار و اسناد شهدا چگونه برخورد می‌کنیم!

کتاب «راه خون» یادداشتهای روزانه سرلشکر پاسدار شهید غلامرضا صالحی «با اهتمام احمد دهقان به تازگی توسط نشر ۲۷ بعثت منتشر و راهی بازار نشر شده است.

غلامرضا صالحی متولد سال ۱۳۳۷ در نجفآباد اصفهان، قائم مقام لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) بود که در عملیات معروف «تنگه ابوغریب» که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و حمله دوباره عراق انجام شد، در یک حمله شبانه به دشمن یورش برد و به شهادت رسید. احمد دهقان می‌گوید دستنوشته‌های شهید صالحی بدون اغراق از مهم‌ترین دستنوشته‌هایی هستند که تاکنون راجع به جنگ نوشته شده و منتشر می‌شوند. صالحی خیلی زود ابتدا در غرب کشور و سپس در جنوب و شمال غرب، در بالاترین سطوح جنگ و تصمیم‌گیری‌ها حضور پیدا کرد. اما اندیشه‌ها و وقایع زندگی‌اش به‌عنوان یک فرمانده گمنام تأثیر گذار، کمتر معرفی شده‌اند. با این وجود از او، انبوه یادداشت و دستنوشته به جا مانده که اندیشه‌ها و روزگار او را تشریح و مشخص می‌کنند. تک‌جمله‌هایی در این یادداشت‌ها وجود دارند که حاصل سال‌ها تجربه جنگیدن و نبرد او هستند.

علی نورآبادی پژوهشگر و خبرنگار درباره این کتاب یادداشتی نوشته که با عنوان «شاهد عینی» در اختیار مهر قرار گرفته است.

مشروح متن این یادداشت را در ادامه می‌خوانیم؛

## ۱- شهدا شرم‌منده‌ایم!

پس از سال‌ها انتظار بالاخره یادداشتهای شهید غلامرضا

صالحی با عنوان «راه خون» منتشر شد. سال‌ها پیش که کتاب «تک آخر» (گزیده بسیار مختصری از این یادداشت‌ها) را خوانده بودم، منتظر انتشار اصل یادداشت‌ها و کتاب کامل آن بودم تا این که کتاب «راه خون» زمستان ۱۴۰۲ با پشتکار و پیگیری احمد دهقان منتشر شد. «تک آخر» در سال ۱۳۸۴ منتشر شد و ۲۰۰ صفحه بود. اکنون که «راه خون» بعد از ۱۸ سال منتشر شده حدود ۱۳۰۰ صفحه است، حالاً می‌فهمیم آن زمان ۱۱۰۰ صفحه از کتاب را حذف کردند. تازه بخش‌های زیادی از همین کتاب هم سانسور شده که معلوم نیست چه حجمی را شامل می‌شود و باید منتظر باشیم که مثلاً ۲۰ سال دیگر برای سومین بار، کتاب یادداشتهای شهید صالحی با حذفیات کمتر چاپ شود. این نمونه به خوبی نشان می‌دهد که با آثار و اسناد شهدا چگونه برخورد می‌کنیم... بگذریم. به هر حال دو کتاب در دست مطالعه داشتیم اما آنها کنار گذاشتیم و بلافاصله خواندن «راه خون» را شروع کردیم.

## ۲- «راه خون» منتشر شد اما سانسور شده.

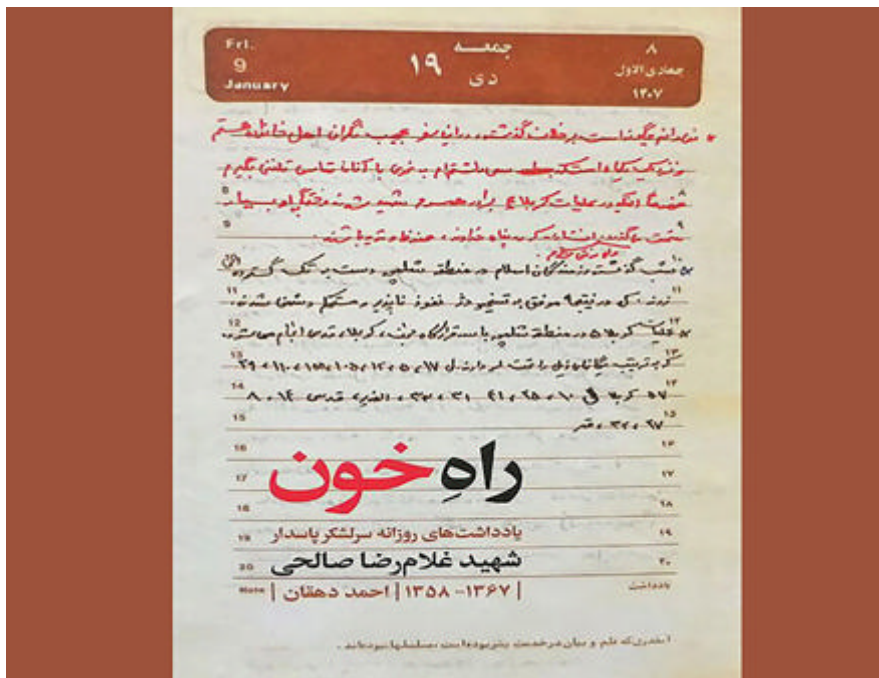
به گفته احمد دهقان «بهادهای و افراد ناظر» - که کسی نمی‌داند اینها چه کسانی هستند؟ - بیش از ۱۰۰ مورد در متن یادداشت‌ها دست بردند و بخش‌هایی از آن را حذف و سانسور کردند. اتفاقاً هر چه به آخر جنگ نزدیک می‌شویم، {...} نقطه چین‌های سانسور شده بیشتر می‌شود. بویژه بعد از عملیات کربلای ۵ تا پایان جنگ. هر چند که {...} در یادداشتهای این روزها زیاد است و بخش‌های زیادی از آنها سانسور شده اما باز هم خواندنی هستند. ۳۵ سال از پایان جنگ می‌گذرد و ما بعد از این همه مدت هنوز به خودمان اجازه می‌دهیم که در یادداشت‌های شهدا دست ببریم و آنها را کم و زیاد کنیم. هنوز به خودمان اجازه می‌دهیم که بعد از سال‌ها اسناد و مدارک جنگ را خوب و بد کنیم. بعد از ۳۵ سال از پایان جنگ هنوز

هم بدون خجالت، یادداشتهای شهدا را به صورت سه نقطه {...} منتشر می‌کنیم. سال‌ها اسناد و مدارک جنگ را در اتاق‌های مان حبس کردیم که خاک بخورند و حالا هم که اجازه انتشار دادیم با حذفیات زیاد و سانسور شده منتشر می‌کنیم. حفظ و انتشار با امانت داری کامل آثار، نوشته‌ها و یادداشتهای شهدا و روایان جنگ حداقل انتظار از مراکز و مسئولان متصدی و مدعی حوزه دفاع مقدس است. امیدواریم که امانت‌دار خوبی باشند. بعد از گذشت حدود ۴۰ سال از جنگ واقعا چه دلیلی و یا بهتر است بگوییم چه بهانه‌ای برای سانسور یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های شهدا می‌تواند وجود داشته باشد؟ مگر این که در این یادداشت‌ها چیزی باشد که ما نخواهیم مردم بدانند. شهدا شرم‌منده‌ایم! شرم‌منده از این که اسناد و نوشته‌های شما به دست ما افتاده است و ما این آثار را این گونه دستکاری می‌کنیم. بر اساس منافع شخصی یا سیاسی خود آنها را مثله می‌کنیم.

۳- از طرفی مرتب کتاب‌های تاریخ شفاهی منتشر می‌کنیم اما از سوی دیگر اجازه نمی‌دهیم که دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌ها و خاطرات شهدا یا نوشته‌های روایان جنگ منتشر شود. کم نیستند شهدایی که یادداشت‌هایی از خود به جا گذاشتند. کم نیستند رزمندگانی که خاطرات خود را از دوران جنگ نوشته‌اند. همچنین روایان جنگ در همه عملیات‌ها و صحنه‌های جنگ حضور داشتند و رویدادها را ثبت کردند اما این یادداشت‌ها و خاطرات در کمدوها و بایگانی‌های مراکز نظامی و غیرنظامی حبس شده است. بدون شک دست‌نوشته‌ها، خاطرات، یادداشت‌های شهدا و رزمندگان و نوشته‌های روایان، بی‌واسطه‌ترین و مستقیم‌ترین اسناد و مدارک جنگ هستند. این یادداشت‌ها و خاطرات را کسانی نوشتند که خودشان سر صحنه حوادث حضور داشتند و بدون فاصله و بدون «ملاحظاتی بعد از جنگ» نوشته‌اند.

نمی‌خواهیم بگوییم که کتاب‌های تاریخ شفاهی نباید منتشر شوند اما قطعاً انتشار خاطرات، یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های شهدا و رزمندگان در اولویت است. چرا باید یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های شهدا و نوشته‌های روایان در نهادها و مراکز نظامی و غیر نظامی خاک بخورد؟ حرف این نیست که چرا آثار تاریخ شفاهی منتشر می‌شود بلکه حرف این است که چرا یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های شهدا و رزمندگان را منتشر نمی‌کنند؟ مثلاً تاکنون کتاب‌هایی درباره عملیات تلخ والفجر مقدماتی منتشر است اما هنوز یادداشت‌های محسن حمزه نیا فرمانده گروهان شهادت گردان انصار الرسول از رزمندگان لشکر ۲۷ منتشر نشده است. حمزه نیا یکی از کسانی است که در این عملیات در رمل‌های فکه گم می‌شود و بعد از سه چهار روز سرگردانی به نیروهای خودی می‌رسد. او اتفاقات این عملیات و گم شدنش و این که در این چند روز چه بر سرش آمده نوشته که بسیار هم خواندنی است. این یادداشت‌ها هنوز منتشر نشده است اما پاره‌هایی از آن در برخی کتاب‌های دیگر آمده است. از این گونه یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های منتشر نشده از شهدا یا فرماندهان کم نداریم. دهها کتاب برای هر عملیات نوشته شده است اما هنوز نوشته‌های روایان فرماندهان و قرارگاه‌ها در جنگ منتشر نشده است.

## واقعا با یادداشتهای شهدا چگونه برخورد





## می‌کنیم؟

۴- شهید صالحی اهل فرهنگ و به ویژه بسیار اهل مطالعه است. در اوج جنگ و مسؤولیت‌های نظامی هر وقت که اندک زمانی به دست می‌آورد مطالعه می‌کند، فرقی نمی‌کند در خانه باشد یا در قرارگاه یا جای دیگر. هر وقت به تهران می‌آید و وقت آزادی پیدا می‌کند برای دیدن نمایش به تئاتر شهر یا سینما می‌رود. هر وقت اندک زمانی به دست می‌آورد به بازدید مراکز فرهنگی و تاریخی می‌رود. چند نمونه: «ظهر به اتفاق اهل خانواده و پدر همسر از طاق بستان دیدن کردیم» (سه شنبه ۳ تیر ۱۳۶۵/ ص ۷۶۲) سر زدن به کتابفروشی‌های خیابان انقلاب و خرید کتاب معمولاً یکی از کارهای او بود، هر وقت که به تهران می‌آمد. «صبح سری به کتاب‌فروشی‌های مقابل دانشگاه تهران زدم و کتاب‌های جدیدی را که چاپ شده، خریدم. ظهر از تهران عازم باختران (کرمانشاه) شدم.» (شنبه ۲۱ تیر ۱۳۶۵/ ص ۷۷۳) یا «مرور به علت بیکار بودن در تهران به گشت و بازدید از کتابفروشی‌ها و... مشغول بودم. عصر از یک نمایشنامه به نام (معمای ماهیار معمار) در تالار شهر دیدن کردم.» (یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۶۵/ ص ۷۸۰) این در حالی است که فردای آن روز یعنی ۶ مرداد شهید صالحی عازم سفر حج است. یا بعد از ظهر به اتفاق خانواده به اصفهان رفتیم. پس از تماشای فیلم سینمایی «بایکوت»، چند ساعتی در آنجا گردش کردیم.» (سه شنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۵/ ص ۸۶۹) یا «قبل از ظهر به اصفهان رفتم و از کتابفروشی‌های شهر کتاب‌های جدیدی را که تألیف و ترجمه شده در رابطه با مسائل جهانی، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی خریداری کردم.» (پنج شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۶/ ص ۱۰۰۲) یا «مرور به اتفاق خانواده و برادران محمد مهدی فروغی و سعید ظفری از نمایشگاه بین‌المللی تهران دیدن کردیم. در نمایشگاه ۳۷ کشور جهان از شرق و غرب حضور داشتند. در مجموع کشورهای اروپایی، انگلستان، آلمان، ژاپن و... به طور فعال و چشمگیر شرکت کرده بودند و حضور کشورهای جهان سوم چندان قابل توجه نبود... بعضی از زنان خارجی که در غرفه‌های کشورهای خارجی کار می‌کردند، وضع حجاب آنها بهتر از ایرانیان بود.» (سه شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۶۴/ ص ۴۱۹) یا «عصر امروز همراه برادران از اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در محل نمایشگاه دائمی دیدن کردیم.» (جمعه ۱۵ آبان ۱۳۶۶/ ص ۱۰۹۷) این روحیه و رویه واقعاً منحصر به فرد است. چون او هم می‌توانست مثل دیگر نظامیان یا فرماندهان، کارهای جنگی را بهانه کند و بی خیال این چیزها باشد. تأکید بر مطالعه و خواندن آثار تاریخی و جنگی از جمله کتاب‌های جنگ جهانی اول و دوم یکی از توصیه‌های همیشگی او به دیگر فرماندهان و مسئولان نظامی است.

۵- آخرین مسؤولیت شهید غلامرضا صالحی جانشینی لشکر ۲۷ محمد رسول الله است و ۲۰ تیر ۶۷ در حمله عراق در آخرین روزهای جنگ در فکه به شهادت می‌رسد و ۲۷ تیر دقیقاً در روز پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران در نجف آباد به خاک سپرده می‌شود.

هر چند شهید صالحی در رده‌های بالای نظامی است اما در خلال یادداشت‌ها تنها به مسایل جبهه و جنگ نمی‌پردازد. ذکر جزئیات زندگی شخصی یک فرمانده ارشد در میانه میدان جنگ از خواندنی‌ترین بخش‌های کتاب است. مثال‌ها زیاد است و در اینجا برای طولانی نشدن یادداشت فقط یکی دو نمونه ذکر می‌شود. «اهل خانواده و خصوصاً همسر، بیش از این که از آمدن به منزل خوشحال باشند، ناراحت این هستند که مجدداً فردا خواهیم رفت. با وجود آن که در چند سال گذشته جنگ تحمیلی، آنان به این نوع

زندگی عادت کرده اند ولی تازگی‌ها از این که معمولاً در کنار آنان نیستیم. اظهار ناراحتی و نگرانی می‌کنند. اینها همه ناشی می‌شود از فشارها و کمبودهایی که به علت گرانی و... نمی‌توانم برای آنان تهیه کنم. بعد از ظهر به اتفاق بچه‌ها به شهر رفتیم و نیازمندی‌های منزل را خریداری کردیم. با وجود آن که دیر به دیر نیازهای منزل را تهیه می‌کنم و معمولاً هم خریدهای خود را از ساده‌ترین و ارزان‌ترین آنها انتخاب می‌کنم به علت محدود بودن حقوق دریافتی و گرانی و اداره کردن همسر و سه فرزند و حدوداً مادر و خواهر و همچنین ساختن منزل و... کم می‌آورم. در چند سال گذشته مجبور شده ام بیش از از سه میلیون ریال از بانک یا افراد قرض بگیرم تا بتوانم مقداری از کمبودها را جبران کنم.» (سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۶/ ص ۹۸۶) و یا در جای دیگر می‌نویسد: «به دلیل مشغله کاری متأسفانه هیچ‌گونه فرصتی برای تربیت فرزندان خود ندارم. در حالی که اولین فرزندم امسال وارد مدرسه شده، نتوانسته ام تا به حال دروس او را کنترل کنم. چند روزی هم که به مرخصی می‌روم باید وقت خود را صرف مشکلات دیگر بکنم و فرزندانم با حالت بیگانه ای با من مواجه می‌شوند و تا می‌خواهند کمی با من آشنا شوند و خو بگیرند، باز آنان را ترک می‌کنم.» (یکشنبه ۸ آذر ۱۳۶۶/ ص ۱۱۱۲)

## واقعا با یادداشت‌های شهید چگونه برخورد

### می‌کنیم؟

۶- «راه خون» شامل یادداشت‌های شهید غلامرضا صالحی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ است که به صورت روزانه نوشته شده است. قبل از هر چیز همت شهید صالحی ستودنی است که بیش از ۷ سال هر روز بدون وقفه یادداشت‌هایی نوشته است، آن هم نه در شرایط عادی بلکه در شرایط جنگی. یادداشت‌ها از ۸ شهریور ۵۸ با نوشتن ماجرای سفر جنجالی محمد منتظری و ۵۰ نفر از نیروهایش به لیبی برای جشن سالگرد کودتای معمر قذافی شروع می‌شود که صالحی هم یکی از افراد این گروه است. شاید این تنها روایت دست اول از این سفر جنجالی ۲۰ روزه به لیبی و دیگر کشورهای عربی باشد که تاکنون منتشر شده است. هر چند میزان و نحوه نگارش یادداشت‌ها در سال‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است اما بی‌وقفه تا ۲۰ تیر ۱۳۶۷ ادامه دارد. شهید صالحی دو روز بعد یعنی ۲۲ تیر در فکه به شهادت می‌رسد. شهید صالحی به همراه ۱۰۰ نفر از بچه‌های نجف آباد برای اولین بار در سال ۱۳۵۹ به جبهه می‌رود. یادداشت‌های این سال، نمونه جالبی از حال و هوا و فضای روزهای ابتدایی جنگ است. روزهایی که هیچ کس نمی‌داند جنگ چیست؟ و چگونه باید جنگید؟ شهادت یعنی چه؟ ترس‌ها، دلهره‌ها و نابلدی‌های اولین تجربه حضور مستقیم در جبهه واقعی در این یادداشت‌ها کاملاً احساس می‌شود. اضطراب و هراس از دیدن اولین صحنه‌های شهادت بچه‌ها - شبیه کسی که اولین بار، جسد و خون می‌بیند - و نگرانی از زیاد شدن تعداد شهید و صحنه‌هایی این چنینی در یادداشت‌ها کم نیست. این وضع در روزهایی است که هنوز تعداد شهید در حد سه چهار نفر است.

## ۷- «جنگ را سیاسی کردیم»

«راه خون» بدون شک یکی از کم نظیرترین کتاب‌ها و اسناد جنگ هشت ساله است. هر چند متأسفانه بخش‌هایی زیادی از یادداشت‌ها سانسور شده (ان شا الله این بخش هم روزی منتشر خواهد شد) اما باز هم ناگفته‌های زیادی درباره جنگ در این کتاب آمده است. اگر کمی با دقت مطلع شود

ریشه‌ها و عوامل بسیاری از اتفاقات جنگ را می‌شود در آنها ردیابی کرد. با دقت در این یادداشت‌ها می‌شود گره‌ها و نقاط مبهم و کور برخی حوادث جنگ و عملیات‌ها را روشن کرد. به عنوان نمونه، یادداشت‌های شهید صالحی را درباره علل شکست تلخ والفجر مقدماتی در سال ۶۱ به صورت خلاصه می‌آوریم. «ما ضعف‌هایی که می‌توان در عملیات مورد بررسی قرارداد:

۱- به جنگ جنبه سیاسی دادن و پیروزی را با دید سیاسی نگرستن، نه یک وظیفه و تکلیف و شعار. و این که ما باید پیروز شویم تا در دنیا و کنفرانس‌ها و فلان و فلان، قدرت سخن گفتن داشته باشیم و دنیا از ما حساب ببرد. همین باعث شد همانطور که ما در عملیات رمضان با دید سیاسی و اهداف سیاسی عملیات را آغاز کردیم و با شکست مواجه شدیم، حالا نیز عملیات والفجر مقدماتی چنین شد.

۲- عدم آموزش نیروهای بسیج و این که چگونه و به چه شیوه‌ای باید با دشمن مقابله کرد.

۳- عدم اجرای دقیق طرح عملیات...

۴- نپایداری برای این باشد که با فشار و... حذف شده} و عدم رعایت اخلاق اسلامی عده‌ای ادار شونده تا مأموریت خود را اجرا کنند.

۵- ضعف فرماندهی نیروی درگیر...

۶- عقب نشینی غلط و به هم ریختگی نیروها...

۷- عدم اجرای دقیق مسؤولیت‌ها و تداخل در کار یکدیگر از طرف مسئولان دیده می‌شد.» (جمعه ۱۳ اسفند ۱۳۶۱/ ص ۱۲۴ و ۱۲۵)

و یا شهید صالحی درباره دلایل شکست عملیات بدر پس از شش روز حمله در منطقه شرق دجله می‌نویسد:

«۱- عنایت و توجه مسئولان به ادامه عملیات و عدم توجه لازم به حفظ و تثبیت خطوط به دست آمده.

۲- استفاده ناصحیح و بی جا از یگان‌ها در عملیات و خطوط پدافندی (تیپ ویژه شهید و تیپ هوای ارتش و...)

۳- حضور بیجا و بی مورد نیروهای ارتش (تیپ‌ها و لشکرهای ۲۱ حمزه، ۲۸ کردستان، تیپ نوه، تیپ هوای و... که باعث تجمع زیاد نیرو و امکانات در منطقه عملیات شد و با فرار ناجای خود، باعث تضعیف نیروهای های حاضر در منطقه شدند.

۴- حضور ناصحیح فرماندهان رده بالا سرهنگ علی صیاد شیرازی، رحیم صفوی و... در منطقه زیر آتش شدید دشمن که باعث پراکندگی حواس و هیجان آنان شده بود و لذا قادر به هدایت و کنترل نیروها و اتخاذ تصمیمات لازم نبودند.

۵- ضعف و ناتوانی فرماندهان قرارگاه‌ها در تصمیم‌گیری و هدایت یگان‌ها در زمان بحران و آشفتگی جبهه.

۶- به شهادت رسیدن و زخمی شدن عده‌ای از فرماندهان (شهید مهدی باکری، عباس کریمی، ابراهیم جعفرزاده، محمدجعفر اسدی، محمود کاوه و...) که باعث پراکندگی نیروهای آنها شد.

۷- فشار سنگین و آتش شدید دشمن که در صورت ادامه آن موفق به شهادت رساندن و به اسارت گرفتن عده زیادی از نیروهای اسلام شد. (جمعه ۲ فروردین ۱۳۶۴/ ص ۵۳۹)

۸- نکته مهم دیگر آن است که شهید صالحی فرمانده بود یا مسؤولیت‌های بالایی داشت. او از نزدیک شاهد اتفاقات است و در جلسات رده بالای تصمیم‌گیری‌ها حضور دارد و این به اعتبار یادداشت‌ها می‌افزاید. شهید صالحی رک و بی تعارف است. هر چه نظرش بوده است بدون مجامله و تعارف می‌نویسد، می‌خواهد محمود کاوه باشد یا صیاد شیرازی یا فلان نماینده مجلس و یا دیگران.



می شود و ما تر که هم دیگر به این جشن گرفتن عادت کردیم.

### پژوهشگران معتقدند نژاد ایرانی ها و هندی های یکی است

صفوی هم در ادامه برنامه گفت: دانشگاه اسلامی علیگر بیش از ۱۰۰ سال است که تأسیس شده و زبان فارسی یکی از اولین رشته‌های این دانشگاه از ابتدا تاکنون بوده است. خوشبختانه اشتراکات فرهنگی دو کشور هندوستان و ایران بسیار زیاد است و بسیاری از مورخان و پژوهشگران معتقدند که نژاد ایرانی‌ها و هندی‌ها یکی است و این هم‌نژادی به نوعی در واژگان هم خودش را نشان می‌دهد، مثلاً در زبان سانسکریت هم مثل زبان فارسی واژگانی مثل پدر و مادر وجود دارد فقط تلفظشان باهم فرق دارد. پس از سلطه انگلیسی‌ها بر انگلستان، زبان فارسی کم‌کم برچیده و در عوض زبان انگلیسی در هندوستان رسمی شد. وی افزود: در هندوستان، اغلب شاعران ایرانی از جمله رودکی که پدر غزل فارسی است، فردوسی، مولانا، خیام و حافظ شناخته شده هستند اگر چه به نظر من به طور کلی اوضاع زبان و ادبیات در همه جای دنیا و همه کشورها رو به افول است چون دنیای امروز دنیای تکنولوژی، کامپیوتر و مهندسی است. البته اگر کسی علاقمند به دانستن تاریخ هند باشد ناگزیر است که زبان فارسی بداند چون کتب تاریخی هندی همگی به زبان فارسی نوشته شده است. پس اهمیت زبان فارسی در هند محدود به شعر و ادبیات نیست بلکه تاریخ این کشور هم به نوعی به هند گره خورده است.

### فردوسی، سعدی، حافظ و خیام در ایروان شناخته شده هستند

وارداریان در پایان این برنامه گفت: در ارمنستان، زبان فارسی در حد زبان دانشگاهی است و در چندین دانشگاه و مدرسه هم تدریس می‌شود. دپارتمان ایران‌شناسی دانشگاه ایروان یکی از مهم‌ترین مراکز زبان‌شناسی در دنیاست و دانشجویان بسیاری از دانشگاه آکسفورد، کمبریج و امثال اینها برای تحصیل تکمیلی رشته‌های زبان‌شناسی خود به این دانشگاه می‌آیند تا فارسی یاد بگیرند. در دپارتمان ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان هر ساله حدود ۲۰-۲۵ نفر دانشجوی تحصیل می‌کنند و دانشجویان این رشته علاوه بر زبان و ادبیات فارسی، درباره تاریخ و هنر ایران هم واحدهای درسی می‌گذرانند.

استاد دپارتمان ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان افزود: فردوسی، سعدی، حافظ و خیام در ایروان خیلی شناخته شده هستند و آثارشان نیز به زبان ارمنی ترجمه شده است. در دپارتمان دانشگاه ما هم هر سال تها و پایان‌نامه‌های بسیاری با محوریت این شاعران نگاشته می‌شود. نوروز بخشی از فرهنگ و هویت ایرانی‌هاست و در ارمنستان هم به واسطه حضور ایرانی‌ها خصوصاً کسانی که برای ایام نوروز به ایروان سفر می‌کنند این جشن ایرانی شناخته شده است.

## عالیه قمبریکو مطرح کرد؛

# اشتراکات زیاد فرهنگی ایران و قزاقستان خیام شاعر محبوب قزاق‌هاست

عقب‌تر می‌رویم، می‌بینیم که شباهت‌های زبانی میان فارسی و قزاقی بیشتر بوده اما با مداخله روس‌ها در مسائل کشور، زبان روسی جای زبان عربی و فارسی را در میان مردم آسیای مرکزی می‌گیرد. استاد زبان فارسی دانشگاه شرق شناسی دانشگاه فارابی قزاقستان در ادامه سخنان خود گفت: متأسفانه، امروزه تعداد دانشجویان رشته زبان فارسی در دانشکده ما که دانشکده شرق شناسی است کم شده و دلیلش هم این است که گرایش جوانان قزاق هم مثل جوانان سایر کشورها عوض شده و به خاطر فرهنگ‌سازی وسیعی که کشورهای چین، ژاپن و کره با ساخت سریال و گروه موسیقی کردند توانستند تا حد زیادی فرهنگ جوانان کشور ما را تغییر دهند و جای خودش را میان مردم باز کنند. خصوصاً که ما قزاق‌ها از نظر ظاهری هم شباهت‌هایی به کره‌هایی داریم. با وجود این من فکر می‌کنم زبان فارسی دوباره در قزاقستان مورد توجه قرار می‌گیرد چون اشتراکات تاریخی و فرهنگی دو کشور ایران و قزاقستان خیلی زیاد است در حالی که این اشتراکات میان ما و کره‌ای‌ها وجود ندارد. قمبریکو افزود: در تقویم قزاقستان، نام ماه مارس، نوروز است و این ماه جایگاه ویژه‌ای در میان مردم دارد. از لحاظ قدمت تاریخی هم، پیشینه این سنت آنقدر زیاد است که بسیاری از مردان در قزاقستان پیش از اسمشان، پیشوند نوروز دارند مثل نوروز سلطان، نوروز بیک، نوروز خان، نوروز بای. به نظر من در سرزمین ما که خیلی سردسیر است، آمدن بهار و نوروز خیلی بیشتر از سایر کشورها شادی‌بخش است چون بالاخره بعد از شش ماه هوای سرد قرار است هوا کمی گرم شود و مردم آمدن بهار خیلی خوشحال می‌شوند و درست است که به طور رسمی سه روز تعطیل هستیم اما به طور غیررسمی ما حدود یک ماه جشن نوروز را می‌گیریم.

### شاهنامه فردوسی در ترکیه مورد استقبال قرار گرفت

ییلدرم از مهمانان دیگر برنامه سرزمین شعر گفت: نسل جدید کشور ترکیه، زبان فارسی را بیشتر با مولانا، عطار، حافظ و سعدی می‌شناسند و این شاعران علاقمندان بسیاری در ترکیه دارند بنده هم حدود پنج سال پیش شاهنامه فردوسی را از زبان فارسی به زبان ترکیه‌ای ترجمه کردم و خیلی مورد استقبال گرفت به طوری که تاکنون ۱۲ هزار نسخه از این اثر در چهار نوبت چاپ شده و هنوز هم تجدید چاپ می‌شود. انجام این کار حدود ۱۰ سال طول کشید اما خب خوشبختانه هم در ایران هم در ترکیه خیلی مورد استقبال قرار گرفت و در زمان آقای روحانی هم، جایزه کتاب سال در بخش جهانی را هم دریافت کرد. عضو هیئت علمی دانشگاه آنتاوارک افزود: پس از اینکه ترجمه شاهنامه فردوسی به پایان رسید به سراغ ترجمه دیوان پروین اعتصامی، دیوان رودکی و مخزن الاسرار و اسکندرنامه نظامی رفتم چون به عقیده من، این ترجمه‌ها باعث می‌شود که فرهنگ ایران زمین بهتر به سایر کشورها شناسانده شود. تا قبل از فروپاشی شوروی در ترکیه، نوروز در مناطق کردنشین خیلی جشن گرفته می‌شد اما بعد از فروپاشی، روابط میان ایران و ترکیه بهتر شد و پس از آن نوروز در سراسر ترکیه جشن گرفته

استاد زبان فارسی دانشکده شرق شناسی دانشگاه فارابی قزاقستان گفت: یک زمانی اصلاً مرزی میان ایران و قزاقستان نبوده است همین همزیستی کنار هم باعث شده که ما اشتراکات فرهنگی بسیاری داشته باشیم.

به گزارش مهر، ویژه‌نامه سرزمین شعر با حضور آذر میخند صفوی از هند، آهارون وارداریان از ارمنستان، عالییه قمبریکو و ایمان بورانیایوا از قزاقستان و نعمت ییلدرم از ترکیه از شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد.

### حکیم عمر خیام شاعر محبوب قزاق‌هاست

ایمان بورانیایوا در این برنامه گفت: در دانشکده ما هشت زبان تدریس می‌شود که یکی از آنها زبان فارسی است. نوروز به زبان قزاقی HOW TOOZ گفته می‌شود و این جشن یکی از بزرگترین جشن‌های قزاق‌هاست که هر ساله با فرارسیدن نوروز سه روز کشور تعطیل رسمی است. البته سال نو و رسمی کشور قزاقستان همان اول ژانویه، همزمان با آغاز سال نو میلادی است اما نوروز هم در این کشور جشن گرفته می‌شود و مردم آن را بیشتر از سال نو میلادی دوست دارند.

وی افزود: ما هم برای نوروز رسم و رسومات خود را داریم که خیلی هایش شبیه رسم و رسومات ایرانی‌هاست؛ آداب و رسومی مثل دید و بازدید و فراموش کردن کدورت‌ها یا مثلاً اینکه برای ما هم عدد هفت مقدس است ولی ما هفت سین نمی‌چینیم بلکه هفت نوع غذا درست می‌کنیم که ظاهر آرزوتی‌های ایران هم این رسم را دارند.

استاد زبان فارسی دانشکده شرق شناسی دانشگاه فارابی قزاقستان در ادامه سخنان خود گفت: در حال حاضر زبان فارسی فقط در دانشکده‌های شرق شناسی قزاقستان تدریس می‌شود اما تا قبل از انقلاب اکثر کسانی که در مدرسه‌های سمرقند و بخارا و این کشورها درس می‌خوانند غیر از زبان عربی، زبان فارسی هم می‌خواندند و بلد بودند. حدود ۱۲۰-۱۳۰ سال پیش بخشی از شاهنامه فردوسی از زبان فارسی به زبان قزاقی ترجمه شده است و مردم این کشور با شاعرانی همچون فردوسی، نظامی و سعدی آشنایی دارند اما شاعر محبوب و شناخته شده قزاق‌ها، حکیم عمر خیام است.

قمبریکو مهمان دیگر این برنامه گفت: اگر نگاهی به گذشته دو کشور ایران و قزاقستان بکنیم می‌بینیم که یک زمانی اصلاً مرزی میان ایران و قزاقستان نبوده است همین همزیستی کنار هم باعث شده که ما اشتراکات فرهنگی بسیاری داشته باشیم. الان هم با اینکه مرزبندی جغرافیایی میان این دو کشور وجود دارد اما ما همچنان دو کشور دوست و همسایه هستیم و اشتراکات فرهنگی بسیاری داریم نمونه‌اش واژه‌های فارسی نان، نماز، جانماز، ارزان، آسمان، خدا و ناز است که در زبان قزاقی استفاده می‌شود. وی افزود: تا قبل از انقلاب اکثر در مدارس آسیای مرکزی در کنار زبان عربی، زبان فارسی هم تدریس می‌شد، چون زبان آسانی برای یادگیری بوده است. به همین دلیل، در حال حاضر در قزاقستان افراد با سن و سال زبان فارسی می‌دانند و هر چه به



# سال نو چگونه «خوش قدم» می‌شود؟



رفتارهای آیینی نوروز در گذر زمان با دگرگونی‌هایی مواجه شده است. هرچند هنوز بخشی از آن سنت‌ها و باورها، از جمله «شگونی و خوش قدمی در لحظه تحویل سال» در بین مردم مناطق مختلفی از ایران رایج است.

به گزارش ایسنا، نادر کریمیان سردشتی - پژوهشگر و مردم‌شناس میراث فرهنگی - در مقاله «دعای تحویل سال» با بهره‌گیری از مستندات و نگارشات مختلف از «آیین‌های نوروزی»، به گوشه‌ای از آداب و سنت و باورهای مردم در نوروز و به‌ویژه هنگام تحویل سال، اشاره کرده است: «هنگامی که آفتاب به اعتدال بهاری باز می‌آید و به قول مشهور از برج حوت به برج حمل منتقل می‌شود، ایرانیان و سایر مردم کشورهای حوزه نوروز منتظر چنین لحظه‌ای می‌مانند تا سال تحویل شود.

آداب و سنتی در میان مردم در هنگام تحویل سال انجام می‌شود که به کوتاهی به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: در بین مردم اصفهان اسطوره‌ای رایج بود که «عجوزه خانم» به «انتظار عمو نوروز» نشست است. در روستاهای بندرعباس همچون «حسن لنگی» مردم صبح نوروزشان را با خواندن آیاتی از قرآن آغاز می‌کنند و سپس با گل سرخ که بین دو انگشت له می‌کردند، شاخ گوسفندها، تنه نخل و بالای در خانه و گاهی هم روی تیرهای چوبی سقف، علامت می‌گذشتند.

در «هورمود لار» (استان فارس) هم سقف خانه‌ها را علامت می‌گذشتند. در هنگام تحویل سال همه افراد خانواده در خانه‌اند و به جز مازندرانی‌ها که برای هنگام تحویل سال مراسم ویژه‌ای دارند، دیگر مردم بر سر سفره‌های نوروزی نشسته‌اند، چرا که باور داشتند اگر کسی در وقت تحویل سال در خانه و در سر سفره نباشد تا آخر سال از خانه آواره خواهد بود.

در شهرهای مقدس مردم بیشتر به امامزاده‌ها و اماکن مذهبی می‌روند. عده‌ای از شیرازی‌ها به کنار چشمه سعدیه می‌رفتند، ماهی‌های ریز را در لیوان آب می‌ریختند و با آب سر می‌کشیدند و دست و صورت خود را می‌شستند یا این باور که تا سال آینده سلامت خواهند بود. پیش از تحویل سال شمع و چراغ‌های سفره را روشن می‌کنند، قرآن پیش چشم گشاده است و به انتظار رسیدن سال نومی‌نشینند. عامه مردم بر این باور بودند و هنوز نیز در

روستاها یک اعتقاد عمومی است که تحویل سال حرکت زمین از شاخی به شاخ دیگر است؛ زیرا معتقدند در میان دریای بیکران ماهی‌ای شناور است که گاوی بر پشت دارد و زمین بر شاخ گاو نهاده است، به هنگام تحویل سال گاو، زمین را از یک شاخ به شاخ دیگر می‌اندازد و همین موجب می‌شود که زمین لرزشی بیابد و تخم مرغی که روی آینه گذاشته‌اند یا برگ سبز و نارنجی که در کاسه آب انداخته‌اند می‌چرخد و ماهی‌ای که در آب است به طور عمودی بی‌حرکت می‌شود.

می‌شکستند که نشانه کار و حرکت و جنبش و نمودار توانایی و تندرستی است، یعنی که بتوانند در سال نو هر کار پرزحمتی را به آسانی انجام دهند. در کردستان پول یا خرخاکی (جنینده‌ای مثل سوسک سیاه) در دست می‌گرفتند و پس از تحویل سال، چند آیه از قرآن می‌خواندند. برخی از مردم آشنا به این کار نیز روی نگین عقیق در و مرجان را حکاکی می‌کنند که آن را «نگین شرف شمس» می‌خوانند و کسانی که از این نگین‌ها انگشتری دارند به انگشت می‌کنند. اولین کسی که پس از تحویل سال وارد خانه می‌شود باید خوش قدم باشد تا در سالی که در پیش است به اهل خانه خوش بگذرد.

## سال نو چگونه «خوش قدم» می‌شود؟

تصویری از این باور عامه در کتاب عجایب المخلوقات زکریای قزوینی خراسانی‌های کوزه نو بر سفره می‌گذارند و نارنجی در دهانه آن، که پس از تحویل سال لیوانی از آن بیاشامند و معتقدند اگر کسی به هنگام تحویل سال عسل و تباشیر، عرق بیدمشک یا آب جوجه خروس بخورد سلامت خواهد بود و مزاجش معتدل می‌شود.

مردم وقتی سال تحویل می‌شد پول یا خرخاکی در دست می‌گرفتند و بر این باور بودند که شگون دارد و زنان باید سنجاق زیر گلو به چهار قدشان می‌زدند تا رشته کارهاشان گسسته نشود.

زن‌های آلاشتی (مازندران) در هنگام تحویل سال به نان پختن یا برسندگی و بافندگی مشغول می‌شدند تا همیشه خانه‌شان پربرکت باشد و مردها هیزم

«خوش شگون» می‌دانند و او را «سال مج» Salemej می‌نامند. اولین کسی است که بعد از تحویل سال به خانه می‌آید و کوزه پر از آب به دست دارد. مقداری آب در حیاط خانه می‌پاشد و سال نو را به همه تبریک می‌گوید.

در فردوس خراسان نیز مردم بعد از تحویل سال به صحرا می‌رفتند و یک دسته علف می‌آوردند و به قفل یا زنجیر در خانه می‌بستند به این نیت که تا آخر سال در آن خانه صفا و خرمی باشد.

هنگام تحویل سال را اکنون مردم از رادیو و تلویزیون می‌شنوند و در روستاها با طبل زدن و تیراندازی با تفنگ‌های سرپر و پرتاب توپ اعلام می‌کنند.

کریمیان سردشتی درباره دعای تحویل سال نیز نوشته است: «این دعا که در لحظات بسیار حساس تحویل خوانده می‌شود، از گذشته‌های دور معمول و مرسوم بوده است... و احتمالاً قبل از دوره صفویه نیز، ارزش و اهمیت این آیین در نزد ایرانیان مرسوم بوده است.

رسمی بوده که پس از تحویل سال بزرگ خانواده یا رئیس طایفه و در اماکن مذهبی، روحانی و امام جماعت پس از قرائت چند آیه از قرآن، دعای تحویل سال را می‌خواندند و دیگران نیز همراه او این دعا را می‌خواندند و سپس به مقتضای نیازهای خودشان در آغاز سال جدید، دعاها و درخواست‌هایی از خداوند منان دارند که موجبات سلامتی، پیشرفت، توفیق، عبادات و اطاعات بندگی خدا را برایشان فراهم می‌کند.»

دومین نشست قرآنی مطرح شد

# تمسک به قرآن کریم برای اعتلای جامعه اسلامی شرط اصلی و حیاتی است



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این که به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران از برپایی نشست قرآنی تهران توقعاتی را اعلام می‌کنم، گفت: این نشست باید خروجی‌های مشخصی داشته باشد. باید آینده درخشان جامعه اسلامی را در پرتو تعالیم قرآن کریم نشان دهد، وحدت امت اسلامی را در ریشه‌کن کردن تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی به مثابه یک جمع واحد اعلام کند.

به گزارش ایسنا، دومین نشست قرآنی تهران با عنوان «نقش قرآن کریم و مقاومت در تثبیت هویت اسلامی» امروز پنجشنبه (۲ فروردین) با حضور محمدمهدی اسماعیلی - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - حجت‌الاسلام سید محمدعلی موسوی جزایری - عضو خبرگان رهبری، شبیر فیروزیان - سرپرست معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ، حجت‌الاسلام محمدمهدی ایمانی‌پور - رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مهدی مصطفوی - قائم‌مقام معاونت ارتباطات بین‌الملل دفتر رهبری، رونی الفه - مشاور وزیر فرهنگ لبنان، پروفیسور سلیمان برک - استاد دانشکده الهیات استانبول و تعداد دیگری از میهمانان بین‌المللی برگزار شد.

محمدمهدی اسماعیلی - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - در این مراسم گفت: در این روزها، آغاز سال نوی شمسی را در ایران و حوزه فرهنگی ایران بزرگ تجربه می‌کنیم و مردم ما دو عید نزول قرآن و طبیعت را جشن گرفتند. در حالی امروز در دومین نشست قرآنی تهران گرد هم آمده‌ایم که جهان اسلام درگیر توطئه پیچیده و چندلایه صهیونیستی و غربی در غزه مظلوم، مقتدر و در اراضی اشغالی فلسطین است.

اسماعیلی ادامه داد: در طول فاصله دو نشست اول و دوم، دو اتفاق مهم را در حوزه فرهنگی و تمدنی اسلامی شاهد و ناظر بودیم؛ اولین اتفاق جریان توهین به قرآن کریم بود. ملاحظه کردید در برابر چشمان مدعیان حقوق بشر در کشورهای غربی به کتاب مقدس آسمانی مسلمانان که نزدیک به دو میلیارد نفر از جمعیت امروز دنیا را تشکیل می‌دهند، توهین کردند ولی در واکنش به این توهین؛ اتفاق جدی، قابل تامل و واکنش درخور توجهی را از مجامع جهانی مشاهده نکردیم.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: دولت ایران به عنوان دولتی برخاسته از تعالیم قرآنی و نهضت اصیل دینی چندصد ساله در ایران همه اقدامات لازم را در دستور کار قرار داد و شاید نقطه اوج این حرکت اعتراضی حضور رئیس‌جمهور انقلابی ایران در صحن سازمان ملل بود که قرآن کریم را سر دست گرفت و این جنایت بزرگ غربی‌ها را در جلوی چشم‌شان رسوا کرد.

اسماعیلی گفت: اتفاق دوم از اکتبر آغاز شد، قهرمانان مقاوم در فلسطین افتخار آفریدند و تمام معادلات صهیونیست‌ها و آمریکا که به دنبال عادی‌سازی حضور صهیونیست‌ها در قلب جهان اسلام بودند، را باطل کردند. دست و بازوی جوانان شهادت‌طلب جبهه مقاومت در فلسطین، لبنان، عراق و یمن را می‌بوسیم که برای جهان اسلام افتخار آفریدند و رژیم صهیونیستی را ذلیل کردند.

وی ادامه داد: در طول نزدیک به شش ماه از حماسه مردم غزه، آنچه بیش از همه در برابر دیدگان جهانیان خود را نشان داد، تمسک مردم مظلوم غزه به قرآن بود. شاهد هستیم کودکان و نوجوانان غزه در میان آوار، با

افتخار آیات قرآن کریم را تلاوت می‌کنند. وی با بیان این که مردم مسلمان غزه نشان دادند تمسک به قرآن کریم برای اعتلای جامعه اسلامی شرط اصلی و حیاتی است، افزود: به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران از برپایی نشست قرآنی تهران توقعاتی را اعلام می‌کنم؛ این نشست باید خروجی‌های مشخصی داشته باشد. باید آینده درخشان جامعه اسلامی را در پرتو تعالیم قرآن کریم نشان دهد، وحدت امت اسلامی را در ریشه‌کن کردن تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی به مثابه یک جمع واحد اعلام کند.

اسماعیلی تصریح کرد: این نشست باید سکوت مجامع بین‌المللی و کشورهای حامی صهیونیست‌ها را به چالش بکشد و این موضوع را تبیین کند، وقتی که مردم مظلوم غزه بیش از ۳۱ هزار شهید را تقدیم کردند، نباید برخی از دولت‌های اسلامی همچنان به روابط اقتصادی و سیاسی خود با صهیونیست‌ها ادامه دهند چرا که این اقدام، خیانت آشکار به جهان اسلام، جبهه مقاومت و دهن کجی به خون‌های پاک است که غزه را معطر کرده‌اند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: این موارد در خروجی گفت‌وگوی نخبگان جهان اسلام مورد توجه قرار گیرد و به عنوان مطالباتی که باید دولت‌ها و مجامع اسلامی با قوت پیگیری کنند، در صدر موضوعات قرار گیرد.

نشست قرآنی تهران با حضور مقامات کشورهای اسلامی با موضوع هویت اسلامی در بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن برگزار و در آن به مساله فلسطین و غزه با رویکردهای قرآنی پرداخته می‌شود.



## وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

## دولت مردمی خود را موظف به ترویج آموزه‌های قرآنی می‌داند



کودکان و نوجوانان ما گ حفظ سوره‌های کوتاه را آغاز کنند. این پویا ادامه خواهد داشت تا حافظان میلیونی داشته باشیم.

رئیس شورای هنر افزود: قرآن برای ما نور و منشاء هدایت است، مردم عزیز غزه و فلسطین نزدیک به شش ماه زیر وحشیانه‌ترین حملات اسرائیل هستند که از میان ۳۱ هزار شهید شاهد شهادت کودکان هم هستیم. اما آنچه باعث استوار ماندن آنها شده است عمل به آموزه‌های قرآن است.

اسماعیلی اضافه کرد: کسانی که در راه خدا استقامت می‌کنند مزد خود را خواهند گرفت. مردم فلسطین امروز مصداق همین تذکر خداوند هستند، از این رو نیز ما با تمسک به آیات نورانی راه سعادت و پیروزی را کشور خود جاودانه خواهیم کرد. قرآن خطایش به همه جهانیان است و ما باید این صدای بلیغ را به گوش همه جهانیان برسانیم تا همه با حقایق قرآن آشنا شوند.

وی در پایان گفت: دشمنان قرآن هم در مقابل عظمت قرآن مجبور به خشوع هستند. وقتی پیامبر اکرم (ص) در ابتدا حیات خود قرآن تلاوت می‌کردند همه مخالفان رسول خدا نیز مجبور به خشوع بودند.

در این مراسم میهمان ویژه خانواده شهید آرمان علی‌وردی بود.

حدودی تجربه کردیم و از اصحاب رسانه خواستاریم با تبلیغ خوب خود مردم را تشویف به حضور در این نمایشگاه بکنند.

اسماعیلی ابراز کرد: دولت مردمی خود را موظف به ترویج آموزه‌های قرآنی می‌داند. در فاصله نمایشگاه پیشین تا نمایشگاه قرآن امسال زنجیره‌ای از اهانت‌های متعدد به قرآن توسط دشمنان اتفاق افتاد و غربی‌ها میزبان این توهین‌ها بودند.

وی افزود: رئیس جمهور انقلابی ما در مجمع سازمان ملل متحد قرآن کریم را در دست گرفته و راجع به عظمت این کتاب صحبت کردند. این اعتقاد عملی دولت مردمی است و وظیفه ما ترویج آموزه‌های قرآنی، حفظ و صیانت از این کتاب الهی است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی خاطرنشان کرد: باتوجه به اینکه امکان حضور علاقمندان سایر شهرها در تهران سخت است در تمامی استان‌ها شرایط برپایی نمایشگاه قرآن را فراهم کرده‌ایم زیرا همه کشور باید رنگ و بوی قرآن بگیرند.

اسماعیلی تصریح کرد: برنامه عملی ما ترویج قرآن، روخوانی صحیح، تلاوت، حفظ و توسعه مفاهیم قرآنی در زندگی همه مردمان کشورمان است.

وی یادآور شد: امیدواریم از طریق پویا «حافظ شو»

اسماعیلی در مراسم افتتاحیه سی‌ویکمین نمایشگاه قرآن کریم با بیان اینکه دولت مردمی خود را موظف به ترویج آموزه‌های قرآنی می‌داند، گفت: برنامه عملی ما ترویج قرآن، روخوانی صحیح، تلاوت، حفظ و توسعه مفاهیم قرآنی در زندگی همه مردمان کشورمان است.

به گزارش ایسنا، محمدمهدی اسماعیلی - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - شامگاه چهارشنبه (۱ فروردین‌ماه) در مراسم افتتاحیه سی‌ویکمین نمایشگاه قرآن کریم که در مصلی تهران برگزار شد، با اشاره به اینکه سنت برگزاری نمایشگاه قرآن کریم به دهه چهارم عمر خود وارد شده است، اظهار کرد: بسیار خوشحالیم که امسال در کنار اصحاب قرآن و عترت از ۲۵ کشور در این نمایشگاه میزبانی می‌کنیم.

وی ادامه داد: شاید برگزاری نمایشگاه قرآن در آغازین روز تعطیلات نوروزی در ابتدا این نگرانی را به همراه داشت که باتوجه به اینکه در ایام تعطیلات است شاید استقبال گسترده که توقع همگان است اتفاق نیافتد. اما من به همکاران خودم بارها متذکر می‌شدم که این نمایشگاه امسال علاوه بر اینکه فضای عرضه محصولات قرآنی است باید به تفرجگاه مومنین هم تبدیل شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: در سال گذشته برپایی نمایشگاه در دوران تعطیلات را تا

## ۰۲ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۴:۲۶ اخبار فرهنگی اخبار سینما و تئاتر

به این ترتیب براساس اطلاعات ثبت شده در سامانه سمفا نخستین روز فروردین ۱۴۰۳ مجموع درآمد گیشه‌ها برای ۱۱۱۸ سانس اکران شده رقمی معادل ۲۷ میلیارد و ۳۱۳ میلیون و ۴۴۰ هزار ریال بوده که صدرنشین پرمخاطب‌های فهرست فیلم‌های اکران نوروزی تمساح خونی با فروش ۲۶۵۶۹ بلیت برای ۵۰۹ سانس اکران شده و درآمدی معادل ۱۹ میلیارد و ۱۲۴ میلیون و ۲۰۰ هزار ریال است.

دومین فیلم پرمخاطب نخستین روز سال جدید نیز فیلم پرحاشیه بی بدن با فروش ۵۰۳۸ بلیت برای ۲۵۰ سانس اکران و درآمد ۳ میلیارد و ۶۷۸ میلیون و ۵۰ هزار ریالی بود و پرویز خان هم توانست با جلب نظر ۱۹۹۵ مخاطب برای ۵۵ سانس اکران درآمدی معادل یک میلیارد و ۵۶۷ میلیون و ۷۵۰ هزار ریال را در کارنامه برای نخستین روز ۱۴۰۳ ثبت کند تا به این ترتیب جایگاه سوم را در اختیار داشته باشد.

اما آسمان غرب در همین روز توانست با ۴۰۷۷ برای ۵۲ سانس اکران درآمدی معادل یک میلیارد و ۳۷۶ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال داشت تا به این ترتیب در جایگاه چهارم اکران نوروزی‌ها در نخستین روز سال جدید قرار گیرد و پس از آن هم آپاراتچی با فروش ۱۵۱۵ بلیت برای ۱۱۷ سانس اکران و درآمد یک میلیارد و بیست و پنج میلیون و ۷۴۰ هزار ریالی به جایگاه پنجم بسنده کرد.

در همین حال فیلم نوروز با هنرنمایی علی نصیریان توانست نظر ۳۹۹ مخاطب را برای ۵۹ سانس اکران به خود جلب کند تا با درآمدی معادل ۲۷۶ میلیون و ۳۰۰ هزار ریال در جایگاه ششم اکران نوروزی‌ها در نخستین روز بهار قرار گیرد و در نهایت ایلینا جستجوی قهرمان هم با تنها ۴۴۱ مخاطب برای ۷۶ سانس اکران شده و درآمد ۲۶۴ میلیون و ۶۰۰ هزار ریال به رتبه آخر بسنده کرد تا به این ترتیب پرونده گیشه‌ها برای فیلم‌های اکران نوروزی در نخستین روز سال جدید بسته شود.

آمارهای ثبت شده در سامانه سمفا نشان می‌دهد نخستین روز سال ۱۴۰۳ در سراسر ایران ۴۰۳۴ نفر برای دیدن فیلم‌های اکران نوروزی بلیت سینما تهیه کرده و روی صندلی سالن‌ها نشستند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم؛ بررسی آمار فروش سینماهای سراسر کشور برای ۷ فیلم اکران نوروزی که تقریباً یک هفته از آغاز اکران عمومی آنها می‌گذرد، نشان می‌دهد ۴۰۳۴ نفر از هموطنان نخستین روز سال ۱۴۰۳ برای دیدن فیلم مورد علاقه خودشان از میان این فهرست اکران نوروزی بلیت سینما تهیه کرده‌اند.



### مهدی پور به مهر خبر داد:

## افزایش ۱۰۰ درصدی خبرنگاران تحت پوشش بیمه صندوق هنرمندان



او نشود، تلاش ما این است که حمایت‌های مان را از آن رسانه متوقف نکنیم. یعنی کد کارگاهی را باید مدیرمسئول ثبت کند تا ما حمایت مان را جذب آن رسانه کنیم، در غیر این صورت حمایت ما شامل آن رسانه نمی‌شود.

معاون امور رسانه‌ای و تبلیغی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان گفت: فعالان رسانه‌ای اگر مشمول بیمه نمی‌شوند، می‌توانند از بیمه صندوق هنر استفاده کنند. هم‌اکنون تعداد بسیاری از خبرنگاران تحت پوشش بیمه صندوق هنر هستند. تعداد اعضای صندوق هنر در همین دوره (کمتر از دو سال) ۱۰۰ درصد افزایش یافته است.

معاون امور رسانه‌ای و تبلیغی وزارت ارشاد گفت: بسیاری از خبرنگاران تحت پوشش بیمه صندوق هنر هستند و تعدادشان ۱۰۰ درصد افزایش یافته است.

فرشاد مهدی پور معاون امور رسانه‌ای و تبلیغی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به ساماندهی خبرنگاران به واسطه سامانه «ای رسانه» گفت: این سامانه از گذشته در معاونت وجود داشت اما در این دوره تلاش شد در حوزه‌های مختلف متمرکز شود. یعنی شاهد تجمیع همه خدمات معاونت در حوزه رسانه‌های دارای مجوز، فعالان رسانه و تبلیغات و امور مشابه در این سامانه هستیم. وی افزود: «ای رسانه» نسبت به دوره گذشته فعال‌تر شده و سعی می‌کنیم به واسطه این سامانه همه فعالان رسانه را تحت پوشش قرار دهیم. بخش خبرنگاران در این سامانه فعال‌تر از گذشته شده و هم‌اکنون بیش از ۱۱ هزار خبرنگار عضو سامانه هستند. معاون امور رسانه‌ای و تبلیغی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه گفت: خبرنگاران و روزنامه نگاران به واسطه «ای رسانه» ساماندهی شده‌اند و امکانات از این طریق توزیع می‌شود. در واقع «ای رسانه» مرجع مشخصی برای شناسایی فعالان رسانه و روزنامه نگاران در کشور است. این ارتباطات و حمایت‌ها به مرور تقویت می‌شود.

مهدی پور با اشاره به وضعیت خبرنگاران گفت: امروز خبرنگاران از امتیاز خاصی برخوردارند و شغل‌شان به عنوان شغل سخت و زیان آور محسوب می‌شود. در کنار این امتیاز خاص وضعیت آنها تابع قانون کار است. قانون کار معین کرده است که قراردادهای به صورت سالیانه بسته شود. حال اگر خبرنگاری پس از ده تا ۱۵ سال با مدیرش به مشکل برخورد، می‌تواند بازخرید شود و سنواتش را دریافت کند. همان قانونی که مزیت شغل سخت و زیان آور را وضع کرده در کنار آن چنین محدودیت‌های قراردادی را هم تعیین کرده است. همه باید از این قانون تبعیت کنیم. وی افزود: اگر فردی در رسانه‌ای فعالیت می‌کند، اما مزیت سخت و زیان آور شامل



# افتتاح کتابخانه آینده شهید فخری زاده نشان دهنده نگاه دولت به تحول الکترونیک

وی به سهولت دسترسی به کتابخانه آینده شهید فخری زاده اشاره کرد و گفت: با توجه به دسترسی آسان به مترو و وسایل حمل و نقل عمومی در منطقه تئاتر شهر، این کتابخانه را در مرکز تهران راه اندازی کردیم چون در تهران سرانه فضای کتابخانه‌ای پایین است. همچنین با توجه به وجود دانشگاه‌های مختلف در این منطقه و نیز اهالی فرهنگ و هنر تنوعی از مخاطبان را در این کتابخانه خواهیم داشت. رضانی افزود: کتابخانه آینده شهید فخری زاده از فردا قابل بهره‌برداری است، البته نحوه عضویت در این کتابخانه با کتابخانه‌های عمومی متفاوت است چون خدماتی که ارائه می‌شود متفاوت است.

وی خدمات ارائه شده در این کتابخانه را جذاب دانست و تأکید کرد: در کشور چنین فضای کتابخانه‌ای نداشتیم و این فضا می‌تواند برای اهالی فرهنگ جذاب باشد. عضو هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی در پایان بیان کرد: مبلغ عضویت نیز با توجه به خدمات مختلف آن متفاوت است ولی تلاش می‌شود که متوسط مردم امکان پرداخت آن را داشته باشند.

علیرضا زند و کیلی، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان تهران در ادامه درباره کتابخانه آینده شهید فخری زاده توضیحاتی ارائه کرد و افزود: این کتابخانه به نام دانشجو با زیربنای ۲۶۰ متر مربع در سال ۱۳۷۲ تأسیس و در سال ۱۳۸۴ توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت دائم به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور واگذار شد. این کتابخانه در بوستان دانشجو و در منطقه ۱۱ شهرداری تهران واقع شده و تا سال ۱۳۹۸، ۱۵۰۰ عضو فعال و ۲۰۰۰ امانت کتاب در ماه داشته است.

وی ادامه داد: با توجه به فرسودگی و مشکلات مربوط به نقشه ساختمان، در سال ۱۳۹۸ تصمیم به توسعه، بازسازی و بهسازی ساختمان گرفته شد. پس از رایزنی‌های انجام شده در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تغییر در ارائه خدمات کتابخانه‌ها مقرر شد کتابخانه مذکور به کتابخانه «بدون کتاب» تبدیل شود و با استفاده از تکنولوژی روز ارائه خدمات داشته باشد. زند و کیلی با اشاره به امکانات تجهیز شده در این کتابخانه عنوان کرد: ۱۰ اتاق مطالعه انفرادی، ۴ اتاق مطالعه گروهی (فضای کار اشتراکی)، کلاس آموزشی، سالن جلسه، کافه کتاب از جمله امکانات فیزیکی کتابخانه آینده است.

وی افزود: دسترسی به اینترنت بی‌سیم، اپلیکیشن‌ها و سایت‌های آموزش مجازی، امکان اجاره تبلت و لپ‌تاپ، اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی، دسترسی به نرم‌افزارها، منابع مورد نیاز آموزش کسب و کارها، استارت‌آپ‌ها و... امکان استفاده از استندهای لمسی، میز هوشمند و وب کیوسک، راهنمایی مراجعین در یافتن منابع مورد نیاز، کتاب‌های دارای فناوری واقعیت افزوده، امکان استفاده از فضای استراحت و سرگرمی، کتاب‌های الکترونیکی، صوتی و تعاملی، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی از امکاناتی است که در کتابخانه آینده فراهم شده است.

دارند و هم در نزدیکی بوستان دانشجو و دانشگاه تهران قرار دارد و با توجه به موقعیت کتابخانه امکان دسترسی راحت به آن را دارند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش پایانی سخنانش از راه‌اندازی کتابخانه‌های آینده دیگری نیز خبر داد و گفت: تلاش می‌کنیم در راستای بهره‌رسانی و استفاده از امکانات الکترونیک کتابخانه‌های دیگری را نیز تأسیس کنیم تا نشان دهیم تحول در حوزه کتاب مورد اهتمام است. البته در کتابخانه‌های فیزیکی نیز بخش‌های الکترونیک وجود دارد؛ حتی در برخی از کتابخانه‌های مرکزی حدود ۶۰ نوع خدمت ارائه می‌شود و هر جا نیاز باشد می‌توانیم با استفاده از فضاهایی که در اختیارمان است این کار را گسترش دهیم.

## نیاید از فضای روز غفلت کنیم

مهدی رضانی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز در بخش دیگری از این مراسم بهره‌برداری از کتابخانه آینده شهید فخری زاده را در راستای عمل به وعده‌های دولت مردمی دانست و گفت: گرچه در خدمات کتابخانه‌ای، کتاب مکتوب همچنان پیش‌تاز است اما نباید از فضای روز غفلت کنیم و به همین دلیل با راه‌اندازی کتابخانه آینده تلاش کردیم در فضای دیجیتال خدمات ارائه دهیم.

وی با بیان اینکه مخاطبان هدف کتابخانه آینده شهید فخری زاده عموم مردم هستند، یادآور شد: برای پوشش همه مخاطبان در طراحی نرم‌افزار این کتابخانه برای کودکان و نوجوانان، بزرگسالان و مخاطبان حرفه‌ای خدمات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

به گفته رضانی، فرصت بهره‌مندی از فضای دیجیتال برای عموم مردم اعم از کتاب صوتی، کتاب الکترونیک و... دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی، سرگرمی، بازی، میزهای کار و الکترونیک، اتاق‌های مطالعه، طراحی صنعتی و... از مهمترین ویژگی‌های کتابخانه آینده است و با توجه به اینکه این فضا توان حضور همه مردم را ندارد، تلاش داریم به زودی مدل کتابخانه آینده را تکثیر کنیم. دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در ادامه با بیان اینکه خدمات الکترونیک دو پایه دارد گفت: نخستین پایه مبتنی بر فضای مجازی است که در قالب سکوی کتابخانه عمومی است و فاز اول آن سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد. پایه دوم نیز ارائه خدمات الکترونیک در کتابخانه آینده است که در کشور تکثیر می‌شود.

وی یادآور شد: البته بخشی از خدماتی که در کتابخانه آینده به صورت متمرکز ارائه می‌شود، پیش از این نیز در کتابخانه‌های فیزیکی دایر بوده است.

رضانی با اشاره به تفاوت کتابخانه آینده با پارک‌های علم و فناوری بیان کرد: ما در این کتابخانه تلاش کردیم امکانات بهره‌برداری را در محیط کتابخانه‌ای فراهم کنیم و امیدواریم نواقص یا اشکالات این کتابخانه را نیز در مراکز بعدی برطرف کنیم.

کتابخانه آینده شهید فخری زاده با حضور محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مهدی رضانی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به بهره‌برداری رسید.



به گزارش خبرگزاری تسنیم، کتابخانه عمومی آینده «شهید فخری زاده» با حضور محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهدی رضانی، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ علیرضا زند و کیلی، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان تهران و جمعی از مدیران ستاد و استان‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ظهر امروز جمعه ۱۸ اسفندماه در بوستان دانشجو تهران به بهره‌برداری رسید. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این آیین گفت: شهید فخری زاده جزء افتخارات کشور بودند و خدمات بزرگی را در حوزه‌های دفاعی و هسته‌ای برای کشور به یادگار گذاشتند و آینده کشور را با خدماتشان روشن کردند. ان‌شاءالله کتابخانه با نام این شهید والامقام خودش منشأ خیر و برکت است.

وی با بیان اینکه کتابخانه آینده شهید محسن فخری زاده خانه خدمات الکترونیک و خلاقیت کتابخانه‌های عمومی است، گفت: کتابخانه آینده یعنی توجه به اقتضات فناوریانه جدید از جمله هوش مصنوعی و سازوکارهای جدید ارتباطی. بهره‌برداری از این کتابخانه در راستای عمل به وعده دولت در خصوص دسترسی مردم به کتابخانه دیجیتال است. اسماعیلی تصریح کرد: کتابخانه آینده شهید فخری زاده به اقتضات فناوریانه جدید از جمله هوش مصنوعی توجه دارد.

وی افزود: البته کتابخانه‌های فیزیکی در کشور خدمت‌رسانی می‌کنند و ما همزمان نیازمند تأسیس کتابخانه‌های تمام‌الکترونیک هستیم؛ چراکه نشان‌دهنده نگاه دولت به تحول الکترونیک است.

رئیس هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی ادامه داد: همکارانم در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تلاش کردند در کتابخانه آینده بهترین خدمات را برای مخاطبانی که نیاز به دانش نو دارند ارائه دهند.

وی با اشاره به تنوع مخاطبانی که می‌توانند از کتابخانه آینده شهید فخری زاده خدمات دریافت کنند، عنوان کرد: بوستان دانشجو و محدوده تئاتر شهر که برای این کتابخانه انتخاب شده، یکی از بهترین مناطق است که اهالی فرهنگ و هنر به طور مرتب به آنجا رفت و آمد

## خانواده ایرانی به بیماری تک فرزندی مبتلا شده است



نویسنده کتاب پلاسما گفت: آمار جمعیت و بحران جمعیت توسط یکی از دوستان پزشکم به دستم رسید، احساس کردم خانواده ایرانی به بیماری تک فرزندی مبتلا شده و باید فکری کنم.

سال‌هاست پژوهشگران جمعیت‌شناسی در کشور نسبت به بحران جمعیتی هشدار داده‌اند؛ موضوعی که بسیار دیر مورد توجه قرار گرفت و تا زمان ابلاغ سیاست‌های جمعیتی از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ کمتر کسی به بحران کاهش جمعیت جوان کشور واقف بود. این بحران پس از بسته شدن پنجره جمعیتی و کاهش نیروی فعال در کنار افزایش جمعیت سالمندان مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند.

پیامدهای تک‌فرزندی باید در خانواده و اجتماع بررسی شود تا به عمق فاجعه، یعنی کاهش جمعیت فعال و افزایش سالمندان پی ببریم. فارغ از معضلاتی که آمارها گویای آن هستند، واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی بسیاری در مقابل تک‌فرزندی جامعه را درگیر خواهد کرد.

توجه بیش از حد پدر و مادر، بلوغ زودرس، افزایش ابتلا، به افسردگی، نداشتن تجربه در دوران کودکی و نوجوانی، ضعیف شدن روابط اجتماعی، نبود رابطه خویشاوندی تنها بخشی از آسیب‌هایی است که تک‌فرزندها با آن مواجه هستند. کاهش زاد و ولد و ظهور خانواده‌های سه نفره علاوه بر اینکه تهدید جمعیتی به شمار می‌رود، با آسیب‌های دیگری نیز همراه است؛ کودکانی که از داشتن برادر و خواهر محروم می‌مانند و در آینده وازه عمو، دایی، خاله و عمه نیز کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

به گفته کارشناسان، تک‌فرزندها کمتر با مشکلات مواجه می‌شوند و در معرض تجربه شکست، ناکامی، رانده‌شدن قرار نمی‌گیرند یا شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است، تجربه نمی‌کنند. در بسیاری اوقات به دلیل اینکه دنیای واقعی کاملاً مطابق میل و خواسته این کودکان و پاسخگوی توقعات آنها نیست، دچار سرخوردگی و ناسازگاری می‌شوند.

روانشناسان می‌گویند، در خانواده‌های تک‌فرزند بر خورداری از فضای زندگی خانوادگی ممکن نیست. گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی، ترس یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی از جمله خصوصیات تک‌فرزندی است. نداشتن همبازی در تمام‌مدت یکی از آسیب‌های جدی مطرح و ممکن است پدر یا مادر با وی بازی کنند، اما کارشناسان تربیتی اساسی‌ترین رکن بازی را همبازی می‌دانند و والدین با داشتن یک فرزند، مهم‌ترین رکن بازی یعنی خواهر و برادر را از فرزند خود سلب می‌کنند.

جامعه ایرانی همچنان درگیر انگاره‌های فرهنگی ترس از تربیت فرزندان، معضلات اقتصادی، معیشتی و تبلیغات سو دشمن و شعارهای ناملموسی همچون «دو فرزند کافی است»، «فرزند کمتر، زندگی بهتر» هستند. این قبیل تبلیغات در دهه ۶۰ پس از رشد یکپاره جمعیت

فرزندشان خوردند، به این نتیجه رسیدیم که تک‌فرزندی فقط آسیب تربیتی ندارد، بلکه آسیب‌های دیگری هم دارد.

وی افزود: آمار جمعیت و بحران جمعیت توسط یکی از دوستان پزشکم به دستم رسید، احساس کردم خانواده ایرانی به بیماری تک‌فرزندی مبتلا شده است و باید فکری کنم. از دنیا رفتن دوستم که تک‌فرزند بود و در کنار آن دیدن خانم لباغ که شش فرزند دارد و یکی دیگر از دوستانم که شغل خودش را به مهدکودک داری تغییر داده بود، ایده اولیه رمان پلاسما را ساختند.

نویسنده کتاب «قدم‌های سر به هوا» در ادامه گفت: قالب کتاب داستان و موضوع آن زن و جمعیت است. این کتاب مناسب رده سنی بزرگسال است. داستان تلفیقی از واقعیت و تخیل است. نیمی از آن واقعیت و نیمی دیگر تخیل است. عنوان کتاب مورد اشاره را من انتخاب کردم و جلد را انتشارات انتخاب کرد. طراحی جلد حاصل بازخوردی است که طراح جلد از داستان گرفته است. وقتی به طراحی جلد کتاب نگاه کردم تا حدودی توانستم کتاب را در طراحی جلد پیدا کنم.

وی ادامه داد: تدوین پلاسما از سال ۱۳۹۶\_۱۳۹۷ شروع شد. سال ۱۴۰۱ با مشورت و کارشناسی توانستم نسخه نهایی کتاب را به انتشارات شهید کاظمی بدهم. عنوان کتاب را بر اساس پلاسما یک فاکتور خونی مهم که برای ادامه حیات همه ما لازم است، انتخاب کردم. البته پلاسما به معنی مثبت ما، به اضافه ما هم است. پلاس معنی به اضافه، به علاوه دارد. چون کتاب درباره جمعیت و هویت است به این دلیل این اسم برای کتاب انتخاب شده است. برای هر فصل علامت گذاشته شده که بیشتر از پلاس (به اضافه، به علاوه) گرفته شده است. همچنین پایان کتاب مجتمع و مرکزی که یک خانواده پرجمعیت با کمک یکدیگر بنا کردند و این مرکز منجی و نجات‌دهنده است، پلاسما نام دارد.

و ترس دشمن از افزایش جمعیت ایرانی مسلمان جای خود را در رسانه ملی و بیلبوردهای شهری پیدا کرد.

تبلیغات منفی سال‌های گذشته امروز خود را در کاهش نرخ باروری و افزایش رشد خانواده‌های تک‌فرزند نمایان ساخته است. می‌گویند به دنبال بحران جمعیت و تمایل به فرزند کمتر، خانواده ایرانی به بیماری تک‌فرزندی مبتلا شده و این خود یکی از عواملی است که کشور را در آینده با چالش جمعیت مواجه خواهد کرد. برخی آمارها ۲۵ درصد از خانواده‌های ایرانی را تک‌فرزند می‌داند و برخی دیگر این آمار را میان ۲۳ تا ۳۴ درصد با عنوان خانواده‌های سه نفره مشخص می‌کند. کارشناسان جمعیت معتقدند، رواج تک‌فرزندی باعث حرکت سریع جمعیت کشور رو به پیری شده است، زیرا ادامه روند تک‌فرزندی در خانواده‌ها و تداوم آن در جامعه باعث می‌شود به تدریج از تعداد جمعیت کشور کاسته شود.

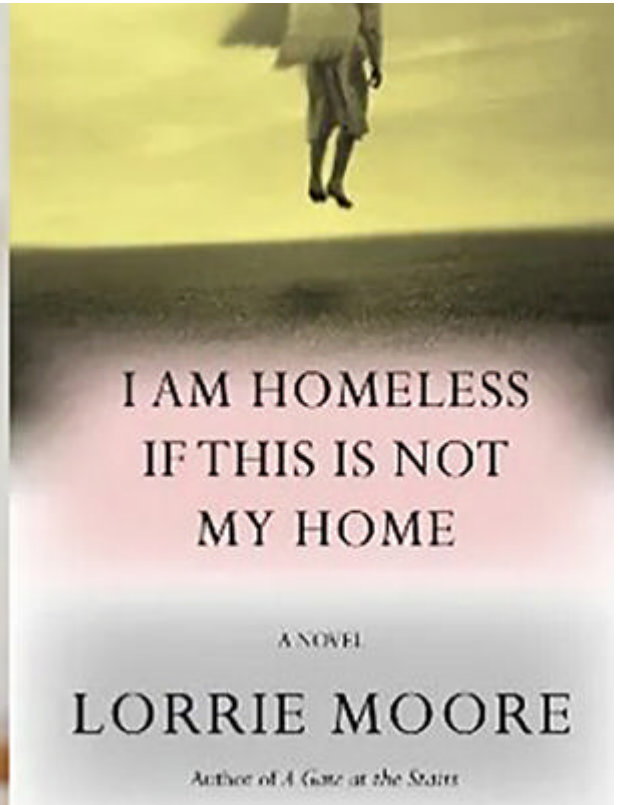
کتاب «پلاسما» نوشته فاطمه شایان پویا به تازگی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر و روانه بازار نشر شده و به موضوع زن و جمعیت می‌پردازد. این کتاب، ۱۹ فصل دارد که به ترتیب عبارتند از پلاس / پرواز ۰۰۱۰، پلاس / + پیمان ۸۸، پلاس / + شادی، پلاس / + شوکا، پلاس / + ملیکا، پلاس / + مسافران، پلاس / + دست به دست، پلاس / + نسخه، پلاس / + دلگرمی، پلاس / + یادداشت، پلاس / + بوی دردسر، پلاس / + آشنا، پلاس / + من، پلاس / + عشق، پلاس / + دیدار، پلاس / + همه ما ۰۰۱۰، پلاس / + یادگار، پلاس / + پازل هزار تکه و پلاس / + پیدار.

شایان پویا در گفت‌وگو با خبرنگار مهر درباره شکل‌گیری ایده اولیه این کتاب گفت: یکی از دوستانم تک‌فرزند بود. رتبه خوبی آورد و در رشته پزشکی قبول شد، اما متأسفانه در تصادف از دنیا رفت. زمانی که او از دنیا رفت، پدر و مادرش ضربه بدی خوردند. بعد از فوت دوستم و دیدن ضرب‌های که خانواده در نبود تک



## ادبیات دیگران؛

## مرثیه‌ای از اندوه و فداکاری جایزه حلقه ملی منتقدان کتاب را برد



انجمن کتابداری آمریکا نیز با جایزه دستاورد تونی موریسون تجلیل شد که هر سال با اهدای آن از مؤسسه‌ها و بنیادهایی که در فرهنگ گسترش کتاب مشارکت دارند، تجلیل می‌شود. کمیته گفت که این گروه تعهد دیرینه‌ای به برابری، از جمله با کمپین‌های قرن بیستم و موضع همیشگی خود به عنوان سنگری در برابر ممنوعیت کتاب داشته است.

صفیه سینکلر شاعری که برای خاطرات تحسین‌شده‌اش «چگونه بگوییم بابل» درباره دوران کودکی‌اش در جاماییکا و تربیت سخت‌گیرانه‌اش، برنده جایزه زندگی‌نامه خودنوشت شد.

جانی استینبرگ برای «وینی و نلسون: پرتله ازدواج» درباره نلسون و وینی ماندلا برنده جایزه بیوگرافی شد.

کیم هیسون از کره جنوبی برای شعر «بال‌های درد شبح» برنده بخش شعر شد. در بخش ترجمه هم مورین فریلی برای ترجمه «شب‌های سرد کودکی» از ترکی اثر مرحوم تزر اوزلو برنده شد.

جایزه بهترین کتاب اول هم به طاهر هاموت ایزگیل برای کتاب «در انتظار دستگیری در شب: خاطرات شاعر اویغور از نسل کشی چین» شد.

جایزه نقد به تینا پست برای «ددپن: زیبایی‌شناسی بیان سیاه» تعلق گرفت و رکسانا عسگریان جایزه بهترین کتاب غیرداستانی را برای «ما زمانی یک خانواده بودیم: داستانی از عشق، مرگ و حذف کودک در آمریکا» دریافت کرد.

علاوه بر بلوم و انجمن کتابخانه، جوایز افتخاری به بکارا فیلد منتقد واشنگتن پست برای برتری در نقد و به ماریون وینیک برای خدمت به جامعه ادبی اهدا شد.

حلقه منتقدان کتاب که در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد، متشکل از صدها منتقد و ویراستار از سراسر آمریکا است. این جوایز در مراسمی که پنجشنبه شب در مدرسه نیو نیویورک برگزار شد، به برندگان اهدا شد.

لوری مور برنده جایزه ۲۰۲۴ حلقه ملی منتقدان کتاب برای داستان شد و جودی بلوم نیز مورد تقدیر قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از آسوشیتدپرس، لوری مور روز پنجشنبه برنده جایزه ادبیات داستانی از سوی حلقه ملی منتقدان کتاب آمریکا شد، در حالی که جودی بلوم متحد دیرینه او در مبارزه با ممنوعیت کتاب و نیز انجمن کتابخانه آمریکا جوایز افتخاری را دریافت کردند.

مور که بیشتر به عنوان نویسنده داستان کوتاه شناخته می‌شود، برای رمانی با عنوان «من بی‌خانمان هستم اگر اینجا خانه من نباشد» برنده جایزه داستان شد.

دیوید وارنو، رییس کمیته اهدای جایزه در بیانیه‌ای گفت این کتاب یک داستان روحی دلخراش و در عین حال بامزه درباره مردی است که به معنای انسان بودن در دنیایی که به گفته مور آلوده به «جنون اختیاری» است، توجه دارد. وی این رمان را یک دستاورد فراموش‌نشده خواند و از مور به عنوان یک نویسنده برجسته آمریکایی یاد کرد.

نیویورک تایمز از این کتاب به عنوان داستان ارواح در قرن نوزدهم و بیست و یکم، مرثیه‌ای درباره غم و اندوه و فداکاری فرزندان و از بین رفتن و تداوم همه چیز یاد کرده و به عنوان بهترین کتاب سال از سوی نیویورک، والجر و لیتری هاب انتخاب شده است. این کتاب کاوشی متهورانه درباره عشق و مرگ، شور و اندوه، و معنای تسخیر گذشته، هم توسط تاریخ و هم در قلب انسان است.

در این مراسم جودی بلوم هم برنده جایزه یک عمر دستاورد ایوان ساندراف شد. کمیته جایزه شیوه نگارش رمان‌های او از جمله «آیا آنجا هستی خدا؟ این من هستم، مارگارت» که درباره تلاطم عاطفی دوران کودکی و نوجوانی با اصالت، صراحت و شجاعت است، را الهام بخش نسل‌های خوانندگان جوان نامید و او را به عنوان «مخالف بی‌امان سانسور و قهرمان نماد آزادی ادبی» ستود.

در نقد و بررسی کتاب مطرح شد؛

## رمان «طوبا و معنای شب» حرکت به سمت روایت ایرانی است



عذرا موسوی در نقد رمان «طوبا و معنای شب» گفت شهرنوش پارسی پور به سمت فرم روایت ایرانی رفته و عکس بعضی نویسندگان هم‌دوره خود مؤلفه‌های ایرانی و نسبت نزدیکشان با مذهب را نادیده نگرفته است.

به گزارش مهر، انجمن ادبی خورشید در بیست‌وششمین نشست خود، به نقد و بررسی رمان «طوبا و معنای شب» نوشته شهرنوش پارسی پور پرداخت.

در این نشست، مریم مطهری‌راد، سمیه عالمی، فاطمه نفری، سیده عذرا موسوی، مرضیه نفری، سیده فاطمه موسوی و معصومه امیرزاده به تحلیل ابعاد این کتاب پرداختند.

طوبا و معنای شب داستان دختری است که از پدر سواد و ادب می‌آموزد اما پدرش در جوانی او فوت می‌کند و مرد پیری به خواستگاری مادرش می‌آید. طوبا برای نجات مادر به مرد پیشنهاد می‌کند که با خود او ازدواج کند؛ و زندگی او این گونه آغاز می‌شود. در این اثر شاهد تطور تاریخ در دوره‌های مختلف قاجار و پهلوی همراه با تحول شخصی‌ها هستیم.

در ابتدای نشست فاطمه موسوی مساله اصلی داستان را اندیشه و کشف معنا دانست و گفت: طوبا هر زمان که می‌اندیشد، انقلابی در زندگی‌اش پدید می‌آید. ازدواج با مردی که سال‌ها از او فاصله سنی دارد اندیشه‌اش را سترون می‌کند و چهار سال خشکسالی حاکم بر کشور نشان از خشکیدن اندیشه طوبا دارد. طوبایی که در پایان داستان نام پیرزن هفت هزارساله به او اطلاق می‌شود، همان سرزمین مادری است که بی‌اندیشه به خشکسالی عقلی می‌رسد. درست همان زمان با اندیشیدن طوبا از بند مردش می‌رهد و باران بر این خاک می‌بارد. مرضیه نفری مساله داستان را به دلیل نداشتن گرانیگاه مرکزی مشخص ندانست و گفت: اثر دچار انباشت اطلاعات است. شیرینی درک مفاهیم فلسفی و عرفانی و داستان‌های فرعی، خواننده را در لحظه مواجه شگفت‌زده می‌کند اما بعد از اتمام کتاب خواننده با «هیچ» مواجه می‌شود. ما با کل منسجمی مواجه نیستیم. داستان گرانیگاه مرکزی ندارد و در ذهن تمثیل نمی‌شود. ارتباط بین نمادها و اسطوره‌ها با هم در یک خط و بیرنگ داستانی مشخص نیست. مطرح کردن مسائل متعدد که نشان از دانش تاریخی، سیاسی و عرفانی نویسنده دارد نه تنها داستان را نجات نمی‌دهد بلکه باعث سردرگمی خواننده می‌شود.

در ادامه عذرا موسوی نیز ضمن تشریح هدف شخصیت اصلی و ظرفیت آن برای تبدیل شدن به مسئله داستان، آن را از دست رفته دانست. او در این خصوص گفت: «رؤیای طوبا در تمام زندگی‌اش زاییدن عیسایی است که به او تقدس و بزرگی بیخشد. او تحت تعالیم پدرش دریافته که وجود زنان برای پرورش مردان است، دریافت وحی فقط به مردان تعلق دارد و فرشتگان خدا به‌صورت مرد نمود می‌یابند.

وی افزود: مریم برگزیده نیز دختری بود که مسجد خدا را جارو می‌کرد و باغچه‌ها را آب می‌داد. او همواره منتظر است تا فرشته خدا ظاهر شود، نطفه الهی را در دلش بنشاند و او مریم‌وار عیسایی بزیاید. او هرگز به دنبال «مریم شدن» نیست؛ بلکه به دنبال زاییدن عیسی است. با این حال ناگهان در یک اقدام سنسجیده و بی‌مقدمه تصمیم می‌گیرد با خواستگار

(کشف حجاب رضاخانی) و گاه به اراده خویش (مونس و انتخاب او برای نوع پوشش در زمان پهلوی دوم و یا مصمم شدن به ایفای نقش اجتماعی در قالب کار در اداره) دست به تغییر و تحول زده است. مساله دیگری که در این داستان مورد توجه اعضا انجمن ادبی خورشید قرار گرفت، نگاه نویسنده به زن و نحوه حضور او در داستان بود.

در بخش دیگری از این نشست، فاطمه موسوی با اشاره به بازنمایی شخصیت زن در داستان گفت: مردان داستان، زنان نادان را دوست دارند. از ادیب که عالمی صاحب نام تا اسماعیل روشن فکر مبارز و شاهزاده شوخ. آرامش آنها در گرو نیندیشیدن زن است. پدر طوبا زنی بی‌سواد می‌گیرد و از بلاهتش لذت می‌برد. او زنان قالی‌باف را که از قضا قوم و خویشش هستند، به خیال این‌که نمی‌اندیشند در زیرزمین خانه استثمار کرده و از آنان بهره می‌کشد، اما روی ریاکارانه شخصیت، سرپرستی و نگهداری این زنان است. او پس از فهم کروی بودن زمین می‌گوید: «بله زمین گرد است، زنان می‌اندیشند و به زودی بی‌حیا خواهند شد.» در نظر او اندیشیدن زنان مساوی با عصیان است و البته که اشتباه هم فکر نمی‌کند.

در ادامه معصومه امیرزاده گفت: برخی پژوهشگران به ارتباط با زن و یکی از عناصر اربعه؛ خاک در کار شهرنوش پارسی پور پرداخته‌اند. خود نویسنده که متأثر از اندیشه‌های خیامی است می‌گوید: می‌کوشیدم، زن را به تصویر بکشم. وسوسه کوزه‌گری در سرم می‌افتاد. زن در ذرات خاک رس زندگی می‌کرد، به لعاب مینایی رنگ آمیخته بود.

وی افزود: زمین در اساطیر بسیاری از ملل مادر و عنصر آغازینی از سلاله خدایان است. شاید تعبیر مام وطن هم ناظر بر همین صفت باشد. و کوزه به مثابه زهدان و رحم دیده شده

مادرش ازدواج کند. در میان تمام مسائل ریز و درشتی که نویسنده مطرح کرده و تراکم آن‌ها موجب شده تا نویسنده تمرکز کافی بر هیچ‌یک نداشته باشد، اتفاقاً موضوع زاییدن عیسی ظرفیت تبدیل شدن به مساله اصلی داستان را دارد که از دست رفته است.

سمیه عالمی سخنران دیگر این نشست به شرح مساله داستان پرداخت و گفت: در طوبا و معنای شب خواننده در همان صفحه آغازین با زن جوان و ملتپبی مواجه است که برای آمدن روزهای بهتر مبارزه می‌کند. همچنین داستان با یادآوری آسیب رساندن اسب فردی انگلیسی به ادیب، پدر طوبا آغاز می‌شود. آسیبی که تعرضی به شخصیت او است و می‌توان آن را نماد تعرض به خاک و سرزمین دانست. در ادامه پدر طوبا است که دوره افتاده تا متجاوز را به سرانجام کارش دچار کند و کمی بعدتر جاپای روس‌ها و بلشویک‌ها را بر کرده سرنوشت شخصیت می‌توان دید. نویسنده در بخش میانی داستان هم وعده‌های ضمنی را گسترش می‌دهد و ما همان وعده را در سراسر کتاب رمزبایی و کشف می‌کنیم. اگر فرض را بگذاریم که دو وعده ضمنی با هم پیوند دارند دور از ذهن نیست که بگوییم در این داستان طوبا همان سرزمین و خاک ایران است که دارد در دوره‌های مختلف تلخی‌هایی به تن می‌خورد و با شیرینی‌ها رشد می‌کند و بالنده می‌شود.

فاطمه نفری، طوبا و معنای شب را بازتابی از جامعه سنتی ایران در زمان مشروطه و پهلوی و نگاه سلطه جو و ستیزه‌جوی مردان این جامعه نسبت به زن دانست و داستان را منعکس کننده دگرگونی‌های اجتماعی، تاریخی، سیاسی و غلبه مدرنیته بر سنت و تغییر جایگاه زن معرفی کرد.

وی افزود: زن ایرانی در این گذرگاه سخت، گاه به اجبار



تصور می‌کند حقیقت همین دانه‌های انار هستند، تمام انارها را می‌چیند تا حقیقت را به کوچه و خیابان ببرد. هر تکه از آن را به عابری می‌دهد و به این ترتیب ستاره و مریم را که جاودانه شده‌اند، در شهر منتشر می‌کند. در پایان داستان، لیلا که به خانه طوبا آمده است، خود را می‌کشد و دوباره زنده شده و با طوبا به عمق زمین و ریشه‌های انار می‌رود. آن‌ها همگی به درخت انار می‌پیوندند تا دوباره به زندگی بازگردند. بنابراین نویسنده از یک سو پیوند زن را با زمین و از سوی دیگر با درخت نمایش می‌دهد.

در ادامه مرضیه نفری گفت: به نظر می‌رسد در نگاه نویسنده طوبا نماد ایران است. جایی که طوبا به عنوان یک پیرزن متعصب و سخت گیر و غرور معرفی می‌شود، پیرزنی که باعث شده دخترش عقیم گردد. جوان روشنفکری مثل اسماعیل خانه‌نشین شود و جسارت هیچ کاری را نداشته باشد و نتواند فرزند زنی از خود به جای بگذارد، دوران استبداد است. در نمایش‌های لیلا و شاهزاده هم بارها به این مسئله اشاره شده است. به طور مثال این نمونه را می‌توان بیان کرد. شبیه محمد علی‌شاه شده بود. هنگامی که برخاست، طوبا دورخیز کرده بود تا از اتفاق فرار کند. بی اختیار طومار مشروطیت را مقابل پای او انداخت. اما آیا نویسنده تباریکی و تیرگی و عقب ماندگی را برای ایران تصور کرده است؟ آیا پایان این شب، سپید خواهد بود؟ دهها سوال بی‌پاسخ در ذهن خواننده نقش می‌بندد. هر چه شخصیت‌ها، نشانه‌ها، رفتارها، نمادها، اسطوره‌ها، مکان‌ها و زمان‌ها را کنار هم می‌گذارد به پاسخ روشنی نمی‌رسد و این است که خواننده را آزار می‌دهد. در ادامه فاطمه موسوی در شرح نمادهای داستان گفت: همسران حاج مصطفی نماد زنان ساده لوح و بی‌سواد جامعه‌اند. توران السلطنه نماد زنی قدرتمند و در تلاش برای جبران کم کاری مرد، مونس نماینده زن امروزی که سترون می‌شود. منظر السلطنه در تلاش برای آزاد سازی خود از افکار سنتی. زنان قالیباف به معنای واقعی اسیر دست مردانند. ستاره قربانی غیرت مردان و مریم که تلاشش برای تغییر زندگی، به نوعی سرنوشت ستاره را برایش رقم می‌زند و لیلا که پس از هربار مرگ دوباره از خاک برمی‌خیزد و جاذبه‌اش هم مردان را به شوق می‌آورد و هم خشمگین‌شان می‌سازد. در ادامه فاطمه نفری افزود: نشانه گذاری‌های اسطوره‌ای نویسنده قابل فهم است. زن نیروی بارور کننده و هستی بخش است. همواره پدر پیر فلک، نور و برکت را به مادر گیتی بخشیده است و او را بارور ساخته تا زایید و زایش داشته باشد. ستاره و مریم، که هر دو همراه جنین‌هایشان زیر درخت انار دفن شده‌اند و نمونه‌هایی از ظلم تاریخی به زن هستند، خون‌شان بی‌ثمر نیست، بلکه بار می‌دهند و شانه‌های درخت از انارهای سرخ رسیده خم می‌شود.

در ادامه مطهری‌راد که پیش از این به بررسی آثار شهرنوش پارسی پور نیز پرداخته است، نمایی کلی از آثار او ارائه داد و گفت: «چند عنصر در داستان‌های شهرنوش پارسی پور بیشترین نمود را دارد. اول مساله زن، دوم اسطوره، و سوم تاریخ. پارسی پور با علم به اوضاع زمانه خود، با تسلط بر تاریخ و به کارگیری درست اسطوره‌ها توانایی خلق داستان‌هایی در ژانرهای غیرواقع‌گرا را داشته است. «طوبا و معنای شب» نیز، هر سه مورد زن، اسطوره و تاریخ را به صورت پررنگ در خود دارد. نگاه به زنان و پرداختن به آنها گرچه به شدت کتاب «زنان بدون مردان» از این نویسنده نیست. با این حال نمی‌شود ویژه بودن این توجه را از روی داستان طوبا و معنای شب برداشت. بعد دیگری که مورد توجه برخی اعضا انجمن ادبی خورشید قرار گرفت مسئله فرم داستان بود.

اما طوبا همیشه درونی دارد که جریانات بیرونی‌اش را پس می‌زند. او همواره در تقابل با اتفاقات عینی بیرون، زندگی ذهنی و درونی خود را دارد فاصله درون و بیرون طوبا همان فاصله اسطوره تا واقعیت است که نویسنده به خوبی از آن بهره برده است. همچنین در این داستان خانه با زن گره خورده است. هر جازن هست خانه باید باشد و امنیت و رفاه باید دست و پا شود، زن که ویران می‌شود خرابی خانه نیز تقصیر زن است اگر او ویران نمی‌شد خانه به این روز نمی‌افتاد.

مطهری راد گفت: گشایش هر اثر از بُعد نمادها و اسطوره‌ها می‌تواند در شناخت عمیق‌تر آن مؤثر باشد. از این حیث انجمن ادبی خورشید نگاه ویژه‌ای به رمزگشایی نمادها و تبیین جایگاه اسطوره‌ها در اثر داشت.

در ادامه امیرزاده ضمن معرفی مقاله دکتر بهرامی در خصوص نقد اسطوره شناختی طوبا و معنای شب در این خصوص گفت: «شهرنوش پارسی پور در این اثر مضامینی اسطوره‌ای خلق کرده است. او به پادشاهان قاجار و پهلوی که اداره کشور ناتوان بودند اشاره می‌کند و اعتراض خود را با طراحی شخصیت‌هایی نمادین و اسطوره‌ای نشان می‌دهد. پارسی پور با برگزیدن بخش نخست واژه گیلگمش، شخصیت اسطوره‌ای به نام شاهزاده گیل را خلق می‌کند و خویشتکاری‌های او را در این زمان، به گیلگمش نزدیک می‌سازد. آنچه در حماسه گیلگمش نمودی برجسته دارد، کهن‌الگوی «سفر» است که قهرمان داستان، سفری طولانی را در پیش می‌گیرد تا به اکسیر حیات برسد. در طوبا و معنای شب شاهزاده گیل در درازنای تاریخ جاودان زیسته و نظاره‌گر تمام حوادث در ایران است. در این زمان او مرید شیخ صنعان است و از کشور روم سفر او آغاز و چین و ماچین را در می‌نوردد و در صدد رسیدن به کوه قاف است. سفر او نوعی مکاشفه در ضمیر است که از مغرب جان و تاریکی‌های آن آغاز و به مشرق جان و تابش انوار الهی می‌رسد. شیخ صنعان - مقتدای شاهزاده گیل - تجسم اصل روحانی و معرفت‌دانش، تأمل، بینش درونی، خرد، هوشمندی و شهود است. در ادامه عذرا موسوی یکی از هنرمندی‌های نویسنده را در این اثر استفاده از نمادها دانست و گفت: برجسته‌ترین نمادها در این اثر، درخت است. درخت در نمادپردازی اسطوره‌ای جهان نماد زن و همه نمادهای زنانگی و مادری است؛ زیرا جنبه‌هایی چون باروری، تغذیه، سایه افکندن و حمایت از طبیعت و جانداران را به عهده دارد. نام شخصیت اصلی کتاب، «طوبا» ست. سهروردی در «عقل سرخ»، طوبا را درخت بزرگی در بهشت توصیف کرده که منشأ همه میوه‌هاست که اگر نبود، هیچ میوه و درخت و گیاهی در جهان نبود. در داستان‌های عرفانی نیز طوبا درختی در بهشت است که شاخه‌هایش در خانه پیامبر است. همچنین درخت انار از مقدس‌ترین درختان در اساطیر و درختی بهشتی است که به سبب برگ‌های همیشه سبزش نماد جاودانگی و تجدید حیات، به سبب رنگ سرخ میوه‌اش نشان خون روان و به سبب پردانگی‌اش نماد باروری و برکت است. درخت انار نمادی از رحم طبیعت است، درست مثل مادر زمین.

وی ادامه داد: در طوبا و معنای شب، میرزا ابوزر، ستاره چهارده ساله را که در حمله قزاق‌ها مورد تجاوز قرار گرفته و باردار شده، برای حفظ آبروی خانواده می‌کشد و با همراهی طوبا در باغچه و زیر درخت انار دفن می‌کند. طوبا با روح دخترک ارتباط برقرار کرده و از آن پس روح ستاره هم‌چون یک راز برای همیشه بر خانه مستولی می‌گردد. سرانجام مریم نیز در کنار ستاره و در زیر درخت انار به خاک سپرده شده و درخت بی‌بار باور می‌شود. شاخه‌های درخت زیر بار خم می‌شود و طوبا که

است. با توجه به اینکه کشاورزی نزد زرتشتیان عملی اهورایی است. در این اثر مساله خشکسالی و نسبت آن با تصمیم طوبا ما را به آنچه گفته شد رهنمون می‌سازد. همچنین عمل دفن کردن به معنای بازگرداندن انسان از مادر خونی به مادر خاکی در این اثر بسیار مورد توجه است به طوری که دفن ستاره یا کودک فقیر و یا حضور طوبا در قبرستان برقراری این ارتباط را تقویت می‌کند. همچنین در اسطوره‌ها بین زن و ماه ارتباط قابل توجهی است. به روایت بندهشن ماه حافظ نطفه ستوران و جانوران است و آنچه از نطفه گاو نخستین، پاک و توانا بود به ماه منتقل شده است. به همین جهت ماه دارای نوعی زینگی است و قدرت باروری دارد. در این اثر به صورت ضمنی بین قرار گرفتن طوبا در برابر نور ماه و باروری نسبتی وجود دارد. (ماه آرام آرام از شرق بالا می‌آمد و وهم و رقص زن همانند سوزنک‌های برق در تن حاضران فرو می‌رفت... ماه درست در میانه آسمان رسیده بود. که میهمانان را به اتاق خواب هدایت کردند.) طوبا که ابتدا، خواهان داشتن فرزندی چون عیسی بود و از خداوند می‌خواست که روح‌القدس، وجود او را همانند حضرت مریم (س) لمس کند، پس از این قرار گرفتن در مقابل نور ماه، باردار می‌شود و نویسنده در فصل بعدی رمان، به چهار فرزند او اشاره می‌کند.

در ادامه عذرا موسوی به پدیده زن‌کشی «در اثر توجه کرد و گفت: استمرار الگوی دخترکشی از زمان‌های دور و قربانی کردن آن‌ها در معابد و مناسک اقوام ابتدایی بوده و در روایت تاریخ گونه شاهزاده گیل و کشتار زنان در هجوم مغول، تا کشتن ستاره و مریم و از دست رفتن نطفه‌های بسته شده در بطن ستاره و مریم و مونس، گویی همان الگو در اثر استمرار می‌یابد.» عالمی ضمن بیان این نکته که نویسنده در اثر بارها ریشه مشکلات زن داستان و جامعه‌اش را «عدم آگاهی» معرفی می‌کند نه فقر! افزود: «ما در روایت‌های ایرانی با دوگانه خرد محور و قدرت‌محور مواجهیم. خاتم پارسی پور با نظام معنایی داستان‌ش آگاهانه یا ناخودآگاه خیزی به سمت پیدا کردن فرم روایت ایرانی در طوبا و معنای شب برداشته که برعکس بعضی نویسندگان هم‌دوره خودش بنادار مؤلفه‌های فرهنگی، فلسفی و هنری ایرانی و نسبت نزدیکی که با مذهب دارند را در این فرم نادیده بگیرد. شاید همین تعهد باعث شده که حرف زنانه بزند اما به ورطه تکرار داستان‌های فمینیستی نیفتد

در ادامه مطهری‌راد نسبت بین زنان و مردان داستان را تحلیل و در ادامه گفت: سیمون دوبوار در کتاب جنس دوم استدلال می‌کند که بازنمایی‌های ادبی از زنان به یکی از دو شکل «زن اثیری» و «زن لکاته» موجب شده است که زن هیچ نوع ذات با نفس خاصی نداشته باشد، بلکه زن بودگی، همواره از راه تمایز با مردبودگی تعریف شود. همچنان که در این اثر همه زن‌های داستان در نسبت با مردان تعریف می‌شوند. طوبا در کنار پدر، دو همسر و آقای خیابانی و لیلا در کنار گیل، زن لکاته در کنار آن مرد و دوبوار می‌گوید، انسانیت مقوله‌ای مذکر است و این مردان هستند که چیستی زنان را نه برحسب ذات خود زنان، بلکه برحسب آنچه خود می‌خواهند تعیین می‌کنند. وی ادامه داد: زن برحسب مرد، معین و متمایز می‌شود، اما مرد برحسب زن معین و متمایز نمی‌شود. در رمان طوبا و معنای شب، مردسالاری و جایگاه برتر مردان در تصمیم‌گیری باعث رقم خوردن سرنوشت زن‌های قصه می‌شود. حرکت زندگی طوبا با تصمیمات مردان زندگی‌اش از پدر تا شاهزاده قجر حتی تا اسماعیل و کمال و کریم اتفاق می‌افتد و مقاومت جز اینکه زندگی‌اش را سخت‌تر کند هیچ سودی برای او ندارد.

# انتشار «کتاب فریدون رهنما» و «آرش شیواتیر»



مدیر انتشارات روزن) آمده است: «سال ۱۳۴۵ بود که سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران به بهمن محمص سفارش داد برای اولین دوره جشن هنر شیراز در شهریور ۱۳۴۶، نمایشی آماده کند. محمص از دوستش مهرداد صمدی خواست نمایشنامه‌ای درباره اسطوره آرش بنویسد که حاصل آن، نمایشنامه‌ای در چهارده سن با نام «آرش شیواتیر» شد...»

این نمایش اما هرگز اجرا نشد و نمایشنامه مهرداد صمدی می‌رفت تا به سرنوشت دیگر آثار خواندنی اما منتشر نشده نویسندگان مهم ایرانی بیبوند. علی‌عابدین، مدیر انتشارات «روزن» و دوست و همیار بهمن محمص و مهرداد صمدی، با اشتیاق و انگیزه‌ای خستگی‌ناپذیر بر آن شد تا این اثر را از تحمیل چنین سرنوشتی که به‌نظر محتوم می‌آمد، رها کند و اینگونه با تلاش‌های پیگیر و مؤثر شانزده‌ساله‌اش، این اثر را برای چاپ و انتشار آماده کرد.

او پس از انتشار کتاب، در یادداشتی در صفحه شخصی‌اش نوشته است: «بار سنگینی که حدود شانزده سال قبل با گرفتن یک نسخه متن نمایشنامه از محمص بر دوش من قرار گرفت، سرانجام به مقصد رسید. از روزی که مقدمه این کتاب را نوشتم تا حال که کتاب چاپ شده، ابراهیم گلستان که کمک کرده بود بتوانم بعد از سال‌ها دوباره با صمدی صحبت کنم و دوست سالیان سال و نزدیک صمدی و محمص بود از میان ما رفت. در نتیجه این یادداشت را به یاد و با احترام به مهرداد صمدی، بهمن محمص و ابراهیم گلستان که در کنار ما نیستند، به پایان می‌برم.»

کند و کمی پس از نمایش دومین فیلم بلند سینمایی‌اش که هیچ‌اگران عمومی نداشت، در گذشت. «این کتاب با رویکردی جامع و منسجم، فصل‌هایی از عمر هنری پربار فریدون رهنما را مدنظر داشته است که علاوه بر تمرکز تحلیل گرایانه بر دو فیلم مهم او، دیگر جنبه‌های زندگی هنری و شخصی او را نیز کالبدی است. سعید عقیقی در بخشی از متن کتاب می‌نویسد: «ها به رهنما مدیونیم. او در کنار خرد و جسارت تجربه‌اندوزی و ممکن ساختن تجربه‌ها، کوشید صراحت را در مباحثه جا بیندازد؛ کوششی که انگیزه اصلی طرح مباحث این کتاب بوده است. رهنما در گفت‌وگو با هوشنگ حسامی که در سخنانش ستایش و تذکر کاستی‌ها را به هم آمیخته، انتقادهای او را می‌پذیرد، بی‌جهت جدل نمی‌کند و گوش می‌دهد. دست‌اوست که در همین فیلم می‌نویسد: «داستان بر سر زرنگی‌ها/ و بند و بست‌های پُشت پرده نیست/ داستان بر سر آن است/ که این جهان تنفس‌پذیرتر گردد.»

همچنین کتاب «آرش شیواتیر» نوشته مهرداد صمدی، با تیراژ ۵۰۰ نسخه و بهای ۲۲۰ هزار تومان با همکاری انتشارات «رشدیه» و «روزن» در دسترس دوستداران ادب و فرهنگ قرار گرفته است. در معرفی این کتاب عنوان شده است: «آرش شیواتیر» نمایشنامه‌ای است در چهارده سن با طرح‌ها و تصویرسازی‌هایی از بهمن محمص که به اسطوره آرش و نبرد ایران و توران با نگاهی نو و قلمی یگانه می‌پردازد و پس از نزدیک به نیم قرن، روی انتشار دیده است. در بخشی از مقدمه‌ی این کتاب به قلم علی‌عابدین

«کتاب فریدون رهنما» نوشته سعید عقیقی و «آرش شیواتیر» نوشته مهرداد صمدی منتشر شدند. به گزارش ایسنا، «کتاب فریدون رهنما» با شمارگان ۵۰۰ نسخه و بهای ۲۶۲ هزار تومان در انتشارات «رشدیه» در دسترس علاقه‌مندان ادبیات و سینما قرار گرفته است. در معرفی ناشر از این کتاب آمده است: «کتاب فریدون رهنما» نوشته سعید عقیقی، نویسنده، منتقد و مدرس مطرح سینماست که پژوهش و نوشتن در حوزه سینما، فرهنگ و ادبیات از جمله فعالیت‌ها و علایق دیرین و همیشگی اوست. او همچنین در مقام فیلمنامه‌نویس و کارگردان، آثار ماندگاری مانند «شب‌های روشن»، «صداهای»، «هفت‌پرده» و «داستان دوست» را در کارنامه‌اش دارد.

فریدون رهنمای شاعر، نویسنده و فیلمساز، چهره‌ای مهم، نوگرا و اثرگذار در زمینه فرهنگ و هنر ایران است که در طی ادوار حضور و فعالیت فرهنگی‌اش، همواره شخصیتی جریان‌ساز بوده و با شیوه‌ای مدرنیستی اما متکی بر غنای فرهنگ ایرانی، به خلق آثاری متفاوت و بحث‌انگیز پرداخته است.

سعید عقیقی در مقدمه این کتاب در توصیف مختصر کارنامه کاری او می‌نویسد: «این کتاب، یادنامه نیست. گزارشی است تحلیلی از فکر و کار یکی از پیشگامان نوزایی سینمای ایران که شعر سرود و فیلم مستند و داستانی ساخت و مقاله نوشت و ترجمه کرد و درس داد و سخنرانی کرد و کتاب سینمایی درآورد و با نسل پیش و پس از خود همراهی کرد و با تعدادی از هم‌سلاش رفیق شد و با عده‌ای جنگید و توانست بخش کوچکی از افکارش را پیاده



توسط موسسه دکسا انجام شد؛

## چاپ ترجمه کتاب راتلج درباره شادکامی، شکوفایی و زندگی خوب



ارزیابانه»، «پیش به سوی تعریف بهزیستی» و «پیش به سوی نقد اجتماعی».

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

آگاهی همراه با درک ارزش برای بهزیستی ضروری است. ما سعی کرده‌ایم اهمیت این نکته را با بررسی پیامدهای آن برای هیجان‌ات و خلیقات، به‌خصوص شادکامی، توضیح دهیم. حال، همین کار را با توصیف این ایده استعاری انجام خواهیم داد که «دنیای» پدیدارشناختی یا تجربی شخص، که او در آن زندگی می‌کند، امکانات بهزیستی وی را مشخص می‌سازد. فرض اصلی این است که هر تجربه، فعالیت یا فرایند ارزشمندی می‌تواند بخشی از بهزیستی شخص باشد مشروط به آن که بخشی از «دنیای» پدیدارشناختی او را شکل دهد. جنبه‌های ارزیابانه زندگی‌های روزمره ما به پدیدارشناسی یا ماهیت تجربی توجه همراه با درک ارزش بستگی دارد. ماهیت قصدمندانه توجه به این معناست که ما در قالب توصیف‌هایی خاص \_ و نه در قالب توصیف‌هایی دیگر \_ به جهان توجه داریم. در این جا نه تنها از نظر «آنچه» ما به آن توجه می‌کنیم، بلکه از نظر این که ما «چگونه» یا در قالب چه توصیفاتی \_ به آن چیز توجه می‌کنیم امکان‌پذیر است. وجود دارد. توجه همیشه از هر دو جهت‌گزیشتی است. توجه ما به این چیز \_ و نه آن چیز \_ معطوف می‌شود، و این توجه به این شیوه \_ و نه آن شیوه \_ است. این شامل برخی جنبه‌های آن چیزی است که به آن توجه می‌شود و سایر جنبه‌ها را شامل نمی‌شود. به این ترتیب، «دنیای» پدیدارشناختی ما معمولاً بدون آگاهی از آن، و ذره‌ذره «تشکیل می‌شود».

این کتاب با ۴۰۶ صفحه و قیمت ۳۲۰ هزار تومان منتشر شده است.

مولفان اثر در فصول کتاب، نظریه‌های متعارف بهزیستی و شادکامی، مانند نظریه لذت‌گرایی یا رضای میل، را نقد کرده و از مدل‌های اقتصادی تعریف بهزیستی فاصله گرفته‌اند. آن‌ها با تأکید بر ماهیت اجتماعی بهزیستی، زندگی انسان را از منظر روابط اجتماعی، آگاهی و خودآگاهی شخصی و درک ارزش بررسی کرده‌اند. سه مولف یادشده ابزارسازی و کالایی‌سازی زندگی و فعالیت‌ها و تجربیات روزمره را هم نقد می‌کنند و بر ارزش ذاتی فعالیت‌ها و تجربیات روزمره متمرکز می‌شوند. چارچوب نظری پیشنهادی کتاب هم نقد اجتماعی به‌ویژه نقد مدل‌های اقتصاد بازاری، نئولیبرال و مصرف‌گراست.

گرت تامسن، شیرتو گیل و آیور گودسن می‌گویند حوزه مطالعات بهزیستی شامل مجموعه‌ای از وعده‌هاست که معمولاً به آن‌ها عمل نمی‌شود. این حوزه وعده می‌دهد براساس شواهد تجربی ارزیابی‌های انتقادی عمیقی از نهادهای اجتماعی ارایه کند. اما به این وعده عمل نمی‌کند چون مفهوم ضعیف بهزیستی معمولاً فقط انعکاس لذت‌ها، ترجیحات و رتبه‌بندی‌های ذهنی موجود است. این حوزه از نظر ارزیابانه کمینه‌گراست و به جای این که مبنایی بالقوه برای نقد اجتماعی ریشه‌ای باشد، انعکاسی کم‌رنگ از فرضیات پذیرفته‌شده جامعه است. اما سه مولف کتاب می‌گویند تلاششان این است که مسیر جدیدی را در پیش بگیرند و بهزیستی را به‌گونه‌ای توضیح دهند که به فرضیات اقتصاد نئوکلاسیک و روش‌شناسی‌های کمی مستقل از ارزش محدود نباشد.

کتاب پیش‌رو ۸ فصل دارد که به ترتیب عبارت‌اند از:

مقدماتی برای یک چارچوب»، «فراتر از ابزارسازی»، «فعالیت‌ها و امیال»، «آگاهی»، «روابط»، «خودآگاهی»

کتاب «شادکامی، شکوفایی و زندگی خوب؛ بینشی دگرگون‌ساز برای بهزیستن انسان» نوشته گرت تامسن با ترجمه وحید موسوی داور توسط موسسه فرهنگی دکسا منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش مهر، کتاب «شادکامی، شکوفایی و زندگی خوب؛ بینشی دگرگون‌ساز برای بهزیستن انسان» نوشته گرت تامسن، شیرتو گیل و آیور گودسن به‌تازگی با ترجمه وحید موسوی داور توسط موسسه فرهنگی دکسا منتشر و راهی بازار نشر شده است.

ترجمه این کتاب یکی از عناوین مجموعه «شکوفایی» است که این ناشر منتشر می‌کند. از جمله سوالات پیش‌روی انسان مدرن این است که چگونه زندگی‌ای ارزش زیستن دارد؟ کتاب‌های مجموعه مورد اشاره برای پاسخ به این سوال منتشر می‌شوند.

گرت تامسون یکی از نویسندگان این کتاب، استاد کالج ووستر و مدیرعامل بنیاد گران‌هرمس برای صلح است. او در کالج کرسی کامپتن در رشته فلسفه را در اختیار دارد و مانند این کتاب در تألیف ۲۰ کتاب مشارکت داشته؛ از جمله «معنای زندگی، نیازها و از بیکن تا کانت». او در تدوین کتاب ۶ جلدی تاریخ استاندارد فلسفه لانگمن و نگارش کتاب «بازاندیشی در آموزش متوسطه: رویکردی انسان‌محور و درک کل‌نگرانه صلح» نیز مشارکت داشته است.

نسخه اصلی کتاب «شادکامی، شکوفایی و زندگی خوب» سال ۲۰۲۱ توسط انتشارات راتلج منتشر شده و به موضوع شادکامی، بهزیستی و زندگی خوب اختصاص دارد. این موضوعات در کتاب پیش‌رو از چشم‌انداز ترکیبی مضامین فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی شده‌اند.

## عرضه تاریخ فشرده چین در کتابفروشی‌ها



کتاب «تاریخ فشرده چین» نوشته لیندا جیوین با ترجمه روبرت صافاریان توسط نشر مرکز منتشر و راهی بازار نشر شد. به گزارش مهر، کتاب «تاریخ فشرده چین» از خاندان‌های دوران باستان تا ابرقدرت مدرن امروز» نوشته لیندا جیوین به‌تازگی با ترجمه روبرت صافاریان توسط نشر مرکز منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب در کنار آثار دیگری چون «تاریخ فشرده آلمان»، «تاریخ فشرده اتحاد شوروی» و «تاریخ فشرده انگلستان» قرار می‌گیرد که این ناشر چاپ کرده است.

لیندا جیوین نویسنده این کتاب، سنت‌شناس و رمان‌نویس آمریکایی استرالیایی تبار است که سال ۱۹۵۵ متولد شده و ۶۸ سال دارد. او به‌طور تخصصی درباره چین می‌نویسد و کتاب‌های «میمون و اژدها»، «پروفایل پکن» و چندرمان را که ماجراهایشان در چین جریان دارد، در کارنامه خود ثبت کرده است. او در تایوان، هنگ‌کنگ و زندگی کرده و مقالاتش در این کشورها چاپ شده است. در حال حاضر نیز مقیم استرالیاست.

ریشه این نویسنده در یک خانواده یهودی روس است و پدر بزرگش از روسیه تزاری به آرژانتین و سپس آمریکا مهاجرت کرد. علاقه لیندا جیوین به مطالعات چین باعث شد در دانشگاه سراغ این رشته برود. سال ۱۹۷۷ هم به تایوان مهاجرت کرد تا به چین نزدیک‌تر باشد. سپس در سال ۱۹۷۹ به هنگ‌کنگ مهاجرت کرد و به ویرایش کتاب‌های درسی انتشارات آکسفورد و کار در مجله آسیابوک رو آورد. سپس با یک محقق استرالیایی ازدواج کرد و این زوج سال ۱۹۸۶ زندگی خود را به کنبرا در استرالیا منتقل کردند. لیندا جیوین سال ۱۹۹۴ از همسرش جدا شد و در حال حاضر در شهر سیدنی زندگی می‌کند.

مؤلف کتاب پیش‌رو می‌گوید چین آینده از گوناگونی است و این پیچیدگی و تن‌ندادن به هر قاعده‌ای، جزئی از عظمت

آن است. جیوین معتقد است در نوشتن یک تاریخ فشرده، آدم عاقل باید توجهش را بر مضمون‌ها و شخصیت‌های محدود متمرکز کند. اما او آدم عاقلی نیست و زمان نوشتن این کتاب، هر وقت به شخصیت‌های برجسته، تحولات اقتصادی و سیاسی مهم، تاریخ نظامی و جریان‌های زیبایی‌شناختی و روشنفکری جالب برخورد، ابتدا خواسته بعضی از آن‌ها را انتخاب کند. اما در نهایت همه را انتخاب کرده است. جیوین در نوشتن «تاریخ فشرده چین» بر مضامین، رویدادها و شخصیت‌هایی تأکید کرده که به‌نظرش بر جوهر زمانه خود و تکامل تمدن و ملیت چین نور می‌اندازند. او می‌گوید از چهره‌ها در حدی نام برده که متناسب با حجم چنین تاریخ فشرده‌ای باشند و بعد اجازه داده از جانب خودشان حرف بزنند. در کتاب، نقل‌قول‌هایی از تاریخ‌نگاران چین باستان، سیاستمداران معاصر، شاعران و هجویه‌نویسان مشهور آمده و به‌قول نویسنده، مخاطب اثر نسبت به کتاب‌های دیگر با زنان بیشتری آشنا می‌شود.

نویسنده این کتاب می‌گوید «چین» و «صفت چینی» عمدتاً بر چین در یک مفهوم فرهنگی دلالت می‌کنند: به‌عنوان مثال چین عهد تانگ، یا خطاطی چینی. او سرزمین اصلی را بر قلمرویی به کار می‌برد که حزب کمونیست چین از سال ۱۹۴۹ بر آن حکومت کرده است. «هنگ‌کنگ» هم بر جزیره هنگ‌کنگ، کولون و سرزمین‌های جدیدی که رسماً منطقه اداری ویژه چین خوانده می‌شود، دلالت دارد. تایوان هم، آن موجودیت جغرافیایی و سیاسی است که خود را جمهوری چین می‌خواند و حزب کمونیست چین آن را تایوان نامیده و جزئی از چین می‌داند.

کتاب پیش‌رو ۱۵ فصل دارد که به این ترتیب‌اند: «خاستگاهها: تمدنی سر از تخم درمی‌آورد»، «خاندان ژو: از حکومت آرمانی تا دولت‌های در جنگ»، «خاندان چین: اتحاد، خودکامی، و هر آنچه زیر آسمان است»، «خاندان هان:

دسیسه‌چینی، نوآوری و یک دوره فترت کوتاه»، «نفاق بزرگ: سه پادشاهی، دو زن جنگاور، هفت‌مرد دانا، و گرد پنج ماده معدنی»، «خاندان تانگ: از عصر طلایی تا آندوه‌آبدی»، «سلسله سونگ: سوسیالیست‌های نخستین، نوکنفوسیوس‌ها، و زندگی شهری»، «خاندان مینگ: شکوه و تباهی»، «خاندان منچوری چینگ: راه سنگ‌لاخ تجدد»، «جمهوری چین: آرزوهای بزرگ و خیانت‌های شرارت‌بار»، «تجاوز ژاپن و جنگ داخلی: جمهوری فرو می‌باشد»، «دوران مائو: انقلاب دائم»، «دوران اصلاحات: رونق و ناخشنودی‌هایش» و «دوران شی جین‌پینگ: صعود گرگ‌های جنگاور».

لیندا جیوین پیش از شروع متن «تاریخ فشرده چین» این جملات را نوشته است: «به یاد پدر و مادرم که تشویق کردند هر چه را دوست دارم مطالعه کنم. من چین را دوست داشتم»

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: یونگله نخستین سفر دریایی در یاسالار دلاور، ژنگ‌هه (۱۴۳۳\_۱۴۷۱) از خواجگان دربار، را به او ماموریت داد. ژنگ‌هه که مسلمانی از ایالت یونان در جنوب غرب بود، هفت سفر دریایی حماسی را رهبری کرد، سفرهایی که در هر یک دهها کشتی بادبانی چینی و دهها هزار ملوان شرکت داشتند. این قوه بحریه جلوی فعالیت دزدان دریایی را در دریای چین شرقی می‌گرفت، به نمایندگی از امپراتوری در سرزمین‌های دوردست تا خلیج فارس، سواحل آفریقا و سواحل جنوبی عربستان وارد مناسبات دیپلماتیک می‌شد، و همه جاتصویری از اعتماد به نفس و قدرت مینگ ترسیم می‌کرد. او همچنین خراج می‌گرفت و اشیای نفیس زیبا برای امپراتور تهیه می‌کرد، هدایایی چون شمشیرهای ژاپنی، جواهرات هندی و سری لانکایی، و طلاجات آفریقایی.



توسط نشر لگا انجام شد؛

## چاپ «فکر کردن به واسطه داستان‌ها»

### گفتگوی فلسفی و تقویت معنادر کودکان

کله‌های طاس و...) نوشته سایمون کریچلی به تازگی با ترجمه قاسم نجاری در مجموعه «معنای زندگی» نشر لگا چاپ شده است.

سایمون کریچلی نویسنده این کتاب، درباره خیلی چیزها می‌نویسد؛ از تراژدی یونانی تا دیوید بویی، او صدایی است یگانه در فلسفه ورزی برای زندگی روزمره؛ البته بدون اینکه مفاهیم را تقلیل دهد. در کتاب طاس، سی‌وپنج جستار گرد هم آمده‌اند و به معنای واقعی کلمه از زمین و زمان می‌گویند؛ از ابعاد آکادمی افلاطون و اسرار الئوسی تا آثار فیلیپ ک. دیک و مسأله پول و تروریسم و هملت و لذتها و دردهای طرفداری از تیم فوتبال لیورپول.

می‌گویند کریچلی رها می‌نویسد و صادقانه، او با بصیرت‌های عمیق یک فیلسوف و فارغ از سخت‌نویسی آکادمیک و بیرون از برج عاج فلسفه، با شور و حرارت از شادی و خشونت و ایمان قلم می‌زند.

در مقدمه این کتاب می‌خوانیم:

نه، آن معنایی از طاسی که من می‌خواهم توجه‌ها را به آن‌ها جلب کنم و سامان‌دهنده سی‌وپنج جستار این کتاب‌اند، جستارهایی که در طول دهه گذشته نوشته شده‌اند، معنایی دیگر از طاسی است. بگذارید با یک جُک توضیح بدهم. پدرم سه شوخی محبوب داشت. یکی در مورد عیسی روی صلیب بود، یکی دیگر درباره بالربینی گوزو، دومین جُک خوبی که تعریف می‌کرد این بود: من هیچ‌وقت تو بچگی از خونه بیرون نرفتم. خانواده ام اونقدر فقیر بودن که مادرم نمی‌تونست برامون لباس بخره. وقتی ده سالم بود، مادرم برام یک کلاه خرید تا بتونم کله‌مو از پنجره بکنم بیرون.

شاید این بامزه‌ترین جُک جهان نباشد اما خودش بعد از گفتن آن غش می‌کرد و من هم ضعف می‌رفتم. حداقل سالی یک‌بار آن را برایم تعریف می‌کرد.

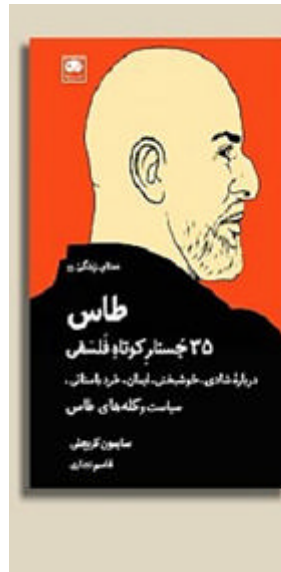
طاسی‌ای که من می‌خواهم در این کتاب بر آن تمرکز کنم، این‌طور نیست که صبر کنید مادرتان برایتان کلاهی بگیرد؛ بلکه این است که بی‌هوا کله‌تان را از پنجره بیرون کنید. جستارهایی که در این کتاب جمع‌آوری شده‌اند، تلاش‌های من‌اند برای اینکه کله طاسم را از پنجره بیرون کنم و در فضای عمومی فکر کنم.

کلمه «Bald» دو معنای اصلی دارد: بی‌مو و رُک، مثلاً همچون بیانیه‌ای روشن یا سخن‌گفتنی شفاف، بی‌پیرایه، بی‌برده و البته تا حدودی تندوتیز. آدم وقتی دانشگاهی باشد، به سخن‌گفتن با هزارویک‌چور کلاه‌خود محافظتی عادت می‌کند؛ کلاه‌خودی که می‌توان از آن یک کلاه‌گیس مکتبی پرزرق‌وبرق درآورد. در چنین وضعیتی زبان به‌راحتی پس پرده می‌رود؛ پر از تعلل، قیدوشرط‌های زیرکانه، تعابیر غیرشخصی، جمله‌هایی با افعال مجهول، بندهای فرعی، لفاظی‌های چندجهایی مرعوب‌کننده، نام‌های دهان‌پرکن و توسل به مرجعیت.

این کتاب با ۲۶۰ صفحه و قیمت ۲۲۴ هزار تومان عرضه شده است.

را سرکوب می‌کنند، آموزش تفکر انتقادی به کودکان اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. اینجا در ایالات متحده، با ناباوری می‌بی‌نم که مدارس کتاب‌هایی را که مسائل مهمی را مطرح می‌کنند، از کتابخانه‌ها و کلاس‌هایشان حذف می‌کنند، تنها به این دلیل که آن کتاب‌ها، الگوهای

دو کتاب «فکر کردن به واسطه داستان‌ها» و کتاب «طاس» توسط نشر لگا منتشر و راهی بازار نشر شدند. به گزارش مهر، ترجمه دو کتاب «فکر کردن به واسطه داستان‌ها» و کتاب «طاس» به تازگی توسط نشر لگا منتشر و روانه بازار نشر شده است.



تثبیت‌شده سلطه را تهدید می‌کنند.

آموزش فلسفه به کودکان خردسال با واداشتن آن‌ها به تأمل در معنای کتاب‌های تصویری که می‌خوانند، روشی مؤثر برای مقابله با چنین گرایش‌های خطرناک سیاسی است. کودکان خردسال تمایل ذاتی به فکر کردن در مورد دنیا دارند و اضطرابی که بعداً در زندگی آن‌ها ظاهر می‌شود، آن‌ها را زمین‌گیر نمی‌کند. آنها شاید مهم‌ترین گروهی باشند که بتوان فلسفه را به آنها معرفی کرد. کودکی که در سنین پایین به اندیشه فلسفی می‌پردازد، زمانی که با تلاش‌هایی برای سرکوب آزادی اندیشه و عمل مواجه می‌شود، آمادگی بهتری برای مقابله پیدا می‌کند.

برای من هیجان‌انگیز است که به فارسی‌زبانانی فکر کنم که از این کتاب برای ایجاد تفکر انتقادی‌فرهنگی در بین دانش‌آموزان مدرسه استفاده می‌کنند که امیدوارم در آینده گسترده‌تر شود.»

توماس ای. وارتنبرگ استاد بازنشسته فلسفه در کالج مانت هولیوک است. او در زمینه مباحث زیبایی‌شناسی، فلسفه هنر و فلسفه برای کودکان فعالیت می‌کند. از دیگر آثار معروف او کتاب «پدیده‌های بزرگ برای بچه‌های کوچک: آموزش فلسفه از طریق ادبیات کودکان» و کتاب «دیگر اکتشافات فلسفی: یافتن حکمت در ادبیات کودکان» است.

کتاب «طاس» هم ۳۵ جستار کوتاه فلسفی (درباره شادی، خوشبختی، ایمان، سیاست، خرد باستانی،

کتاب «فکر کردن به واسطه داستان‌ها: کودکان، فلسفه و کتاب‌های تصویری» در مجموعه «فلسفه برای کودکان و نوجوانان» راهنمایی است برای کاوش فلسفه با کودکان با استفاده از کتاب‌های تصویری. نویسنده با نشان دادن کتاب‌های تصویری که اغلب مسایل فلسفی را در روایت‌های خود گنجانده‌اند، آن‌ها را به منبعی طبیعی برای کمک به کودکان در بررسی مسائل فلسفی تبدیل می‌کند و رویکردی ساده برای جذب آن‌ها ارائه می‌دهد. این اثر نشان می‌دهد چگونه گفت‌وگوی فلسفی معنای خود را در کودکان تقویت می‌کند، فضای امنی را برای بحث درباره مسائلی که در زندگی با آن‌ها مواجه می‌شوند فراهم می‌کند، و روشی برای حل تعارض ایجاد می‌کند که کودکان می‌توانند در زمینه‌های دیگر از آن استفاده کنند.

علاوه بر این، کتاب توصیه‌های حکیمانه‌ای در مورد چگونگی تسهیل‌گری بحث فلسفی با کودکان خردسال ارائه می‌دهد، به‌ویژه هنگامی که صحبت از پرداختن به موضوعات دشوار می‌شود.

توماس ای. وارتنبرگ در مقدمه کتاب بابت ترجمه فارسی آن می‌نویسد:

«بسیار خوشحالم که کتاب فکر کردن به واسطه داستان‌ها: کودکان، فلسفه و کتاب‌های تصویری اکنون با ترجمه مرتضی براتی در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفته است. به‌ویژه در زمانی که رژیم‌های سراسر جهان، آزادی بیان و در دسترس بودن ادبیات در مدارس

## درد رویش را تاب آور؛ بهار نزدیک است



و خود را ناچیز و غیر مفید می‌شمرد، فهمیدم چقدر شبیه کرم خاکی‌ام.

اعتراف می‌کنم که بعد خواندن کتاب، دیگر به فکر این نبودم که حتماً باید درخت میوه شوم تا به کمال آفرینش رسیده باشم یا اگر نان شدم حتماً باید در سفره بزرگان بروم و اولیای خدا را سیر کنم تا به کمال آفرینش رسیده باشم یا اگر ماهی قرمز کوچکی شدم محصور در تنگی تنگ، سرنوشتم صرفاً چرخیدن بی‌پرده دور خودم نیست که در نهایت جسم مردام را قبل اینکه نوروز به پایان برسد بیرون بیندازند یا اگر یک قطره آب شدم که می‌تواند به شکل باران بر تن خشک زمین فرود آید، نه به قطر هبوندنم ببالم و نه از قطر هبوندنم ناراضی باشم یا اگر... «روئیدن در انتظار توست» قصه همین اگر هاست که هر کدام روایت خوانندگی‌ای دارند که حیف است از کنارشان به سادگی رد شویم. داشتم می‌گفتم، من بعد خواندن این کتاب دیگر به فکر این نبودم که حتماً باید کار بزرگی برای آدم‌ها انجام دهم تا بنده مقبولی برای خداوند باشم و کمال آفرینش را محقق کرده باشم. قرار نیست همه امیرالمؤمنین (ع) باشند یا سلمان فارسی و ابوعلی سینای حکیم و شهید دفاع مقدس و دانشمند برجسته وطن. اگر به قدر یک کرم خاکی در دل خاک، کوچکم و کارهایم به چشم کسی نمی‌آید، باید به خودم یادآوری کنم که اگر کرم خاکی در دل خاک نچرخد و حرکت نکند و کرم خاکی بودنش را «فنی» کند، اکسیژن در خاک جریان نمی‌آید و گیاهان رشد نمی‌کنند و طبیعت بیمار می‌شود. قصه کرم خاکی که با عنوان «کوچک اما بزرگ» در کتاب قرار گرفته است عجیب‌تر از آن است که من برایتان در این یادداشت شرح داده‌ام. باید خودتان بخوانید؛ همین روزها در همین ساعات پایانی که وقت آماده شدن برای دیدار بزرگ با خالق است.

مطالعه این کتاب کم‌حجم ۴۸ صفحه‌ای مصور رنگی می‌تواند لباس قشنگی به تن روح‌تان کند که آماده‌تر به قرار بزرگ بروید؛ لباسی خوش‌بو که بوی ریحان تازه در سفره افطار می‌دهد، بوی غذای گرم سحر که مادر ذکر گوینان برای خانواده پخته است، بوی جوانه‌های صورتی روی درختان که نویدبخش آمدن بهار هستند و بوی لحظه گرگ‌ومیش و بیدار شدن در وقت مناسب. «روئیدن در انتظار توست» کم‌گوی و گزیده‌گوی چون در است که در فرصت باقی‌مانده تا ماه رمضان و عید ۱۴۰۳، می‌تواند احوال جدیدی برای آغاز سالی دیگر از عمرمان به ما بدهد؛ درشت می‌گوییم؟ خودتان بخوانید تا باور کنید. راستی این قصه ما نیست؛ کاش واقعاً قصه ما شود. «همه‌جا تنگ بود و تاریک؛ دلگیر بود و سرد. دانه این را نمی‌خواست. دردی مبهم در وجودش پیچید. شیطان گفت: رنج است و محنت؛ دردی است نو که از پی دردهای دیگر می‌آید.

آن خیره می‌شوم، آرام می‌شوم. انگار کتاب می‌گوید ابتدا آرام شو و تنش دنیای بیرون را کنار بگذار، بعد من را بخوان. می‌خوانمش، بخش به بخش، روایت به روایت، قصه به قصه، فصل به فصل. وقتی تمامش می‌کنم انگار بالاخره موفق شده‌ام زیباترین لباس امسال را برای خودم پیدا کنم و آراسته و مرتب به دیدار خداوند بروم. چطور؟ برایتان می‌گویم.

«روئیدن در انتظار توست» یک هدف دارد و آن، صحبتی درگوشی با من مخاطب است. در فصل اول با عنوان «دانه‌ها» کم‌کم متوجه می‌شویم که ماجرا چیست و کتاب چه حرفی در نهان خود پنهان کرده است. دست کتاب خیلی زود روی می‌شود؛ اما این ماهیت یک اثر معنوی است که مخاطب را در مسیر قرار دهد و تشویقش کند که خودش رو به جلو حرکت کند، نه اینکه ناگهان او را بدون هیچ تلاشی به مقصد برساند. این کتاب سراسر حرکت است: حرکتی در دل دانه‌ها، در تن نرم کرم خاکی و در وجدان آدمی. بگذارید فضای کتاب را بیشتر برایتان باز کنم. عنوان فصل‌های آن «دانه‌ها»، «زمین و آسمان» و «انسان» است و بخش‌های آن عبارتند از: راز شکفتن، خیال محال، روئیدن در انتظار توست، تلاش‌های مقدس، دره‌ها را ببین، در قلب تو، کوچک اما بزرگ، تابی‌نهایت، به وقت شکوفه، راز ماندن، رد پا، چراغ آسمان، یک قدم تا دریا شدن، پیچک‌های هرز، گرمابخش روزهای سرد، کنج‌های متروک دل، بزرگراه شیطان، گذشتن و رفتن، راه روشن، نقش‌های زمینی، جایی برای عشق، لذت رسیدن. با نگاهی به عناوین می‌توانیم زود حدس بزنیم که قرار است نویسنده بر ایمان از چه بگوید؛ اما قول می‌دهم شما هم مثل من نمی‌توانید درست حدس بزنید. ساجده کارخانه‌ای در این کتاب، آنقدر لطیف، عمیق و ملموس بر ایمان از چیزهای مهم می‌گوید که شاید جای دیگری نتوانید مانند او را بخوانید. اغراق نیست؛ دست کم من تا حالا کتابی این‌طور ملموس و فهمیدنی درباره راز آفرینش و کاری که باید روی زمین انجام بدهم، نخوانده‌ام. بله! کتاب در سراسر کلماتش قصه راز آفرینش‌مان را می‌گوید؛ چیزی که فراموش کرده‌ایم و به‌خاطر آوردنش هم در روزگار شلوغ امروز کاری سخت است؛ اما من به شما می‌گویم که در همین روزگار پرترافیک که خواسته‌های مادی کوچک و بزرگ پشت سر هم پیدایشان می‌شود و ما را قفلک می‌دهند، می‌شود در مترو بنشینیم و کتابی بخوانیم که خواب غفلت و فراموشی را از سرت بپرانند. نمی‌دانم در کدام ایستگاه متروی تهران بودم که بیدار شدم و یاد آمد ماه رمضان دارد می‌آید و من چقدر خوابیده‌ام!

در کتاب «روئیدن در انتظار توست» و در هر قصه‌اش، موجودی دارد برای «بودن» و «شدن» تلاش می‌کند؛ بودن و شدنی که به یادگار بماند در خاطر زمین و زمان. دانه‌های دوست دارد درخت میوه شود و حسایی اثرگذار باشد؛ اما خوشه گندم می‌شود. او ناراضی است و درخت میوه شدن را کمال یک دانه می‌داند؛ اما خداوند همراه اوست. او راز آفرینش را برای دانه گفته است پیش از آنکه در دل خاک کاشته شود. دانه به یاد می‌آورد و به خوشه گندم شدنش می‌بالد و نان می‌شود و حسایی اثرگذار. تا به حال شده از وجودتان ناراضی باشید و فکر کنید چه فایده‌ای دارید و اصلاً چرا به دنیا آمده‌اید؟ برای من پیش آمده است: بارها و بارها. هر بار هم یک جواب ناقص به خودم گفته و به زندگی ادامه داده‌ام؛ اما بعد خواندن قصه کرم خاکی که اسیر گفته‌های دروغ شیطان شده و عزت‌نفسش را از دست داده بود

خدا گفت: درد رویش است، درد زایش؛ زادن درختی تنومند از دل دانه‌های کوچک. رهاورد گذر از زمستان است و ارمان بهار با بشارت بهار، گرمای ایمان ذره‌ذره در قلب دانه سرازیر شد. کتاب «روئیدن در انتظار توست» نوشته ساجده کارخانه‌ای به‌تازگی توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب دربرگیرنده قطعات ادبی عارفانه و عاشقانه‌ای است که در سه فصل دانه‌ها، زمین آسمان و انسان تدوین شده و درباره خلقت و آفرینش خداوند هستند. نویسنده کتاب پیش‌رو تلاش کرده مسیر رسیدن به خدا، ارتباط با او و مساله ولایت و امامت را در قالب جملات ساده بیان کند. فاطمه نعمتی نویسنده و پژوهشگر در معرفی و بررسی «روئیدن در انتظار توست» یادداشتی با عنوان «درد رویش را تاب آور؛ بهار نزدیک است» نوشته که برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفته است.

مشروح متن این یادداشت در ادامه می‌آید؛ این روزها فروشگاه‌های آنلاین پوشاک زنانه را بالا و پایین می‌کنم تا لباسی زیبا برای سال نو تهیه کنم؛ اما یا دلم با آن‌ها نیست یا اندازه جیبم به هزینه‌شان نمی‌رسد. شنبه را به جمعه و جمعه را به جمعه بعد می‌رسانم و دغدغام شده خرید لباس مناسب برای نوروز ۱۴۰۳. در قیل‌وقال زندگی انسانی یاد گرفته بود که پیش رویم فقط عید باستانی نیست؛ بلکه عید دینی هم دارد می‌آید. ماه رمضان برای من شبیه به عید است؛ اما نه به شکل دیدوبازدید با اقوام، بلکه سراسر روزها و شب‌های وقت دیدوبازدید با الله بزرگ است. من لابه‌لای پرسه‌زدن در خیابان‌های دنیا، یاد گرفته بودم که اسرار آمیزترین قرار خداوند با انسان‌ها دارد می‌آید و هنوز برایش آماده نشده‌ام.

تا حالا شده با شخص مهمی قرار بگذارید و یادتان برود؟ تا حالا شده با شخص مهمی قرار بگذارید و با سرووضع عادی به دیدنش بروید یا اصلاً به همان شکل که در خانه لباس می‌پوشید جلوی او ظاهر شوید؟ قطعاً پاسخ همه این سوال‌ها یک «نه» بزرگ است؛ چون ما می‌دانیم لباس و ظاهر انسان در شخصیتش خیلی مؤثر است و در وهله اول، شخص مهم آن طرف قرار، با دیدن جلوه بیرونی ما دربارمان نظر می‌دهد. حالا فکر می‌کنید نظر خداوند درباره ما و قراری که در پیش است، چیست؟ او می‌بیند چندروز دیگر وقت ملاقات بزرگ است و ما هنوز کاری نکرده‌ایم؛ حتی لباس‌مان را هم انتخاب نکرده‌ایم. من در روزهای منتهی به آغاز ماه رمضان، خودم را شرمند می‌دانم که برای این قرار، هیچ حرکت درخوری جهت آماده‌سازی جسم و روح انجام نداده‌ام؛ اما نه! بگذارید در حق خودم این قدرها هم بی‌انصاف نباشم. من ذهنم را برای این دیدار بیدار کرده‌ام؛ با خواندن یک کتاب عجیب. آشنایی با بعضی کتاب‌ها خودش یک قصه است. انگار در یک روز بارانی که چتر نیاورده‌ای و به دنبال یک سرپناه می‌گردی، در یک کتابفروشی کوچک و گمنام با زنگوله‌ای باز می‌شود و کتابفروش دعوت می‌کند تا به خانه کتاب‌ها پناه ببری. من در روزهای شلوغ روزمرگی و فراموشی، با کتاب کوچک و گمنامی آشنا شدم که می‌تواند از باران ناامیدی نجات دهد.

کتاب «روئیدن در انتظار توست» را ساجده کارخانه‌ای نوشته، زهرا قربانی تصویرگری کرده و انتشارات کتاب جمکران منتشر کرده است. کتاب را در حالتی که نمی‌دانم با چه فضایی قرار است روبرو شویم ورق می‌زنم و به صفحات سفید و سبز شده





## هرچه در زبان فارسی سرمایه گذاری کنیم؛ باز هم کم است

### نفوذ فرهنگی با کلام شاعران

این پایگاه و جایگاه، فرصت و ثروتی است در برابر ما. در برابر دوستداران فرهنگ و تمدن فارسی و زمینه گسترده‌ای برای ایجاد پیوندهای تمدنی با مردمان کشورهای منطقه و حتی بسیاری از مردم چهارگوشه جهان ایجاد می‌کند که شیفته زیبایی‌ها و کرشمه‌های زبان فارسی و شاعران و ادیبان آن بوده و هستند. ما باید برای معرفی این فرصت به جهان سرمایه گذاری کنیم و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی ایجاد چنین جایگاهی را برای شاعران در زبان فارسی فراهم آوریم. دنیا اگر بداند که مردم ایران چرا شیفته شاعرانشان هستند و این شاعران چه گفته اند که هم‌زبانان خود را در ایران، افغانستان، تاجیکستان و فارسی‌دوستان در کشورهای بسیاری در شبه قاره، آسیای میانه و حتی اروپا و شرق دور، مست و مدهوش کلمات خود کرده اند، زمینه‌های نفوذ فرهنگی و فکری ایران در همه جهان فراهم می‌آید. هرچه در ادبیات فارسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت ملی ایرانیان و یکی از پایه‌های نفوذ تمدنی ایرانیان در طول قرن‌ها سرمایه گذاری کنیم و مردمان جهان را بیشتر با زیبایی‌ها و شگفتی‌های این زبان و گویندگان و نویسندگان آشنا کنیم، دایره علاقه به ایران به عنوان یکی از جایگاه‌های اصلی تمدنی در دیروز و امروز و البته فردای جهان، وسیع تر خواهد شد.

### پس شعرا آمد و پیش انبیا

فرض کنید به یک خارجی می‌خواهید درباره آیین‌ها و مراسم سال نو توضیح دهید، وقتی که به او بگویید مردم ایران در لحظه تحویل سال نو، علاوه بر حضور در مکان‌ها و حرم‌های مذهبی که آرامگاه امامان و امامزادگان آنان است، بر سر قبر شاعران خود نیز حاضر می‌شوند، احتمالاً شگفت زده خواهد شد. در همه جای جهان، شاعران جایگاهی هم اندازه دیگر هنرمندان دارند، قدر می‌بینند و احترام می‌شوند اما این احترام در حدی نیست که گویا آنان پیامبران قومند یا جایگاهی پس از پیامبران دارند، چنانکه نظامی شاعر بزرگ پارسی گوی گفته بود: پیش و پسی بست صف کبریاه، پس شعرا آمد و پیش انبیا.

مردم ایران، و بهتر بگوییم فارسی‌زبانان، شاعران را رازگوی اسرار جان خود می‌دانند، شاعران در زبان فارسی جایگاهی دارند که هیچ کدام از هم صنفانشان در زبان‌های دیگر به گرد پای آنان نمی‌رسند. مردم فارسی‌زبان، قرن‌هاست حافظ را تنها شاعری خوش سخن نمی‌دانند بلکه او را آیین رازهای الهی و زبان غیب می‌شناسند. کدام شاعر بزرگی در سراسر جهان، چنین جایگاهی در میان هم‌زبانان خود دارد؟ مردم کجای جهان در لحظه آغاز سال، بر سر خاک شاعری گرد می‌آیند تا از نفس او و حضورش تبرک بگیرند و سال جدیدشان را خوش کنند؟

تجمع و عشق و دوستی ایرانیان در آغاز سال نو، بر سر مزار حافظ و شاعران دیگر زبان فارسی، در میان همه اقوام و زبان‌های ایرانی جریان دارد و ترک و کرد و بلوچ و فارس زبان در دوست داشتن بزرگان این زبان به یک اندازه سهمینند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، در آغاز سال ۱۴۰۳ خورشیدی، تصویری که بسیار در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی دست به دست شد، گردهمایی انبوهی از مردم در لحظه آغاز سال بر سر تربت خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی و تحویل سال در این مکان فرهنگی بود. البته که آرامگاه حافظ نه فقط امسال بلکه هر سال در لحظه آغاز سال نو، شاهد حضور جمع انبوهی از مردم بوده است و البته این انبوهی و تراکم جمعیت گاه حتی به مجموعه آرامگاه هم خسارتی وارد کرده است ولی این سالها به لطف شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین، این تصویرها بهتر و بیشتر دیده می‌شود و به اشتراک گذاشته می‌شود. نکته جالب و دوست داشتنی در این میان این بود که این تجمع و این عشق و دوستی به حافظ و شاعران دیگر زبان فارسی، در میان همه اقوام و زبان‌های ایرانی جریان دارد و ترک و کرد و بلوچ و فارس زبان در دوست داشتن حافظ و مولانا و خیام و نظامی به یک اندازه سهمینند.

# فراز و فرودهای کاغذ و چشم انتظار برای خودکفایی در سال ۱۴۰۳

علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته، سرنوشت کاغذ نشر و خودکفایی‌اش به سال ۲۰۴۱ واگذار شد تا ناشران همچنان چشم‌انتظار کاغذ مرغوب با قیمتی مناسب باشند.

در سال‌های اخیر یکی از جملاتی که از طرف مسوولان فرهنگی برای بهبود وضعیت نشر شنیدیم، فعال کردن کارخانه‌های کاغذ و خودکفایی در تولید آن بوده است. باتوجه به تحریم در واردات کاغذ، مشکلاتی به وجود آمد و همین باعث شد موضوع تولید کاغذ به یکی از بحث‌های رسانه‌ها تبدیل شود؛ از آن روزها گذشته و در دولت سیزدهم، تلاش برای حل این مساله، به یکی از کار ویژه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبدیل شده است.

کاغذ در سال ۲۰۴۱ به صدر اخبار فرهنگی آمد و هراز چندگاهی صحبت‌هایی درباره تولید کاغذ از زبان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌شنیدیم. در نیمه‌های سال نیز خبر از خودکفایی در تولید کاغذ شد. صحبت‌ها درباره خودکفایی از تولید کاغذ به اینجا ختم نشد بلکه محمدمهدی اسماعیلی نه تنها به دفعات خبرهایی درباره گسترش و فعال‌تر کردن کارخانه‌های تولیدی در زمینه کاغذ داد بلکه صحبت از صادرات کاغذ هم به میان آورد.

به همین بهانه در قالب یک گزارش نوروزی، به فراز و فرودهایی که کاغذ در سال ۲۰۴۱ از سر گذراند می‌پردازیم. مشروح این گزارش در ادامه می‌آید؛

## جرقه خودکفایی کاغذ

محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از زمانی که سکندر این وزارتخانه شد از کلیدواژه خودکفایی در تولید کاغذ یاد می‌کرد. اردیبهشت ماه سال ۱۰۴۱ نیز در صحبت‌هایی گفت: «هفته‌ای دو تا سه‌بار رئیس‌جمهور از شخص بنده پیگیر مساله کاغذ هستند. این در حالی است که تأمین ارز مورد نیاز کاغذ جز برنامه‌های کوتاه‌مدت ما بود. ما مساله کاغذ در حوزه نشر و چاپ را داریم حل می‌کنیم. البته واردات جدید به نمایشگاه کتاب امسال نرسید. سال آینده مشکلی از لحاظ تأمین کاغذ نخواهیم داشت. طبق برنامه پیش‌رو تا سال ۲۰۴۱ با همکاری چهار شرکت داخلی ان‌شاءالله به سمت صادرات کاغذ پیش خواهیم رفت.»

انتظار برای خودکفایی تولید کاغذ همچنان ادامه داشت تا دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با خبرنگاران کتاب؛ وزیر ارشاد در این دیدار با تأکید بر اینکه فاز دوم کارخانه کاغذ در مازندران را افتتاح خواهد کرد؛ از اهالی رسانه دعوت کرد تا در این برنامه حاضر باشند.

وی همچنین افزود: ما شعار دادن را ممنوع کردیم و صحبت پیرامون کارنامه صورت می‌گیرد. کاغذ مثال همین مورد است و تولید کاغذ تحریر را اعلام کردیم و پیگیری انجام شد. این یک کار بسیار جامعی را می‌طلبید لذا ما با همکاران مان در بخش‌های مختلف وارد گفت‌وگو شدیم، کارگروه کاغذ در معاونت اول ریاست جمهوری با ریاست دکتر مخبر و عضویت بنده و وزیر محترم صمت و معاونان ذی‌ربط تشکیل شد و همچنین مدیرعامل‌های بانک‌ها نیز به این حوزه اضافه شدند. با توجه به ظرفیت فعلی مجموعه‌های تولید کاغذ در کشور می‌توانیم به تحقق خودکفایی در صنعت کاغذ بیش از گذشته امیدوار باشیم ضمن اینکه از تمامی مجموعه‌هایی که با بهره‌مندی از فناوری‌های نوین در این عرصه وارد شوند به صورت

جدی حمایت خواهیم کرد

## کارخانه‌هایی که تلاش می‌کنند و عده‌ها محقق شود

شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران بزرگترین تولیدکننده کاغذ در ایران است که با ظرفیت ۵۷۱ هزار تن، شامل ۰۹ هزار تن کاغذ روزنامه و چاپ و تحریر و ۵۸ هزار تن کاغذ فلوتینگ است. حفظ و احیا و بهره‌برداری اصولی از جنگل‌های کرانه دریای خزر، کاهش وابستگی کشور به واردات کاغذ، کاهش خروج ارز از کشور، ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی در منطقه و کشور و رشد و توسعه تخصصی امور جنگل و صنعت کاغذسازی از جمله اهداف تأسیس این کارخانه هستند.

گروه صنایع کاغذ پارس در سال ۶۴۳۱ در شمال خوزستان باهدف استفاده از باگاس استخراج‌شده از کارخانه نیشکر هفت تپه تأسیس شد و در سال ۹۴۳۱ به بهره‌برداری رسید. این کارخانه پس از راه اندازی تا مدت‌ها تنها تأمین‌کننده کاغذ چاپ و تحریر داخل کشور بود، اما به دلیل صدمات وارده در طی دوران جنگ تحمیلی و عدم نوسازی و بازسازی در زمان تصدی بخش دولتی، در معرض تعطیلی همیشگی قرار گرفت و وضعیت آن در سال‌های منتهی به ۱۹۳۱ به کمتر از ۰۲ درصد ظرفیت اسمی رسید. در مهرماه سال ۲۹۳۱، فصل جدیدی در گروه صنایع کاغذ پارس آغاز شد. سهام این شرکت به بخش خصوصی واگذار و سلسله اقدامات برای بازسازی و نوسازی ماشین‌آلات، فرآیندها و منابع انسانی آغاز شد و پس از طی دو سال فعالیت شبانه‌روزی، گروه صنایع کاغذ پارس جانی تازه یافت و به بالاترین رکورد تولید در چرخه عمر خود دست یافت.

کارخانه دیبای شوشتر با مساحت ۲۹ هکتار و زیربنای حدود ۰۲ هکتار در شمال استان خوزستان و باهدف استفاده از باگاس استخراج‌شده از کارخانجات نیشکر که یکی از مزیت‌های ایران و خاورمیانه به شمار می‌آید، تأسیس شده است. این مجموعه در حال حاضر با استفاده از فناوری‌های نوین این صنعت و رعایت استانداردهای تجاری و عملیاتی بین‌المللی در زنجیره تولید و تأمین و با مراقبت از جامعه و محیط زیست جهت حفظ جنگل‌ها توانسته علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، محصولات خود را به خارج از کشور نیز صادر کند.

کارخانه کاغذ زاگرس شیراز، یکی دیگر از کارخانه‌هایی است که اگر فعالیتهای آن را آغاز کند، می‌تواند در فرآیند خودکفایی کاغذ مؤثر باشد. ظرفیت اسمی کاغذ تحریر در این کارخانه، ۰۴ هزار تن است؛ ۷۸ درصد عملیات ساخت این واحد تولیدی انجام شده است.

## حمایت دولت از مجموعه‌های تولید

هشتم اردیبهشت ماه اسماعیلی وزیر فرهنگ در بازدید از کارخانه پارس شوش با تأکید بر اینکه دولت مردمی از تمامی مجموعه‌های تولید کاغذ حمایت خواهد کرد، گفت: با توجه به ظرفیت فعلی مجموعه‌های تولید کاغذ در کشور می‌توانیم به تحقق خودکفایی در صنعت کاغذ بیش از گذشته امیدوار باشیم ضمن اینکه از تمامی مجموعه‌هایی که با بهره‌مندی از فناوری‌های نوین در این عرصه وارد شوند به صورت جدی حمایت خواهیم کرد.

وی با بیان اینکه کارخانه کاغذ پارس از قدیمی‌ترین

مجموعه‌های تولید کاغذ در کشور است، افزود: حجم تولید کاغذ در این مجموعه به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت و امیدواریم در سال ۲۰۴۱ بخش قابل توجهی از شعار محوری دولت مبنی بر خودکفایی صنعت کاغذ محقق شود.

## جشن خودکفایی تولید کاغذ کتاب درسی نه عمومی!

همانطور که گفته شد وزیر ارشاد در دیدار با خبرنگاران کتاب، خبر از جشن خودکفایی کاغذ داد. جشنی که قرار بود در کارخانه کاغذ مازندران برپا شود و با تولید ۰۸ هزار تن به خودکفایی برسیم. اما در جشنی که جمعه دهم آذرماه در کارخانه چوب و کاغذ مازندران برگزار شد، در بنرها خبر جشن خودکفایی کاغذ کتاب درسی آمده بود!

این کارخانه با مساحت ۰۳۴ هکتار در دو سایت صنعتی ۱۲ هکتاری و در مجموع ۸ کارخانه اصلی از سال ۶۷ فعالیت خود را آغاز کرده است و در تمام این سال‌ها با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است که یکی از آنها اجرای طرح تنفس جنگل هلمست

در حال حاضر به روز رسانی ماشین‌آلات این کارخانه به ترتیب دو و چهار و نهم میلیون یورو سرمایه‌نیاز دارد و اگر بخواهیم به سراغ برندهای اروپایی برویم این مبلغ را باید دوبرابر کنیم. صنایع چوب و کاغذ مانند نگیب است و اگر سرمایه‌گذاری بر روی آن صورت نگیرد نفس آخر خود را می‌کشد.

کاغذ تحریری که در کارخانه چوب و کاغذ مازندران تولید می‌شود، بیشتر مناسب کتاب‌های درسی است و این کارخانه فعلانمی‌تواند نیاز صنعت نشر به کاغذ را برطرف کند و به گفته مسوولان این واحد صنعتی ما تا خودکفایی در تولید کاغذ فاصله زیادی داریم اما همین میزان هم نعمت است.

واردات چوب نیز مشکلی را از حوزه کاغذ حل نمی‌کند چراکه سیستم پوست‌کنی وجود ندارد و اگر هزینه تمام‌شده چوب وارداتی پایین باشد مشکل این کارخانه تا حد زیادی حل می‌شود.

کاغذ تحریری که در کارخانه چوب و کاغذ مازندران تولید می‌شود، بیشتر مناسب کتاب‌های درسی است و این کارخانه فعلانمی‌تواند نیاز صنعت نشر به کاغذ را برطرف کند و به گفته مسوولان این واحد صنعتی ما تا خودکفایی در تولید کاغذ فاصله زیادی داریم اما همین میزان هم نعمت است

## سرنوشت خودکفایی به سال ۲۰۴۱ موکول شد

رشد تولید کاغذ یک کار جمعی را می‌طلبد. در حال حاضر تولید کاغذ از ۰۴ هزار تن در سال ۱۰۴۱ به ۰۸ هزار تن رسیده است و با استناد به گفته‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اکنون کل تولید کاغذ مورد نیاز آموزش و پرورش برای ۵۵۱ میلیون کتاب درسی به صورت صد درصد داخلی انجام می‌شود که ۵۴ هزار تن برای چاپ کتب درسی و ۵ هزار تن برای جلد کتاب است.

ماجرای خودکفایی در صنعت کاغذ به همینجا ختم نمی‌شود و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بیست و چهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران و در بازدید از غرفه خبرگزاری مهر در پاسخ به سوال خبرنگار مهر درباره اتفاقات جدید حوزه کاغذ پس از این فراز و فرودها گفت: دنبال این هستیم کارخانه جدیدی با ظرفیت ۰۵ هزار تن تولید در سال به مجموعه‌های تولیدی حوزه کاغذ اضافه کنیم که گام بسیار مبارکی است.



## نوروز علما، فرصتی برای مطالعه و تحقیق علمی

من گرفتند و گفتند: «اگر توانستم تلفن می‌زنم و به شما اطلاع می‌دهم.»

چند روز از فروردین گذشته بود که استاد تلفن زدند و آمدند. در تمام یک هفته‌ای که ایشان تشریف آوردند، با وجود هوای مساعد و محیط مناسب برای قدم زدن و گردش، در داخل ساختمان ماندند. فقط مشغول نوشتن و مطالعه بودند.

روزی به ایشان عرض کردم: «شما که خسته بودید و برای رفع خستگی و استراحت مسافرت کرده‌اید، بهتر نیست قدری هم قدم بزنید و رفع خستگی کنید؟» گفتند: «اگر یک ماه هم در اتاق بنشینم و به وظایف علمی خود مشغول باشم، راحت‌تر و احساس خستگی نمی‌کنم. خستگی من در اثر نداشتن فرصت مناسب برای انجام کارهای علمی خودم است. استراحت من این است که در فرصت مناسب، مطالبی را که لازم می‌دانم بنویسم و در اختیار علاقه‌مندان قرار بدهم.»



برای تعطیلات نوروز برنامه‌ای دارید؟» جواب دادند: «خسته‌ام و دلم می‌خواهد در گوشه خلوتی چند روزی استراحت کنم.»

به ایشان عرض کردم: «قرار است نوروز را به یکی از شهرهای شمالی سفر کنم. در آنجا محل مناسبی را برای رفع خستگی و استراحت سراغ دارم.» شهید استاد مطهری شماره تلفن را از

آیت‌الله شهید مطهری علاقه بسیاری به مطالعه و کار علمی داشت. علاقه او به این کار بسیار شگفت‌انگیز بود، به طوری که هیچ وقت از این کار احساس خستگی به او دست نمی‌داد.

یکی از شاگردان ایشان در ضمن نقل خاطره‌ای تعریف کرده است: روزهای نزدیک به عید نوروز سال ۵۷ بود. به آیت‌الله مطهری عرض کردم: «شما

آیت‌الله مطهری می‌گفت: خستگی من در اثر نداشتن فرصت مناسب برای انجام کارهای علمی خودم است. استراحت من این است که در فرصت مناسب، مطالبی را که لازم می‌دانم بنویسم و در اختیار علاقه‌مندان قرار بدهم.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، آشنایی با سیره و سبک زندگی علما و چهره‌های برجسته دینی و انقلابی می‌تواند درس مهمی برای زندگی ما باشد. اینکه افرادی در سطح جامعه موفق بوده‌اند و توفیق‌هایی را برای مردم کسب کرده‌اند، این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که این افراد در زندگی فردی و خانوادگی خود چگونه منشی داشته‌اند. خبرگزاری تسنیم با مرور بخش‌هایی از زندگی آیت‌الله شهید مرتضی مطهری به بررسی منش و خوی ایشان در زندگی خانوادگی پرداخته است.

**فرصت مغتنم تعطیلات برای مطالعه و پژوهش**

## "راه‌های نرفته‌ات را بپیر" عرفان به زبان امروزی



امروزی و خودمانی است به‌تازگی و به قلم محمدعلی مفیدی و مصطفی امیرزرگر در ۲۴۶ صفحه و با قیمت ۱۴۸ هزار تومان توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر شده است.

می‌کوشد تا منافع و خوبی‌ها را به سمت خودش جذب و بدی‌ها و آسیب‌ها را از خودش دور کند...

کتاب «راه‌های نرفته‌ات را بپیر» که به نوعی کتاب سیروسولوک و عرفان به زبان

بپیریم، باید به این حقیقت اعتراف کرد که هر مسیر پروازی که جز از راه جامعه ترسیم شود، سرابی بی‌پایان خواهد بود و انسان را از آرزوی دیرینش منحرف خواهد کرد و انسان تنها در جمع همنوعانش و با کمک آن‌هاست که می‌تواند مشق پرواز کند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: دقیقاً چرا در زندگی کارهایی انجام می‌دهم یا از انجام کارهایی پرهیز دارم؟ مثلاً چرا آب می‌خورم؟ چرا درس می‌خوانم یا مطالعه می‌کنم؟ چرا این لباس را می‌پوشم؟ چرا سمت دود نمی‌روم؟ چرا با هر کسی رفیق نمی‌شوم؟ درحقیقت در پشت همه این اتفاقات، یک واقعیت وجود دارد: محبتی که هر موجود به خودش دارد. این یکی از ریشه‌ای‌ترین حقایقی است که در اعماق وجود هر موجود نهفته است. هر موجود به حکم اینکه خودش را دوست دارد، برای بقا و رشد و کمالش تلاش می‌کند و برای رسیدن به این هدف، با تمام توان

کتاب «راه‌های نرفته‌ات را بپیر» به قلم محمدعلی مفیدی و مصطفی امیرزرگر توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر شد.

به گزارش تسنیم، محمدعلی مفیدی و مصطفی امیرزرگر با نظر به یکی از نیازهای فطری بشر که علاقه به اوج‌گیری و پرواز است دست به نوشتن کتابی زده‌اند به نام «راه‌های نرفته‌ات را بپیر» و در آن تلاش کرده‌اند در متنی روان و خودمانی و هموار راه‌هایی پیش‌روی مخاطبان‌شان بگذارند تا در رسیدن به آن نیاز فطری موفق بشوند.

کتاب «راه‌های نرفته‌ات را بپیر» گام‌هایی دارد برای استفاده از ظرفیت فوق‌العاده جامعه تا هر یک از افراد جامعه به‌مثابه حلقه‌هایی از زنجیر دست‌در‌دست یکدیگر و با کمک یکدیگر راه‌های سعادت را بیابند.

این کتاب می‌خواهد بگوید برخلاف آنچه عمدتاً در ذهن ما جا خوش کرده که برای سیروسولوک، لازم است از دیگران

## بصیری با مهر مطرح کرد؛

# نشریه‌ای برای داستان کوتاه نداریم

سردبیر همشهری داستان می‌گوید نشریه تخصصی خاصی برای چاپ داستان کوتاه نداریم و نشریات غیر تخصصی هم تعداد کمی داستان چاپ می‌کنند که آن‌ها هم شرایط خاص خودشان را دارند. مجله همشهری «داستان» به تازگی دور جدید فعالیت خود را با سردبیری مریم بصیری آغاز کرده است. مریم بصیری نویسنده و کارشناس تئاتر است و آثاری در حوزه داستان با موضوع انقلاب، دفاع مقدس، زنان و ... در کارنامه دارد. به بهانه راهاندازی دوباره همشهری داستان، با بصیری به گپ و گفت نشستیم که مشروح آن در ادامه می‌آید؛

### ✱ خانم بصیری انتشار همشهری داستان حدود سه سال متوقف بود، چه شد دوباره دارد فعالیت خود را از سر می‌گیرد؟

در این زمانه، نشریه کارکردهای مختلف خود را از دست داده، خوش‌خیالی است فکر کنیم جوانان امروزی همچون جوانان دو سه دهه قبل با آن شور و شوق قبلی علاقه‌مند مطالعه هر نشریه‌ای باشند. با این وجود در میان انتشار انواع نشریات، بالاخره وجود تعداد انگشت‌شمار نشریات ادبی و به‌ویژه ادبیات داستانی لازم است. نشریات ادبی قبلی یکی‌یکی تعطیل شدند و حال وجود چند نشریه داستانی ضروری است؛ هر چند حتی چون گذشته مخاطب عام و خاص نداشته باشند.

کنار علاقه‌ای که به فعالیت در دنیای مطبوعات دارم، هرگز نتوانستم روی علاقه‌ام به داستان و داستان‌نویسی سرپوش بگذارم. وقتی هم هر دوی این علایق کنار هم قرار بگیرند نتیجه آن می‌شود که با وجود مشغله‌های کاری زیاد و درخواست‌های مکرر از سوی مؤسسه همشهری، این مسؤلیت را قبول کنم. امیدوارم با آغاز به کار این نشریه، علاقه‌مندان داستان و نویسندگان جوان نقطه‌امیدی پیدا کنند و حال و احوال تمام ادب‌دوستان، دل‌انگیز و داستانی شود.

### ✱ این دوره تفاوتی هم با فعالیت دوره پیشین همشهری داستان دارد؟

تلاش می‌کنم کنار تغییرات محتوایی و هنری دوره جدید که لازمه پویایی و تجدید حیات نشریه است، بتوانم تا حدی به سبک و سیاق نشریات قبلی هم پایبند باشم تا مخاطبان سابق نشریه دوباره احساس خوش خواندن همشهری داستان دوره‌های قبلی را تجربه کنند.

هر کاری سختی‌های خاص خودش را دارد؛ انتشار به موقع یک نشریه در تاریخ مشخص با نویسندگان غیرمشخص که باید به نوشتن اثری با توجه به موضوع آن شماره علاقه‌مندی نشان بدهند، سختی‌هایی بیشتر به همراه دارد. شروع به کار مجدد نشریه‌ای که مدتی انتشارش متوقف شده، از شروع به کار یک نشریه تازه متولد شده در دنیای مطبوعات، سخت‌تر است. چرا که مسؤولان و مخاطبان هنوز با ذهنیت قبلی و تصویرهای خودشان انتظار دارند هم‌چنان همان نشریه سابق را ببینند و آثار همان نویسندگان قبلی را بخوانند؛ اما تحریریه جدید تمایل دارد با شیوه خودش کار را مدیریت کند

که ممکن است به مذاق مخاطبان قدیمی نشریه خوش نیاید.

### ✱ اهدافتان در همشهری داستان چیست؟ کمی هم از این مساله صحبت کنیم.

هر چقدر تنوع و توالی مدت انتشار نشریات از روزانه به طرف هفتگی، ماهنامه، فصلنامه و سالنامه می‌روند، ماندگاری و پویایی آنان به‌عنوان یک نشریه مرجع افزایش پیدامی‌کنند. قصدمان این است که نشریه داستان هم با توجه به موضوعی که برای هر شماره دارد، بتواند نشریه‌ای ماندگار باشد و تاریخ مصرف خاصی نداشته باشد. قطع خاص همشهری داستان از روز نخست تا به حال هم موجب شده است این نشریه نیز در کنار دیگر نشریاتی که به‌صورت کتاب‌نشریه منتشر می‌شوند به‌خاطر ظاهر فیزیکی‌اش و شباهتی که به کتاب دارد، ماندگاری بیشتری نسبت به هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌هایی با قطع بزرگ‌تر داشته باشد. اغلب ناشران تخصصی ادبیات داستانی ترجیح می‌دهند رمان منتشر کنند تا مجموعه داستان. طبیعی است مجموعه‌هایی هم که اسم نویسنده شناخته‌شده‌ای روی آن باشد زودتر چاپ می‌شود تا مجموعه‌های با اسم یک نویسنده ناشناخته شهرستانی. از طرفی نشریه تخصصی خاصی هم برای چاپ داستان کوتاه وجود ندارد و نشریات غیر تخصصی هم تعداد کمی داستان چاپ می‌کنند که آن هم شرایط خاص خودشان را دارند. همه این موارد موجب می‌شود تا تولید داستان کوتاه کم بشود و حتی در صورت تولید، مجالی برای چاپ و دیده‌شدن نداشته باشد یاد کردن از پیشکسوتان عرصه ادبیات داستانی و نویسندگان شاخص به بهانه چاپ داستان آن‌ها و همچنین توجه و حمایت از نویسندگان ناشناخته و نو قلم‌ها با چاپ آثار برگزیده‌شان، از دیگر اهداف نشریه است.

در شرایط فعلی اغلب ناشران تخصصی ادبیات داستانی ترجیح می‌دهند رمان منتشر کنند تا مجموعه داستان. طبیعی است مجموعه‌هایی هم که اسم نویسنده شناخته‌شده‌ای روی آن باشد زودتر چاپ می‌شود تا مجموعه‌ای با اسم یک نویسنده ناشناخته شهرستانی. از طرفی نشریه تخصصی خاصی هم برای چاپ داستان کوتاه وجود ندارد و نشریات غیر تخصصی هم تعداد کمی داستان چاپ می‌کنند که آن‌ها هم شرایط خاص خودشان را دارند. همه این موارد موجب می‌شود تا تولید داستان کوتاه کم بشود و حتی در صورت تولید، مجالی برای چاپ و دیده‌شدن نداشته باشد؛ و فقط در گردهمایی و محافل ادبی خوانده شوند. یا در جشنواره‌های داستانی شرکت داده شوند و در نهایت در مجموعه داستان برگزیده جشنواره چاپ شوند که آن هم امید چندانی به دیده‌شدن‌شان نیست.

بی‌توجهی به داستان کوتاه تا آنجا پیش رفته است که چند نفر از پیشکسوتان و یا نویسندگان میان‌سال شناخته شده در مقابل درخواست ما برای نگارش داستان، اعلام کردند سال‌هاست داستان کوتاه ننوخته‌اند و دیگر نمی‌توانند داستان بنویسند و فقط رمان می‌نویسند. چند داستان به ظاهر کوتاه هم از نویسندگان مطرح به دستمان رسید که متأسفانه نتوانستیم آن‌ها را در فهرست این دو شماره قرار دهیم چون تعداد کلمات آن‌ها بین چهار تا هشت‌هزار کلمه بود و حتی

با خلاصه‌شدن آن‌ها هم توفیقی حاصل نشد و به محتوای اصلی اثر خدشه وارد شد. داستان‌هایی با این تعداد کلمات، ۲۰ الی ۳۰ صفحه نشریه را به خود اختصاص خواهند داد و علاوه بر خستگی مخاطب موجب خواهند شد که نتوانیم از آثار بیشتری استفاده کنیم. سعی ما این است از مطالب کوتاه‌تر و بیشتری استفاده کنیم. در حال حاضر سقف داستان کوتاهی که مخاطب را خسته نکند ۱۵۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰۰۰ کلمه است. حال امکان دارد داستانی کمی بلندتر و یا کوتاه‌تر هم باشد.

با توجه به همین قضایا، فعالیت مجدد یک نشریه داستانی دیگر در جمع نشریات کشور، تزریق امید دوباره از طریق توصیف، تصویر و تخیل به علاقه‌مندان داستان است.

### ✱ در هر شماره تعداد مشخصی داستان در نظر گرفته‌اید یا محدودیت داستانی ندارید؟

اول بگویم این نشریه هم مثل تمام نشریات دیگر شامل چند بخش است؛ از جمله: داستان کوتاه، تألیف و ترجمه، در دو شکل مرتبط با موضوع هر شماره و داستان آزاد، روایت‌های داستانی و یا خاطرات و شیوه‌های نوشتن نویسندگان شناخته‌شده، ارتباط هنرهای مختلف با قالب داستان، گفت‌وگو با نویسندگان و هنرمندان نویسنده، جستارهای آموزشی نگارش داستان و طنز و طریقه و ویرایش آن‌ها، طنزهای مکتوب و تصویری مرتبط با موضوع هر شماره، معرفی ناشران دولتی و خصوصی تخصصی انتشار داستان و رمان، جهت آشنایی نویسندگان با مراحل پذیرش و سلاقی ناشران برای چاپ کتاب، نقد داستان و جستارهای طریقه نقد داستان، برگزاری مسابقه‌های داستانی و ...

در این میان مشخص است به‌طور قطع تعداد داستان‌های نشریه نسبت به روایت، نقد، گفت‌وگو، طنز و جستار بیشتر خواهد بود. داستان فضایی جادویی دارد که مخاطب را درگیر خودش می‌کند؛ اما در کنار این تخیل لازم است خواننده با چگونگی نوشتن و نقد داستان، و تجربیات داستان‌نویسان هم آشنا شود و به‌صورت همه‌جانبه از نشریه استفاده کند.

این نکته را هم اضافه کنم که تعداد داستان‌های تألیفی بیشتر از تعداد داستان‌های ترجمه خواهد بود. چرا که قصدمان این است به نویسندگان کشور فرصت بیشتری برای چاپ داستان کوتاه‌شان بدهیم. آثار نویسندگان غیر ایرانی به حد کافی در بازار نشر موجود است؛ اما همه نویسندگان ایرانی توفیق چاپ داستان کوتاه‌های‌شان را ندارند.

### ✱ انتخاب نویسندگان داستان‌ها بر چه اساسی است؟

قصدمان این است در دوره جدید با تمامی داستان‌نویسان حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای برای گرفتن داستان تماس بگیریم. تا به حال برای این دو شماره هم با نویسندگان بسیاری در سراسر کشور تماس گرفته شده است. برخی از پیشکسوتان به دلایل مختلف از همکاری سر باز زدند و برخی با روی خوش از پیشنهاد ما استقبال کردند و به مرور زمان شاهد انتشار آثارشان خواهید بود.



## نوروز در فرهنگ و باور ایرانیان؛

# از اساطیر تا امروز آیینی برکشیده از زمین تا آسمان

زمان گویی درهای آسمان باز است و هنگام استجاب دعا است رواج داشته است. از همین رو کیخسرو پس از شستن تن و نیایش به درگاه خدادار جام گیتی نمی‌نگرد و پهلوان گمشده را در چاه تاریک توران باز می‌یابد.

### سفر نوروز از روزگاران کهن تا بعد از اسلام

در همین روایت‌های کوتاه اساطیری نمادین بودن سنت‌های نوروز آشکار است، داستان‌های مبتنی بر باورهای کهن سال‌ها است که انسان‌های ساکن این اقلیم را بر مسیر خرد و اعتدال و مدارا و فروتنی و یکتاپرستی و سازندگی و پاکی برقرار و دوام داشته است، و همان‌ها هم تا توانسته‌اند این آئین‌ها را برقرار داشته و حفظ کرده‌اند؛ و این نگرانی‌ها راز بقای این فرهنگ و مردم این سرزمین است. در عین حال جلوه‌های نوروز در گونه‌های مختلف ادبیات تعلیمی، عرفانی و غنایی در گنجینه‌های آثار ارزشمند ادبی ایران همه مبتنی بر همین روایت‌های اساطیری کهن است که پرورنده شده و معانی جدیدی از آن بر ساخته شده است.

### قصیده ای از سعدی

قصیده «برخیز که می‌رود زمستان» سعدی، نسخه خطی  
سعدی بسیار از بهار و نوروز یاد می‌کند، بخصوص در قصایدش. به حکم همزمانی نوروز و بهار امسال با بهار قرآن و ماه مبارک رمضان، خالی از لطف نیست‌نگاهی به قصیده سعدی در وداع با ماه مبارک رمضان بکنیم، که بر اساس حدیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله «إِنَّا رَأَيْنَا رَبَّكَ فَكَيْفَ رَأَيْنَاكَ» نوروز و بهار برایش یادآور فرصت کوتاه زندگی و زندگی پس از مرگ و معاد است:

بلبلی زار زار می‌نالید  
بر فراق بهار وقت خزان  
گفتم آنده میر که باز آید  
روز نوروز و لاله و ریحان  
گفت ترسم بقا و فنا کنند  
ورنه هر سال گل دمد بستان  
روز بسیار و عید خواهد بود  
تیر ماه و بهار و تابستان  
تا که در منزل حیات بُوَد  
سال دیگر، که در غریبستان...  
یارب آن دم که دم فرو بندد  
ملک الموت واقف شیطان

شدن زمین و فصل زندگی دوباره طبیعت و ابتدای کشت و کار به دیدار هم رفته و تیرگی کینه را از دل هایشان پاک می‌کردند. این قاعده برای شیوه زندگی اجتماعی مردمان بسیار مفید است، چرا که در آغاز فصل کشت و کار ناچار به یاری هم و روبرویی و همکاری با هم هستند و باید کارها بدون کینه و با مهر به همدیگر انجام می‌شده است.

از سوی دیگر باور مردم به رهایی ارواح در گذشتگان و سر زدن فرّوهر آنان در این روز آنها را بر آن می‌داشت تا خانه‌ها را از آلودگی و تیرگی پاک کنند و با گذاشتن چراغی روشن بر بام یا درگاه خانه و روزنه پنجره، مهربانی آمدن روان بزرگان و در گذشتگان شوند، تا خانه را پاکیزه و روشن و پر نعمت ببینند. در عین حال به جهت حضور مهمان برای دیدارهای نوروزی در هر خانه خوراکی برای پذیرایی فراهم می‌شد و که آن ارواح را در شادی باهم بودن و مهرورزی زندگان شریک می‌ساخت.

باور به خاص بودن زمان نوروز باری دیگر نیز در شاهنامه آمده است، وقتی که بیژن در چاه افراسیاب در توران گرفتار است و پدرش (گیو) نمی‌داند زنده است یا مرده، خود را سرآسیمه به کیخسرو می‌رساند و از او باری می‌خواهد. کیخسرو که فره‌مندترین شاه در شاهنامه است او را اینگونه آرام می‌کند که: تا نوروز صبر کن، در آن روز من سر و تن شسته و پاک به درگاه پروردگار نیایش خواهم کرد و به جام جهان نما خواهم نگریم، تا بیژن را هر کجای هفت کشور باشد به من نشان دهد:

بمان، تا بیاید گه فرودین  
که بغزاید اندر جهان هور دین  
بدانکه که بر گل نشاندت باد،  
به سر بر همی گل فشاندت باد،  
زمین چادر سبز برپوشد  
هوا بر گلان زار بخروشد،  
به هرمز شود پاک فرمان ما  
پرستش که فرمود یزدان ما  
بخواهم من آن جام گیتی نمای  
شوم پیش یزدان، بباشم به پای،  
کجا هفت کشور بدوی اندرا  
ببینم بر و بوم هر کشور را  
کنم آفرین بر نیاکان ما  
گزیده جهاندان و پاکان ما،  
بگویم تو را هر کجا بیژن است  
به جام این سخن مر مرا روشن است  
همانگونه که پیداست، پاک بودن جامه و بدن و نیایش در هنگام نوروز و باور به اینکه آن

از ابتدا تجربه کند و بیاموزد و بسازد، پس به داستان روی آورد و آیین‌هایی را پایه‌گذاری کرد که بقا را تضمین کند و با اجرای آنها جوامع بشری یکجانشین یا کوچ‌رو بتوانند متمرکز و پایدار به حیات در گستره زمین قابل سکونت ادامه دهند؛ و البته این گونه به پدیده‌های اطرافش معنایی تازه بخشید.

### نوروز از منظر نجوم کهن

مهمترین ویژگی نوروز هماهنگی آن با آمدن بهار است، چیزی که منجمان آن را اعتدال بهاری می‌نامند؛ در مقابل اعتدال خریفی که در ابتدای پاییز است و لاجرم آیین‌هایی آینه‌وار نوروز را در جشن مهرگان نیز می‌بینیم. در اعتدال بهاری خورشید از برج حوت به معنی ماهی (اسفند) وارد برج حمل به معنی بره (فروردین) می‌شود و اندازه شب و روز با هم برابر است؛ در اعتدال خریفی هم خورشید از برج سنبله (شهریور) وارد برج میزان به معنی ترازو (مهر) می‌شود و باز طول شب و روز یکی هستند. اینکه بعدها این زمان دقیق چگونه محاسبه شد و چطور تقویم جلالی توسط حکیم عمر خیام بر اساس آن پایه‌گذاری شد، ماجرای طولانی است؛ ولی می‌دانیم آئین‌های نوروز پیش از این تعیین دقیق بنا نهاده شده است.

### بنیان‌گذاری نوروز در اساطیر

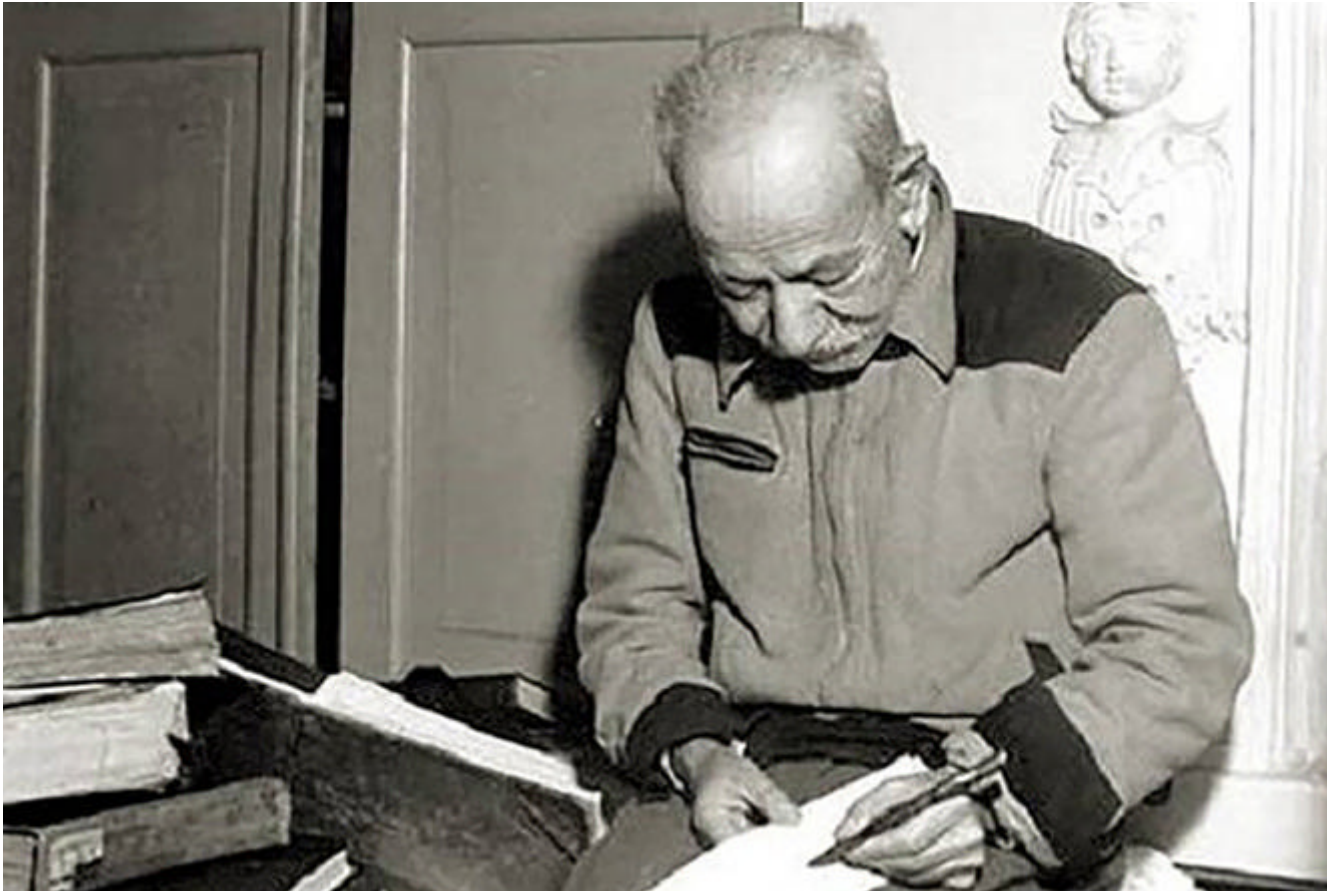
در شاهنامه اولین اشاره به نوروز در زمان پادشاهی جمشید است، به این صورت که جم در میانه دوره پادشاهی خود پس از هفت دوره پنجاه ساله و برقراری نظم اجتماعی، با لباس و تاجی آراسته بر تختی جواهر نشان نشست و دیوانی که کمر به خدمتش بسته بودند تخت را به آسمان بردند؛ درخشش جم با لباس و تاج و تخت مرصعش چنان بود که گویی دو خورشید در آسمان است، پس پسوندشید (خورشید) به نام او که معنی همزاد می‌دهد افزوده شد و از آن پس او را جمشید نامیدند؛ و این روز را نوروز و هنگام جشنی عمومی اعلام کردند. این روز اولین روز فروردین بود، که آن‌را هرمز (یا به گونه‌ای که هنوز در تقویم زرتشتی برقرار است اورمزد) که نام اولین روز ماه است، می‌نامیدند. از آیین‌هایی که برای نوروز قرار داده شد، آسودگی تن از رنج و رهایی دل از کین بوده، به این قاعده که هیچ رنج و کینه و اختلافی بیش از یکسال نباید طول بکشد، پس مردمان به یمن آغاز بهار و درخشش خورشید و زنده

سرزمین‌های کهن به حکم قدمت و پایداری و پیوستگی، آئین‌ها و سنت‌هایی دارند که به تداوم‌شان کمک کرده و آن‌ها را در تلاطم روزگار برقرار داشته است.

«و آئین پسندیده‌ای را بر هم مریز که بزرگان این امت بدان رفتار نموده‌اند، و مردم بدان وسیله به هم پیوسته‌اند، و رعیت با یکدیگر سازش کرده‌اند؛ و آئینی را منه که چیزی از سنت‌های نیک گذشته را از زبان رساند، تا پادشاه از آن نهنده سنت باشد و گناه شکستن آن بر تو ماند. و با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه، در آنچه کار شهره‌ایت را استوار و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده‌اند برقرار دارد.» این بند، فرازی است از نامه ۵۳ نهج البلاغه، فرموده امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب به مالک اشتر نخعی، وقتی او را به فرمانداری مصر فرستادند.

سرزمین‌های کهن به حکم قدمت و پایداری و پیوستگی، لاجرم آئین‌ها و سنت‌هایی دارند که به تداوم‌شان کمک کرده و آن‌ها را در تلاطم روزگار برقرار داشته است. و نوروز یکی از این آئین‌های نیکوست، سنتی کهن که در تار و پود زندگی و فرهنگ مردم ایران بافته شده و در هر اقلیم و جغرافیایی و نزد هر قومی جلوه‌های خاص و متفاوت یافت. بن مایه کهن سفر از دنیای تیرگی به روشنی، روایت داستان رویش و زنده شدن جهان در بهار و اسطوره مرگ و زندگی دوباره، استاره‌انسانی بارش آسمان و باروری زمین، تمنای آب و ارزش سبزی و رویش در پهنه عظیم و جغرافیای متنوع ایران، همه و همه نوروز را به یک آئین عظیم و چند وجهی بدل کرده است که در تمامی وجوه نشان دهنده پاکی، رویش و حیات دوباره، گرمی و باروری، نیکی و دیگرخواهی و مداراست؛ و انقدر عمیق ریشه دارد که هجوم و کشتار و توفان ترک و تازی و مغول نتوانسته اثرات آن را از جان مردمان این حوزه فرهنگی پاک کند، و حکمرانان ناگزیر خود را با آن همراه و هماهنگ کرده‌اند.

خاستگاه نوروز کهن‌تر از آن است که بتوان آن را اندازه گرفت. در دوران شکل‌گیری اساطیر و قبل از پیدایش تاریخ مکتوب، ذهن انسان برای درک جهان اطراف خود و تحلیل پدیده‌ها و البته انتقال دریافت‌های خود به فرزندان داستان‌هایی را روایت می‌کند، او به تجربه دریافتی بود که عمرش کوتاه‌تر از آن است که بخواهد همه چیز را دوباره و دوباره



## نگاهی به زندگی و کارنامه علی اکبر دهخدا

مهم‌ترین اثر دهخدا لغت نامه است که شامل همه واژه‌ها و تعبیرها و اصطلاح‌های فارسی و دخیل در فارسی و بخش عمده‌ای از اعلام ایرانی و غیرایرانی در نیمه دوم قرن بیستم است.

علی اکبر دهخدا، ادیب، شاعر و منتقد اجتماعی معاصر. در سال ۱۲۹۷ ق / ۱۲۵۷ ش، در تهران، در کوچه قاسم علی‌خان محلّه سنگلج زاده شد. پدرش، خان باباخان، که ملاکی متوسط از مردم قزوین بود، هنگامی که فرزند ارشدش، علی‌اکبر، نه ساله بود، درگذشت، و مادرش، که «مَثَلِ اعلاّیِ مادری» بود، ناگزیر پنج فرزند خود را «در کنف تربیت خود گرفت» (دهخدا، دیوان، ص ۳۳). دهخدا مقدمات فارسی، عربی و درس‌های دیگر را در مکتب‌خانه‌های قدیم فراگرفت و سپس، ده سال در نزد معلمی به نام شیخ غلامحسین بروجردی، به یادگیری صرف و نحو عربی، اصول فقه و کلام اسلامی مشغول شد. به علاوه، از محبت‌ها و تشویق‌های روحانی تجدّدخواه سرشناس، شیخ هادی نجم‌آبادی، هم بهره گرفت (دهخدا، همان‌جا). پس از آن، در آزمون نخستین دوره «مدرسه سیاسی» شرکت جست و پذیرفته شد. معلمان این مدرسه کسانی چون میرزا حسن‌خان پیرنیا (مشیرالدوله)، میرزا حبیب‌الله، اردشیر جی، عبدالرزاق بغایری و دکتر مورل فرانسوی بودند. دهخدا پس از پایان

بود. او همراه با میرزا قاسم‌خان تبریزی و ابوالحسن پیرنیا (معاذالسلطنه)، ابتدا در پاریس و سپس در ایوردن (Iverdon) سوئیس کوشیدند تا روزنامه صوراسرافیل را در تبعید منتشر کنند. اما تنها موفق به نشر سه شماره از این روزنامه شدند. دهخدا، سرانجام، به استانبول رفت و سردبیری روزنامه‌ای به نام سروش را، که ناشر آثار و آرای مشروطه‌خواهان بود، برعهده گرفت. نخستین شماره آن در ۱۲ جمادی‌الآخری ۱۳۲۷ ق در آن شهر انتشار یافت (رضوانی، ص ۵۰۱).

با فتح تهران به دست مجاهدین، سلطنت استبدادی محمدعلی شاه به پایان رسید. دهخدا هنوز در عثمانی بود که در انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی، هم از تهران و هم، به سبب دفاعی که از مردم کرمان در مقابل حاکم آن منطقه در دوره نخست مشروطه کرده بود، از این منطقه به نمایندگی برگزیده شد. او، که در دوره نخست به دموکرات‌ها پیوستگی داشت، در دوره دوم مشروطه در صف «اعتدالیون» جای گرفت (مستوفی، ص ۲۹۱-۲۹۰، ۳۱۹۳۲۰). با نزدیک شدن شعله‌های جنگ جهانی اول به مرزهای ایران و ورود نیروهای روسی به شمال ایران و نزدیک شدن آنان به پایتخت، گروهی از آزادی‌خواهان به عثمانی و گروهی دیگر به میان ایلات و عشایر رفتند. دهخدا به

تحصیلات، برای کار در «وزارت خارجه» در نظر گرفته شد و همراه معاون‌الدوله غفاری، «وزیر مختار» ایران در کشورهای بالکان، به عنوان منشی او، به وین رفت. او اندکی بیش از دو سال را در اروپا گذراند و «بر اثر بعضی ناملایمات به ایران برگشت» (تقی‌زاده، ص ۲۹۲؛ رعدی آذرخشی، ص ۳۸۷). پس از بازگشت دهخدا، حاج حسین‌آقا امین‌الضرب مهدوی، که امور راه‌سازی خراسان را در مقاطعه داشت، او را به‌عنوان مترجم مهندسان بلژیکی این طرح استخدام کرد (دهخدا، «دو یادگار»، ص ۱۷۸۱۸۳). اما اندکی بعد، پس از امضای فرمان مشروطیت به دست مظفرالدین شاه، دهخدا را در هیأت تحریریه روزنامه صوراسرافیل می‌یابیم. این نشریه به کوشش میرزا قاسم‌خان تبریزی و میرزا جهانگیرخان شیرازی نشر می‌یافت. مقالات طنزآمیز و نیشداری که دهخدا با عنوان «چرند پزند» با نام مستعار «دخو» (مخفف دهخدا، نک: دهخدا، لغت نامه، ذیل «دخو») در این روزنامه منتشر می‌کرد سبب شهرت فوق‌العاده آن و نویسنده آن شد (آرین‌پور، از نیما تا روزگار ما، ص ۱۲۹). پس از کودتای محمدعلی شاه، بعضی از مشروطه‌خواهان از جمله میرزا جهانگیرخان اعدام شدند. گروهی از مشروطه‌خواهان هم، پس از تحصن در سفارتخانه انگلیس، سرانجام تبعید شدند و دهخدا یکی از آن‌ها



ادیبان از انعکاس فرهنگ والای دهخدا در شعرهایش و سبک فخمی با او ستایش یاد کرده‌اند (زرین کوب، ص ۶۵۲ ۶۵۳). دهخدا، خود، در اواخر عمر می‌گفت: «اگر به کار شاعری بیش می‌پرداختم، حالا شاعرکی می‌بودم» (دهخدا، همان، ص سی سی ویک).

دهخدا انسانی بود میهن‌دوست و ترقی‌خواه. او، علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دوره‌های جوانی و میانی عمر، در اوایل اسفند ۱۳۲۹ ش «جمعیت مبارزه با بی‌سوادی» را تأسیس کرد (دهخدا، همان، ص بیست) و در سال ۱۳۳۰ ش که محمد مصدق به قدرت رسید و مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت اوج گرفت، دهخدا یک‌بار دیگر به سیاست روی آورد و به حمایت از او برخاست. ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، به کلی از فعالیت سیاسی کناره گرفت و بقیه زندگی خود را وقف لغت نامه کرد. با این همه شایعه‌ای بی‌اساس که پس از کودتا درباره تشکیل «شورای سلطنت» به ریاست دهخدا در غیاب شاه در بعضی از روزنامه‌ها منتشر شده بود سبب شد که، پس از بازگشت شاه به قدرت، دو بار مورد «استنطاق» مقامات نظامی واقع شود (همو، مقالات، ص ۲۹۶۲۹۷).

دهخدا در هفتم اسفند ۱۳۳۴ ش زندگی را بدرود گفت و در صبح روز بعد، با تشییع اهل ادب و فرهنگ، در ابن بابویه شهرری به خاک سپرده شد (معین، ص ۳۵۲). مقالات دهخدا (در دو جلد) در سال‌های ۱۳۵۸۱۳۶۴ ش و دیوان او در سال ۱۳۶۰ ش، هر دو به کوشش محمد دبیرسیاقی، گردآوری و منتشر شده است. دانشنامه زبان و ادب فارسی، به‌سرپرستی اسماعیل سعادت، ج سوم، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱۳۸۸، صص ۲۳۶-۲۳۹.

منابع: آریین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، ۱۳۷۲ ش؛ همو، از نیما تا روزگار ما، تهران، ۱۳۷۴ ش؛ بختیار، مظفر، «دهخدا در میان بختیاری‌ها»، نک: دهخدا مرغ سحر در شب تار؛ تقی‌زاده، حسن، «دهخدا»، نک: مقدمه لغت نامه دهخدا؛ دهخدا، علی‌اکبر، «دو یادگار»، آینده، س ۸، ش ۳۴، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ همو، دیوان، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ همو، لغت نامه، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ همو، مقالات، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۶۴ ش؛ دهخدا مرغ سحر در شب تار، به‌کوشش ولی‌الله درویدیان، تهران، ۱۳۸۳ ش؛ رضوانی، محمداسماعیل، «سروش روم و سروش ری»، آینده، س ۵، ش ۷۹، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ رعدی آذرخشی، غلامعلی، گفتارهای ادبی و اجتماعی، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ زرین کوب، عبدالحسین، نقش بر آب، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ شفیع کدکنی، محمدرضا، «علی‌اکبر دهخدا»، نک: دهخدا مرغ سحر در شب تار؛ قزوینی، محمد، «نامه مرحوم قزوینی»، نک: مقدمه لغت نامه دهخدا؛ محمد اسحاق، شعر جدید فارسی، ترجمه سیروس شمیسا، تهران، ۱۳۷۹ ش؛ مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، تهران، بی‌تا؛ معین، محمد، «دهخدا»، نک: مقدمه لغت نامه دهخدا؛ مقدمه لغت نامه دهخدا، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ منیب‌الرحمان، شعر دوره مشروطه، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ نیما یوشیج، ارزش احساسات، به‌کوشش ابوالقاسم جنتی عطایی، تهران، ۱۳۳۵ ش.

دورهٔ اختناق و استبداد همراه است. اما شاعر موقعیت زمانی شعر را به آینده انتقال می‌دهد و از منظر آینده به دورهٔ گذرای اختناق و استبداد می‌نگرد، و برای تأکید بر این نکته از سلسله نمادهای مأنوس در فرهنگ و ادب فارسی (مانند «مرغ سحر»، «یزدان»، «هرمین»، «بلبل»، «یوسف»، «تیه پورعمران») «بیابانی که موسی با قوم خود مدت چهل سال در آن سرگردان بود»، «ارض موعود»، «ارم» و «شداد» (نک: آریین پور، از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۹۶۹۷) بهره برده است.

آریین پور (همان، ص ۹۵) به امکان تأثیر پذیرفتن دهخدا در این منظومه از قطعه‌ای به زبان ترکی عثمانی، سروده رجایی‌زاده اکرم‌بیک (۱۲۶۳۱۳۳۱ ق) اشاره کرده است. رعدی آذرخشی (ص ۳۹۹)، که با زبان ترکی عثمانی آشنایی داشته است، با اشاره به این تحقیق آریین پور، شعر دهخدا را از شعر شاعر عثمانی برتر یافته است. گذشته از این نکته، احیای قالب مسمط، اثر دهخدا را به طریقی نو از اسلوبی کهن تبدیل می‌کند تا آنجا که جلوه‌هایی از نخستین نوآوری‌ها در شعر فارسی را در آن آشکارا می‌توان یافت. این شعر، از جهت درون‌مایه، شکل و موسیقی، مورد استقبال یا توجه برخی از شاعران دوره مشروطه، مانند حیدرعلی کمالی، محمدتقی بهار، یحیی ریحان، نیما یوشیج و پروین اعتصامی واقع شد (نیما یوشیج، ص ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰). شاید تصنیف «مرغ سحر» بهار را هم، که در هنر و ادب ایران شهرتی بسزا دارد، بتوان از دایره تأثیر سروده دهخدا بیرون ندانست.

شعر «ای مرغ سحر» به دوره نخست شاعری دهخدا مربوط است. او در این دوره، چنان که در «چرند پرند» او هم می‌بینیم، علاوه بر بهره‌جویی از زبان ادبی، به تعبیرهای رایج در فرهنگ مردم نیز توجه دارد. سروده‌هایی مانند «مردود خدا رانده هر بنده آکبالی» و «خاک به سرم، بچه به هوش آمده» (دهخدا، دیوان، ص ۱، ۴) حاصل این توجه است. بخش عمده‌ای از این سروده‌ها مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است. ولی اشعار دهخدا در دوره دوم شاعری، یعنی مراحل میانی و پایانی عمر او، صرف‌نظر از چند استثنا، از بیان مسائل اجتماعی و سیاسی دور می‌شود و بیشتر به موضوعات تعلیمی، حکمی، عرفانی و حتی شخصی ارتباط می‌یابد (مثلاً نک: دهخدا، همان، ص ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲). بهره‌گیری او از الفاظ و تعبیر کهن فارسی و عربی در اشعار این دوره بسیار مشهود است و گروهی از آنها «در عوالمی از تقید و پیچیدگی زبان و اشارات مهجور فرورفته و تمامی تازگی و خودجوشی خود را از دست» داده است (منیب‌الرحمان، ص ۱۳۳۲۱۳۳).

آریین پور (از نیما تا روزگار ما، ص ۱۳۳) هم بر آن است که منظومه‌های دهخدا، به سبب «ممارست او در کتب متقدمان»، پراز «کلمات مهجور و نامأنوس و اصطلاحات کهنه و قدیمی» است و همین امر «فهم و درک آن را برای پارسی‌زبانان امروز دشوار» ساخته است. به‌نظر می‌آید که طبع دهخدا، با وجود سروده‌ای مانند «ای مرغ سحر»، که آمیزه‌ای از «تخیل و رقت» شاعرانه (محمد اسحاق، ص ۵۷) شناخته شده است، بیشتر متمایل به نثر است تا به نظم. او در این دوره، به روایت یکی از شاگردانش، می‌گفت «هر وقت می‌خواهم شعر بگویم، خندهام می‌گیرد و بیشتر میل دارم مطالب خود را به نثر بنویسم» (رعدی آذرخشی، ص ۱۷۴). باین همه، برخی

میان بختیاری‌ها رفت و دو سال‌ونیم در چند بخش و روستای بختیاری‌نشین سپری کرد. سپس به دعوت لطفعلی‌خان امیرمفخم ایلخانی و فرزندش، فتحعلی‌خان سردار معظم، به روستایی در چهارمحال و بختیاری نزدیک شهرکرد رفت. امیرمفخم کتابخانه خوبی داشت و دهخدا از آن استفاده می‌کرد (بختیار، ص ۳۲).

دهخدا پس از دوره دوم مجلس، از امور سیاسی کناره گرفت و به امور دیوانی پرداخت (ریاست دفتر وزارت معارف و ریاست تفتیش وزارت عدلیه)، و در آغاز دهه ۱۳۰۰ ش، ریاست مدرسه سیاسی را برعهده گرفت. این مدرسه در سال ۱۳۰۶ ش با مدرسه حقوق ترکیب شد و در دهه بعد، با تشکیل دانشگاه تهران، به دانشکده حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه تبدیل شد. اما در همه این تحولات، ریاست دهخدا، همچنان، تا سال ۱۳۲۰ ش، که بازنشسته شد، پایدار ماند. با آنکه پس از مقالات «چرند پرند» در صوراسرافیل، برخی از نوشته‌های او در روزنامه‌هایی مانند ایران کنونی، آفتاب و شوری انتشار یافت (معین، ص ۳۸۰)، اما او، بسیار زود، به پژوهش‌های ادبی روی آورد.

گردآوری بخش عمده‌ای از امثال و حکم (چهار جلد، تهران، ۱۳۰۸۱۳۱۱ ش؛ ۲۷۰۶ صفحه متن + ۱۸۰ صفحه فهرست) در ذیل سی‌هزار عنوان مثل، حکمت، اصطلاح، زبانتزد و کنایه، ده‌هزار نظیر و برابر در عنوان‌ها و مدخل‌ها، و دوازده هزار شاهد در نظم و نثر گویندگان و نویسندگان، از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی پس از انقلاب مشروطه است. دهخدا در راه گردآوری این کتاب از یاری برخی شاگردان و دوستان خود، از جمله غلامعلی رعدی آذرخشی بهره گرفت. صادق هدایت که خود مجموعه‌ای در حدود دویست صفحه در موضوع امثال و حکم گردآورده بود آن را در اختیار دهخدا گذارد (آریین پور، همان، ص ۱۳۲).

اما مهم‌ترین اثر دهخدا لغت نامه (۲۲۲ بخش یا جزوه، تهران، ۱۳۱۸۱۳۵۸ ش) است که شامل همه واژه‌ها و تعبیرها و اصطلاح‌های فارسی و دخیل در فارسی و بخش عمده‌ای از اعلام ایرانی و غیرایرانی در نیمه دوم قرن بیستم است، و به عقیده پژوهشگر نکته‌بینی مانند محمد قزوینی، «شاهکاری» است که «بعد از اسلام، تاکنون برای زبان فارسی نظیر آن، بلکه چیزی که در جزو هزارم نیز شبیه آن باشد، از هیچ جا و هیچ کس سراغ داده نشده» است (نک: قزوینی، ص ۳۹۶). حتی سال‌ها بعد نیز این اثر همچنان مورد ستایش اهل ادب و تحقیق بوده است: «کار عظیم و مردانه استاد دهخدا درباره واژگان زبان فارسی از کارهای کارستانی است که توفیق انجام آن را باید موهبتی برای زبان فارسی و برای بنیادگذار آن به شمار آورد. تنها امثال و حکم او کافی است که مؤلفی را در زبان پارسی جاودانگی بخشد تا چه رسد به لغت نامه بزرگ او» (شفیعی کدکنی، ص ۲۳).

علاوه بر این دو اثر بزرگ، از دهخدا اشعاری چند هم برجای مانده است. مسمط «ای مرغ سحر»، که شاعر، خود، آن را «وصیت‌نامه دوست یگانه من یا هدیه برادری بی‌وفا به پیشگاه آن روح اقدس اعلی» خوانده است، مشهورترین شعر او است. اما رثایی بودن شعر از حد آن «دوست یگانه»، که میرزا جهانگیرخان شیرازی است، فراتر می‌رود و آن را به مرام‌نامه آرمان‌خواهان دوره مشروطه تبدیل می‌کند. شعر با تصویرهایی پی‌درپی از

# پیشنهادهای حجت الاسلام قرائتی برای عید نوروز

دید و بازدید نوروزی فرصت خوبی برای ترویج فرهنگ نمازخوانی است. ممکن است در میان بستگان افرادی نسبت به نماز تارک، کاهل یا جاهل باشند. با آموزش و تذکرات رابطه آنها را با خدا تقویت کنید. به گزارش خبرگزاری تسنیم، حجت الاسلام محسن قرائتی، رئیس ستاد اقامه نماز کشور، در نامه‌ای دوستانه و صمیمانه توصیه‌هایی را در مورد ایام نوروز به مردم ارائه داد و از آنها خواست تا از تعطیلات نوروز به بهترین شکل ممکن استفاده کرده و بهره ببرند. مرور پیشنهادها برای نوروزی حجت‌الاسلام قرائتی در این فضای تازه بهاری خالی از لطف نیست. البته با مطالعه این نامه، به طور حتم دستتان می‌آید که مخاطب این پیشنهادها فقط افراد شاغل نیستند. بلکه تمام مردم در هر سن و سالی که باشند می‌توانند این موارد را در روزهای تعطیل و در حین دید و بازدیدهای نوروزی به کار بگیرند و از این فرصت‌ها کارهای غیررسمی در لابه‌لای تفریح و دید و بازدید انجام دهند.

## رسیدگی به اقوام

۱- اولین پیشنهاد حجت الاسلام قرائتی رسیدگی به مشکلات اقوام است. او می‌نویسد: «از افراد محبوب

و متمکن فامیل بخواهیم دور از چشم دیگران جلسه‌ای خصوصی برگزار و بعضی از مشکلات فامیل را حل کنیم و برای آنان اگر می‌توانید به نوعی ایجاد اشتغال کنید و اگر در میان آنان کسی زندان است برای آزادی او تدبیری کنید.»

۲- رسیدگی به امور درسی جوان‌ترهای فامیل توسط افراد تحصیل کرده هم مورد دیگری است که می‌توان در روزهای تعطیل نوروز آن را به انجام رساند. در واقع خوب است نوجوانانی که در درس ضعیف و نگران امتحانات دو ماه دیگر آنان هستیم را خصوصی دعوت کنیم و تحصیل‌کردگان فامیل (فرهنگیان- دانشجویان) لحظاتی دروس مشکل آنان را کمک و برای امتحانات آنان را از نگرانی بیرون آوریم.

۳- اگر در میان فامیل کدورتی است و افرادی با یکدیگر قهر هستند از طریق افراد محبوب یا مهمانی ویژه و یا هر راهی که می‌شود تلاش کنیم که آنان را آشتی دهیم. چه خوب است که سال جدید با برقراری صلح و دوستی میان اقوام و آشنایان شروع شود.

۴- رسیدگی به امر ازدواج جوان‌ها هم مورد دیگری است که حجت‌الاسلام قرائتی به آن اشاره کرده است تا در لابلای دید و بازدیدها برای افراد بی‌همسر تدبیر و مشورتی شود که بهترین واسطه‌گری در اسلام

واسطه‌گری در امر ازدواج است. ۵- در بسیاری از جلسات به اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است انتقاداتی وارد شود که ما باید اولاً دقت کنیم که انتقاد نابجاست یا بجا، اگر انتقاد صحیح است اشکالات را توجیه نکنیم؛ زیرا توجیه لغزش‌ها حماقت است. ولی وجود اشکال هم دلیلی بر کناره‌گیری از مسئولیت‌ها نیست؛ زیرا انقلاب ما کودتای گروهی خاص نبوده، بلکه قیام صدها هزار شهید و جانباز و اسیر بوده و نادیده گرفتن این همه سرمایه خیانت است و وظیفه ماست که از ضعف‌ها بکاهیم و نارسایی‌ها را تکمیل کنیم، کوتاه سخن اینکه: توجیه اشتباه حماقت است. تضعیف خیانت است. تکمیل رسالت است.

۶- نهی از منکر و پرهیز از گناهان هم باید در نوروز فراموش نشود. در دید و بازدیدها به منکراتی می‌رسیم که افراد صاحب نفوذ باید رسالت خود را انجام دهند. ۷- از طرف دیگر در دید و بازدیدها ممکن است به پرسش‌هایی برسیم که می‌توانیم آن پرسش یا اشکال را یادداشت کنیم و بعداً با تماس با فرهیختگان پاسخ را دریافت و شبهه پیش آمده را حل کنیم.

۸- دید و بازدید نوروزی فرصت خوبی برای ترویج فرهنگ نمازخوانی بین افراد است. ممکن است در میان بستگان افرادی نسبت به نماز تارک یا کاهل یا جاهل باشند، از این فرصت با آموزش و تذکرات رابطه آنها را با خدا تقویت کنید.

۹- در حین سفرهای نوروز از افرادی که وقت خود را صرف حفظ سلامت و امنیت ما می‌کنند غافل نشویم. در میان صدها هزار سفر سعی کنیم به مسافری، در راه مانده کمک کنیم و گاهی از خادمین در جاده مانند نیروهای پلیس، هلال احمر و اورژانس حتی‌المقدور اگر می‌شود با کلمه‌ای تشکر کنید.

۱۰- پیشنهاد دیگر حجت‌الاسلام قرائتی برای عید نوروز رسیدگی به اوضاع افرادی است که از لحاظ مالی در شرایطی خوبی به سر نمی‌برند. در میان این دید و بازدیدها به بستگان ضعیف و گمنام توجه بیشتری کنیم و حتی می‌توان کمک‌های خود را به اسم عیدی به آنها برسانیم.

درواقع دهه‌ها نمونه کار مفید را می‌توان در لابلای دید و بازدیدها انجام داد و چون انجام این کار بر اساس بخشنامه و اجبار و شرح وظیفه نیست و فقط برای خداست، حتماً از نصرت‌ها و امدادهای الهی بهره‌مند خواهیم شد. زیرا خداوند وعده داده که «ان تنصرو الله ینصرکم و یشبث اقدامکم» و یقین بدانیم که وعده الهی حتمی است.

